



درهای رحمت الهی را با بسم الله گفتن بگشایید



۱۰

ساختن جامعه‌ای بر پایه کرامت انسان‌ها

در جامعه کنونی اروپا، دین از همه زمان
کم رنگ تر و کم اثر تر شده است. اندیشه
سکولاریستی در لایه‌های زندگی مردم...

۵۰

اشک‌ها و لب‌خندها

۲۶ مردادماه یادآور سالروز بازگشت
آزادگان سرافرازی است که پس از تحمل
سال‌های اسارت در اردوگاه‌های عراق،
سال ۱۳۶۹ به میهن اسلامی بازگشتند...

۵۳

زیبایی‌های اسارت

عبدالرحمان قرخ سرباز وظیفه
ژاندارمری در مبارزه با قاچاق بوده؛
۲۲ مهر ۱۳۵۹ که از راه می‌رسد به عنوان
آرپی، جی‌زن از آبادان به...

۵۵

چلچراغی که خاموش شد!

امروز مهران، فردا تهران! در عملیاتی که
بعدها منافقان «چلچراغ» خواندندش.
منافقان از دو محور وارد خاک کشور...

۴۲

تعلیم و تربیت از منظر امام صادق (ع)

شهرت علمی امام صادق (ع) آن چنان
چشمگیر بود که از نقاط بسیار دور برای
حضور در درس ایشان می‌آمدند...

۴۰

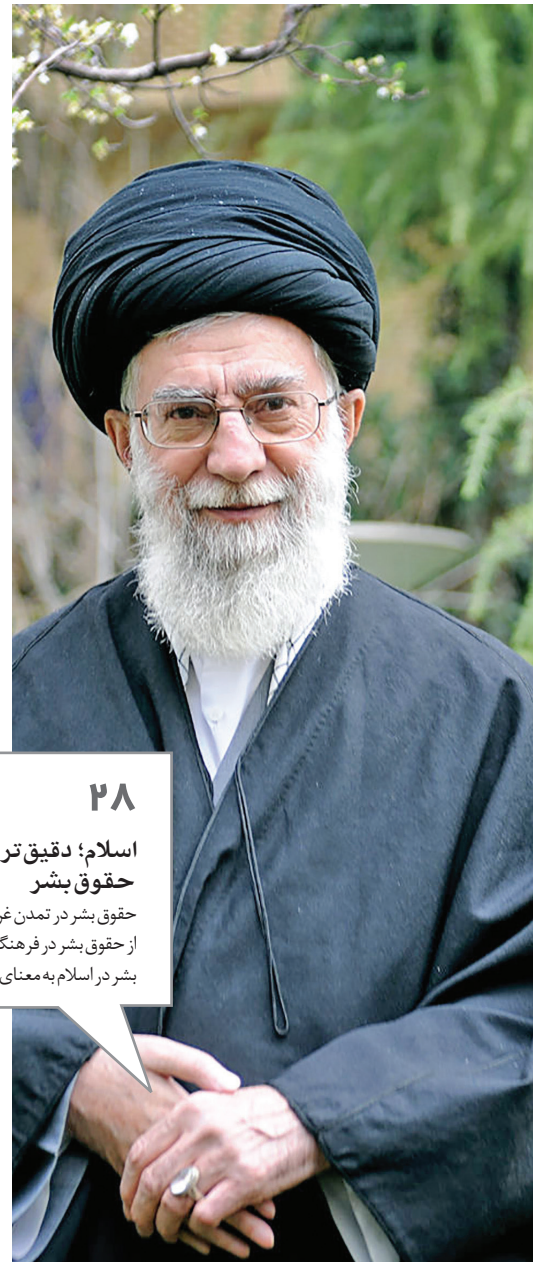
تبیین‌کننده مرزهای اعتقادی شیعه

روشنگری‌های امام جعفر صادق (ع) در دوران
حیات خود باعث شد که شیعه از بین تمام
امامان معصوم و جان‌فشانی‌های...

۲۸

اسلام؛ دقیق‌ترین حقوق بشر

حقوق بشر در تمدن غرب و فرهنگ غرب، غیر
از حقوق بشر در فرهنگ اسلامی است... حقوق
بشر در اسلام به معنای حقوق فردی...



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

عبدالحسین معزی

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر: یاسر احمدوند

معاون سردبیر: حسین دیوسالار

مهر و ماه

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی بار و یکر دینی

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

حوزه نمایندگی ولی فقیه

شماره دوم - مرداد ۱۳۹۴



دبیر تحریریه: احمد رنجبر

تحریریه:

آداب و مناسبات: محمد شیخ الاسلامی

پرونده ویژه: حسین امامی اشروین طاهری

خانواده: سیامک صدیقی



۹۸

الگوهایی برای زندگی

در قرآن در آیات متعددی به خانواده‌های مختلفی اشاره شده است. این خانواده‌ها عموماً متعلق به پیامبران و اولیای الهی ...



۸۲

نیم قرن خدمت صادقانه

سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر به منظور احیاء و تحقق اصل خدمات داوطلبانه، با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از طریق سازماندهی ...



۱۱۰

یک بسته فرهنگی

صفحاتی برای پیشنهاد کتاب، فیلم، موسیقی، آثار شبکه نمایش خانگی و ایران گردی و ...

۱۰۰

درس‌هایی از زندگی حضرت آدم (ع) و نوح (ع)

در تمام گروه‌آیاتی که درباره حضرت آدم علیه‌السلام نازل شده است، مسئله خانواده‌ایشان نیز مورد توجه ...

۸۴

یمن ما را فرامی‌خواند

در بحرانی‌ترین روزهای تاریخ معاصر یمن که آل سعود متجاوز برای پنجمین ماه متوالی به بازی مرگ با آتش و آتش ...

۶۰

۲۸ مرداد تولد یک دشمن

هفته‌نامه «تایم»، ماشین زمان قرن بیستم، قرن آمریکا، رهبر دموکراسی نوپای ایرانی را با شروع سال ۱۹۵۲ ...

۹۶

یک قصه ساده و معمولی

«پایتخت» سریال محبوبی است حتی اگر گاهی قصه‌اش لنگ بزند. فصل چهارم آن باز هم در نظر سنجی‌های مختلف اول شد تا یک بار دیگر محبوبیت این سریال به رخ کشیده شود ...



۹۰

شب شعر و شیرینی

در شب ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)، جمعی از اهالی فرهنگ، اساتید شعر و ادب فارسی، شاعران جوان و پیشکسوت کشور ...

۹۲

بامن بگو تا کیستی؟

مهرداد اوستا ادامه سلسله شاعران بزرگ و کلاسیک ایران در عصر حاضر است. او حلقه مفقوده‌ای بود که شعر متعالی و فخیم و دیوانی دیروز را چون میراثی ...



۶۴

صادرات آمریکا به همه قاره‌ها

«این‌ها در دنیا دم از آزادی و دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آن قدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به صورت یک امر مستهجن درآمده است ...

ویرایش عکس: امیرعلیزاده
عکس: امیرفریمانی (دبیر) | ایمان صمدی
شاهین کمالی | مهنوش فقیری
ویراستار: مرتضی مر تضایی
حروفچین: زهرا غزینی

کتابخانه و پیشنهاد: منیژه خسروی
فنی و هنری:
مدیر فنی: ناصر میرزایی
مدیر هنری: محمد نبیاتی نژاد
صفحه‌آرایی: آریو نژاد

بین‌الملل: شروین طاهری
اندیشه: حسین امامی
ادب و هنر: احمد رنجبر
فرهنگ‌ایثار: سامیه امینی
هلال: زهرا فرآورده

୧୧୧୧୧୧୧୧୧୧୧୧

[illegible]



اجرای اقتصاد مقاومتی قطعا امکان پذیر است

رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام ضمن اشاره به چالش‌های پیش رو، ظرفیت‌های کشور برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی را بر شمردند

رهبر انقلاب اسلامی دوم تیر ماه در دیدار با مسئولان نظام با اشاره به ماه مبارک رمضان که ماه تقوا است، به تبیین دو نوع تقوای شخصی و اجتماعی پرداختند و گفتند: «تقوای شخصی در واقع آن حالت و مراقبت دائمی است که انسان را از ضربه‌های مهلک معنوی در امان نگه می‌دارد و البته در امور دنیوی او نیز تأثیرات بسیار مهمی دارد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تقوای جامعه را قابل تعمیم به مسائل اجتماعی و اقتصادی دانستند و تأکید کردند: «تقوای جامعه در مسائل اقتصادی، همان اقتصاد مقاومتی است که کشور را در مقابل تکانه‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهر آگین سیاست‌های معارض جهانی حفظ می‌کند.» پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR این بخش از بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره اقتصاد مقاومتی را به صورت جداگانه و با دسته‌بندی زیر منتشر کرده است.

اقتصاد مقاومتی، از مصادیق تقوای اجتماعی در بخش اقتصاد

در مورد مسئله اقتصاد من این جور مطلب را عرض می‌کنم که ماه رمضان ماه تقوا است؛ تقوا چیست؟ تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب می‌شود انسان به کج‌راه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد. تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زهری است بر تن انسان با تقوا که او را از آسیب تیرهای زهر آگین و ضربه‌های مهلک معنوی محفوظ و مصون می‌دارد؛ البته فقط هم مسائل

معنوی نیست، و مَنْ يَقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً* و یرزقه من حیث لا یحتسب؛ در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است. عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است، تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، بخصوص اگر مثل جامعه نظام جمهوری اسلامی آرمان‌های والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهر آگین است؛ این هم تقوا لازم دارد. تقوای جامعه چیست؟ در بخش‌های مختلف تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی. اگر در مورد اقتصاد می‌خواهیم در مقابل تکانه‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهر آگین سیاست‌های معارض جهانی آسیب‌نبینیم، ناچاریم به اقتصاد مقاومتی رو کنیم. اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرتهایی که از همه ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده می‌کنند برای اینکه به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند. یکی از راه‌هایی که فعلا پیدا کردند عبارت است از رخنه از راه اقتصاد. این هشدار را ما سال‌ها است مطرح کردیم و گفتیم؛ مسئولین هم هر کدام به فراخور توانایی‌های خودشان تلاش‌های خوبی کردند لکن ما باید با همه توان، با همه ظرفیت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم؛ این می‌شود تقوای اجتماعی مادر زمینه مسئله اقتصادی.

نقطه کانونی اقتصاد مقاومتی: درون‌زایی در کنار برون‌گرایی

این الگو البته مخصوص ما نیست؛ الگوی اقتصاد مقاومتی را بعضی از کشورهای دیگر هم برای

خودشان پیش‌بینی کردند، انتخاب کردند، اثرش را هم دیدند. نقطه کانونی اقتصاد مقاومتی عبارت است از درون‌زایی در کنار برون‌گرایی. درون‌زایی به معنای انزوای طلبی تعبیر نشود؛ درون‌زایی با نگاه به بیرون و با گرایش به بیرون جامعه اما تکیه به توانایی درونی و به ظرفیت درونی که حالا مقداری عرض خواهیم کرد؛ قبلا هم مطالب زیادی در این زمینه گفته‌ایم.

الگوی اقتصاد مقاومتی، الگوی مطلوب و کاملاً امکان‌پذیر

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که تنظیم شده است و ابلاغ شده است، یک امر دفعی و من در آوردی و متکی به نظر شخصی نیست؛ این محصول یک عقل جمعی است؛ محصول مشورت‌های طولانی است. بعد از آنکه اقتصاد مقاومتی با همین خصوصیات ابلاغ شد و گفته شد و در رسانه‌ها مطرح شد و دوستان و همکاران در دولت محترم فعالیت‌هایی را در این زمینه شروع کردند و تکرار کردند، از سوی بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی تأیید شد؛ بر آن تکیه کردند و این تعبیر «اقتصاد مقاومتی» وارد فرهنگ رایج اقتصادی کشور شد و در ادبیات اقتصادی کشور جایی برای خودش باز کرده است. این نشان‌دهنده صحت و استحکام این راه است. اقتصاد مقاومتی در مقابل مدل قدیمی دیکته‌شده از سوی قدرت‌برای کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یا به اصطلاح جهان سوم است. یک مدلی را آن‌ها - که من حالا شرح آن مدلی را نمی‌خواهم بدهم - دیکته کردند که اگر کشورهای جهان سوم می‌خواهند به رشد اقتصادی، رونق اقتصادی و به سطح اقتصاد جهانی برسند، باید این مدل را دنبال کنند که عمده‌ی تکیه‌ی آن، نگاه به بیرون با تفاسیل



لزم پرهیز از حاشیه

باید مسئولین را کمک کرد. از تعارض‌های زائد و حاشیه‌سازی‌های زائد باید پرهیز بشود؛ حاشیه‌سازی از هر طرفی غیر مقبول و نامطلوب است. از تعارض‌های زائد و حاشیه‌سازی‌های زائد باید پرهیز بشود.

آن دسترسی پیدا کنیم؛ نتایج آن را بالعیان و بالمشاهد ببینیم.

چالش‌های پیش روی اقتصاد مقاومتی

۱- سطحی نگر بستن به مسئله

خب، چالش‌هایی وجود دارد؛ این چالش‌ها اصطکاک به وجود می‌آورد؛ اصطکاک، فرسایش و ساییدگی به وجود می‌آورد، مشکل ایجاد می‌کند. این چالش‌ها را بایستی علاج کرد.

یکی از چالش‌ها چالش‌های درونی خود ما است؛ ساده و سطحی نگر بستن به مسئله؛ به برخی از کارهایی که می‌کنیم، دل خوش کنیم و عمق مسئله را در نیابیم.

۲- سهل انگاری در عمل

مباحث لفظی و محفل و روشنفکری کار را پیش نمی‌برد؛ حرکت و اقدام لازم است. سهل انگاری در عمل، چالش بزرگ ما است. گاهی نتیجه‌گیری‌ها و استنتاج‌ها کوتاه‌مدت نیست، طولانی است و این بعضی‌ها را سرخورده می‌کند. این یکی از چالش‌ها است. کارهای بزرگ ممکن است گاهی در طول یک نسل به دست بیاید؛ باید دنبال کرد، باید حرکت کرد. خیلی از کارها هست که ما اگر ده سال پیش، پانزده سال پیش این کارها را شروع می‌کردیم، امروز به نتایجی رسیده بودیم. خیلی از کارها هست که از ده سال پیش، پانزده سال پیش شروع کردیم و امروز نتایجش را داریم می‌بینیم. آن‌روزی که در دانشگاه‌های گوناگون راجع به نهضت علمی در کشور حرف‌هایی زده شد، با جمع‌های مختلف گفته شد، کسی تصور نمی‌کرد که این حرکت علمی که در این ده پانزده سال به وجود آمده است به وجود بیاید اما به وجود آمد؛ اساتید ما، دانشمندان ما، دانشگاه‌های ما، جوانان با استعداد ما همت کردند. ما امروز در مقایسه با دوازده سیزده سال قبل، از لحاظ علمی حرکت مهمی انجام دادیم و پیشرفت چشمگیر و بعضاً خیره‌کننده‌ای در بعضی از زمینه‌ها داریم. کار را امروز شروع کنیم، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر نتیجه آن را بگیریم.

۳- انتخاب راه‌های آسان ولی مهلک

یکی از چالش‌های ما راه‌های موزی و آسان ولی مهلک است؛ این یکی از چالش‌های ما است. بنده فراموش نمی‌کنم زمان ریاست جمهوری خودم -صاحب ۲۵ سال اقبال- است. برای واردات یک کالای مورد نیاز جامعه، که ما با زحمت زیاد آن را از اروپایی‌ها می‌گرفتیم، آفریقایی‌ها همان کالا

شمال به جنوب و شرق به غربیم که این برای مسئله‌ی ترانزیت، برای حمل و نقل انرژی و کالا و غیره دارای اهمیت بسیار فوق العاده‌ای است.

۴- همسایگی با پانزده کشور و داشتن یک بازار نزدیک

ظرفیت دیگر، همسایگی با پانزده کشور است با ۳۷۰ میلیون جمعیت؛ یعنی یک بازار دم دست، بدون نیاز به طی راه‌های طولانی.

۵- بازار داخلی

ظرفیت دیگر، بازار داخلی هفتاد میلیونی است که اگر ما همین بازار داخلی را متعطف بکنیم به تولید ملی و تولید داخلی، وضع تولیددگرگون خواهد شد.

۶- وجود زیرساخت‌های اساسی

ظرفیت دیگر، وجود زیرساخت‌های اساسی است در انرژی، در حمل و نقل ریلی و جاده‌ای و هوایی، در ارتباطات، در مراکز بازرگانی، در نیروگاه‌ها، در سد؛ این‌ها زیرساخت‌هایی است که در طول این سال‌ها با همت دولت‌ها و همت مردم دو کمک مردم به وجود آمده است و امروز در اختیار ما است.

۷- تجربه‌های مدیریتی مترکّم

علاوه بر همه اینها، تجربه‌های مدیریتی مترکّم است که خود این تجربه‌ها کمک کرده است به اینکه ما در سال‌های اخیر، رشد صادرات غیر نفتی داشته باشیم؛ همین‌طور که رئیس‌جمهور محترم آمار سال ۹۳ را دادند، و سال‌های قبل از آن آمار رشد صادرات غیر نفتی در کشور محسوس بوده است که این یک الگو است.

این ظرفیت‌ها در کشور وجود دارد و البته اینها بخشی از ظرفیت‌ها است. صاحب‌نظرانی که با ما می‌نشینند و صحبت می‌کنند و گاهی گزارش می‌نویسند برای من، یک فهرست طولانی از ظرفیت‌های موجودی که برای اقتصاد کشور می‌تواند مفید باشد ارائه می‌کنند و همه اینها درست است؛ از این ظرفیت‌ها بایستی استفاده کرد.

مسئله کنونی کشور

مسئله کنونی کشور ما این نیست که ما طرح نداریم، حرف درست نداریم؛ مسئله ما این است که حرف درست و طرح درست را آن‌چنان که شایسته است دنبال نمی‌کنیم؛ این اساس مسئله است. در محیط‌های نخبگانی هم این معنا تکرار می‌شود که مشکل جمهوری اسلامی، مشکل نداشتن حرف درست نیست؛ حرف درست، زیاد زده می‌شود؛ مشکل این است که ما این حرف‌های درست را بایستی در عمل آن‌چنان دنبال کنیم که به نتایج

خودش است. این اقتصاد مقاومتی نقطه مقابل آن است؛ این یک الگوی کاملاً مغایر با آن چیزی است که در آن مدل قدیمی تکیه می‌شد و تکرار می‌شد؛ هنوز هم گوشه و کنار کسانی از آن ذکر می‌کنند و یاد می‌کنند. (در اقتصاد مقاومتی) تکیه به ظرفیت‌های داخلی است. ممکن است کسانی تصور کنند که این الگو الگوی مطلوبی است اما در امکان آن تردید کنند. من قاطعاً عرض می‌کنم این الگو یک الگوی ممکن در کشور ما است؛ الگوی اقتصاد مقاومتی کاملاً امکان پذیر در شرایط کنونی کشور است.

ظرفیت‌های کشور برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی

۱- سرمایه انسانی

ظرفیت‌هایی که ما برای این کار داریم، ظرفیت‌های استفاده نشده فراوان از جمله؛ یکی سرمایه‌ی انسانی است؛ یعنی جوان تحصیل کرده‌ی دارای تخصص و دارای اعتماد به نفس در کشور ما فراوان است و این از برکات انقلاب اسلامی است. البته اگر سیاست‌های غلط موجب نشود که جامعه‌ی ما به سمت پیری پیش برود. فعلاً این جور است؛ فعلاً یک رقم قابل توجه بالای از نیروی کار کشور بین بیست سال و چهل سالند؛ با تحصیلات خوب، با آمادگی‌های خوب ذهنی و فکری، با روحیه‌ی بالا، با اعتماد به نفس. ما امروز ده میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم، بیش از چهار میلیون دانشجوی در حال تحصیل داریم که این، حدود ۲۵ برابر اول انقلاب است. از اول انقلاب تا حالا، جمعیت کشور دو برابر شده و جمعیت دانشجو ۲۵ برابر شده است؛ این جزو افتخارات انقلاب اسلامی است؛ این سرمایه انسانی است؛ این یک فرصت بسیار بزرگ است.

۲- جایگاه اقتصادی کشور

ظرفیت دیگر، جایگاه اقتصادی کشور ما است. طبق آمارهای رسمی جهانی، رتبه بیستم در اقتصاد دنیا متعلق به جمهوری اسلامی است؛ ما در رتبه‌ی بیستم قرار داریم و ظرفیت لازم برای رسیدن به رتبه‌ی دوازدهم را هم داریم؛ چون هنوز ظرفیت‌های استفاده نشده در کشور زیاد است؛ منابع طبیعی داریم، نفت داریم، در نفت و گاز، رتبه‌ی اول جهان؛ مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای جهان بیشتر است؛ معادن فراوان دیگری هم داریم.

۳- موقعیت ممتاز جغرافیایی

ظرفیت دیگر، موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور است؛ در جغرافیای منطقه و جهان، ما نقطه اتصال



آنچه لازم است در زمینه مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی انجام بدهیم، یکی عزم راسخ است؛ بایستی با عزم جدی دنبال این باشیم که اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی کلمه در داخل تحقق ببخشیم؛ [همچنین] پرهیز از سهل انگاری، پرهیز از راحت طلبی و تکیه بر مدیریت‌های جهادی



طبق آمارهای
رسمی جهانی،
رتبه بیستم
در اقتصاد
دنیا متعلق
به جمهوری
اسلامی است؛
مادر رتبه بیستم
قرار داریم و
ظرفیت لازم
برای رسیدن به
رتبه ی دوازدهم
را هم داریم؛
چون هنوز
ظرفیت های
استفاده نشده
در کشور زیاد
است

تدبیر و عقلانیت اما با عزم راسخ، بدون تردید و بدون ترس از جوانب پیش بردن؛ این مدیریت جهادی است. البته ترویج دائمی فرهنگ متناسب با اقتصاد مقاومتی هم لازم است؛ همه، هم صدا و سیما، هم مسئولین مطبوعات و رسانه ها، هم مسئولین دولتی، مسئولین قوه مقننه، ائمه جمعهی سراسر کشور و هر کسی که منبری دارد و می تواند با مردم حرف بزند، فرهنگ متناسب با اقتصاد مقاومتی، از جمله صرفه جویی را، از جمله مصرف تولیدات داخلی را باید ترویج کند. البته در مورد صرفه جویی و همچنین در مورد مصرف تولیدات داخلی، خطاب عمده به مسئولین کشور است، چون یکی از مهم ترین مصرف کنندگان کشور، خود دولت است؛ دولت اصرار داشته باشد و خود را موظف و مقید بداند که از تولیدات داخلی استفاده کند؛ حتی با مقداری اغماض؛ عیبی ندارد. گاهی می گویند فلان چیز، کیفیت خارجی را ندارد؛ اشکال ندارد؛ اگر می خواهیم کیفیت پیدا کند، باید کمکش کنیم. اگر کمک نکنیم، کیفیتش هم بالا خواهد رفت و الا روز به روز تنزل پیدا خواهد کرد. مقابله جدی با واردات بی منطق، یکی از کارهای لازم است؛ مقابله جدی با قاچاق، یکی از کارهای لازم است؛ پرداختن به کارگاه های تولیدی کوچک و متوسط - که من امسال، اول سال هم روی این تکیه کردم یکی از کارهای بسیار لازم است؛ بازنگری در سیاست های پولی و فعالیت های نظام بانکی کشور، که به این هم من اول سال اشاره کردم و صاحب نظران و دلسوزان، در این زمینه حرف های مهمی دارند که باید این حرف ها شنیده شود و به آن ها توجه بشود. اینها کارهایی است که بایستی انجام بدهیم.

همدلی و هم زبانی، شرط تحقق کارها

البته شرط اصلی تحقق این ها هم همین همدلی و هم زبانی و همین انسجامی است که رئیس جمهور محترم بیان کردند؛ باید دولت را کمک کرد، باید مسئولین را کمک کرد، آچون اینها وسط میدانند. از تعارض های زائد و حاشیه سازی های زائد باید پرهیز بشود؛ حاشیه سازی از هر طرفی غیر مقبول و نامطلوب است. همه کمک کنند و این حرکت عظیم ان شاء الله به نتیجه برسد. این عرض مادر زمینه مسائل اقتصاد. اعتقاد بنده این است که ما می توانیم در زمینه اقتصاد کارهای بزرگی را انجام بدهیم و امیدوار باشیم که ان شاء الله از این گذرگاه دشوار عبور خواهیم کرد. ■



تحمل کرده اند. اگر حقیقتاً برای مردم بدرستی تبیین بشود، با صداقت لازم حقایق امور برای مردم بیان بشود، مردم ما مردم وفاداری اند؛ می ایستند، مقاومت می کنند.

۶- تردید در توانایی های درونی کشور

یکی از چالش ها، تردید در توانایی های درونی است؛ اینکه [به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم، به مجموعه های مردمی و غیر دولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم، یکی از چالش ها است. بایستی اعتماد کرد، بایستی مردم را وارد جریان عظیم اقتصادی کشور کرد.

کارهای لازم در زمینه مسائل اقتصادی مقاومتی

بالاخره آنچه ما لازم است در زمینه مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی انجام بدهیم، یکی عزم راسخ است؛ بایستی با عزم جدی دنبال این باشیم که اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی کلمه در داخل تحقق ببخشیم؛ همچنین [پرهیز از سهل انگاری، پرهیز از راحت طلبی و تکیه بر مدیریت های جهادی؛ مدیریت جهادی که بنده سال گذشته مطرح کردم و تأکید هم کردم که این مربوط به امسال نیست، مربوط به همیشه است؛ ما احتیاج داریم به مدیریت جهادی. در سال های اول انقلاب، در دوران جنگ و در طول این سی و چند سال، هر جا به مدیریت جهادی تکیه کردیم، موفق شدیم، مدیریت جهادی ممکن است یک وقت هایی پرت هم داشته باشد اما پیشرفت خواهد داشت و کار را پیش خواهد برد. تکیه به قدرت الهی، توکل به خدای متعال، کار را با

را داشتند، خویش را هم داشتند، [اما] دوستان دست اندر کار آماده نبودند. توصیه شد، تأکید شد، در جلسه که نشستیم، تأیید هم کردند، تصدیق هم کردند، منتها سخت بود؛ کار با اروپا آسان تر بود. راه موازی آسان اما در عین حال مضر، که انسان را در تنگنای می دارد، دوستان انسان را ضعیف می کند، دشمنان انسان را قوی می کند و زمام اختیار امری را در داخل کشور به دست کسانی که در دل با ما دشمنند قرار می دهد.

۴- دست برداشتن از اصول و مبانی اعتقادی نظام یکی از چالش ها این است که کسی تصور کند که ما اگر از مبانی اعتقادی خود، مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی دست برداریم، راه با باز خواهد شد و دروازه های بسته گشوده خواهد شد که این خطای بسیار بزرگ و اساسی است. البته برادران ما در دولت خدمتگزار با اعتقاد عمل می کنند؛ واقعاً معتقد به انقلاب، معتقد به مبانی انقلاب، معتقد به اصول انقلابند؛ از این ها ما گلّه ای نداریم، لکن در مجموعه دست اندر کاران ما کسانی هستند که تصور می کنند اگر از برخی از اصول خود و مبانی خود کوتاه بیاوریم، خیلی از درهای بسته به روی ما گشوده خواهد شد؛ در حالی که این جور نیست؛ این خطای بزرگی است و مآلت این خطا را در برخی از کشورهای دیگر - که نمی خواهم اسم بیاورم - در همین دوره چند ساله اخیر مشاهده کردیم. راه پیشرفت، ایستادگی است؛ پافشاری بر مبانی است.

۵- عدم باور به تحمل و مقاومت مردم یکی از چالش ها هم این است که کسی تصور کند که مردم تحمل نمی کنند؛ نه، مردم مشکلات را



ساختن جامعه‌ای بر پایه کرامت انسان‌ها

سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در اجلاس
رهبران مذهبی اروپا - بروکسل

خانم‌ها و آقایان! جای بسی خوشوقتی است که رهبران ادیان در اروپا برای «ساختن اروپایی بر اساس کرامت انسان‌ها»، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی به گفت‌وگو و مباحثه می‌پردازند.

از رئیس کنونی شورای اروپا خانم آنجلا مرکل صدراعظم آلمان و آقای هانس گرت پوتزینگ رئیس پارلمان اروپا و آقای جوزه مانوئل دورآو بارسو رئیس کمیسیون اروپا، کمال سپاس و تشکر را دارم که چنین نشست فرخنده‌ای را تدارک دیده‌اند. از خداوند متعال خواستارم که پی‌آمد این جلسه، نه تنها برای انسان اروپایی که برای همه مبارک باشد.

فرصت کوتاه است، و نکاتی چند را فهرست‌وار بیان می‌کنم: از آن‌جا که ادیان از نظر گوهر ذاتی خود دارای وحدت هستند؛ می‌توانند در یک فضای صمیمی با صبر و حوصله و تحمل یکدیگر، گفتگوهای سودمند و پرباری داشته باشند. اسلام، پیروان دیگر ادیان را به گفتگو

در جامعه کنونی اروپا، دین از همه زمان کم‌رنگ‌تر و کم‌اثرتر شده است. اندیشه سکولاریستی در لایه‌های زندگی مردم اروپا، آن‌چنان نفوذ کرده، و دین را به کنار زده که نه تنها از گفتمان دینی در جامعه اثری نیست، که از گفتگوهای دینی هم خبری به گوش نمی‌رسد. ولی به هر حال نمی‌توان عنصر دین را در تاریخ و تمدن اروپا فراموش کرد؛ و نمی‌توان بازگشت جامعه اروپایی را به سوی معنویت و اخلاق هر چند کند و آرام نادیده گرفت. از این رو اتحادیه اروپا با نگاهی سیاستمدارانه و به‌شکلی فرم‌باخته، در صدد برآمده است که سالی یک‌بار، سخن رهبران دینی اروپا را، درباره برخی از موضوعات مهم برای آن جامعه را بشنود. لذا از دهه اول هزاره سوم، هر سال یک اجلاس با حضور رهبران دینی اروپا (مسیحیت، اسلام، یهودیت) برگزار می‌کند و موضوعی را مطرح می‌نماید و نظر رهبران دینی را در آن زمینه جویا می‌شود. اینجانب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی در نشست مسئولان اتحادیه و رهبران دین در مقر اتحادیه اروپا بروکسل به عنوان رهبر شیعیان اروپا شرکت کردم. در سال ۲۰۰۷ موضوع گفت‌وگو «ساختن اروپا بر پایه کرامت انسانی» بود. آنچه در زیر می‌خوانید سخنی است کوتاه درباره دیدگاه اسلام درباره کرامت انسان. در ضمن دیدگاه اومانیستی حزب، در این زمینه به چالش کشیده شده است. ان‌شاءالله در آینده و در این مجله از این قلم درباره کرامت انسانی مطالبی را خواهید خواند.

رمز کرامت انسانی



اگر نگاه همه جانبه به شخصیت حقیقی انسان شود و به تمام نیازها و حقوق معنوی و مادی و ارزش‌های اخلاقی او ارج نهاده شود بی شک کرامت انسانی را در پی خواهد داشت و کرامت او نهادینه خواهد شد.



از نظر اسلام،
انسان می‌تواند
با کردار درست
و شایسته، بر
کرامت خویش
بیفزاید و
هم‌چنین بر اثر
انجام کارهای
ناشایسته و
نامناسب، گوهر
کرامت خویش را
گم‌کند و منزلت
و جایگاه انسانی
خویش را از
دست بدهد

مادران، و کهنسالان وارد می‌شود غیرقابل انکار است. بی‌شک یکی از عوامل مهم در فروپاشی خانواده - که هر روز بیش از گذشته شاهد آن هستیم - نگاه غیر متوازن به «حقوق فرد» است.

از این رو، اگر نگاه همه جانبه به شخصیت حقیقی انسان شود و به تمام نیازها و حقوق معنوی و مادی و ارزش‌های اخلاقی او ارج نهاده شود بی شک کرامت انسانی را در پی خواهد داشت، و کرامت او نهادینه خواهد شد.

هم‌چنین در پاسخ به این پرسش که ارزش‌های مشترک، گفتمان بین فرهنگ‌ها و ادیان را گسترش خواهد داد و تحمل و مدارا را نهادینه خواهد کرد؟ پاسخ من مثبت است، ولی توجه به ارزش‌های مشترک نباید موجب شود که ارزش‌های دیگر ادیان به ویژه اقلیتی چون مسلمانان در جامعه اروپا نادیده انگاشته شود و یا با دیده تحقیر به آن نگریسته شود.

آخرین نکته: از آن جا که نمی‌توان نقش ادیان و مذاهب در ساختن جامعه بر اساس کرامت انسانی و نیز گسترش گفتمان بین فرهنگ‌ها و ادیان را نادیده گرفت، لذا کمسیون اروپا باید کشورهای عضو را تشویق کند که نقش مثبت و سازنده مذاهب و ادیان را همواره در نظر داشته باشند. ■

به ویژه به کرامت او، وارد می‌سازد که اگر جبران‌ناپذیر نباشد به سختی می‌توان آن را جبران کرد. اروپا، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم برای رشد و پیشرفت همه جانبه و نیکبختی، رفاه و آسایش مردم خود، گام‌های ارزشمندی را برداشته و کوشش‌های فراوان و خستگی‌ناپذیری انجام داده است و بدان جا رسیده که امروز شاهد آن هستیم. ولی صادقانه باید اعتراف کرد، که در طول این سال‌ها، برای دست یافتن به هدف‌های یادشده، بیشترین توجه و امکانات، به نیمی از وجود حقیقی انسان اروپایی اختصاص یافته و نیم دیگر وجود او، یعنی ارزش‌های متعالی معنوی و اخلاقی وی مورد بی‌مهری قرار گرفته و به دست فراموشی سپرده شده است.

از سویی دیگر باید توجه داشت، که گرچه برای دست یافتن انسان به یک زندگی نیکبختانه، توجه به «حقوق فردی» در زندگی او جایگاهی ارجمند دارد، اما تأکید غیرمتوازن و نگاه افراطی به آن، نه تنها نیکبختی همه جانبه را به ارمغان نمی‌آورد؛ بلکه بسیاری از ارزش‌های متعالی انسانی را به مخاطره می‌افکند.

برای نمونه، امروزه ضربه دهشتناکی که در غرب به کرامت انسان، به خاطر فروپاشیدن خانواده به ویژه بر کودکان و نوجوانان،

دعوت می‌کند و نیز به مسلمانان آموخته است که با تحمل و مدارا سخنان دیگران را بشنوند و از بهترین آن‌ها پیروی کنند. به نظر من ادیان و مذاهب می‌توانند با بهره‌گیری و تفسیرهای درست از کلام خداوند و آموزه‌های پیامبران در ساختن شخصیت انسان نقش بنیادینی را ایفا کنند که هم کرامت ذاتی انسان پاس داشته شود و هم به کرامت‌های اکتسابی آنان بیفزاید تا در پرتو درخشش چنین کرامتی، راه حرکت برای دست‌یابی به آرزوها و واقعی ساختن ایده‌آل‌های انسان هموارتر گردد. از نظر همه ادیان، انسان، موجودی با کرامت است؛ و اسلام نیز بر کرامت انسان صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، زبان، ملیت و دیگر ویژگی‌های او، تأکید فراوان دارد و کرامت انسان را طبیعی و ذاتی او می‌داند، چه آن که خداوند به انسان سرمایه‌ای به نام خرد و آزادی اراده و اختیار بخشیده است.

از نظر اسلام، انسان می‌تواند با کردار درست و شایسته، بر کرامت خویش بیفزاید و هم‌چنین بر اثر انجام کارهای ناشایسته و نامناسب، گوهر کرامت خویش را گم کند و منزلت و جایگاه انسانی خویش را از دست بدهد.

از نظر اسلام، اگر بخواهیم از کرامت ذاتی انسان پاسداری کنیم و آن را به تکامل برسانیم باید به تمام نیازهای مادی و معنوی وجودیش پاسخ مثبت داده شود و اگر تنها به یک بُعد از ابعاد وجودی او پرداخته شود و در نتیجه تنها یک میدان تاخت و تاز برای وی فراهم آید، از او موجودی تک‌ساحتی خواهد ساخت که تمامیت کرامت خویش را پاس نداشته و شایستگی‌های فراوانی را که بایسته است از دست خواهد داد. از این رو اسلام، انسان سعادتمند و مکرم را کسی می‌داند که در نگرش به او، و هم‌چنین فراهم آوردن زمینه‌های رشد و ترقی او، همه جانبه به وی نگریسته و به همه نیازهای او پاسخ متعادل و متوازن داده شود. یک‌سونگری و تک‌ساحتی انگاشتن انسان، آسیب‌های فراوان و زیان‌هایی را به شخصیت انسان





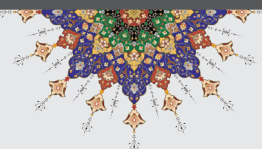
چشم انداز فرهنگ دینی در جهان معاصر

آیا در عصر ارتباطات و تحولات وسیع می توان از مقوله‌ای به نام «حفظ فرهنگی اسلامی» و ابقاء و رشد «هویت اسلامی» سخنی به میان آورد؟

حجت الاسلام والمسلمین احمد واعظی

رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه

متن پیش رو، سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین احمد واعظی استاد کالج اسلامی لندن است که در شب عید سعید غدیر سال ۱۴۲۲ (فروردین ۱۳۸۱) در مرکز اسلامی امام علی (ع) وین ایراد شده است. یادآوری می شود که این متن به وسیله خود ایشان تنظیم و ویرایش شده است؛ از ایشان سپاسگزاری می کنیم.



کمتر جامعه‌ای را می توان نشان داد که دین، یگانه منبع فرهنگ آن جامعه باشد؛ زیرا اغلب جوامع بشری دارای فرهنگی آمیخته و ممزوج هستند که وامدار عناصر و منابع متعددی است که از مذهب به عنوان مهم ترین این عوامل می توان یاد کرد. برای نمونه، تمدن و فرهنگ کنونی غرب، به گونه‌ای فزاینده مبتنی بر دستاوردهای علوم تجربی است؛ اما سهم مسیحیت - با همه تحولات تاریخی آن - را نمی توان نادیده انگاشت. همان طور که فرهنگ معاصر ایرانی وامدار عناصر سه گانه؛ یعنی فرهنگ ایران باستان، فرهنگ غرب و بیش از همه، تعلیم اسلامی است. بنابراین فرهنگ دینی، بخش مهمی از فرهنگ عمومی جوامع را تشکیل می دهد.

وضعیت فرهنگ دینی

در این نوشتار بر آنیم که به اختصار، وضعیت فرهنگ دینی در جهان معاصر را از نظر بگذرانیم و به این پرسش پاسخ دهیم: آیا در عصر ارتباطات و تحولات وسیع اجتماعی و فرهنگی و سیطره سهمگین ارزش های تمدن مادی و صنعتی کنونی و گسترش رو به تزايد زندگی به سبک غربی، می توان از مقوله ای به نام «حفظ فرهنگ اسلامی» و ابقاء و رشد «هویت اسلامی» سخنی به میان آورد؟ برخی چنین گمان می برند که در آمیختگی جدی با دیگر فرهنگ ها و تمدن ها به ویژه تمدن کنونی غرب، اسباب اضمحلال و استحاله فرهنگ اسلامی را فراهم می آورد و حراست و پاسداری از هویت و فرهنگ اسلامی متوقف بر انزوای فرهنگی و پرهیز از تعامل با دستاوردهای مدرنیسم (Modernism) است. این گمانه زنی منشأ طرح پرسش فوق بوده است و پاسخ به آن در گرو بحث درباره نکاتی است که به اختصار بدان ها اشاره می شود.

تغییر فرهنگی، استحاله فرهنگی

تغییر فرهنگی یک واقعیت اجتناب ناپذیر

مفاهیمی همچون «فرهنگ»، «دین»، «آزادی»، «سعادت» و «عدالت»، همواره با مشکل تعریف مواجه بوده اند. به سختی می توان تعریفی جامع، دقیق و مورد اتفاق از این کلمات ارائه کرد. اگر به دائرةالمعارف ها و اصطلاحنامه های علوم اجتماعی و مردم شناسی مراجعه کنید، بی گمان با بیش از صد تعریف از واژه فرهنگ روبه رو می شوید. با وجود این می توان به تسامح و با دقتی نسبی، فرهنگ را مجموعه باورها، گرایش ها و سنت های پذیرفته شده یک جامعه دانست، که شیوه زندگی، رفتارهای اجتماعی و آفرینش های هنری آن جامعه را، تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین، آداب و رسوم، رفتار دینی، نوع سرگرمی ها و تفریحات، جلوه های ادبی و هنری و مانند آن، همگی نمایانگر و تبلور فرهنگ و حاکم بر یک جامعه هستند. با توجه به این تعریف از فرهنگ، انسان، موجودی فرهنگی است و هیچ جامعه ای در طول تاریخ، عاری و خالی از فرهنگ ویژه خویش نبوده است.

دین، همواره سهم عمده ای در فرهنگ سازی جوامع بشری داشته باشد. در سده های اخیر

است و از آن گریز و گزیری نیست. انسان موجودی اثرپذیر و اثرگذار است. با خلایق و ابتکار خویش، گونه‌های متفاوتی از زندگی و مناسبت‌های اقتصادی - اجتماعی را تجربه می‌کند و با ارائه آفرینش‌های هنری - ادبی گوناگون، تجلیات فراوانی از حیات درونی، و آرزوها و اندیشه‌های خویش را بروز می‌دهد. از سوی دیگر، جوامع بشری، نزادها و ملیت‌های مختلف با سلیقه‌ها و علایق گوناگون و فرهنگ‌های متفاوت در ارتباط و دادوستد اقتصادی و فرهنگی، با یکدیگر به سر می‌برند. این تماس‌ها و ارتباطات به طور طبیعی اسباب تأثیر و تأثر فرهنگی و انتقال تجربه‌های اجتماعی و دستاوردهای گوناگون را به همراه دارد. به عبارت دیگر، تغییرات فرهنگی نتیجه طبیعی تکثر و تنوع نزادها و گروه‌های انسانی است. قرآن از این حقیقت پرده برمی‌دارد و سر آفرینش نزادهای گوناگون و تنوع و تکثر ملیت‌ها و قبیله‌های بشری را، فراهم شدن زمینه برای آشنایی آنان با یکدیگر و بهره‌مندی از دستاوردهای یکدیگر اعلام می‌کند: «ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم. و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید.» [احزاب ۱۳].

تغییر فرهنگی، از آن جهت که تغییر فرهنگی است، نه مثبت است و نه منفی، بلکه سمت و سوی تغییر است که ارزیابی نهایی را درباره آن شکل می‌دهد. گاه تماس و تعامل یک ملت با ملت و تمدنی دیگر، سبب غنا و بالندگی فرهنگ آن ملت می‌شود و از این رو، رویداد مثبتی قلمداد می‌شود. و گاه، آمیختگی و تماس فرهنگی موجب از دست رفتن و اضمحلال پاره‌ای از عناصر سازنده و مترقی یک فرهنگ می‌شود؛ که از آن به «استحاله فرهنگی» یاد می‌شود. برای هر دو قسم تغییرات مثبت و منفی فرهنگی نمونه‌های تاریخی فراوانی وجود دارد. اسلام در فرهنگ عرب جاهلی تغییر قابل توجهی به وجود آورد و تمدن عظیم اسلامی سده‌های

میانی، محصول و نتیجه کار کرد گسترده آموزه‌های اسلامی در جهان اسلام است. از سوی دیگر فرهنگ و تمدن اسلامی از عناصر مهم تأثیرگذار در تمدن معاصر غربی بوده است. در جریان جنگ‌های صلیبی، اروپای قرون وسطا با دستاوردهای مهم فرهنگ و تمدن اسلامی آشنا شد، و این خود در شکل‌گیری دوران مدرن اروپا نقش مهمی ایفا کرد.

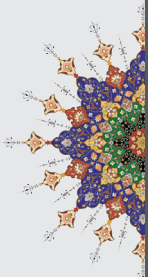
تحول ویرانگر، غیرسازنده و منفی فرهنگی، که از آن به «استحاله فرهنگی» تعبیر می‌شود، مراتب و درجات متفاوتی دارد. در مواردی روند استحاله فرهنگی، در جامعه‌ای تدریجی و نامحسوس است؛ و در مواردی ناگهانی و عمیق و ریشه‌دار. همچنان که حجم و دامنه تحولات منفی فرهنگی نیز یکسان و ثابت نیست. پس از وفات پیامبر اکرم (ص) فرهنگ جامعه اسلامی دستخوش استحاله فرهنگی شد و بسیاری از ارزش‌های غنی و انسان‌ساز فرهنگ اسلامی رنگ باخت. نفی قبیله‌گرایی، مساوات و برابری، عدالت‌خواهی و پرهیز از تفاوت‌های طبقاتی و نژادی، ایثار و فداکاری در راه ایمان و هدف الهی، پرهیز از زربهرستی و دنیاخواهی، آخرت‌طلبی و احترام به حقوق یکدیگر، از ارزش‌ها و باورهای اساسی اسلامی است که پیامبر اکرم (ص) موفق شد در طی ۲۳ سال مجاهده و تلاش، در ذهن و اندیشه و جامعه مسلمانان حاکم سازد. اما دیری نگذشت که رگه‌های فرهنگ جاهلی بار دیگر رخ نمود و برخی ارزش‌های والای اسلامی دستخوش استحاله گردید.

امام علی (ع) از این واقعیت تلخ پرده برمی‌دارد، و شهادت می‌دهد که جامعه اسلامی بار دیگر به بلای جاهلیت دچار آمده است، و به جای چنگ زدن به ریسمان الهی و حراست از باورها و ارزش‌های اسلامی، به مناسبات و احکام جاهلی رو آورده است: «همانا بدانید، که بار دیگر همانند روز گاری که خداوند پیامبران را برانگیخت

(دوران جاهلیت) شما در معرض آزمایش قرار گرفته‌اید.» [نهج البلاغه خطبه ۱۶]. در جای دیگر می‌فرماید: «همانا بدانید، که شما رشته فرمانبرداری از دست‌ها گشودید؛ و در آن دژ خدایی که گرداگردتان را فراگرفته بود با به کار بستن احکام جاهلیت (بازگشت به جاهلیت) رخنه نهادید.» [نهج البلاغه خطبه ۱۹۲].

شواهد تاریخی فراوانی بر استحاله فرهنگی در دوران پس از پیامبر (ص) وجود دارد که برای نمونه به مواردی از آن، اشاره می‌شود. پیامبر اکرم (ص) تلاش فراوانی کرد تا قبیله‌گرایی و گروه‌گرایی کور را از میان بردارد و به جای آن روابط ایمانی را حاکم سازد. از این رو در دوران رسالت وی، شاهد آنیم که در صف ایمان و کفر، گاه برادر در مقابل برادر و گاه پدر در برابر فرزند به جنگ می‌پرداختند. پیامبر (ص) آموخته بود که در حریم امن ایمان همه با هم برادرند و ایمان بر خون و نژاد و قبیله مقدم است. حال آن که پس از وفات پیامبر (ص) تدریجاً شاهد رواج روحیه قبیله‌گرایی هستیم. نجاشی، اهل یمن و شاعر علی (ع) در جنگ صفین بود که در روز ماه رمضان همراه با دوست مسیحی خویش شراب نوشید و علی (ع) او را حدّ زد. طارق بن عبدالمطلب که یکی از سرداران حضرت و با نجاشی هم قبیله بود، برخاست و خطاب به علی (ع) گفت: با این حدّ زدن، دل‌های ما را لبریز از خشم کردی. آن گاه با یاران خویش به معاویه پیوست.

رواج دنیاخواهی و مال‌اندوزی، شاهد دیگری بر استحاله فرهنگی در دوران پس از رحمت پیامبر (ص) است. بسیاری از یاران پیامبر (ص) که از او انفاق، ایثار و دستگیری از فقرا را آموخته بودند؛ به زران‌دوزی و مال‌پرستی روی آوردند. پس از درگذشت یکی از صحابه به نام «عبدالرحمن بن عوف»، طلاهای او را با تبر شکستند و میان وارثان او تقسیم کردند. کسانانی نظیر طلحه و زبیر به هنگام درگذشت، صاحب هزاران کنیز و غلام و اسب و دام بودند.



تغییر فرهنگی: فرایند یا پروژه

هر نوع تغییر فرهنگی در بستر جامعه به دو گونه اصل رخ می‌نماید: گونه نخست تغییر فرهنگی که از آن به «فرایند تغییر فرهنگی» تعبیر می‌کنیم از روند عادی و طبیعی تحولات فرهنگی حکایت می‌کند. جوامع بشری بر اثر تماس با یکدیگر و دادوستد علمی و فرهنگی و انتقال تجربه‌ها و دستاوردها و دیگر عوامل اقتصادی و سیاسی، به گونه‌ای طبیعی و تدریجی در یکدیگر اثر می‌گذارند و مایه‌های فرهنگی یکدیگر را دستخوش نوسان و تغییرات می‌کنند؛ گاه در جهت مثبت و گاه در جهت منفی. معمول چنین است که در این دادوستد، سهم مؤثرتر از آن جامعه‌ای است که از غنا و بالندگی فرهنگی بیشتری برخوردار است. این گونه تغییر، یک «فرایند» (Process) است که به طور مداوم و طبیعی در همه جوامع رخ می‌نماید، و هیچ جامعه‌ای از درجات و مراتبی از این تغییر خالی نیست.

گونه دوم تغییر فرهنگی روندی غیرطبیعی و از پیش طراحی شده دارد و در واقع گونه‌ای «مهندسی فرهنگی» و تغییر آگاهانه و ارادی عناصر فرهنگی است. این قسم از تحول فرهنگی، حرکتی ارادی و هدایت شده است که توسط افراد یا نهادهای دولت‌ها و یا صاحبان اقتدار سیاسی و اقتصادی با هدف ویژه‌ای طراحی و هدایت می‌شود. تغییر فرهنگی در این وضعیت یک پروژه (Project) اجتماعی است که از پیش طراحی و اجرا می‌شود، و در طی آن تمام یا برخی از مایه‌های فرهنگ پیشین، جای خویش را به عناصر و ارزش‌های فرهنگی نوین می‌دهند.

تغییر ارادی فرهنگ به منظور تثبیت فرهنگ جدید، یک «پروژه فرهنگی» است. پروژه فرهنگی و تغییر آگاهانه و ارادی فرهنگ نیز مفهومی خنثی است، یعنی نمی‌توان حکمی عام درباره آن صادر کرد؛ زیرا داوری و ارزیابی

آن، به سمت و سو و اهداف پروژه تغییر فرهنگ بستگی دارد. در مواردی تغییر ارادی یک فرهنگ، عملی مثبت و در مواردی منفی و نگران‌کننده، ارزش‌گذاری می‌شود.

برای نمونه، اسلام فرهنگ دوران جاهلیت پیش از اسلام را دستخوش تغییر و تحول کرد و پیامبر گرامی اسلام (ص) به فرمان الهی و با تدبیر و استقامت، به تدریج مایه‌های فرهنگ اسلامی را جایگزین عناصر منحط فرهنگ جاهلی کرد. زمانی که پیامبر (ص)، معاذ را به سوی یمن روانه می‌ساخت، به او فرمان داد که در تغییر و میراندن فرهنگ جاهلی آن منطقه تلاش کند و فرمود «جاهلیت را در آن سرزمین بمیران». (الفارات ص ۳۶۶).

واقعیت این است که جامعه اسلامی، پس از پیامبر گرامی اسلام (ص) افزون بر برخورداری از فرایند تغییر فرهنگی، دستخوش پروژه فرهنگی نیز قرار گرفت. بنی‌امیه و به طور خاص معاویه، کوشش فراوانی در تغییر فرهنگ اصیل اسلامی به عمل آورد. معاویه برای تثبیت پایه‌های حکومت خویش و تمکین مردم در برابر حاکمان ظالم، فرهنگ جبرگرایی را در میان مسلمانان رواج داد. وی پیروزی در جنگ صفین و جریان حکمیت را شهادتی بر خواست و رضایت خداوند از حکومت وی دانست و سلطه حکومت خویش را به عنوان قضاء الهی (خواست خداوند) ترویج کرد. معاویه در مقابل اعتراض عایشه و عبدالل بن عمر، نسبت به ولایت‌عهدی یزید فاسق و نالایق، به عقیده جبرگرایانه متوسل شد و آن را بر اساس قضا و قدر الهی توجیه کرد. «ولایت‌عهدی یزید قضایی از قضا‌های الهی است که مردمان را در آن اختیاری نیست». (الامامة والسیاسة ص ۲۵).

معاویه از پایبندی به سنت نبوی، در زمان حکومت خویش فاصله گرفت و نظام سلطنتی را بر جهان اسلام حاکم ساخت و با تطمیع سران قبیله‌ها، شکاف طبقاتی و تبعیض گسترده اقتصادی و اجتماعی را در جهان اسلام بنیان نهاد. اقدام دیگر معاویه در

تغییر فرهنگی، بسیج مساجد و خطبه‌ها و منبرها، بر ضد خاندان رسالت بود و خطیبان را به سخن گفتن علیه خاندان وحی و محو منزلت علی (ع) و یاران پاکباز وی مجبور ساخت. جعل حدیث، تحریف احادیث نبوی و شأن نزول برخی از آیات قرآنی که در شأن اهل بیت و علی (ع) نازل شده است، بخش دیگری از پروژه فرهنگی او را تشکیل می‌داد. برای نمونه سمره بن جندب، چهارصد هزار درهم گرفت و شأن نزول آیه: «برخی از مردم فدا کند». (بقره ۲۰۷) را که در شأن علی (ع) برای فداکاری آن حضرت در شب هجرت پیامبر (ص)، نازل شده بود تحریف کرد و در شأن ابن‌ملجم به خاطر کشتن علی (ع) معرفی کرد.

پروژه تهاجم فرهنگی در جهان معاصر

رشد فن‌آوری (تکنولوژی) ارتباطات، غنا و تکامل علوم اجتماعی با شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، و فراگیر شدن فرهنگ استفاده از وسایل ارتباطات جمعی؛ سه عامل مهم و اساسی در مساعدتر شدن شرایط تغییر ارادی فرهنگ جوامع را تشکیل می‌دهند.

امروزه می‌توان افکار و سلیقه‌های انسان‌ها را به طور گسترده‌تر و آسان‌تر کنترل و هدایت کرد. جهت‌دهی افکار عمومی و هدایت مسیر انتخاب و گزینش‌ها، فقط در تیمیغات مصرف‌گرایانه و یا مبارزه انتخابی سیاستمداران خلاصه نمی‌شود؛ بلکه عوامل سه‌گانه فوق، شرایطی را فراهم کرده‌اند که اجرای پروژه‌های گسترده‌تر فرهنگی را ممکن می‌سازد.

در جهان معاصر، صاحبان قدرت اقتصادی و سیاسی این واقعیت را به نیکی دریافته‌اند، که استوار ساختن قدرت آنان در هر جامعه‌ای به همکاری و همراهی عامل فرهنگ نیازمند است. برای نمونه، فرهنگ مصرف‌گرایی و مدگرایی در تثبیت موقعیت اقتصادی

زمینه آمیختگی فرهنگ‌ها

گسترش ارتباطات زمینه مساعدتری برای درآمیختگی فرهنگ‌ها ایجاد کرده. تغییر یافت اقتصادی جوامع، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی و روند رو به رشد ماشین‌یس به طور طبیعی، فرهنگ عمومی و از آن جمله فرهنگ مذهبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



عناصر اصلی فرهنگ و هویت اسلامی

اموری همچون ارزش‌های اخلاقی، فضائل فردی، روح عبودیت، آخرت‌گرایی، رعایت حقوق یکدیگر، عدالت‌خواهی، عدالت‌پروری، احترام به کرامت انسانی، اهتمام به کار و کوشش و دانش و معرفت است. این درون‌مایه‌های فرهنگی، به قالب اجتماعی و نسل و عصر ویژه‌ای محصول نمی‌شوند و توان آن را دارند که ماندگار و پایدار بمانند و ماندگاری آنان وامدار عزم و اراده جمعی مسلمانان بر پاسداشت و نگهداری از میراث اصیل فرهنگی خویش است. قشر فرهیخته جامعه اسلامی در شرایط حساس کنونی، رسالت سنگینی بر دوش دارد. اندیشمندان و روشنفکران و مرزبانان فرهنگی جامعه اسلامی، از یک‌سو باید با مقتضیات زمان و ظرایف عصر و تاریخ خویش آشنا باشند؛ و از سوی دیگر با روشن‌بینی و متعهدانه ضعف‌ها و کاستی‌های فرهنگی جامعه اسلامی را شناسایی کنند و راه‌های سیطره و تسلط فرهنگ غیر اسلامی و تحقق پروژه استحاله فرهنگی را ببندند. شناخت واقعیت‌های تمدن معاصر به دور از وادادگی و شیفگی و به دور از تاجر و تنگ‌نظری و نیز نقد منصفانه واقعیت‌های فرهنگ اسلامی و یافتن راه‌حل‌های بهینه فرهنگی و مقابله با آسیب‌هایی که هویت اسلامی را به تصویر می‌کشد، ضروری‌ترین نیاز جامعه اسلامی معاصر است. ■



اقتصادی جوامع، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی و روند رو به رشد ماشین‌یس به طور طبیعی، فرهنگ عمومی و از آن جمله فرهنگ مذهبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ویژه فرهنگی را به دنبال می‌آورد که در پاره‌ای از موارد، ناسازگار با درون‌مایه فرهنگ اصیل اسلامی است. بیشترین خطر برای هویت اسلامی، از ناحیه نهادهای و مراکزی ایجاد می‌شود که پروژه جایگزینی فرهنگ غربی و استحاله تدریجی فرهنگ اسلامی را دنبال می‌کنند. ایجاد فاصله میان نسل جوان مسلمان با ریشه‌های فرهنگی و تاریخی او، کم‌رنگ کردن روحیه تعهد و دلبستگی به ارزش‌های اخلاقی و معنوی و ایجاد شیفتگی نسبت به ظواهر و لذت‌های زودگذر، اهداف اصلی پروژه استحاله فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

در پیش تأکید کردیم، که پاره‌ای از دگرگونی‌های فرهنگی، امری اجتناب‌ناپذیر است و به طور طبیعی در گذر تاریخ ایجاد می‌شود. معنای این سخن آن نیست که حفظ و بقای هویت اسلامی و درون‌مایه فرهنگ اسلامی امکان‌ناپذیر باشد.

هر فرهنگی از دو بخش تشکیل می‌شود. بخش اصلی مشتمل بر عناصر اساسی و جوهری یک فرهنگ است که قوام و بنیان آن را می‌سازد و هرگونه تغییر و خلل در آن به منزله اضمحلال و استحاله جزئی یا کلی آن قلمداد می‌شود. بخش دیگر فرهنگ، که فرعی است، شامل قالب‌ها و مناسبات اجتماعی‌ای می‌شود و در واقع گونه‌ای از تبلور و بروز عناصر اساسی آن فرهنگ است. گونه‌های تجلی و تبلور عینی فرهنگ، امری قابل تغییر و تحول است. بنابراین ممکن است ملتی و امتی بتواند با حفظ عناصر اساسی و بنیادین فرهنگ خویش، خود را با گونه‌های متنوعی از مناسبات و قالب‌های اجتماعی هماهنگ سازد و در بستر فراز و نشیب‌های تاریخی با هاضمه‌ای قوی انواع تعامل با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را تحلیل کند و جوهره اصلی فرهنگ خود را پاس بدارد.

شرکت‌های بزرگ چند ملیتی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. جامعه‌ای که در برابر وسوسه مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی مقاومت می‌کند، به طور طبیعی راه نفوذ بیشتر صاحبان اقتدار اقتصادی را در تار و پود حیات اجتماعی و سیاسی خود، می‌بندد. از این رو صاحبان اقتدار اقتصادی و شرکت‌های عظیم چند ملیتی - که کارگردانان اصلی صحنه سیاست‌اند - و سلطه سیاسی را هدایت و کنترل می‌کنند، برای گسترش و تحکیم جایگاه خویش در میان ملت‌ها و جامعه‌های گوناگون، نیازمند مساعدتر کردن شرایط فرهنگی نفوذ خویش هستند. از این رو با اجرای پروژه‌های فرهنگی طراحی شده توسط کارشناسان برجسته علوم اجتماعی و به مدد هدایت و وسایل ارتباط جمعی، به تغییر و کنترل فرهنگی جامعه‌ها می‌کوشند. مسئله تهاجم فرهنگی و دستکاری و جهت‌دهی ارادی فرهنگ عمومی، به جهان سوم و کشورهای عقب‌مانده اختصاص ندارد بلکه به عنوان یک قاعده عام و کلی می‌تواند ادعا کرد که هر قدرت سیاسی اقتصادی مسلط می‌کوشد که شرایط فرهنگی تثبیت سلطه خویش را در دیگر جامعه‌ها - اگرچه صنعتی و پیشرفته - فراهم آورد. بر اساس این قاعده کلی است که امروزه بسیاری از اندیشمندان و هنرمندان اروپایی از ترویج «زندگی به سبک آمریکایی» و گسترش «فرهنگ و هنر هالیوودی» اظهار نگرانی می‌کنند و برخی از آنان پروژه «جهانی شدن» را آغازی برای پروژه آمریکایی کردن جامعه‌ها (Americanization) تفسیر می‌کنند.

وضعیت فرهنگ دینی و رسالت‌ها

در روزگار ما فرهنگ و هویت اسلامی از دو ناحیه مورد تهدید است؛ نخست آن که فرایند طبیعی تغییر فرهنگ در شرایط کنونی آهنگ سریع‌تری به خود گرفته است. گسترش ارتباطات زمینه مساعدتری برای امتزاج و درآمیختگی فرهنگ‌ها ایجاد کرده است. از سوی دیگر تغییر یافت

شوال ۱

۲۷ تیر - ۱۳۹۴
18 Jul 2015

عید فطر

اول ماه شوال روز عید فطر است. قبل از نماز عید خوردن مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) و نیز زیارت آن حضرت مستحب است.

همچنین در اول شوال سال ۴۱ هجری، عمر بن عاص خبیث در سن ۹۰ سالگی به درک واصل شد. مادر او نابغه، کنیزی بود که عبد الله بن جعدان او را خرید و آرادش کرد. او به کار خلاف روی آورد و چون قیمتش نسبت به سایر زنان خلفا کم از آن تر بود مرأجه کننده بسیار داشت. بنابراین آبروی عبد الله بن جعدان را برده بود. از جمله در طهر واحد، ابولهب و امیه بن خلف و هشام بن مغیره و ابوسفیان و عاص بن وائل با او زن کردند و عمر و عاص به وجود آمد. هنگامی که وضع حمل کرد در هر یک از آنان مدعی او شدند. آخر الامر قضاوت را بر عهده خود نابغه گذاشتند؛ او هم عاص را انتخاب کرد. به او گفتند: چرا عاص را انتخاب کردی با این که بچه به ابوسفیان شبیه تر است؟ گفت: ابوسفیان بخیل است و عاص بهتر نفقه می دهد! این عاص ملعون کسی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را «ابتر» خطاب کرد و خاطر شریف حضرت مکدر نمود. تا آنکه سوره مبارکه کوثر نازل شد.

امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۴۸ هـ. ق در چنین روزی به شهادت رسیدند. شهادت آن حضرت به سبب انگور زهر آلودی بود که منصور به آن حضرت خوراند (۵۷). مدت امامت آن حضرت ۳۴ سال و عمر شریفشان ۶۵ سال بود.

شوال ۳

۲۹ تیر - ۱۳۹۴
20 Jul 2015

قتل متوکل

در سال ۲۴۷ هجری در شب چهارشنبه متوکل عباسی ملعون، به دستور فرزندش به قتل رسید. مدت خلافت او ۱۴ سال و ده ماه و عمر او ۴۱ سال بود. متوکل بعد از واثق، در سال ۲۳۲ هـ به خلافت نشست. در ایام او لهو و لعب و طرب، مضمونا در مجلس او بسیار بود. او مردی خبیث السیره بود و چنانچه امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده بود، کافر ترین آل عباس بود. عمرو بن فرج را و ابی مدینه و مکه کرد و او به مردم دستور داده بود که کسی به آل ابی طالب احسان نکند و اگر کسی کوچکترین احسانی کند سخت عقوبت خواهد شد. به حدی کار بر علویین تنگ شده بود که لباس های زنان علویه کهنه و پاره شده بود و پیراهن سالمی را برای نماز به نوبت می پوشیدند، و بخ بیسی می کردند، تا متوکل به درک واصل شد.

در این روز، هارون ملعون به مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) به ظاهر برای زیارت و در حقیقت برای دستگیر نمودن حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) آمد و آن حضرت را از مدینه به بغداد فرستاد.

دستگیری امام کاظم (ع)

شوال ۴

۳۰ تیر - ۱۳۹۴
21 Jul 2015

جنگ حنین

در این روز در سال ۸ هجری از ۱۵ روز از فتح مکه، غزه حنین به وقوع پیوست. تعداد لشکر اسلام ۱۲ هزار نفر از مکه و ده هزار نفر از مدینه بودند. در این جنگ چهار نفر شهید شدند، و تعداد مقتولین از کفار را بیشتر از ۳۰۰ نفر نوشته اند. یکی از موارد فرار ابوبکر و عمر در همین جنگ بوده است. تاریخ این جنگ را ماه رمضان، و ۳ و ۱۰ و ۱۱ شوال هم نقل کرده اند.

در این روز در سال ۵ هجری غزه خندق (احزاب) و کشته شدن عمرو بن عبدود به دست امیر المؤمنین (علیه السلام) به وقوع پیوست، و این جنگ در زمستان به وقوع پیوست. وقوع جنگ خندق را بعضی در ۸ ذی القعدة و بعضی در ۱۵ شوال گفته اند، و استیلائی ندارد که شروع جنگ در ۱۵ شوال باشد. همچنین به قولی غزه خندق در سال ۴ هجری اتفاق افتاده است. در این جنگ تعداد مسلمانان ۳۰۰۰ نفر و تعداد شهدای مسلمانان ۶ نفر بود. تعداد کفار ۱۰۰۰۰ نفر بود ولی تعداد مقتولین کفار ذکر نشده است. در این جنگ مسلمانان داخل مدینه در اطراف شهر خندق می کردند. در اثنای این کار منافقین جسارت ها به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمودند و عمرو بن عبدود مبارز طلبدی ولی کسی جرأت نکرد، عمر بن خطاب از شجاعت های عمرو سخن گفت، و در مردم ایجاد ترس کرد.

هفدهم شوال / جنگ خندق

شوال ۲۰

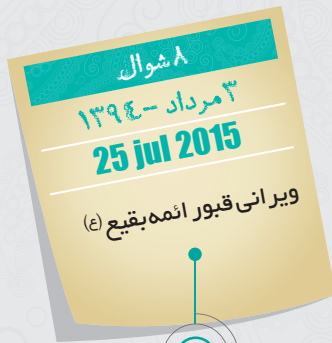
۱۵ مرداد - ۱۳۹۴
6 Aug 2015

دستگیری امام کاظم (ع)

شوال ۲۵

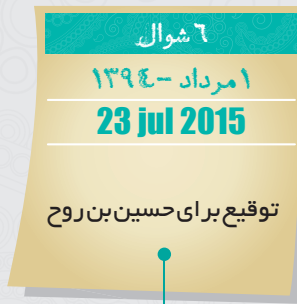
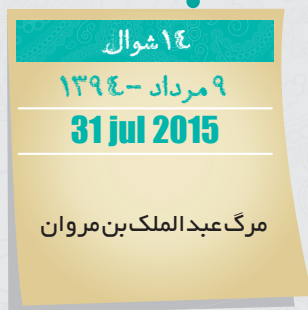
۲۰ مرداد - ۱۳۹۴
11 Aug 2015

شهادت امام صادق (ع)



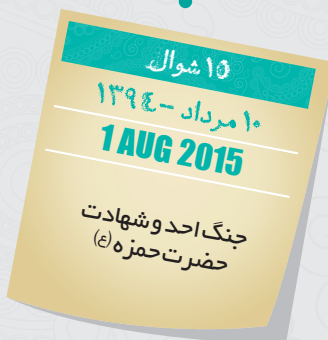
در این روز در سال ۱۳۴۴ هـ قبور ائمه بقیع (علیهم السلام) و نیز قبر حضرت حمزه در احد به دست وهابیون تخریب شد (۱۵). علت و انگیزه تخریب این قبور مطهر در کتب مختلفی که بر رد عقائد ضاله وهابیت تالیف شده، بیان گردیده است.

در سال ۸۶ هـ عبدالملک بن مروان سفک بخیل، در دمشق به هلاکت رسید و بعضی ۱۵ شوال را ذکر کرده اند. این در حالی بود که ۲۱ سال و ۶ ماه خلافت را غصب کرده بود. او پیش از سلطنت پیوسته ملازمیت مسجد را داشت و تلاوت قرآن می نمود و او را حمامه المسجد می گفتند! وقتی خبر سلطنت به او رسید قرآن را بر نهاد و گفت: «سلام علیک هذا فراق بینی و بینک»؛ «خدا حافظ، این آغاز جدایی بین من و توست»!! از بزرگترین جنایات او به شهادت رساندن امام زین العابدین (علیه السلام) و مسلمان کردن حجاج ثقفی بر شیعیان امیر المؤمنین (علیه السلام) بود.



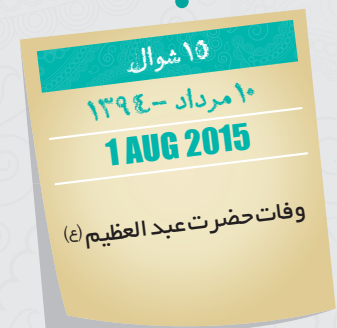
روز یکشنبه سال ۳۰۵ هـ اولین توقیع امام عصر (علیه السلام) در دوران غیبت مغری، برای جناب حسین بن روح (رحمه الله) صادر شد.

در سال ۳۳ هـ در روز جنگ احد، حضرت حمزه سید الشهداء، و ۹ نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند (۲۳). در این جنگ مسلمانان هزار نفر بودند که به نوشته عده ای سیصد نفر در بین راه برگشتند، و برای جنگ ۷۰۰ نفر باقی ماندند. کفار ۳۰۰۰ نفر بودند و ۲۰۰۰ نفر و ۴۰۰۰ نفر و ۵۰۰۰ نفر هم گفته اند. تعداد کشته های کفار ۲۲ یا ۲۳ یا ۲۸ نفر، و تعداد شهدا ۷۰ نفر بود (۲۴) در این روز دندان و پیشانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شکستند. رد الشمس: در این روز بازگشت خورشید برای امیر المؤمنین (علیه السلام) به وقوع پیوسته است (۳۵). به قولی این واقعه در ۱۷ شوال بوده است. لازم به یاد آوری است که رد شمس برای امیر المؤمنین (علیه السلام) دو بار اتفاق افتاده است: یکی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نزدیکی مسجد قبا، و دیگری پس از رحلت آن حضرت در سرزمین بابل در نزدیکی حله.



در سال ۶ هـ در چنین روزی حضرت مسلم (علیه السلام) وارد کوفه شد. مردم کوفه به خدمتش شتافتند، و نامه امام حسین (علیه السلام) را استماع کردند و هیجده هزار نفر با آن حضرت بیعت کردند. جناب مسلم (علیه السلام) نامه ای به امام حسین (علیه السلام) نوشت و بیعت کوفیان را اطلاع داد و تشریف فرمایی آن جناب را به کوفه خواستار شد.

در سال ۲۵۲ یا ۲۵۵ هـ (۴۰) حضرت ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) وفات یافته است. ایشان از مشاهیر علما و از ثقات و فضلی محدثین است که در زهد و ورع زیانزد خاص و عام بوده و از امام جواد و امام هادی (علیهم السلام) روایت نقل کرده است. کتاب خطب امیر المؤمنین (علیه السلام) و کتاب الیوم و اللیله از آثار آن بزرگوار است. جلالت و عظمت شان آن بزرگوار از عرضه عقایدش خدمت امام زمانش حضرت هادی (علیه السلام) و تأیید آن حضرت در باره آن ها به وضوح پیداست. ایشان به طور ناشناس وارد ری شد و از ترس بنی عباس در ساربانان در خانه یکی از شیعیان زندگی می کرد.



آداب استخاره

کی، کجا و چگونه می‌توان استخاره کرد

تصمیم‌های بزرگ در زندگی هر انسانی نقطه‌های عطف زندگی او هستند و شاید بتوان گفت یکی از سخت‌ترین و در عین حال شیرین‌ترین لحظات زندگی، لحظاتی هستند که انسان می‌خواهد یک تصمیم بزرگ بگیرد. این تصمیم‌ها در بسیاری موارد همراه با حیرت و سردرگمی است به نحوی که انسان نمی‌تواند از گزینه‌های موجود برای تصمیم‌گیری یکی را انتخاب کند. یکی از راهکارها برای حل این مشکل «استخاره» است. استخاره در بین متشرعین و حتی غیر متدینین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از مردم مشکلات خود را در هنگام تصمیم‌گیری با استخاره حل می‌کنند. رواج استخاره در جامعه ما تا حدی است که اخیراً چندین کتاب در مورد آن نوشته شده تا مردم خود با قرآن‌های موجود استخاره کنند و بتوانند حیرت خود را برطرف کنند. در برخی موارد با افراط شدیدی در مورد استخاره رو به‌رو هستیم به نحوی که گروهی از مردم - و متأسفانه اکثر خانم‌های محترم - برای کوچک‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین موضوعات هم استخاره می‌کنند. اما آیا واقعاً استخاره امری شرعی است؟ آیا در متون دینی و در فقه شیعی استخاره جایگاهی علمی دارد؟ محل استخاره کجاست؟ بنا داریم در این نوشته به برخی از این موضوعات بپردازیم:

فقها در باره استخاره چه می‌گویند؟

- آیت‌الله خامنه‌ای: استخاره مخصوص به موارد تحبیر و تردید است که راهی برای تعیین مورد صلاح نیست و گرنه در مواردی که طریق عقلایی برای تشخیص مصلحت وجود دارد مورد استخاره نیست و استخاره با تسبیح و قرآن مانعی ندارد.
- آیت‌الله بهجت: استخاره بعد از تحقیق و مشورت و تحبیر است و عمل بر طبق آن هم واجب نیست.
- آیت‌الله فاضل لنکرانی: استخاره در مواردی است که انسان برای انجام دادن یا انجام ندادن کاری مردد است و خیر و صلاح خویش را نداند. عمل بر طبق آن هم واجب نیست.
- آیت‌الله تبریزی: استخاره با قرآن کریم در موارد تحبیر از باب مشورت با خداوند متعال مجرب است و بر طبق آن چه از استخاره به دست آمده عمل می‌شود. اگر در موردی شخص خواست بر خلاف استخاره عمل کند قبل از اقدام صدقه بدهد.
- آیت‌الله مکارم شیرازی: استخاره در مواردی است که انسان با تفکر و مشورت به نتیجه نمی‌رسد که در این موارد استخاره می‌کند و عمل بر طبق آن هم واجب نیست ولی بی‌جهت مخالفت نکند.
- آیت‌الله سیستانی: استخاره نوعی دعاست و جای آن مورد تحبیر و راه نیافتن برای ترجیح فعل یا ترک است و عمل به آن واجب نیست.

استخاره چیست؟

معنای لغوی استخاره طلب خیر است و در اصطلاح اهل شرع به معنای طلب خیر از خداست. استخاره از نظر شرعی دو ماهیت و جنس متفاوت دارد. گاهی استخاره به معنای دعاست و ماهیت دعایی دارد و گاهی به معنای انتخاب یک امر از بین چند گزینه برای عمل است که در این صورت مانند قرعه عمل می‌کند و از نظر فقهی جایگاه قرعه را دارد. در روایات و متون دینی بیشتر استخاره به معنای اول به کار رفته است و این که گفته‌اند خوب است انسان در همه کارها استخاره کند به همان معنای اول است یعنی خوب است که انسان در هر کار کوچک یا بزرگی که می‌خواهد انجام دهد از خدا طلب خیر و راهنمایی کند تا اگر خیر است به نتیجه مطلوب برسد.

استخاره‌ای که درست نیست

اگر استخاره در غیر محل خود انجام شود نه تنها صورت شرعی ندارد و شاید بدعت هم به حساب آید بلکه باعث ارائه چهره‌ای خرافی و غیر عقلانی از دین هم می‌شود. در چنین مواردی جواب استخاره هم هر چه باشد حجیتی ندارد به خصوص اگر استخاره به معنای دوم یعنی انتخاب یک گزینه از بین چند گزینه و از طریق قرآن و تسبیح باشد. بنابراین باید مراقب بود که اگر استخاره در غیر حیرت و تردید مثلاً برای اطمینان بیشتر یا انداختن مسئولیت یک تصمیم بر دوش پروردگار امثال آن باشد امری غیر شرعی است و اگر به نام دین تمام شود بدعت به حساب می‌آید و شرعاً حرام و بلکه از شدیدترین حرام‌هاست. هم چنین باید دانست که استخاره به معنای انتخاب یک گزینه از چند گزینه است نه خبر دادن از آینده یا تفال زدن به قرآن. وقتی استخاره می‌کنیم که نمی‌دانیم انجام دادن کاری خوب است یا بد و برای انجام دادن یا انجام ندادن آن کار، استخاره می‌کنیم.

**آیا عمل بر طبق جواب استخاره واجب است؟**

اگر استخاره در محل خود انجام شود قطعاً جواب درستی خواهد داشت و چون انسان در زمان حیرت استخاره کرده طبیعتاً به جواب آن عمل می‌کند. معمولاً در جایی انسان بر طبق جواب استخاره عمل نمی‌کند که خود نظر دیگری دارد یا پس از استخاره با اهل آن علم و خبرگان آن موضوع مشورت می‌کند که در این صورت معلوم می‌شود که هنوز وقت استخاره نبوده و بی‌جهت استخاره کرده است. اما به هر حال اگر کسی استخاره کرد آیا شرعاً باید طبق جواب آن عمل کند؟ پاسخ آن است که عمل بر طبق جواب استخاره شرعاً واجب نیست ولی دلیلی هم برای مخالفت وجود ندارد. از بین مراجع معاصر تنها حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی معتقد بودند که عمل بر خلاف استخاره جایز نیست و دیگر فقهای بزرگوار چنین نظری ندارند.

برای ازدواج می‌شود استخاره کرد؟

یکی از موارد استخاره برای ازدواج است منتها به معنای اول استخاره یعنی قبل از آن که شخص به خواستگاری برود خوب است از خدا طلب خیر کند و بعد از انتخاب مورد هم خوب است طلب خیر کند حتی در شب زفاف هم نمازی با عنوان نماز استخاره وارد شده است به آن معنا که خوب است قبل از آمیزش دو رکعتی نماز بخواند و از خدا طلب خیر کند اما استخاره به معنای دوم هم در مورد ازدواج مثل بقیه موارد است. اگر انسان پس از تحقیق و بررسی به اطمینان عقلایی و یقین عقلانی نرسید می‌تواند استخاره کند اما استخاره واجب نیست. حکم عمل به این استخاره هم همان حکم قبلی است که گفته شد و فرقی ندارد.

آیا کس دیگری می‌تواند برای انسان استخاره کند؟

استخاره را اصلاً انسان باید خود انجام دهد؛ به خصوص اگر استخاره به معنای اول در نظر گرفته شود تنها خود انسان می‌تواند استخاره کند. در آداب این استخاره یک نماز دو رکعتی و بعد چند بار گفتن «استخیر الله بر حمته» است تا پس از آن انسان تصمیم بگیرد و با توکل بر خدا کار مطلوب را انجام دهد. اما استخاره به معنای دوم هم باید توسط خود انسان انجام شود اما اگر نمی‌تواند می‌شود از کس دیگری خواهش کرد که برای انسان استخاره کند. چون استخاره واجب نیست برای استخاره می‌توان مزد گرفت و شرعاً اشکالی ندارد.



تاریخچه وقف (۲)

مدرسه برای فقرا

ایجاد مدرسه مخصوص برای اطفال فقیر و بی سرپرست، تهیه لباس نظامی و مقرری برای آنان به سرپرستی میرزا حسین خان کارپرداز از دیگر اقداماتی است که بعد از ماجرای قحطی ۱۲۸۸ ش انجام گرفت.

مراکز خیریه با ساختاری نوین

تبارشناسی مؤسسات خیریه در ایران از قاجار تا قبل از مشروطه

حسین حاج محمدی



در زمان قاجار امور و فعالیت‌های خیریه در امتداد سنت فرهنگی گذشته ایرانیان ادامه داشت. به دنبال تحولات گسترده‌ای که در سیاست بین‌الملل در بحبوحه روی کار آمدن قاجار صورت گرفت و با توجه به موقعیت سوق الجیشی ایران، در منطقه و سیاست‌های استعماری دول غرب در قبال ایران، کشور وارد شرایط تازه‌ای شد که تمام شئون سیاسی اجتماعی و اداری کشور را در بر می‌گرفت.

اینک از سوی افراد اندیشمند جامعه که متشکل از رجال قاجاری و تحصیل کرده‌های به اروپا رفته بودند تفکرات نوینی نسبت به مسائل اجتماعی و رفع نقیصه‌ها و کاستی‌هایی که به عنوان ضرورت تلقی می‌شد به وجود آمد. از زمان ناصرالدین شاه و سپس مظفرالدین شاه همگام با جریان مشروطه ورود مفاهیمی جدید از نگاه به زندگی، اجتماع، سیاست و اقتصاد با رویکرد قانون‌مدانه و بدون در نظر گرفتن ابعاد مذهبی موجودیت یافت. از این

آمارگیری از بینوایان

اولین اقدامی که از سوی دولت برای ساماندهی به وضعیت نیازمندان و بینوایان مبتنی بر دیدگاه جدید صورت گرفت، آمارگیری از بینوایان تهران در سال ۱۲۶۷ ق بود. در سال پس از آن نیز به دستور ناصرالدین شاه مرئی خانه‌ای در اطراف تهران با گنجایش پذیرش چهارصد نفر ساخته شد و در ادامه این روند، ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر فرنگ، در سال ۱۲۹۰ بیمارستانی به شیوه مدرن در تهران تأسیس کرد. کارآمدی این بیمارستان موجب تأسیس بیمارستان‌های دیگر نیز شد که به طور رایگان به ارائه خدمات پزشکی و بهداشتی به واسطه کارهای عام‌المنفعه از سوی دولت می‌پرداختند.

مجلس اعانت دارالخلافه

بروز قحطی و خشکسالی فراگیر در سال ۱۲۸۸ ق در ایران موجب شیوع بیماری‌های واگیر و کشته شدن تعداد زیادی از ایرانیان شد. همین امر مهاجرت گسترده مردم را از اقصی نقاط کشور به سوی تهران در پی داشت که در این زمینه بازماندگان روزهای سخت قحطی به دستور ناصرالدین شاه در قلعه‌ای به نام نصرت آباد (جلالیه) اسکان یافتند. کمبودها و نابسامانی‌هایی که در این ماجرا وجود داشت موجب بروز اعتراضات فراوانی از سوی روزنامه‌ها و افراد سرشناس و ذی نفوذ شد. در این راستا افرادی چون میرزا حسین خان که با روشنفکرانی مانند میرزا ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشیرالدوله ارتباط داشتند تحت تأثیر آراء و نظرات آن‌ها، مایل بودند الگوهای مناسب اجتماعی و رایج در کشورهای اروپایی را در ایران برقرار کنند.



▲ تصویری از مدارس وقف‌شده در دوره قاجار



مدارس غیر دولتی

نخستین مدارس جدید غیر دولتی، توسط هیئت‌های مذهبی اروپایی و آمریکایی تأسیس شدند. برای اولین بار، یک هیئت مذهبی آلمانی در سال ۱۲۰۹ ش در تبریز و شیراز مبادرت به تأسیس این‌گونه مدارس کرد.

در پیگیری همین افکار و آرمان‌ها بود که در جریان قحطی فوق‌الذکر، روزنامه ایران فراخوانی مبنی بر تشکیل مجلس اعانت برای رسیدگی به امور قحطی‌زدگان و بینوایان منتشر کرد و نشان داد این اقدام را می‌توان به صورت سازمان‌یافته و قانونی انجام داد. در رمضان ۱۲۸۸ هجری قمری، در روزنامه «ایران» مطلبی با این مفاد به چاپ رسید: «در این اوقات که به فاصله خشکسالی و گرانی در بعضی از ممالک ایران آذوقه کمیاب و گران است، مردم بی‌یضاعت از اوطان خود آواره و پریشان شده‌اند؛ از جمله جمعی کثیر به‌دار الخلافه تهران آمده و با کمال بینوایی به گدایی اشتغال یافته‌اند صادرات عظمی چنان صلاح دیدند که فقرای جامعه دار الخلافه تهران را در منازل معینه جمع‌آوری نموده و در صد حفظ جان آن‌ها باریند و از آن‌جا که در هر دولت از دول نزدیک و دور برای اعانت مساکین و فقرا مجلسی آراسته و اجزای امینی در آن مرتب است که در خصوص اعانت فقرا گفت‌وگو می‌نمایند، در دار الخلافه نیز انعقاد این مجلس را مقرون به صواب دیدند و مجلسی در جنب تلگرافخانه دولت ترتیب دادند».

تشکیل مجلس اعانت دار الخلافه از دیگر کارهای نوین و متفاوتی بود که در حوزه خدمات عام‌المنفعه در این زمان انجام شد. همچنین ایجاد مدرسه مخصوص برای اطفال فقیر و بی‌سرپرست، تهیه لباس نظامی و مقرر برای آنان به سرپرستی میرزا حسین خان کارپرداز از دیگر اقداماتی است که از سوی دولت و بعد از ماجرای قحطی ۱۲۸۸ ش انجام گرفت.

فعالیت مبلغان مسیحی

در دوره قاجار فعالیت مبلغان مذهبی مسیحی خارجی در ایران شدت یافت که علاوه بر مسیحیان اقشار مختلف ایرانی اعم از مسلمانان و پیروان سایر ادیان می‌توانستند از آن خدمات بهره‌مند شوند. هر کدام از مبلغان سیاست‌های خاص خود را داشتند و با توجه به آن، اقداماتی را که جنبه خیریه و عام‌المنفعه داشتند انجام می‌دادند. این هیأت‌ها که معمولاً از سوی مراکز مذهبی آن کشورها به مناطق مسیحی‌نشین ایران اعزام می‌شدند، در کنار تبلیغات مذهبی به ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی نیز می‌پرداختند. از جمله این اقدامات می‌توان به تأسیس بیمارستان آمریکایی‌ها در تهران اشاره داشت که علاوه از مداوای رایگان

بیماران، تأمین و تهیه داروی آنان را نیز بر عهده داشت.

همچنین نخستین مدارس جدید غیر دولتی در ایران، در اوایل سده سیزدهم شمسی، توسط هیئت‌های مذهبی اروپایی و آمریکایی تأسیس شدند. برای اولین بار، یک هیئت مذهبی آلمانی در سال ۱۲۰۹ ش در تبریز و شیراز مبادرت به تأسیس این‌گونه مدارس کرد. البته این دو مدرسه بیش از چند سال دوام نیاوردند. در سال ۱۲۱۲ ش هیئت‌های آمریکایی در ارومیه و روستاهای اطراف آن چنین مدرسی را تأسیس کردند. چند سال بعد، هیئت‌های فرانسوی نیز مدارس مشابهی در تبریز و روستاهای اطراف آن ایجاد کردند. رقابت میان هیئت‌های مذهبی اروپایی و آمریکایی - که گرایش‌های مذهبی متفاوتی نیز داشتند - به گسترش این‌گونه مدارس کمک می‌کرد. به زودی دامنه تشکیل این مدارس به تهران، اصفهان و برخی دیگر از شهرهای ایران رسید.

شمار این‌گونه مدارس تا اواخر سده دوازدهم به ده‌ها مورد رسید. در اوایل فقط خانواده‌های مسیحی ساکن در شهرها و مناطق نامبرده فرزندان خود را به این‌گونه مدارس می‌فرستادند اما به تدریج، مسلمانان نیز به این مدارس اقبال نشان دادند و فرزندان خود را برای آموزش به این مدارس روانه کردند.

فعالیت افراد خوشنام

با شروع سلطنت مظفرالدین شاه و صادرات امین‌الدوله، فضای سیاسی و فرهنگی پایتخت باز تر شد.

میرزا علی خان امین‌الدوله که از رجال خوشنام و خیر به‌شمار می‌رفت به تأسی از افرادی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبایی در مدت کوتاه صادراتش منشأ خدمات بسیاری شد. از جمله خدمات او می‌توان حمایت از تأسیس مدرسه رشدیه را نام برد.

نخستین مدرسه ابتدایی جدید ایرانی، در سال ۱۲۶۷ ش، یعنی حدود ۶۰ سال پس از تأسیس اولین مدرسه هیئت‌های مذهبی خارجی، با همت میرزا حسن رشدیه در تبریز تأسیس شده بود. میرزا حسن که در سفرهای خود (به‌ویژه به بیروت و استانبول)، متوجه نقش نظام آموزشی جدید در پیشرفت و ترقی اجتماعی شده بود، در صد

برآمد تا خود این کار مهم را آغاز کند. او در سال ۱۲۶۱ شمسی مدرسه‌ای با عنوان رشدیه (این نام را از مدارس جدید عثمانی اقتباس کرده بود) در ایروان تأسیس کرد که بیشتر دانش‌آموزان آن را ایرانیان مقیم آن شهر تشکیل می‌دادند. با صادرات امین‌الدوله، رشدیه این امکان را یافت که مدرسه‌ای نیز در تهران تأسیس کند.

همچنین به واسطه حمایت‌هایی که امین‌الدوله از خیرین به عمل آورد و وجود روحانیون روشنفکری چون شیخ هادی نجم‌آبادی که به تشویق خیرین می‌پرداخت، گروهی دیگر از خیرین جهت ارتقای سطح دانش عمومی و ارتقای این دانش به‌صورت رایگان میان کودکان فقیر و بی‌سرپرست گامی بزرگ برای اصلاح ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامع ایران برداشتند. از جمله این افراد می‌توان به میرزا سید کریم خان فیروزکوهی، میرزا محمود خان احتشام السلطنه، میرزا حسن خان شوکت منشی، میرزا حسن خان رشدیه، میرزا یحیی دولت‌آبادی و مدیرالدوله گیلانی اشاره کرد. تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام با عنوان «مدرسه خیریه» در محله حسن‌آباد تهران از جمله اقدامات این افراد بود. این مدرسه را می‌توان پنجمین مدرسه نوین ایران و با تازه‌ترین شیوه کاری متدوال در مدارس اروپایی به‌شمار آورد. همچنین تقیل هزینه تعدای از ایتام، تأسیس دوخانه‌ای از محل درآمد و اموال خود در محله چاله میدان تهران را می‌توان از دیگر اقدامات این افراد بر شمرد.

انجمن معارف

گروهی از درباریان متجدد و روشنفکر برای آن که در کار تأسیس مدارس و نظارت بر آن‌ها هماهنگی لازم را داشته باشند انجمنی به نام انجمن معارف تشکیل دادند که علاوه بر اهداف و برنامه‌هایی که برای این انجمن در نظر گرفته شده بود بتوانند کمک‌های مالی اشخاص را نظم دهند و افراد متمول را به انجام کارهای عام‌المنفعه و خیریه تشویق و ترغیب کنند تا برای گسترش مدارس و کمک به آن‌ها به جمع‌آوری اعانت بپردازند. همچنین جمع‌آوری کودکان سادات بی‌سرپرست که در کوچه‌ها و خیابان‌ها پرانکده بوده و گدایی می‌کردند از جمله اقدامات تازه‌ای بود که انجمن معارف انجام می‌داد.

ادامه دارد...



میرزا علی خان
امین‌الدوله که از
رجال خوشنام
و خیر به‌شمار
می‌رفت به تأسی
از افرادی چون
سید جمال‌الدین
اسدآبادی، حاج
شیخ هادی
نجم‌آبادی
و سید محمد
طباطبایی در
مدت کوتاه
صادراتش منشأ
خدمات بسیاری
شد

روز تولد دوباره تمدن اسلامی

پرونده‌ای تفصیلی برای روز حقوق بشر
اسلامی و کرامت انسانی و مزیت حقوق بشر
اسلامی بر نسخه غربی‌اش

از نخستین سال‌های پس از یروزی انقلاب در سال ۵۷ (۱۹۷۹)، نظام تازه قوام یافته جمهوری اسلامی ایران به فعال ترین دولت در زمینه پیگیری حقوق ملت‌های مسلمان در عرصه‌های جهانی تبدیل شد که در ابتدا تا حدودی همراهی مصر، پاکستان و عربستان سعودی را نیز همراه داشت اما رفته رفته دولت‌های مزبور نیز خود را مقید به قرائتی قومی از اسلام کردند که با ذات انسان شمول دین خاتم سازگار نبود و به همین دلیل دیدگاه‌هایشان فاقد تأثیر گذاری بود. با وجود این اختلاف دیدگاه، نمایندگان این کشورها در دهه ۱۹۸۰ بارها اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خاطر عدم در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و دینی کشورهای غیر غربی مورد انتقاد قرار می دادند. در سال ۱۹۸۱ نماینده کشورمان در سازمان ملل موضع انقلاب نویای اسلامی را در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین بیان کرد: «این اعلامیه یک برداشت سکولار نسبی گرایانه از فرهنگ یهودی - مسیحی است که نمی تواند توسط مسلمانان بدون تجاوز از قوانین اسلامی اجرا شود».

استدلال پیشگامانی مانند حضرت آیت الله محمد علی تسخیری و همراهانش در نظام جمهوری اسلامی ایران این بود: «مفهوم حقوق بشر به معنای حقوق اساسی و اولیه‌ای است که تمام انسان‌ها در آن از جهت انسانیت شریک‌اند. اما اساس حقوق بشر سازمان ملل بر تطابق با فرهنگ غرب و دین مسیحیت قرار گرفته حال آن که حقوق بشر جهانی اسلام، تعارضی با جوامع اسلامی و مقررات حاکم بر آن‌ها ندارد، از این رو، در این کشورها قابل اجرا است.»

ادامه در صفحه ۲۵

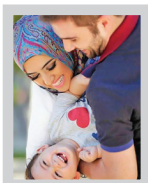
در این پرونده بخوانید



اسلام؛ دقیق‌ترین
حقوق بشر



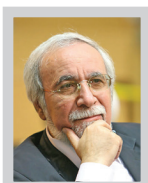
حقوق بشر، منهای
ارزش‌های دینی



از عدالت تا
حریم خصوصی



اسلام از انسان‌گرایی
متعالی و والا
سخن می‌گوید



ضد بشرها
و ضد دین‌ها
را مشارکت دادیم





حقوق بشر و اصول اخلاقی

مفهوم حقوق بشر ارتباط تنگاتنگی با اصول اخلاقی و اخلاقیات دارد. حق‌هایی که منعکس‌کننده ارزش‌های یک جامعه هستند، از بیشترین بخت در اجرای موفقیت‌آمیز برخوردار هستند.

هستند، از بیشترین بخت در اجرای موفقیت‌آمیز برخوردار هستند. حق‌های مثبت مشتمل بر آن دسته از حق‌ها هستند که درون یک نظام حقوقی متجلی می‌شوند صرف‌نظر از این که بیانگر ملاحظات اخلاقی باشند یا نباشند، در حالی که یک حق اخلاقی لزوماً از طریق قانون قابل اجرا نیست. حق‌هایی می‌توانند از منابع مختلفی ناشی شوند؛ خواه مذهب یا طبیعت انسان، یا طبیعت جامعه، دیدگاه حقوق طبیعی، همان‌گونه که در قرآنت‌های سنتی این دیدگاه یا از سوی جنبش‌های حقوق طبیعی مطرح می‌شود، آن است که برخی از حق‌ها از حقوق متعالی‌تر از حقوق موضوعه یا حقوق ساخته دست بشر نشأت می‌گیرند. این حقوق متعالی‌تر متشکل از یک مجموعه اصول جهانی مطلق است و بر تمام افراد بشری در تمام زمان‌ها و مکان‌ها اعمال می‌شود. رویکرد حقوق طبیعی در قرن هفدهم که ابتدا در افکار جان لاک متجلی شد، وجود حق‌های مسلمی از قبیل حق بر حیات، حق بر آزادی و حق بر مالکیت را بر مبنای قرارداد اجتماعی که پایان بخش شرایط دشوار وضعیت بوده، پایه‌گذاری کرد. این رویکرد، این امکان را به‌وجود آورد که بتوان به یک نوع حقوق متعالی‌تر متوسل شد و از این رو، توانست روشی قدرتمند برای محدود کردن خودسرانه ارائه کند. اگر چه در قرن نوزدهم به‌دلیل مشکلاتی مانند روش‌شناسی غیر منسجم و غیر تجربی، این رویکرد محبوبیت خود را از دست داد اما در قرن بیستم به منظور تثبیت حقوق بشر در درون جامعه بین‌المللی به عنوان اصول جهانی از ارزش بالایی برخوردار بود.

اقدامات جنبش سیاست‌محور

موضوع دیگری که جالب توجه است، اقدامات جنبش سیاست‌محور است که در صدد شناسایی، توصیف و ترتیب بخشیدن به شمار گسترده‌ای از عوامل مؤثر در فرآیند ایجاد و تجهیز حقوق بشر است. در این راستا، هشت ارزش همبسته مطرح شده‌اند که عبارتند از: مطالبات مربوط به احترام، قدرت، روشن‌نگری، رفاه، سلامت، مهارت، عواطف و درست‌کاری. کرامت انسانی مفهوم کلیدی این ارزش‌ها و هدف‌نهایی جامعه جهانی که به دنبال توزیع دموکراتیک ارزش‌هاست، محسوب می‌شود. تمام این مباحث مطرح شده، حاکی از پیچیدگی ماهیت مفهوم حقوق بشر در سبب فرآیندهای عامل حقوقی و سیاسی و همچنین بیانگر اهمیت مرکزی این مفاهیم است. ■



چیستی حق

حقوق بشر از منظر حقوق بین‌الملل

علی صفری

کارشناس ارشد حقوق

حق‌های مختلفی وجود دارد که برخی ریشه در طبیعت انسان یا جامعه و برخی دیگر در آموزه‌ها و ارزش‌های دینی دارد ولی ارزش‌های دینی متعالی‌تر و متکامل‌تر است. حقوق بشر، نقطه مرکزی دایره مباحث و دغدغه‌های حقوقی انسان مدرن، فارغ از کاربرد سیاسی‌اش با چهره‌ای علم‌الیقینی، افکار جهان‌سومی را نیز به خود مشغول کرده. این در حالی است که انسان متفکر و صاحب‌نظر مدرن در واقعیت تاریخی، در حال تجربه دوران فکری پست مدرنیسم است؛ دوره‌ای که ویژگی بارز آن نسبیّت معرفتی و اخلاقی است.

حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر از آن دست واژگان و اصطلاحاتی است که نمی‌شود به راحتی برای آن تعریفی ارائه داد که مورد قبول همگان باشد. با این حال با جمع‌بندی نظرات مختلفی که در این باره وجود دارد، می‌توان گفت: «حقوق بشر به حقوق اساسی و بنیادین انسان می‌پردازد که فارغ از اختلافات عقیدتی و تفاوت‌های افراد بشر در نژاد، قومیت، ملیت و تابعیت، وجود آن ذاتی و طبیعی و رعایت آن الزامی و ضروری است». اگر چه چنین تعریفی متناسب با طبیعت و ذات انسان است ولی تعریفی کاملاً آرمانی است؛ چرا که

منظور از حق چیست؟

این مسئله که «منظور از حق چیست؟» بسیار بحث‌برانگیز و موضوع مباحثات گسترده‌ای در فلسفه حقوق بوده است. به عنوان مثال، برخی حق‌ها به عنوان تعهدات الزام‌آور دانسته می‌شوند و برخی دیگر صرفاً مشخص‌کننده یک الگوی رفتاری بالقوه برای آینده هستند. مشکل و ضمانت اجرا در رابطه با حقوق بشر در حقوق بین‌الملل مسئله دیگری است که می‌تواند در توصیف این پدیده تأثیرگذار باشد. برخی نویسندگان تکرار عدم رعایت هنجارهای حقوق بشری را به مثابه دلیلی بر رویه دولت‌ها می‌دانند که انکارکننده وجود یک ساختار مبتنی بر اصول حقوق بشری در حقوق بین‌الملل است. اگر چه نباید از نقض قوانین حقوق بشری غافل ماند، اما چنین رویکردی نه تنها از حیث آکادمیک نادرست است بلکه عمیقاً منفی است. مفهوم حقوق بشر ارتباط تنگاتنگی با اصول اخلاقی و اخلاقیات دارد. حق‌هایی که منعکس‌کننده ارزش‌های یک جامعه

روز تولد دوباره تمدن اسلامی

ایشان حرکتی بزرگ را با هدف احیای کرامت انسان بر مبنای آموزه‌های قرآن در کنار تأکید بر حفظ اشتراکات با منشور حقوق بشر جهانی آغاز کردند که خیلی زود ثمر داد و تقریباً همزمان با تحول بزرگ برپید شدن دیوارهای آهنین کمونیسم در اروپا، سد بزرگ به رسمیت شناخته شدن حقوق بشر در کشورهای اسلامی نیز شکسته شد.

سرانجام در چهاردهم مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) سازمان همکاری (کنفرانس) اسلامی اعلامیه اسلامی حقوق بشر را در سطح دولت‌های اسلامی به تصویب رساند.

در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) بنا به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، سالروز صدور این اعلامیه به عنوان «روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی» نامیده شد، روزی که حقیقتاً ملل مسلمان با محوریت حق در جهان معاصر دست همبستگی داده و موجودیت تمدن اسلامی را به جهان اعلام کرده بودند. این اتفاق حتی در تقسیم‌بندی‌های سیاسی جهان معاصر نیز بسیار توسط غرب جدی گرفته شده بود تا آن‌جا که ساموئل هانتینگتون معروف، همبستگی کشورهای اسلامی در زمینه حقوق مسلمین را سنگ بنای سوء تعبیرش از جهان آینده تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها» قرار داد.

ایران از سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، این روز را در تقویم ملی مناسبت‌های خود گنجانده و امسال برای ششمین سال پیاپی این مناسبت گرامی داشته می‌شود اما متأسفانه اغلب کشورهای مسلمان که بنا بود آن را در سطحی ملی و بین‌المللی گرامی دارند با سردی با این مناسبت تاریخی مواجه می‌شوند.

در روز حقوق بشر اسلامی ضمن بزرگداشت دستاوردهای مثبت متنوعی که در سطح یکایک کشورهای اسلامی در حیطه‌های متنوع حقوق انسانی طی یک سال گذشته به دست آمده و ضمن ابراز نگرانی از موارد نقض حقوق انسانی که به اشکال مختلف بروز یافته است، بار دیگر این پرسش مشفقانه مطرح می‌شود که چرا نباید در یکایک کشورهای اسلامی قوانین و مقررات مختلف، عملکرد ساز و کارهای متنوع اجرایی و قضایی و فرهنگ عمومی و رفتاری قاطبه مردم، همه و همه انعکاس‌دهنده رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع انسان‌ها و مقابله با ظلم و تعدی باشد؟ به راستی اگر ما به خوبی هنجارها و معیارهای درست در زمینه رعایت حقوق انسان‌ها را رعایت کنیم و به تعهدات شرعی و حقوقی خود در این زمینه پایبند باشیم دیگر در کشورهای اسلامی شاهد جنایاتی همانند آنچه امروز به اسم اسلام در یمن، سوریه، عراق، بحرین یا یمن شاهد هستیم خواهیم بود؟ آیا دیگر دایه‌های مهربان‌تر از مادر حقوق به اصطلاح بشر و قدرت‌های سیاسی زورگو مجالی خواهند یافت که برای ملت‌های مسلمان نسخه بیچند و خود را منادی حقوق و آزادی‌ها جا بیندازند و به ویرانگری و کشتار و ستم بپردازند؟ ■

حقوق بشر محور و هدف توسعه است



دکتر محسن اسماعیلی
عضو حقوق‌دان شورای نگهبان

طرح و بیان «پرسش» مهم‌ترین حقوق بشر و یک نعمت اختصاصی برای اوست. هیچ مخلوقی در عالم هستی توان طرح و بیان پرسش را ندارد. پرسش اساسی در این بحث این است که حقوق بشر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه جایگاهی دارد و چه نقشی را ایفا می‌کند؟ نحوه مواجهه متفکران مسلمان با مقولات نوپیدای جهان اسلام مانند مدیریت، عقلانیت، توسعه، حقوق بشر و... متفاوت است. متفکران مسلمان در باره مقولات نوپیدای جهان اسلام دیدگاه‌های مختلفی دارند: گروهی از متفکران در جهان اسلام معتقدند که در مقابل این مفاهیم نوپیدا یا باید نفی مطلق و یا باید تسلیم مطلق داشته باشیم. به نظر من آثار این دو دیدگاه کاملاً یکی است و هر دوی آن‌ها بار هستند.

باشد، باید این مفاهیم را آن گونه که در دامن غرب وجود دارد بررسی کنیم و اگر با موازین دینی و اسلامی قابل جمع است بپذیریم والا آن را نباید پذیرفت که نقطه عزیمت بحث ما از این جاست. سکولاریسم یعنی جدایی دین از اداره جامعه یا فردی کردن دین یا محدود کردن قلمرو دین. شهید مطهری حداقل در چهار کتاب خود علت رواج سکولاریسم را معلول عملکرد بد و تفسیر غیر منطقی کلیسا از حقوق انسان می‌داند. ایشان معتقد است که پیدایش سکولاریسم، معلول متفکران دین‌دار یا دین‌دوست بود و آن‌ها برای حفظ قداست دین از دست حاکمان ظالم و فاسد راهی جز این کار نداشتند.

در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، «انسان» نقش محوری و اساسی دارد، حقوق بشر هم محور و هم هدف توسعه است.

از نظر مسلمانان ایرانی هدف توسعه و دورنمای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید احیای کرامت انسانی و حقوق انسانی باشد. یکی از نقاط ضعف توسعه غربی این است که انسان، محور توسعه نیست، در توسعه غربی انسان محور توسعه نیست و اگر هم باشد انسان جدا از خداوند و آخرت محور است، خداوند در آیات ۲۲ تا ۳۴ سوره ابراهیم، پیشرفت را برای تکامل انسان می‌خواهد. ■

برخی از اندیشمندان غربی معتقدند مفاهیم جدید مفهوم‌های فلسفی یا یک پارچه‌ای هستند که یا باید کاملاً پذیرفته و یا باید کاملاً رد شوند و بنا بر این وابسته کردن این مفاهیم با پسوند اسلامی یا غربی اشتباه است. بعضی‌ها هم می‌گویند که توسعه یا حقوق بشر اسلامی و غیر اسلامی ندارد یا باید این‌ها را کاملاً پذیرفت یا باید کاملاً رد کرد راه سومی وجود ندارد. نگاه دومی وجود دارد که از نگاه اول هم خطرناک‌تر است، این نگاه معتقد است مفاهیم را می‌پذیریم اما فرهنگ اسلامی و ایرانی را به گونه‌ای تأویل می‌کنیم که با این مفاهیم سازگار باشد. این گروه معتقدند در تعارض میان آموزه‌های حقوق بشر غربی با تکالیف دینی، آنچه که مقدم است حقوق بشر غربی است. گروه دیگر هم مفاهیم جدید را می‌پذیرند اما مفاهیم دینی را به گونه‌ای توجیه می‌کنند که با آن‌ها سازگار باشد که برخوردی التقاطی و بسیار خطرناک است.

شهید مطهری در کتاب «تهذیب‌های اسلامی در صد سال اخیر» نگاه‌های التقاطی را خطرناک‌ترین آفت برای انقلاب اسلامی و کشور می‌داند. چنین موضعی راه را برای تحریف حقایق باز می‌کند و ما را به بدعت‌ها رهنمون می‌کند. هیچ کدام از این دو شیوه، پسندیده جوان ایرانی مسلمان نیست. نظر صحیح باید گزینش اجتهادی

سنکا، ژوستینین، توماس آکوناس، جان لاک، توماس پین و ... نام برد.

اعلامیه حقوق بشر جهانی

جنگ جهانی اول و دوم، صدمات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بی‌شماری را به جهان به خصوص کشورهای غربی وارد کرد. بعد از سپری شدن این سختی‌ها، زمان آن فرارسیده بود که جامعه جهانی بر عنصر اصلی جامعه یعنی انسان تأکید و حقوق اساسی او را احیا کند. آنچه با عنوان حقوق بشر برای انسان بیان شد، چیزی جز حقوق طبیعی و حقوق اولیه و لازم برای حیات انسان نبود. از این رو در سازمان ملل متحد حدود پنجاه و هشت دولت بر مفاد اعلامیه حقوق بشر جهانی که در دسامبر ۱۹۴۸ به صورت قطعنامه شماره ۲۱۷ در یک مقدمه و ۳۰ ماده تدوین شده بود رأی مثبت دادند. این اعلامیه خیلی زود با واکنش‌های جدی در جوامع اسلامی مواجه شد. در حقیقت اعلامیه قاهره را باید واکنشی از سوی جوامع اسلامی به موارد اختلافی در این اعلامیه دانست.

اعلامیه رم

بعد از گذشت دو سال از تصویب اعلامیه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، غربی‌ها در سال ۱۹۵۰ گام جدی‌تری دیگری در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی برداشتند و در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم اعلامیه‌ای را به تصویب رساندند و پرتکل‌های ضمیمه به تدریج تا سال ۱۹۶۶ به آن اضافه شد. این اعلامیه که تا امروز یکی از مهم‌ترین اعلامیه‌هایی است که درباره حقوق بشر در غرب به تصویب رسیده، دارای ۶۶ ماده است. براساس این اعلامیه که کاملاً الزام‌آور بوده، مسئله حقوق بشر ضمانت اجرایی قانونی کسب کرد. مهم‌ترین ماده‌های آن عبارت است از:

ماده ۱: حق مردم بر تعیین سرنوشت خود؛
ماده ۶: حق بر حیات؛ ماده ۷: ممنوعیت شکنجه و بردگی؛ ماده ۹: حق بر آزادی و امنیت فردی؛ ماده ۱۴: دادرسی عادلانه؛ ماده ۱۸: آزادی اندیشه، وجدان و مذهب؛ ماده ۲۲: آزادی انجمن؛ ماده ۲۷: حق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها در بهره‌مندی از فرهنگ خود.



حقوق بشر، منهای ارزش‌های دینی

بازخوانی حقوق بشر جهانی با نگاهی به سیر تاریخی آن

مصطفی بیات

مدرس دانشگاه

اولین اعلامیه حقوق بشر

در بین کشورهای غربی، اولین اعلامیه حقوق بشر مربوط به دولت فرانسه است. پس از انقلاب کبیر فرانسه در ماه اوت سال ۱۷۸۹ میلادی اولین اعلامیه حقوق بشر غربی از کشور فرانسه منتشر شد. این اعلامیه در یک مقدمه و ۱۷ ماده به تصویب رسید. علت آغاز این موضوع از فرانسه به خاطر فضای سیاسی و انقلاب مردمی بود که در این کشور رخ داده بود. این اعلامیه نه تنها تأثیر عمیقی بر حقوق اساسی دولت فرانسه داشت بلکه در تدوین حقوق بشر در سازمان ملل متحد نیز تأثیر گذار بود.

البته در مسئله حقوق بشر غربی، متفکران و اندیشمندان غربی تلاش‌های زیادی انجام دادند که از جمله این افراد می‌توان از زنون، مارکوس اورلیوس، منتسکیو، سیسرون،

در طول تاریخ غرب، فلاسفه و متفکران و مکاتب فلسفی، اولین کسانی بودند که در حوزه حقوق انسانی و روابط اجتماعی سخن گفتند و به بررسی این روابط پرداختند. با این حال، تحت تأثیر فضای سیاسی جوامع، گاه دولت‌ها هم به اجبار در این مسیر اعلامیه‌هایی را صادر کردند. آنچه که امروزه از آن به عنوان سند اعلامیه حقوق بشر یاد می‌شود در دسامبر ۱۹۴۸ تصویب و در دهه بعدی با میثاق‌نامه‌هایی تقویت شد. نوشتار پیش رو، سیر تکامل اعلامیه‌های حقوق بشر در جهان (به استثنای دنیای اسلام) را از قرن هجدهم مورد بحث قرار داده و مهم‌ترین مفاد اعلامیه ۱۹۴۸ را مرور کرده است. با نگاهی به سیر تاریخی کشورهای غربی می‌توان گفت که از اواخر قرن هیجدهم میلادی، آن‌ها در مسیر احقاق حقوق بشر، منهای ارزش‌های دینی، تلاش کرده‌اند.



حقوق بشر غربی

مرد و زن به‌طور مساوی حق دارند ازدواج کنند، خانواده تشکیل دهند، اقامتگاهی داشته باشند و از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت‌های دیگران باشد، بهره‌مند شوند.

منشور اجتماعی اروپا

در سومین گام، در ۱۹۶۱ میلادی، منشور اجتماعی اروپا در شهر تورن به تصویب رسید. در این منشور دو جنبه اساسی دیده می‌شد و بر روی همین دو اصل هم تکیه شده بود که عبارت بودند از حقوق اقتصادی و حقوق اجتماعی. براساس این منشور، تأکیدی جدی بر موضوع اقتصاد شده بود که به‌واسطه آن باید اوضاع اقتصادی شهرنشینان و روستائیان بهبود پیدا کند. در موضوع حقوق اجتماعی هم بر این مقوله تأکید شده بود که همه اتباع اروپایی، فارغ از تفکرات دینی و مذهبی، رنگ پوست، نژاد، جنس و... از حقوق مساوی در تمام امکانات و امتیازات در اجتماع برخوردار هستند.

حقوق بشر در قاره آمریکا

در کنار کشورهای اروپایی، در قاره آمریکا هم در مسیر حقوق بشر، گام‌های برداشته شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- ۱- اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر در سال ۱۹۴۸ در شهر بوگوتا به تصویب رسید.
- ۲- کمیسیون حقوق بشر در بین کشورهای آمریکایی از سال ۱۹۶۰ کار خود را آغاز کرده است.
- ۳- قرارداد آمریکایی حقوق بشر در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ تصویب شد.

حقوق بشر در قاره آفریقا

درباره آفریقا هم باید به منشور بانجول اشاره کرد که راجع به حقوق بشر و مردم سخن به میان آورد. این منشور در سال ۱۹۸۱ توسط سازمان وحدت آفریقا به تصویب رسید و در سال ۱۹۸۶ لازم الاجرا شد. منشور آفریقایی نخست کنوانسیون حقوق بشری است که به تفصیل به تکالیف فرد در مقابل دولت، جامعه و خانواده می‌پردازد. اگر چه در دسامبر ۱۹۴۸، پنجاه‌وهشت دولت بر پای سند حقوق بشر امضا زدند، ولی در مسیر اجرایی این اعلامیه مشکلات زیادی وجود داشت. در ادامه تلاش برای حقوق بشر، اقدامات دیگری هم صورت گرفت. در همین راستا دو میثاق جدید در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد

رسیده است که از جهت حقوقی و سیاسی پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر ارزش زیادی دارند و در واقع مکمل آن است. یکی از آن‌ها راجع به حقوق مدنی و سیاسی است و دارای یک مقدمه و ۵۳ ماده است و دیگری مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است و شامل یک مقدمه و ۳۱ ماده است.

بررسی محتوایی منشور حقوق بشر

آنچه گفته شد، مسیری بود که غرب در جهت تدوین و تصویب حقوق بشر در کشورها و نهادهای بین‌المللی به تصویب رساند. در بخش پایانی این نوشتار به بررسی محتوایی منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد پرداخته می‌شود.

منشور حقوق بشر سازمان ملل در دسامبر ۱۹۴۸ در یک مقدمه و ۳۰ ماده به تصویب رسید. در «ماده ۱» این اعلامیه سه اصل کلی که زیر بنای حقوق بشر می‌باشد مطرح شده است که عبارتند از: آزادی، برابری و برادری. در «ماده ۲» اعلامیه نیز بر اصل عدم تبعیض تأکید دارد. آنجا که تصریح می‌کند: «هر کسی می‌تواند از حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه بدون هیچ تفاوتی از لحاظ نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و تمام آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند شود.» بقیه مواد اعلامیه به چهار دسته قابل تقسیم است:

دسته اول (مواد ۳ تا ۱۱) حقوق و آزادی‌های شخصی:

این حقوق در اعلامیه‌های قبلی و قوانین اساسی بیشتر کشورها مندرج است. مانند: حق حیات (ماده ۳) که نه تنها شامل حمایت از افراد در برابر هرگونه تجاوز به زندگی و تمامیت جسمی اوست بلکه حمایت از انسان در برابر خطراتی که جسم و جان او را تهدید می‌کند را نیز در برمی‌گیرد. حق آزادی که نه تنها آزادی جسمی و ایمنی در برابر بازداشت‌ها و تبعیدهای غیرقانونی و منع بردگی و خرید و فروش انسان‌ها را دربر می‌گیرد، بلکه آزادی حقوقی انسان و تعیین

حق دفاع در برابر دادگاه‌ها، حق مراجعه به دادگاه در مقابل خودسری‌ها و سوءاستفاده‌ها و قانون شکنی‌ها را نیز شامل می‌شود.

دسته دوم (مواد ۱۲ تا ۱۷):

این مواد مربوط به حقوق بنیادی فرد در رابطه با خانواده، سرزمین و اشیاء جهان است. مرد و زن به‌طور مساوی حق دارند ازدواج کنند، خانواده تشکیل دهند، اقامتگاهی داشته باشند و از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت‌های دیگران باشد، متمتع شوند. خانواده عنصر طبیعی و بنیادی جامعه است و حق دارد از حمایت جامعه برخوردار شود. هر انسانی شایسته است که تابعیتی داشته باشد. آزادانه در محلی مسکن انتخاب کند، کشور خود را ترک کند و به کشور دیگری پناهنده شود. انسان حق دارد به طور فردی یا جمعی سلطه خود را بر اشیاء جهان اعمال کند و از هیچ‌کس نمی‌توان بدون مجوز قانونی سلب مالکیت شود.

دسته سوم (مواد ۱۸ تا ۲۱):

شامل آزادی‌های عمومی و حقوق سیاسی بنیادی است. در این دسته آزادی اندیشه، عقیده، مذهب و بیان و نیز آزادی تشکیل اجتماعات و همچنین حق هر کسی به مشارکت در اداره امور عمومی کشور خود از طریق شرکت در انتخابات و حق اشتغال به مشاغل عمومی اعلام شده است.

دسته چهارم (مواد ۲۲ تا ۲۷):

این دسته مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و در اعلامیه‌های قبل از اعلامیه جهانی سابقه نداشته است. ماده ۲۲ بیان می‌کند که هر کسی حق دارد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که برای کرامت شخصیت او ضروری است برخوردار شود، مواد ۲۳ تا ۲۷ به پاره‌ای از حقوق انسان مثل حق شغل، حق انتخاب آزاد شغل، آزادی اتحادیه، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، دفاع از سلامت، حقوق مادران و کودکان، حق تفریحات، حق تعلیم و تربیت و حق حمایت از نوآوری‌های ادبی و هنری اشاره می‌کند. در مواد پایانی یعنی ۲۸ تا ۳۰ هم به روابط انسان و جامعه پرداخته شده است. ■



در مسئله

حقوق بشر

غربی، متفکران و

اندیشمندان غربی

تلاش‌های زیادی

انجام دادند که

ازجمله این افراد

می‌توان از زنون،

مارکوس اورلیوس،

منتسکیو،

سیسرون، سنکا،

ژوستینیان،

توماس آکویناس،

جان لاک،

توماس پین و...

نام برد

در مسائل حقوق بشر بایستی به فرهنگ‌های بومی توجه شود، و معیارهایی که صرفاً بر مبنای فرهنگ و سنن و فلسفه غربی است، نیاپستی جهانی تلقی شود.

اسلام؛ دقیق‌ترین حقوق بشر

حقوق بشر اسلامی با عنایت به دیدگاه‌های رهبر انقلاب

به کوشش سید سجادی زده‌ی

مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

خامنه‌ای در دیدار با مدیران ستاد فرماندهی کل قوا
(۱۳۶۸/۱۲/۲۱)

استفاده از غرب از حقوق بشر

علاوه بر این که حقوق بشر مورد نظر غرب، از مبانی اساس مبتنی بر آموزه‌های لیبرالیستی برخوردار بوده و از همین روی، حقوق مبتنی بر آموزه‌های مادی را محور تصمیم‌سازی و عملکرد خویش در همه جوامع قرار می‌دهند، استفاده از غربی و دوپهلوی آن در کشورهای مختلف، موجب شده است که این حقوق بشر از کار برد خویش نیز غافل شده و بیشتر از آن که حیثیتی به جهت برآوردن اهداف و غایات اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد، به ابزاری سیاسی برای فشار آوردن به کشورهای دیگر تبدیل شود. زیرا در حالی که کشورهای مانند ایران را به عدم مراعات آزادی، مردم سالاری و حقوق زنان متهم می‌کنند، که عملاً کشورهای جنوب خلیج فارس که دارای رژیم پادشاهی و غیر انتخابی هستند، زنان از ابتدائی‌ترین حقوق محروم بوده و بسیاری از آزادی‌ها در آن جوامع به رسمیت شناخته نمی‌شود، نه تنها در معرض این اتهام‌ها قرار ندارند، بلکه از حمایت کشورهای غربی نیز برخوردارند. این برخورد دوگانه که در چارچوب منطق یک‌پارچه و دوپهلوی قرار دارد، تنها در ذیل استفاده از ابزاری از مقوله حقوق بشر به جهت وارد کردن فشار سیاسی، ارباب و به خدمت گرفتن کشورها در راستای اهداف و غایات نظام سلطه، قابل ارزیابی است: «برای این‌ها، اسم حقوق بشر، یک دکان و یک حربه است. هر جا که با دولتی مخالف باشند و بخواهند به جنگ او بروند و او را زیر فشار قرار بدهند، مسأله حقوق بشر را غم می‌کنند. این همه در دنیا دولت‌ها و کشورهای هستند که اصلاً به حقوق بشری قائل نیستند؛ زیر بال رژیم آمریکا دارند زندگی و تنفس می‌کنند؛ احدی هم متعرض نمی‌شود. آن جایی هم که ملت‌ها و دولت‌هایی مخالف آن‌ها باشند، این‌ها را زیر فشار می‌گذارند و انواع و اقسام اتهام‌ها را به آن‌ها می‌زنند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم ۱۳۷۰/۱۰/۱۹)

لزم طرد قرائت جهانی از منشور حقوق بشر غربی

(بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی ۱۳۶۵/۱۱/۹)

امتیاز حقوق بشر اسلامی از مدل غربی

تأکید نظام غربی بر استفاده از واژه حقوق بشر و یکسان‌انگاری مفهوم غربی این واژه در همه جوامع بر محور «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، در حالی صورت می‌پذیرد که اسلام، خود از داعیه داران و پیشگامان حقوق بشر در طول تاریخ بوده است. حقوق اسلامی مبتنی بر نیازهای جامع انسانی، می‌تواند بلکه می‌بایست در قبال حقوق بشر غربی، محور عمل در جوامع اسلامی قرار گیرد.

«اگر دنیای غرب و فرهنگ غرب این مسئله را در قرون اخیر مورد توجه قرار داد، اسلام از قرن‌ها پیش به مسئله حقوق بشر آن‌هم با ابعاد بسیار وسیع و همه‌جانبه توجه کرده و به صورت ریشه‌ای چیزی به نام حقوق بشر و اصلتی به عنوان حق آدمی و انسانی در سرتاسر آثار اسلامی مشهود است. آیات کریمه قرآن، روایاتی که از پیشوایان دین از رسول اکرم و ائمه اطهار (ع) به ما رسیده و هر کدام از حقوق اساسی را که بشر در این دوره اخیر به آن توجه پیدا کرده مورد تأکید قرار داد.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه اسلامی ۱۳۶۵/۱۱/۹)

آیت‌الله خامنه‌ای، حقوق بشر اسلامی را برتر و بالاتر از حقوق بشر غربی دانسته و مؤلفه‌های برآمده از حقوق بشر اسلامی از قبیل آزادی، عدالت، مردم سالاری را نیز بالاتر و مترقی‌تر از رقیب غربی اش اعلام داشته است: «حقوق بشر به سبکی که اسلام مطرح می‌کند، به مراتب راقی‌تر از آنچه که دنیای دموکراسی مطرح می‌کند، است. عدالت اجتماعی ما، از دنیای به اصطلاح سوسیالیسم، پیشرفته‌تر است. حقوق بشر و آزادی‌های فردی ما، از آنچه که در دنیای به اصطلاح دموکراسی مطرح می‌شود، پیشرفته‌تر است.» (بیانات آیت‌الله

«حقوق بشر در تمدن غرب و فرهنگ غرب، غیر از حقوق بشر در فرهنگ اسلامی است... حقوق بشر در اسلام به معنای حقوق فردی بی‌حد و اندازه نیست. در اسلام مقرراتی هست، متقابلاً آن حقوق بشر، این حق را هم به‌طور ضمنی به انسان‌ها داده است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جمع مسئولان وزارت امور خارجه، سفر و کارداران ۱۳۷۴/۵/۲)

آن چه بحث از حقوق بشر مبتنی بر دیدگاه‌های اسلام و تمایز آن با حقوق بشری که در نظام‌های غربی، در قالب اعلامیه حقوق بشر، محور عمل قرار گرفته و ضروری کرده این است که این واژه در جهان معاصر دارای تأثیر بسیار بوده بلکه در دهه‌های اخیر بیش از آن که جنبه اخلاقی و حقوقی داشته باشد، جنبه سیاسی پیدا کرده است و قدرت‌های غربی مطابق همین اعلامیه، تهدیدها و مشکلات را بر نظام‌های سیاسی و جوامع دیگر تحمیل کرده‌اند. از این روی، هر نظام سیاسی می‌بایست با عنایت به فرهنگ و هنجارهای بومی خویش، مراد از این مفاهیم را تبیین کرده و احکام متناسب با آن را اجرا نماید. بلکه با عنایت به پیشینه بسیار زیاد بحث حقوق بشر در دین اسلام و وجود بیکران آموزه‌های حقوق بشر در این دین و استفاده نابجا، ابزاری و غیر مناسب از این مفهوم در جهان غرب، ضرورت باز تعریف مقوله حقوق بشر در دین اسلام، ضروری‌تر جلوه می‌کند: «ظریف‌ترین و دقیق‌ترین نمونه‌های حقوق بشر در اسلام است. حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از عدالت، حق برخورداری از رفاه و بقیه حقوق اساسی یک جامعه در اسلام قابل تأمین است. از منابع اسلامی می‌شود این‌ها را استفاده کرد و اسلام دستور او را به مسلمین داده و پیش از این که متفکرین غرب به این اصالت‌ها و ارزش‌ها توجه بکنند اسلام انسان‌ها را به آن‌ها متوجه کرده است. باید برگردیم به اسلام؛ آنچه سهم متفکرین اسلامی می‌شود بررسی و تحقیق در باب حقوق بشر و به‌طور کلی نظام حقوقی اسلام است.»

تعریف حقوق بشر در اسلام

حقوق بشر در اسلام به معنای حقوق فردی بی حد و اندازه نیست. در اسلام مقرراتی هست، متقابلاً آن حقوق بشیر، این حق را هم به طور ضمنی به انسان هاداده است.



«کسانی که ته دلشان، حقوقی برای بشر قایل نیستند؛ و اگر حتی برای انسان قایلند، برای انسان غربی است، نه برای هر انسان؛ و حاضرند که میلیون ها انسان غیر غربی، برای حفظ سعادت و سلامت خودشان نابود و فدا بشوند. این آدم های دروغگو، شعار حقوق بشر را علیه جمهوری اسلامی علم می کنند و قبلاً هم فشارهای سیاسی از این قبیل و فشارهایی از طریق به وجود آوردن مراکز فساد و تباهی در داخل را علم کرده بودند.» (بیانات آیت الله خامنه ای در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه جمعه ی سراسر کشور، ۱۳۷۰/۶/۲۵)

آیت الله خامنه ای که از یک سوفیهی صاحب نام بوده و در میان اندیشمندان اسلامی، در عرصه های مختلفی از علوم انسانی و اسلامی به عنوان اندیشمندی صاحب نظر شناخته می شوند و از سوی دیگر در طول سه دهه تصدی عناصر کلیدی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به درایت و تیزهوشی در شناخت مباحث عمده فرهنگی و اندیشگی در جهان اسلام، اشتها دارند، در موارد بسیاری، مباحث حقوق بشر را در اسلام و غرب مورد اشاره قرار داده و تمایز نگارش این دو نسبت به هم را خاطر نشان کرده و امتیازات قرائت اسلامی از گونه غربی آن را مورد عنایت قرار داده اند.

مطابق نگارش آیت الله خامنه ای که در راستای درک جامع از اسلام قرار دارد، حقوق بشر غربی نه تنها نمی تواند مدل مطلوبی برای جوامع اسلامی، به شمار آید، بلکه با توجه به این که این قرائت به درکی ناقص از انسان مبتنی بوده و نیازهای واقعی وی و جامعه انسانی مطلوب را در نظر نمی گیرد، حتی برای جوامع غربی نیز مفید نخواهد بود. از این روی، نه تنها در فرایند استفاده ابزاری و سیاسی از حقوق بشر غربی، نمی بایست به منشور حقوق بشر غربی تن در داده و به آن تمکین کرد، بلکه با عنایت به دیرپا بودن مباحث حقوق بشر و درک واقع بینانه و جامع از انسان در اسلام و نوپدید بودن آن در جوامع غربی و فرو کاستن انسان به موجودی مادی و بسنده کردن نیازهای وی، به عرصه مادیات و لذات دنیوی، اگر ادعای محوریت حقوق بشر اسلامی برای همه جهان وجود نداشته باشد، لااقل می بایست با طرد قرائت جهانی از منشور حقوق بشر غربی، مدل مطلوب اسلامی آن در جهان اسلام، ارائه شده و در جهان اسلام، محور عمل قرار گیرد. ■



حریم خصوصی

از حقوق مسلم بشر آن است در زندگی و حریم خصوصی خود مصون باشد و هیچ‌گونه تجسسی و شنود در احوال انسان بلکه ورود به حریم خصوصی و منزل انسان را بدون اجازه صاحب خانه منع می‌کند.

از عدالت تا حریم خصوصی

مؤلفه‌های حقوق بشر در قرآن کریم

اسماعیل لطفی

پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

با رجوع به قرآن مجید می‌توان نتیجه گرفت که اساس و ریشه پندها، دستورات و توصیه‌ها و احکام قرآن در زمینه رعایت حق الناس مقدم بر حق الله است یعنی حقوق انسان آن قدر مهم بوده و آدمی آن قدر در پیشگاه خداوند متعال عزیز و محترم است که از او به عنوان جانشین خود و اشرف مخلوقات نام برده و به شیطان و فرشتگان امر می‌کند که به او سجده کند. بر این اساس تضعیف حقوق انسان در قرآن، به عنوان گناه نابخشودنی معرفی شده است. بنابر این لازم است که ابعاد حقوق انسان شناخته شود تا آدمی از آن عدول نکند و مورد نفرین و غضب خداوند قرار نگیرد.

برابری انسان‌ها

قرآن همه انسان‌ها را فارغ از هر رنگ و نژاد و طبقه، زن بودن یا مرد بودن، بسیار محترم می‌شمارد و همه انسان‌ها را از نظر حقوقی برابر می‌داند و اختلاف ظاهری در بدو تولد را ذات و قانون و اقبال طبیعت می‌داند که بایستی به آن تمکین کرد و مخالف نژادپرستی است و معیار برتری آدمی نزد خدای متعال را در میزان اعمال نیک وی و تقوی او می‌داند. از طرفی قرآن دنیا را دارا مکافات دانسته به طوری که مشکلات بشر را نتیجه اعمال وی می‌داند. بنابر این برابری انسان‌ها از نظر حرمت و حقوق و آزادی، فارغ از هر رنگ و نژاد، تابعیت و زبان، جنسیت، مذهب و عقیده و دارایی، اولین قانون، معیار و شاخص حقوق بشر در قرآن معرفی می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که در دین اسلام با اجرای این حکم بزرگ قرآن مجید، عملاً نژادپرستی و هیتلریسم و ... جایی ندارد. خداوند در آیات ۱۳ سوره حجرات، ۳۸ سوره انعام، ۳۲ و ۳۴ سوره نساء، ۲۱ سوره روم، ۳۲ سوره زخرف، ۷۱ سوره نحل، ۲۵، ۲۱ و ۳۰ سوره اسراء، ۲۸ سوره ص، ۱۰۰ سوره مائده، ۲۱ سوره جاثیه، ۲۵۱ سوره بقره، ۴۰ سوره حج و ۳۰ سوره شوری در این باره صحبت کرده است.

اقوام و ادیان

بهشت خداوند در انحصار هیچ گروه خاصی نیست

و همه اقوام و ادیان در صورت تبعیت از حکم خدا و عمل نیک به بهشت وارد می‌شوند. قرآن ریشه همه ادیان الهی را ترویج یکتاپرستی و دوری از مضامین شرک و انجام اعمال صالح می‌داند و این سه اصل را شرط لازم برای انسان دین مدار می‌داند و لذا افکار و عقاید مختلف دینی را محترم می‌شمارد و از این حیث همه آدمیان را دعوت به وحدت می‌کند و توصیه می‌کند که هیچ‌کس نباید در دین خود زیاده‌روی کند. قرآن همه پیامبران را از جنس بشر دانسته که به واسطه تقدیر و خواست الهی، یا داشتن زمینه آگاه و وجدان بیدار، همچنین نیک مردی و امین بودن در میان انسان‌ها به این مقام رسیده‌اند. قرآن ریشه تبعیت نکردن انسان‌ها از کتاب‌های آسمانی را علاوه بر عدم باور نسبت به نزول پیامبر از جنس بشر، پیروزی محض از آئین و اعتقادات موروثی خود دانسته که تعصب، کینه، حسد و محدودنگری مانع از پذیرش قول بهتر می‌شود. از این نگاه و پند قرآنی می‌توان نتیجه گرفت که هر نوع سخن و قول برتری را بایستی با دقت شنید و در صورت منطقی بودن از آن تبعیت نمود و به این نکته انحرافی کشیده نشویم که این مطلب توسط چه کسی بیان شده بلکه باید دید مطلب مذکور چیست و چه می‌گوید و چقدر بانیا انسان در تعامل است و چقدر با حقیقت نزدیک است.

قرآن این اختیار را به بشر داده است که خود آئین و مذهبش را به عنوان اصول دین و مذهب که تقلیدی نیست با آگاهی و بینش انتخاب کند و در این راستا حتی به پیامبرش نیز وحی می‌کند که وی تنها، پیام رسان است و حق ندارد عقیده و نظری را به کسی تحمیل کند لذا قرآن بشر را فارغ از هر نوع عقیده و آئین دینی و مذهبی، دعوت به یکتاپرستی و نیکوکاری و وحدت می‌کند و این اعمال را مهم‌ترین و اصلی‌ترین عمل صالح از نگاه و خواست الهی می‌داند. از طرفی پیامبران را انسان مافوق و از جنس بشر می‌داند نه مافوق انسان؛ تا انسان در مسیر اعتقادات خود به شرک نزدیک نشود لذا از نگاه قرآن همه انسان‌ها با هر آئین و مسلکی اگر از حکم خدا تبعیت کنند و اعمال نیک انجام دهند و

از مضامین شرک دوری گزینند، در پیشگاه خداوند متعال روسپید شده و به بهشت او وارد می‌شوند. این مسئله نشان می‌دهد که در دین اسلام با اجرای این حکم بزرگ قرآن مجید، همه اقوام و ادیان می‌توانند در کنار یکدیگر به زندگی مسالمت آمیز خود ادامه دهند. با این وصف از نگاه خداوند متعال همه انسان‌ها با هر نوع آئین و مسلکی در پیشگاه او یکسانند و تنها معیار برتری آدمی نزد او ورود وی به بهشت ابدی، پرهیزگاری وی است. بنابر این به انسان متذکر می‌شود که از غرور و تعصب غیر منطقی در دین خود دست بردارد و فارغ از هر نوع آئین و مسلکی، به یکتاپرستی و انجام اعمال صالح و پرهیزگاری به عنوان وظیفه انسانی خود بپردازد. بنابر این پیروان ادیان آسمانی بایستی به یکدیگر احترام گذاشته و در کمال صداقت، دوستی، برادری، برابری و نیکوکاری به زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر ادامه دهند. بنابر این بشر مختار است که در کمال آزادی اندیشه و بدون اجبار، هر نوع عقیده و آئین و مذهبی را بپذیرد و باید به نگرش‌ها و افکار و عقاید دینی و مذهبی دیگران احترام بگذارد و این موضوع به عنوان دومین قانون، معیار و شاخص حقوق بشر در قرآن معرفی شده است.

در امان بودن جان انسان

یکی از اصلی‌ترین مضامین حقوق بشر آن است که جان انسان در امان باشد و مورد تعرض و قتل یا شکنجه قرار نگیرد و اگر چنین شود حق قصاص برای خانواده او قائل شوند. در این ارتباط نیز قرآن نفس و جان آدمی را بسیار محترم شمرده به طوری که جسارت به نفس آدمی و ریختن خون او را حرام دانسته (البته بدون دلیل و حکم قانونی و محکمه پسند) و در صورت وقوع این امر، آن را با جسارت به تمام آدمیان روی زمین معادل دانسته است. آنقدر نفس و جان آدمی از نگاه قرآن مهم است که خداوند به شکنجه گران، مرگ می‌فرستد. این مسئله نشان می‌دهد که در دین اسلام با اجرای این حکم بزرگ قرآن مجید، عملاً هر گونه اقدام در جهت نابودی و اذیت و آزار بشر، از جمله ساخت سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی حرام است. قرآن نفس و جان آدمی را بسیار محترم می‌شمارد به طوری که تأکید به عدم قتل نفس بدون قصاص و بدون دلیل و پرهیز از شکنجه انسان‌ها می‌کند. بنابر این از نظر قرآن ترور و شکنجه یک امر غیر انسانی است و این موضوع به عنوان سومین قانون، معیار و شاخص

در امان بودن جان انسان

یکی از اصلی‌ترین مضامین حقوق بشر آن است که جان انسان در امان باشد و مورد تعرض و قتل یا شکنجه قرار نگیرد و اگر چنین شود حق قصاص برای خانواده او قائل شوند.



قرآن این اختیار
را به بشر داده
است که خود
آئین و مذهبش را
به عنوان اصول
دین و مذهب که
تقلیدی نیست
با آگاهی و بینش
انتخاب کند و در
این راستا حتی
به پیامبرش نیز
وحی می‌کند
که وی تنها،
پیام‌رسان است
و حق ندارد
عقیده و نظری
را به کسی
تحمیل کند

عدل می‌کند به طوری که هجرت و جهاد در راه استقرار حق را واجب می‌داند و جایگزینی حکومت مستضعفین و صالحین را به جای حکومت ظلم قطعی می‌شمرد. قرآن مروج عدالت، شهادت و دفاع از حق و حقیقت و ظلم‌ستیزی در همه حال است و به مسند قضا و قضاوت استقلال می‌دهد و عدالت را پایه و اساس هر حکومت می‌داند، لذا هدف اسلام پیاده سازی عدالت و قوانین عادلانه در جامعه است. این امر در راستای اجرای فرامین الهی مبتنی بر کتب آسمانی و انجام اعمال صالح صورت می‌گیرد، لذا بایستی دیوان عدالت و قوه قضائیه قوی و مستقل ایجاد شود تا همه افراد جامعه بتوانند به صورت برابر و بدون تبعیض در برابر قانون، از حقوق خود و دیگران دفاع کنند. قرآن همه مردم را در قبال دفاع از حق و حقیقت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، چه در ارتباط با بستگان خود و چه در ارتباط با سایر افراد شهر، کشور و حتی سایر انسان‌های روی کره زمین مسئول می‌داند و از همگان می‌خواهد که برای برقراری عدالت قیام کنند. این موضوع نمی‌تواند محقق شود مگر آنکه کرسی قضائیز فارغ از هر گونه وابستگی قومی و قشری و حزبی ایجاد شده باشد تا این که بتواند حق مظلوم را از ظالم بگیرد و این موضوع به عنوان ششمین قانون، معیار و شاخص حقوق بشر در قرآن معرفی شده است. نتیجه این که استقرار عدالت در جامعه، وظیفه همه حکومت‌ها است و شهادت و دفاع از حق و حقیقت در همه جا و برای همه کس و هر حکومتی، یک اصل است. دفاع از مظلوم و مقابله با ظلم و ستم مرز نمی‌شناسد و همگان وظیفه دارند از حقوق انسان‌ها در همه جای دنیا دفاع کنند. بنابراین قوه قضائیه و مقام قضاوت در کشور بایستی مستقل و فرابخشی و فراجنایی باشد تا پایگاه محکمی برای احقاق حق مظلوم باشد. خداوند در آیات ۲۵ سوره حدید، ۱۳۵ سوره نساء، ۸ سوره مائده، ۴۲ و ۴۳ سوره بقره، ۷۲ سوره فرقان و ۱۱ الی ۳ سوره عصر، ۱۱۱ سوره توبه، ۲۱۶ و ۲۱۷ سوره بقره، ۱۱۰ سوره نحل، ۲۰ و ۲۱ سوره توبه، ۱۹۵ سوره آل عمران، ۷۴ سوره انفال و ۷۵ سوره نساء، ۱۱۳ سوره نساء، ۳۹ سوره شوری، ۱۹۰ الی ۱۹۳ سوره بقره، ۳۹ سوره حج، ۱۰۵ سوره انبیاء، ۵ سوره قصص، ۵۵ سوره نور، ۸۱ سوره اسراء و ۱۴ سوره ابراهیم به این مباحث پرداخته است. در آیات مذکور خداوند تعالی متذکر می‌شود که باطل مجو و نابودشدنی است و حق باطل را نابود می‌کند و یقیناً روزگاری نیکو کاران بر جهان حاکم خواهند شد. ■



شرایط خاصی ممکن است مثلاً یک فرد جانی در منزل خود مرتکب جنایت شده باشد پس این فرد بایستی با حکم قضایی منزلش تفتیش شود... این مسئله نشان می‌دهد که در دین اسلام با اجرای این حکم بزرگ قرآن مجید و به طریق اولی، شنود مکالمات نیز حرام است. بنابراین قرآن، حریم خصوصی همه انسان‌ها را بسیار محترم می‌شمارد.

عدالت

یکی دیگر از حقوق مسلم بشری آن است که عدالت در جامعه مستقر شود و از حق و حقیقت در همه جا و در مقابل هر کس دفاع شود و برای هر شخص با هر جایگاهی حرمت لازم قائل شوند تا حق وی تضعیف نشود. قرآن نیز در این ارتباط سفارش به استقرار عدالت و احقاق حق و پیاده سازی حکومت بر مبنای

حقوق بشر در قرآن معرفی شده است. خداوند در آیات ۳۲ سوره مائده، ۳۳ سوره اسراء، ۶۸ سوره فرقان، ۱۵۱ سوره انعام، ۱۲۶ سوره نحل و ۴ الی ۸ سوره بروج به این مباحث پرداخته است.

حریم خصوصی

از دیگر حقوق مسلم بشر آن است که در منزل خود و در زندگی و حریم خصوصی خود مصون باشد و هیچ گونه تجسسی و شنود در احوال انسان بلکه ورود به حریم خصوصی و منزل انسان را بدون اجازه صاحب خانه منع می‌کند، البته لازم به تذکر است که ممکن است در این زمینه حکمی قضایی از بابت فردی و انسانی به خاطر جنایتی یا نقض حقوق اجتماعی صادر شده باشد که این موضوع استثناء خواهد بود و جزو حقوق قانونگذار است؛ چرا که در



اسلام از انسان گرایی متعالی و والا سخن می گوید

ویژگی های حقوق بشر اسلامی در گفت و گو با بهمن اکبری، عضو شورای علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی

سیدحسین امامی

دبیر گروه اندیشه

افتخار بزرگ اسلام این است که توانسته کرامت انسانی را در حقوق خود تأمین کند. امروز باید حقوق بشر نسل چهارمی را مبتنی بر حقوق اسلامی و انسانی تدوین کرد و محققان حوزه حقوق جامعه اسلامی ایران در این زمینه وظیفه های مهم بر عهده دارند. در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر بهمن اکبری، عضو شورای علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی، رابین سابق فرهنگی ایران در تانزانیا و ازبکستان و مشاور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و استاد دانشگاه به بررسی ویژگی های حقوق بشر اسلامی پرداختیم که اکنون از نظر شما می گذرد.

چرا ما امروز در عرصه بین الملل در حوزه حقوق بشر با چالش روبه رو هستیم؟

در سه دهه اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه چهارم، مصادف و مواجهه با چهار چالش بنیادین در عرصه بین الملل هستیم؛ نخستین آن ها در حوزه سلاح کشتار جمعی و بحث هسته ای است که امیدواریم به نتایج درست و صحیحی برسد. با فتوایی که مقام معظم رهبری در این باره دادند و سلاح هسته ای را در بخش تولید، تکثیر، انباشت، استفاده و فروش شرعاً حرام تلقی کردند این موضوع از بحث امنیتی - نظامی به بحث فرهنگی تبدیل شد.

موضوع دوم چالشی و مسئله برانگیز میان ما و عرصه بین الملل، مسئله تروریسم است که متأسفانه با وجود این که خود ما قربانی تروریسم و خصوصاً تروریسم دولتی بودیم و هستیم و در عرصه بین الملل با آن مبارزه می کنیم همیشه در صف اتهام بودیم. مسئله سومی که ما با آن مواجه خواهیم بود پرونده حقوق بشر و در ضمن آن پرونده چهارم حقوق زنان است.

حقوق بشر اسلامی دارای چه

ویژگی هایی است و چه تفاوتی با حقوق بشر غربی دارد؟

واژه حقوق بشر اسلامی واژه کاملی نیست بهتر است که از نظریه اسلامی حقوق بشر یا حقوق بشر در گفتمان اسلامی سخن بگوئیم. اصطلاح حقوق بشر غربی نیز مفهومی است که بعد از جنگ جهانی دوم تولید شد گرچه مبانی، فلسفه و اصول این اصطلاح از قبل وجود داشته است. اما به عنوان اصطلاح سیاسی و اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم در غرب به وجود آمد چون غربی ها دچار بحران هویت شده بودند به این معنا که پس از رنسانس، غرب فکر می کرد با گسترش دانش تجربی و دانش و علم (علم به معنای علم تجربی و طبیعی نه به معنای دانش و علوم انسانی و اجتماعی) می تواند سعادت دنیا و آخرت انسان ها را تأمین کند اما در سعادت بخشی با جنگ جهانی و کشتار میلیونی انسان ها در دل اروپا مواجه شدند، چون با نژادپرستی و قوم پرستی و به عبارتی مجموعه تبعیض های انسانی مواجه شدند. به نظر با این جنگ شوک بزرگی به جامعه انسانی وارد شد و انسان ها متوجه شدند که دانش به معنای دانش تجربی محض فارغ از الهیات و مسائل انسانی ره به جایی نمی برد و نمی تواند سعادت بخش جامعه باشد. ناگزیر مجموعه ای از انسان های دلسوخته و کسانی که دلسوزان سعادت بشری بودند گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند مفهومی به نام حقوق بشر را پیش بینی کنند و در ضمن مواد قانونی که دولت ها را از تعدی به حقوق انسان ها محفوظ می کند این اصطلاح چند نسل را پشت سر گذاشته است.

بحث حقوق بشر چقدر در اندیشه اندیشمندان گذشته ریشه دارد و چقدر مدرن و جدید است؟ چقدر در ادیان ریشه دارد؟

این بحث بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک اصطلاح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تولید شد اما بدان معنا نیست که اصول، مبانی، فلسفه و قواعد اصلی حقوق بشر در ذهن انسان ها نبوده باشد نه! از گذشته و دیرباز بوده است، هم در آثار فلاسفه مغرب زمین این اندیشه ها را می بینیم هم در اندیشه های فیلسوفان و متفکران شرق و به طور طبیعی و عمیق تر در مفاهیم الهیاتی و دینی (ادیان الهی یهودیت، مسیحیت و اسلام) به

موضوع حقوق بشر پرداخته اند.

اما ما با تفحصی که در مبانی این موضوع در قرآن و روایات داریم به طور مشروح تر و کامل تر و شاید بتوان گفت با زوایای بیشتری موضوع حقوق بشر نه به معنای اصطلاح سیاسی جدید بلکه به مفهوم فلسفه زندگی و سعادت انسان ها به طور گسترده از ادبیات دینی استفاده شده است. به عنوان نمونه وقتی صحبت از کرامت در اندیشه های حقوق بشر می کنیم که مبانی اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر کرامت انسانی یا ارجمندی ارزش انسان و ارزشمندی انسان است. این مفهوم ۱۴ قرن پیش در قرآن کریم به بهترین وجه توضیح داده شده است، وقتی از کرامت انسانی سخن می گوید، می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» ما آدمیان را کرامت بخشیدیم و کرامت در ذات انسان ها وجود دارد یعنی انسان به ما هو انسان، مکرّم خداست. توسط آفریدگار هستی، ارزشمندی برای او مقرر و مقدس شده است، فارغ از دیدگاه های اومانستی و انسان گرایی که ممکن است تعابیر منفی یا نادرستی از آن صورت گیرد در اسلام از انسان گرایی متعالی و والا سخن می گوئیم که آیات فراوانی در این باره وجود دارد مخصوصاً آیاتی که اشاره می کند که انسان در بهترین موقعیت آفریده شده است. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ». «أَحْسَنُ تَقْوِيمٍ» بهترین جایگاه آفرینی است که می تواند در مجموعه آفرینش وجود داشته باشد و در جاهای دیگر، قرآن کریم انسان را به گونه ای خطاب و تعبیر می کند که آدمی و آدمیان برگزیدگان آفریدگار و آفرینش هستند. در ادبیات ما هم گفته شده است که همه اشیاء هستی برای انسان و انسان برای خداست. این یک انسان شناسی متعالی است که در یک نگاه تمام هستی را برای انسان و از نگاه دیگر انسان را برای خدا تفسیر می کند.

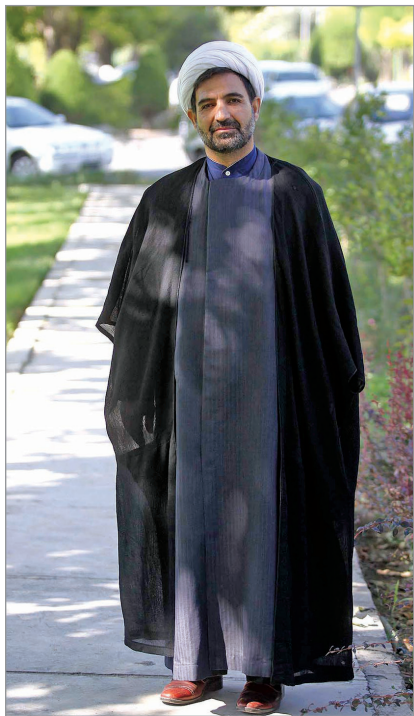
رویکرد ما به اعلامیه حقوق بشر باید چگونه باشد، آیا رویکرد فعلی درست است؟

بند معتمد ما باید رویکرد منفی که نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر داریم را اصلاح کنیم و در این اعلامیه مفاهیم حداکثری وجود دارد که اگر هیچ گونه سازگاری با مفاهیم الهیاتی ندارد اما به نظرم از مفاهیم الهیاتی سرچشمه گرفته است. ممکن است از بعضی از مواد این اعلامیه



نارسیایی واژه

واژه حقوق بشر اسلامی واژه کاملی نیست بهتر است که از نظریه اسلامی حقوق بشر یا حقوق بشر در گفتمان اسلامی سخن بگوئیم.



علت تولید اسلام جعلی و اسلام بدلی داعش در برابر اسلام حقیقی همین است که رغبت عمومی را از سمت اسلام واقعی به سمت اسلام جعلی متمایل کند.

پروژه داعش یا اسلام بدلی یا اسلام آمریکایی و یا اسلام انگلیسی و یا حتی اخیراً تشیع انگلیسی که مطرح شده است به این علت بوده که از میل عمومی به سمت رغبت اسلام جلوگیری شود و این روند کاهش پیدا کند. بنابراین امر حقوق بشر اسلامی بحث جدی، امری ضروری و امری غیر تشریفاتی است.

دوم این که کارکردش این است که شما وقتی نظریه اسلامی را در باب حقوق بشر ارائه کنید که بتواند در جامعه اسلامی به برقراری صلح، امنیت و عدالت منجر و به برقراری صلح و امنیت و عدالت منتهی شود آنگاه می توانیم دفاع عالمانه و کاملاً بدون پیش داوری از مفاهیم اسلامی داشته باشیم. ■

دخالت در نگارش داشت و هم کتاب مفصلی را تحت عنوان حقوق بشر اسلامی تدوین کردند. مقصودم این است که در این اعلامیه اسلامی حقوق بشر که تجربه شده، تفاوت آشکاری دیده نمی شود و انسان مورد احترام اسلام است. در قرآن بیشترین خطاب ها به انسان است. مجموعه انسان ها مخاطب پیامبر اکرم (ص) و قرآن هستند و قرآن به صورت فرا اسلامی، فرادینی، فراجغرافیایی، فرانسزادی و فرازبانی تعریف می کند. این طور نیست که خودش را در دامنه محدود مؤمنین یا مسلمانان محدود کند البته به طور طبیعی کسانی که از پارسایی بیشتری برخوردارند، کریم ترند. پارسایی می تواند در انسان به ماهو انسان و فارغ از اسلام و غیر اسلامی باشد اما به هر حال کسی که به مبانی اسلامی توجه و دقت کند برخورداریش از پارسایی و تقوای بیشتر خواهد بود.

مقصود جدی و اصلی من این است که در رفتار کشورهای اسلامی و مسلمانان که چنین اعلامیه ای را تدوین کردند رفتارهایی همسو با اعلامیه نمی بینیم. متأسفانه خود کشورهای اسلامی در عمل به این اعلامیه، عقب نشینی کردند و هرگز به این امور اقدام نکردند. اگر دقیق به مفاهیم و مبانی اسلام توجه کنیم هیچ فاصله ای بین حقوق مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد.

بیداری اسلامی از علل اصلی نبود جامعه عدالت و روز و جامعه ای است که جوانان و مردمش از حقوق اساسی برخوردار باشند. مستبدان در کشورهای اسلامی حکومت می کنند و متأسفانه مسلمان مورد توجه قرار نمی گیرند و به حقوق و اعلامیه اسلامی حقوق بشر هم توجه نمی شود.

حقوق بشر اسلامی چه کار کردی دارد و چگونه می توان آن را در جهان معرفی کرد؟

حقوق بشر در گفتمان اسلامی یا نظریه اسلامی حقوق بشر امروز ضرورت است نه امر لوکس یا امری که بتوان از آن کناره گیری کرد. در نظم بین الملل فعلی و در روابط بین الملل توجه به نخست مفهوم الهیات و دیانت شکل گرفته است. و به ویژه توجه جهانیان در عرصه بین الملل به موضوع اسلام و مبانی اسلام بسیار جدی است.

تفسیر درستی صورت نگیرد و به نحوی با برخی از احکام فقهی یا ارزش های اخلاقی یا معارف الهیاتی در تعارض ظاهری باشد که طبیعتاً باید تفسیر درستی از این ها ارائه داد و تعارض را از بین برد. کاملاً قبول دارم که متأسفانه امروز از این اعلامیه و بحث حقوق بشر سوء استفاده می شود؛ استانداردهای دو گانه در رفتار دولت های قدرتمند و ابر قدرت نسبت به برداشت های حقوق بشری به چشم می خورد.

مفهوم مورد نظر من این است که ما می خواهیم از ظرفیت انسانی الهیاتی اعلامیه حقوق بشر به نفع مظلومان و محرومان و طبقات در مانده و کسانی که مورد ظلم و ستم قرار می گیرند استفاده کنیم و اعلامیه جهانی حقوق بشر را دادگاهی علیه ستمگران امپریالیستی یا امپریالیسم جهانی تبدیل کنیم.

ما نباید خودمان را از این اعلامیه کنار بکشیم تا ابزاری در دست آن ها باشد. مثلاً در منطقه، جمهوری اسلامی ایران با وجود این که انتخابات فراوانی را برگزار کرده است و تا حدود زیادی توانسته اصول انسانی و کرامت انسانی را مخصوصاً در بخش مشارکت سیاسی و اجتماعی تحقق ببخشد ولی بارها مورد انتقاد قرار گرفته است. در بسیاری از کشورهای منطقه قانون اساسی وجود ندارد. فراموشی وجود ندارد و حقوق مسلم انسان ها مثلاً حقوق زنان مخدوش شده است. در حقوق قضایی و کیفری این کشورها با قواعد ضد انسانی مواجه هستیم اما برای این کشورها پرونده های تشکیل نمی شود و گزارشی علیه آن ها تهیه نمی شود.

یکسری انتقادهایی به حقوق بشر اسلامی هم مطرح می شود، مثلاً این که چرا اسلام بین حقوق مسلمان و غیر مسلمان تفاوت قائل می شود؟ شما چه پاسخی به این پرسش یا شبهه دارید؟

ما باید نظریه اسلامی حقوق بشر را تدوین کنیم، اما متأسفانه تجربه فراوانی در این میان نداریم تنها تجربه او ای سی یا سازمان همکاری های اسلامی هست که اعلامیه ای را به نام اعلامیه اسلامی حقوق بشر نوشت. جمهوری اسلامی ایران هم در این موضوع دخالت داشت مرحوم علامه محمد تقی جعفری در این باب هم



حقوق جوامع

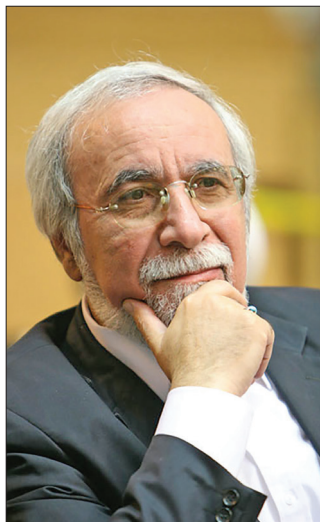
مفهوم حقوق بشر جوامع و مفهوم حقوق توسعه جوامع بدین معنی است که علاوه بر حقوق فرد باید به حقوق و فرهنگ جامعه و حقوق توسعه اجتماعی فراگیر هم احترام گذاشت.

ایده اولیه حقوق بشر اسلامی را خود ایران داده بود؟

بله، حدود سال ۱۳۶۸ بود. در نشست تهران کمیته‌ای تشکیل شده بود که در آن کمیته بنده و عده‌ای دیگر بودیم و بین چند گزینه باید هم خودمان انتخاب می کردیم و هم کمک می کردیم به بقیه کشورها. ما سه طیف داشتیم از کشورهای اسلامی به لحاظ ارتباطشان لائیک بودند و به مفاهیم دینی یا تعلق خاطر نداشتند یا مخالفت می کردند مثل ترکیه آن زمان و سنگال. گرچه ضد آن هم نبود ولی پایبندش هم نبودند، مثل سوریه و تاحدودی مصر و برخی دیگر. گروه دوم کشورهایی بودند که موازن حقوق بشری را بر نمی تافتند و قبول نداشتند و با آن در ستیز بودند و هر گونه سخن در این باب را رد می کردند. در هیچ اجلاس حقوق بشری حاضر به شرکت نبودند و در هیچ کنوانسیون‌ی وارد نمی شدند و از طرح همین عنوان حقوق بشر جوش می آوردند، مثل عربستان سعودی، سودان و چند تای دیگر. اما در میان ۲ طیف یاد شده که در منتهی‌الیه موافقت و مخالفت با مفاهیم حقوق بشر بین‌المللی بودند، کشورهایی مثل جمهوری اسلامی ایران به حقوق بشر معتقد بوده و عمل می کرد و قانون اساسی‌اش موارد زیادی از احترام، حفاظت و دفاع از حقوق بشر را شامل می شد.

سازمان کنفرانس اسلامی چگونه از حالت انفعالی به ابتکار عمل رسید؟

به تدریج در نتیجه مذاکرات ایران با کشورهای اسلامی آن‌ها راضی شدند تا سخنی برای گفتن داشته باشیم و فقط از موضع رد یا تأیید حقوق بشر غربی برخورد نکنیم. خب مباحث جدیدی هم آن زمان مطرح شده بود مثل مفهوم حقوق بشر جوامع، مفهوم حقوق توسعه جوامع، بدین معنی علاوه بر حقوق فرد باید به حقوق و فرهنگ جامعه و حقوق توسعه اجتماعی فراگیر هم باید توجه کرد و احترام گذاشت. بنابر این کشورهایی که به شدت فاصله داشتند از هر گونه توجه به حقوق بشر - مثل عربستان - کم کم مایل به مشارکت شدند. همچنین مصری‌ها به دلیل این



محض یا مشارکت صرف در اجلاس حقوق بشر بین‌المللی، دیدگاه‌های خودشان را از منظر اسلام تعریف کنند و حقوق بشر را از آن دیدگاه تبیین کنند. این شد که نشست‌هایی تشکیل شد. برخی از کشورها هم که اصلاً عضو کنوانسیون جهانی حقوق بشر نبودند و حتی کنوانسیون‌های چندگانه ملل را امضا نکرده بودند از این طریق سعی کردند گام به گام به سمت همکاری در سطح جهان حرکت کنند و وثیقه یا منشور حقوق بشر اسلامی را تبیین کنند و به آن استناد کنند.

یک ابهام تاریخی در مورد آن مقطع وجود دارد که حتی نمی دانیم رئیس هیأت ایرانی که بود؟

در اجلاس قاهره هم بیشتر حضرت آیت‌الله تسخیری از طرف جمهوری اسلامی ایران شرکت داشتند. حتی همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران خود آیت‌الله رئیس هیأت ایران بود که در ریاض در یکی از اجلاس طارق عزیز رئیس هیأت عراقی بود. آیت‌الله تسخیری بسیار صریح و شجاعانه در آن محیطی که همه دفاع می کردند از عراق، وزیر خارجه صدام را زیر سؤال کشید و پرسید که یک شخص مسیحی چگونه می خواهد در بحث حقوق بشر اسلامی نماینده یک کشور مسلمان باشد؟

نظریه برخورد تمدن‌ها پاسخی به حقوق بشر اسلامی

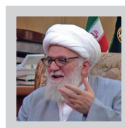
گفت و گو با دکتر صباح زنگنه، از پیشگامان تدوین منشور حقوق بشر اسلامی

شروین طاهری

با گذشت ربع قرن از رویداد تاریخی صدر اعلامیه حقوق بشر اسلامی، هنوز موانع زیادی بر سر راه عملی شدن مفاد آن در کشورهای اسلامی امضاکننده آن به چشم می خورد. دکتر صباح زنگنه نماینده پیشین مجلس و سفیر و نماینده وقت ایران نزد سازمان همکاری (کنفرانس) اسلامی یا OIC، هم‌اکنون در سمت مشاورت بین‌الملل قوه قضائیه نقش پررنگی در رسانه‌ها در تحلیل اوضاع جهان و منطقه خاور میانه دارد و در عین حال به عنوان مؤسس مجمع احیاء فرهنگ اسلامی فعالیت دارد. به گفته استاد زنگنه، همبستگی کشورهای اسلامی بر سر احقاق حقوق مسلمین چنان اهمیت دارد که حتی ساموئل هانتینگتون، ارائه دهنده نظریه برخورد تمدن‌ها، یکی از معدود موارد اجماع این کشورها در ابتدای دهه ۱۹۹۰ را مبنای «تهدید اسلامی برای غرب» در نظریه خود قرار داده است. با این حال او کماکان معتقد به تعامل حقوق‌دانان اسلامی و غربی و حفظ اشتراکات حقوق بشر اسلامی با روایت بین‌المللی آن است. به مناسبت فرا رسیدن چهاردهم مرداد ماه، روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی، در گفت‌وگو با ایشان به مرور زمینه‌های جنبشی پرداختیم که ۲۵ سال پیش از جده تا تهران و قاهره و وین امتداد یافت.

به عنوان یکی از پیشگامان تدوین حقوق بشر اسلامی و همچنین سفیر سابق ایران در سازمان همکاری اسلامی، لطفاً شرح دهید که چه پیشینه‌ای به صدور اعلامیه حقوق بشر اسلامی در سال ۱۳۶۹ منجر شد؟

دولت‌های اسلامی در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی تصمیم گرفتند که به جای انتقاد



آیت‌الله تسخیری

همزمان با جنگ تحمیلی، آیت‌الله تسخیری در ریاض، که همه از عراق دفاع می‌کردند، وزیر خارجه صدام را زیر سؤال کشید و پرسید که یک شخص مسیحی چگونه می‌خواهد در بحث حقوق بشر اسلامی نماینده یک کشور مسلمان باشد؟

و آفریقایسی انجام شده که خط ممتدی از نقض حقوق بشر توسط قدرت‌های سلطه‌گر غربی در این کشورها به چشم می‌خورد. بنابر این تبیین مفهوم حقوق بشر نیاز دارد به یک سازوکار و ضمانت قوی‌تری که از همان حقوق بشر بین‌المللی هم در کشورهای گوناگون حفاظت بکند تا غربی‌ها نقضش نکنند.

ربع قرن از صدور اعلامیه حقوق بشر اسلامی می‌گذرد. آیا دستاوردی در کشورهای اسلامی داشته که شما شاهدش بوده باشید؟

تنها موردی که توانستیم نسبتاً در آن با کشورهای اسلامی هماهنگ و موفق عمل کنیم، بحران بوسنی هرزگوین بود. آن زمان در وین، اجلاس جهانی بازنگری حقوق بشر تشکیل شده بود و آنجا تقریباً اغلب کشورهای اسلامی حتی آن‌هایی که لائیک بودند یا برعکس با طرح مفهوم حقوق بشر مخالف بودند، کنار هم ایستادند و مشترکاً یک قطعنامه مستقلاً در این زمینه امضا و صادر کردند. تا آنجا که ساموئل هانتینگتون در کتاب معروف خودش - برخورد تمدن‌ها - به این واقعه اشاره کرد و آن را یک تحول فرهنگی بزرگی تلقی کرد که از آن به‌عنوان درگیری یا جنگ تمدن‌ها نام برد.

شما به‌عنوان یکی از پیشروان حقوق بشر اسلامی، انتظار دارید روزی که بدین عنوان نام‌گذاری شده (۱۴ مرداد) چه بازتابی داشته باشد؟

اولاً که این مباحث و مفاهیم در جامعه مطرح شود. علی‌ای حال حفظ کرامت انسان‌ها یک وظیفه اسلامی و انسانی است که باید به آن عمل کرد. ثانیاً با تشکیل کارگاه‌های ویژه‌ای به بسط این مفاهیم کمک شود. ثالثاً حقوق‌دان‌های اسلامی با حقوق‌دان‌های غربی و دیگر بخش‌های جهان تعامل و به قرائت‌های یکدیگر توجه کنند و برای تکمیل و توسعه این مفاهیم در سطح جهانی تلاش شود. همچنین باید نسبت به بالا بردن استانداردهای مشترک حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر جهانی اقدام کرد. ■

امروز حقوق بشر دستاویز بزرگی شده برای قدرت‌های غربی تا در امور دیگر کشورها دخالت کنند در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم ضمانت اجرایی وجود ندارد؟

به هر حال مزیتش همین بود که کشورهای اسلامی دیگر بدین واسطه مجبور شدند مباحث حقوق بشری را مطرح کنند و در کنفرانس‌ها شرکت کنند. کنوانسیون‌ها درست است که مکانیزم اجرایی و الزامی ندارند اما حضور در محافل مستلزم اولاً، ارائه گزارش سالانه است و کشورهای که عضو نیستند گزارشی ارائه نمی‌کنند. گزارش هم که نباشد کسی سؤال نمی‌کند. ثانیاً اگر امور جلوتر برود و مورد مناقشه قرار بگیرد تحکم گزارش‌گر ویژه هم که برای خیلی از کشورها تعیین می‌شود پیش می‌آید. ثالثاً خود بدنه تشکیلات کمیسیون عالی حقوق بشر اگر کشوری گزارش ناقصی بدهد، موظف است که سالانه گزارش‌های نقض حقوق بشر در آن کشور را ارائه کند که بارها دیده‌ایم علیه اسرائیل، آمریکا و کشورهای بزرگ هم گزارش‌های نقض داده می‌شود اگرچه سعی می‌شود مراعات استانداردهای کشورهای غربی به عمل بیاید تا با حیل‌های گوناگون حقوق بشر را نقض کنند. البته مفهوم نقض حقوق بشر خودش به بحث وسیعی نیاز دارد که دولت‌های سلطه‌گر اگر هم حقوق بشر و حقوق بیان را ظاهراً در کشور هایشان رعایت می‌کنند - که نمی‌کنند - در عوض حقوق بشر سایر کشورها و ملت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. به همین دلیل شاهد دخالت‌ها، کودتاها و حضور نظامی و کشتارها در کشورهای مختلف از طرق گوناگون هستیم، از استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی گرفته تا وسائل جاسوسی از کشورها. چقدر کشتار توسط هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در عراق و افغانستان و دیگر کشورهای آسیایی

که دانشگاه‌ها از هر زمینه مساعدی داشت و آماده همکاری بود باعث شد که بین ایران و مصر یک حرکت مشترکی انجام شود و با حضور برخی از حقوق‌دان‌های متدین مصر به تدوین منشور بپردازیم.

در جریان تدوین حقوق بشر اسلامی دقیقاً چه بحث‌هایی بین حقوق‌دان‌های ایران و کشورهای دیگر چه مباحثی مطرح بود؟

عمده حقوق‌دان‌های اسلامی می‌گفتند ما عضو کنوانسیون‌ها نیستیم و نمی‌خواهیم وارد مقوله‌ای بشویم که بعد مجبور شویم مرحله به مرحله جوابگوی کشورهای غربی باشیم. خوب در عربستان به عنوان مثال نه انتخاباتی بود و نه حق بیان و وجود داشت و هنوز هم وجود ندارد. یعنی حقوق ساده و اولیه بشر حقیقتاً رعایت نمی‌شد و این‌ها حاضر نبودند که بپذیرند انسان‌ها کرامتی دارند. اما قرآن آن همه تأکید دارد بر این مفاهیم و نمی‌شود از این مفاهیم صرف‌نظر کرد. دولت‌هایی نظیر سعودی نگران بودند که اگر الف حقوق بشر را بپذیرند مجبور شوند تا یای آخر آن برون‌د و ناچار از عضویت در محافل بین‌المللی شوند.

گویا کشورهای مخالف تنها در صورتی حاضر به امضای منشور حقوق بشر اسلامی شده بودند که قید ضمانت اجرایی و تعهد دولت‌های امضاکننده به مفاد منشور را بردارید؟

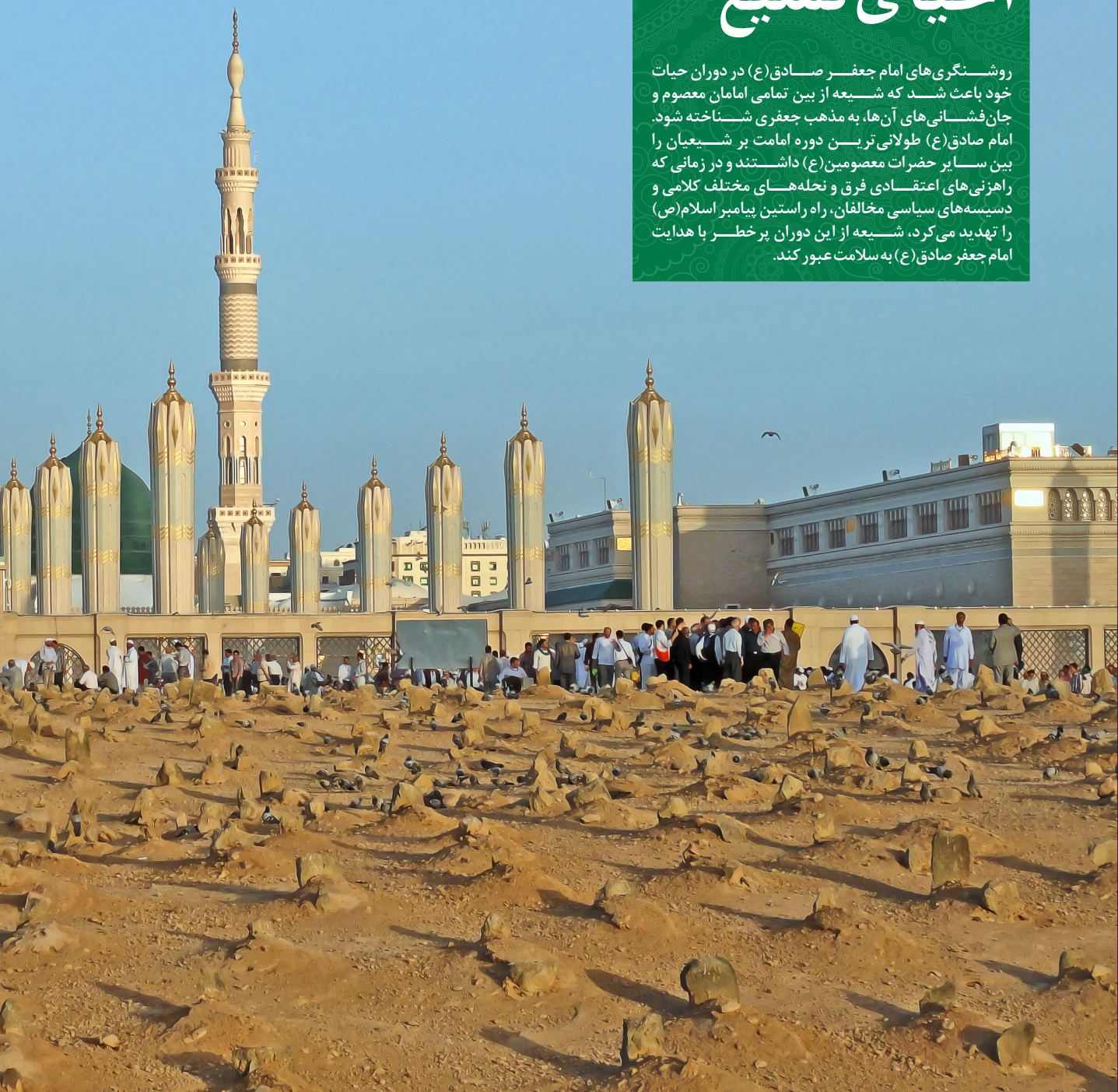
همین‌طور است. اولاً مفهوم حمایت از حقوق بشر را به خصوص عربستانی‌ها نمی‌پذیرفتند و ترویج را ترجیح می‌دادند. بالاخره هیچ جای سنجشی وجود نداشت که ببینیم مفاد حقوق بشر اسلامی را در کشور خودشان ترویج کرده‌اند یا خیر؟ اما حمایت و حفاظت از حقوق بشر قابل سنجش است و معیار دارد که اگر فعالی به زندان افتاد، اگر روزنامه‌ای بسته شد یا سخندانی از سخن گفتن منع شد امتیاز منفی دارد. به همین دلیل آن‌ها قاید ترویج (Promotion) را در منشور پذیرفتند ولی حفاظت (Protection) را رد کردند. همین موضوع زمینه عدم اجرای منشور را فراهم می‌کرد. چون وقتی هدف فقط



دروین اغلب
کشورهای
اسلامی مشترکاً
یک قطعنامه
به نفع بوسنی
صادر کردند تا
آنجا که ساموئل
هانتینگتون در
کتاب معروف
خودش آن را یک
تحول فرهنگی
بزرگی تلقی کرد
که از آن به عنوان
درگیری یا جنگ
تمدن‌ها نام برد.

احیای تشیع

روشنگری‌های امام جعفر صادق (ع) در دوران حیات خود باعث شد که شیعه از بین تمامی امامان معصوم و جان‌فشانی‌های آن‌ها، به مذهب جعفری شناخته شود. امام صادق (ع) طولانی‌ترین دوره امامت بر شیعیان را بین سایر حضرات معصومین (ع) داشتند و در زمانی که راهزنی‌های اعتقادی فرق و نحله‌های مختلف کلامی و دسیسه‌های سیاسی مخالفان، راه راستین پیامبر اسلام (ص) را تهدید می‌کرد، شیعه از این دوران پرخطر با هدایت امام جعفر صادق (ع) به سلامت عبور کند.



در این پرونده بخوانید



امام صادق^(ع) پدید
آورنده سبکی از
زندگی دینی است



تبیین کننده مرزهای
اعتقادی شیعه



تعلیم و تربیت
از منظر امام صادق^(ع)



سبک زندگی علمی از
منظر امام صادق^(ع)



قیام علمی امام برای تهذیب شیعه و حرکت در جهت نفی غلو و دور کردن شیعیان از جریان غلو از مهم ترین اقدام های امام صادق (ع) برای حفظ فرهنگ اصل اسلام (و سبک زندگی دینی شیعیان) است.

۶ پروژه عظیم

امام صادق (ع) پدید آورنده فرهنگ جامع و سبکی از زندگی دینی است

مهناز اکبری

با توجه به جو سیاسی و اجتماعی ویژه ای که حاکم شده بود، امام صادق (ع) فعالیت آشکار خود را آغاز کرد. ضعف بنی امیه و انتقال قدرت به بنی عباس، امام را از خشم و حمله فرمانروایان و مراقبت شدید آن هاداران نکه داشت. این عوامل به امام یاری رساند تا کار خود را با روش علنی و ظاهری انجام دهد. آن حضرت فعالیت و کوشش خود را به مساعی عملی سخت کوشانه آغاز و حوزه فکری و تمرینش خویش را که بزرگان فقه و متفکران عظیم از آن بیرون آمدند، در صفوف امت، افتتاح کرد و پس از او شاگردان مکتب ایشان به عنوان ثروتی فرهنگی برای امت بر جای ماندند.

عوامل موفقیت امام

قبل از بیان پروژه های فرهنگی امام صادق (ع) و نوع فعالیت های ایشان در احیاء، حفظ و گسترش سبک زندگی شیعی بهتر است اول به دلایل موفقیت آن حضرت اشاره کنیم تا فضای اجتماعی، علمی و فرهنگی آن زمان ملموس تر شود. عوامل موفقیت آن حضرت عبارتند از:

۱. عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) عصر گسترش علوم اهل بیت در زمینه های مختلف بود. این مسئله درباره امام صادق (ع) بیشتر صدق می کند و این به دلیل مصادف شدن بخشی از دوران امامت آن حضرت، با فضای باز سیاسی بود که در نتیجه خلأ سیاسی ناشی از انقراض حاکمیت نیرومندان امویان از یک طرف و روی کار آمدن بنی عباس از طرف دیگر به وجود آمده بود.

۲. دلیل دوم این بود که امام محمد باقر (ع) این نهضت فرهنگی را آغاز و زمینه را برای فعالیت های امام صادق (ع) مهیا کرده بود.

۳. به نظر می رسد فشارهایی که خلفای قبلی روی مسلمانان وارد کرده بودند و مانع رابطه آزادشان با ائمه شده بودند و نیز ممانعتشان از نوشتن احادیث باعث شده بود که مردم از آزادی ایجاد شده استقبال کنند و برای استفاده از علوم الهی ائمه به سوی ایشان شتافته و از محضرشان بهره ببرند به همین دلیل در جلسه درس امام جعفر صادق (ع) هزاران تن حضور داشتند؛ بسیاری از شبهاط مطرح و توسط امام پاسخ داده می شد.

۴. از طرفی هم اهل تسنن به تکاپو افتاده بودند و باید موضع امام در این زمینه مشخص می شد تا صحت و سقم راهشان معین شود. لذا این نیز دلیلی بر کثرت فعالیت های امام صادق (ع) شد که به موفقیت ایشان در این زمینه انجامید.

۵. از آنجا که آن حضرت مدینه را به عنوان مرکز فعالیت علمی - فرهنگی خود انتخاب کرده بودند این مسئله دستیابی مردم را به ایشان آسان می ساخت چرا که هر ساله گروه های بسیاری از مسلمانان برای ادای مناسک حج و رفع مشکلات

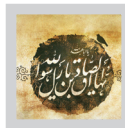
و مسائل علمی و نظری خود به حرمین (مکه و مدینه) رهسپار می شدند و در آن جا بود که آنان با امام صادق (ع) و مدرسه بزرگ آن حضرت برخورد می کردند و هر آنچه را که می خواستند در نزد آن حضرت می یافتند.

برنامه های امام برای بالا بردن سطح علمی - فرهنگی

امام صادق (ع) با دقت نظر در شرایط جامعه و یک برنامه ریزی هدفمند، فعالیت های خود را برای بالا بردن سطح علمی - فرهنگی و با دیدگاه احیاء، گسترش و حفظ سبک زندگی دینی مسلمانان و بالأخص شیعیان آغاز کردند و برنامه های خود را در قالب ۶ پروژه عظیم به انجام رساندند که عبارتند از: رویارویی با فرهنگ های بیگانه و نهضت ترجمه، مناظره، راهی برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان، رویارویی بامبانی نادرست مکتب حنفی، مبارزه با غالیان برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان، تربیت افسران جنگ نرم، شکل گیری فقه جعفری و سبک جدید زندگی دینی شیعیان، رویارویی با فرهنگ های بیگانه و نهضت ترجمه.

روش مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانگان

از آن جا که هدف امام صادق (ع) به وجود آوردن یک فرهنگ جامع شیعی و سبک صحیح زندگی دینی بود در این راه هرچه در توان داشتند به کار بستند و از راه های مختلفی به مبارزه با موانع پرداختند. یکی از موانع، تهاجم فرهنگی بیگانگان بود که امام با درایت خویش و به روش گفت و گو که در قالب مناظره بود، با آن برخورد کردند. یکی از طرح های فرهنگی امام صادق (ع) رویارویی درست با فرهنگ های بیگانه بود. فتوحات اسلامی موجب شد تا برخورد های نیرومندی میان مسلمانان و تازه مسلمانان پدید آید. از آن جا که بیشتر مسلمانان درک و بینش شایسته و استوار از اسلام نداشتند گاهی این برخوردها به نتایج منفی می انجامید و مسلمانان را به دو گروه تقسیم می کرد.



نهضت علمی

وقتی امام صادق (ع) نهضت علمی خود را گسترش داد هزاران پژوهنده دانش با اشتیاق فراوان از راه‌های دور و نزدیک به مدینه آمدند. حتی بسیاری از متفکران غیر اسلامی نیز برای مناظره و بحث علمی خدمت امام می‌رسیدند.

سه گانه یعنی پدر و پسر و روح القدس شدند. «قُتِلَ بِأَهْلِ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» غلو اساس دين را مورد تهديد قرار داده بود و برای شیعیان خطرناک بود زیرا نه تنها از درون سبب ایجاد آشفتگی در عقاید شیعه می‌شد و آن را منزوی می‌کرد بلکه شیعه را در نظر دیگران انسان‌هایی بی‌قید و بند نسبت به دین نشان داده و بدبینی همگان را نسبت به شیعیان به‌وجود می‌آورد. زیرا غالیان می‌کوشیدند تا با رخنه درون شیعه آن را از داخل متلاشی کرده و چهره خارجی آن را خراب کنند.

اقدامات امام صادق (ع) در برابر غالیان

امام صادق (ع) و پس از ایشان سایر ائمه به شدت در برابر غالیان ایستادگی کردند. قیام علمی امام برای تهذیب شیعه و حرکت در جهت نفی غلو و دور کردن شیعیان از جریان غلو از مهم‌ترین اقدامات امام صادق (ع) برای حفظ فرهنگ اصل اسلام (و سبک زندگی دینی شیعیان) است و نیز از جمله اقدامات امام، دور کردن شیعیان اصیل از غالیان منحرف بود. زیرا وجود ارتباط میان آن‌ها و جاذبه‌های احتمالی موجود در غلات می‌توانست کسانی از شیعیان را به سوی غلو بکشاند، به‌ویژه که غالیان به دروغ خود را مرتبط به امامان معرفی کرده و در برابر تکذیب امامان اظهار می‌کردند که این تکذیب صرفاً از روی تقیه است و این امر در فریب شیعیان ساده‌دل مؤثر بود. به همین دلیل امام به بارانشان فرمود: «با غلات نشست و برخاست نکرده و هم‌غذا نشوید و همراهشان چیزی ننوشید و با آن‌ها مصافحه نکنید.» امام صادق (ع) وظیفه مهم حفظ و صیانت شیعه از انحراف را در رأس برنامه خود قرار داد و آن را از تأثیرپذیری در برابر انحرافات موجود عصر خود، که خلوص فکری و عقیدتی و استقلال مکتبی شیعه را به طور مداوم مورد تهدید قرار می‌داد بازداشت. ■

کسانی همچون هشام بن حکم متکلم پرآوازه و عمران بن ایمن دیگر مشاهیر علم و حکمت و کلام که به معیارهای نظری اسلام نیز آگاه بودند. آن حضرت به نوشتن رساله‌هایی همچون «توحید مفصل» و «اهلیجه» و ... اقدام کرد. رویارویی شخصی با سران اندیشه‌های الحادی. طرح سوم، مؤثرترین طرح بود پس حضرت با افرادی مثل ابن ابی العوجاء و ابن طلوت و ابن اعمی و ابن مقفع و ... روبرو شد.

مناظره، راهی برای حفظ سبک زندگی دینی مسلمانان

وقتی امام صادق (ع) نهضت علمی خود را گسترش داد هزاران پژوهنده دانش با اشتیاق فراوان از راه‌های دور و نزدیک به مدینه آمدند. حتی بسیاری از متفکران غیر اسلامی نیز برای مناظره و بحث علمی خدمت امام می‌رسیدند و حضرت با آنان مناظره می‌کردند. در این زمان علم کلام رونق فراوانی داشت لذا امام از این راه نیز به ترویج فرهنگ اسلامی و شیعی پرداختند و هر جا لازم بود و شرایط فراهم می‌شد مناظره می‌کردند. تعدادی از مناظره‌های امام صادق (ع) بین ایشان و زنادقه روی داد و تعدادی نیز مناظره‌هایی است که به درخواست منصور عباسی بین امام و کفار یا بزرگان اهل سنت رد و بدل می‌شد.

مبارزه با غالیان برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان

غلو به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیزی است. کلمه غلو و مشتقات آن دوبار در قرآن به معنی غلو در دین آمده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ الْإِلَهَ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْقَهْطَاءُ مَرْيَمُ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهَوْا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ...» این آیه درباره مسیحیان است که پیامبر خود حضرت عیسی (ع) را از حد فراتر برده، او را پسر خدا دانستند و قائل به خدایان

گروه اول محافظه کاران و قشری گرایانی بودند که تنها جنبه ظاهری دین را گرفته و از فهم جوهر و حقیقت آن باز مانده بودند. این‌ها عقل و خرد خود را همراه با آن معیارها گم کرده بودند. گروه دوم تندروهایی بودند که شدیداً از وضع موجود در جامعه تأثیر پذیرفته بودند. آن‌ها معیارها را به کناری افکنده و تنها به آنچه عقل‌های کوتاه‌شان بر حسب اختلاف گرایش‌ها و دگرگونی شرایط به آنان دیکته می‌کرد اکتفا کرده بودند. اعراب در آن روزگار با اندیشه‌های یونانی هیچ‌گونه آشنایی نداشتند و تنها شمار اندکی از مسلمانان که تمام ابعاد فلسفه نظری امام را درک کرده بودند و به وجود تفاوت میان آن‌ها و دیگر تئوری‌ها پی بردند، می‌توانستند با اقامه دلیل و برهان اصول فکری اسلام را اثبات کنند و اصول و تئوری‌های دیگر مکاتب را درهم بکوبند. این عده اندک، با کسانی بر خود می‌کردند که معلومات آن‌ها بر مجموعه‌ای از احادیثی که از ابوبهریره و امثال او روایت شده بود، محدود بود و اصلاً به تناقضات فراوانی که در آن‌ها به چشم می‌خورد توجه نشان نمی‌دادند و خود را بر حق گمان می‌کردند. از این‌رو هر کدام حزبی راه می‌انداخت و مردم را پنهانی دعوت می‌کرد. در این شرایط نیاز به معلمی نمونه چون امام صادق (ع) کاملاً احساس می‌شد تا خط‌مشی مسلمانان را تعدیل کند و راه درست را به آن‌ها نشان دهد. امام بر خود لازم می‌دید که در برابر این گروه‌ها به سستیز برخیزد و اوهام باطل آن‌ها را از هم بشکافد.

طرحی برای رویارویی با فرهنگ بیگانه

آن حضرت برای رسیدن به این هدف سه طرح خردمندانه ترسیم کردند تا سبک زندگی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در رویارویی با فرهنگ‌های بیگانه آسیب نبیند که عبارتند از: ۱- و قسمتی از مدرسه‌اش را به کسانی اختصاص داد که از فلسفه (به‌ویژه فلسفه یونان) آگاهی داشتند و به‌خوبی از نظر اسلام درباره آن‌ها و دلائلی که آن فلسفه‌ها را نقض می‌کرد آگاه بودند



گفت و گو

چرا فعالیت فرهنگی؟

امام صادق (ع) در شرایط ویژه آن زمان فعالیت‌های فرهنگی را در پیش می‌گیرند که ادامه‌دهنده کار پدر بزرگوارشان بود و کار فرهنگی امام باقر (ع) را به کمال رساند.

امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۴ هجری، عهده‌دار امامت شیعیان شدند و تا سال ۱۴۸ به مدت ۳۴ سال، یکی از طولانی‌ترین دوره‌های امامت شیعیان را عهده‌دار بودند. دوران امام صادق (ع) دوره خاصی است زیرا این زمان با دوره انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس مصادف شد که یک اتفاق مهم سیاسی بود. سلسله‌ای برچیده شد و سلسله جدید به جای آن بر سر کار آمد. در زمان امام صادق (ع)، جنگ‌ها و درگیری‌های شدیدی بین بنی امیه و جبهه تازه ظهور یافته بنی عباس روی داد که سرانجام در این نبردها بنی عباس به پیروزی رسید. آنچه که در این قسمت نباید از آن غافل شویم این است که جبهه‌ای که با بنی امیه در حال نبرد بود، متشکل از اتحادی از بنی عباس و علویان ناراضی از حکومت بنی امیه بود.

بنی عباس سعی کردند که کلیه نیروهای مخالف با بنی امیه را بسیج کنند و در این راه از عدم رضایت و خشم شیعیان علیه بنی امیه استفاده کردند و با بزرگان اهل بیت (ع) از تبار امام حسن (ع) که در آن روزگار به بنی الحسن (ع) مشهور بودند، نامه‌نگاری کردند. بنی عباس از طرفی دیگر با امام صادق (ع) نامه‌نگاری کردند و ایشان را دعوت کردند که با نهضت آن‌ها همکاری کنند.



تبیین کننده مرزهای اعتقادی شیعه

دوران امامت امام جعفر صادق (ع) در گفت و گو با مجید معارف

سیدحسین امامی

دبیر گروه اندیشه

روشنگری‌های امام جعفر صادق (ع) در دوران حیات خود باعث شد که شیعه از بین تمام امامان معصوم و جان‌فشانی‌های آن‌ها، به مذهب جعفری شناخته شود. امام صادق (ع) طولانی‌ترین دوره امامت بر شیعیان را بین سایر حضرات معصومین (ع) داشتند و در زمانی که راهزنی‌های اعتقادی فرق و نحله‌های مختلف کلامی و دسیسه‌های سیاسی مخالفان، راه راستین پیامبر اسلام (ص) را تهدید می‌کرد، شیعه از این دوران پر خطر با هدایت امام جعفر صادق (ع) به سلامت عبور کند. در باره اقتضائات آن دوران و شیوه‌ای که امام صادق (ع) برای گسترش اسلام راستین اتخاذ فرمودند، با دکتر مجید معارف، استاد دانشگاه تهران به گفت و گو نشستیم. وی علاوه بر مقالات و پژوهش‌های مختلف در خصوص علوم قرآن و معارف اسلامی، صاحب مقالات و تألیفاتی مانند کتب «پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه»، «در آمدی بر تاریخ قرآن»، «پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ علوم قرآن»، «مباحثی در تاریخ و علوم قرآن» است.

دوره امامت امام صادق (ع)

همزمان با فراز و نشیب‌های زیادی از لحاظ تاریخی در خلافت بر سرزمین‌های اسلامی و همچنین مباحث کلامی همراه بوده است. لطفاً این نقاط مهم را که آغاز مسیر تحولات فرهنگی جهان اسلام است تشریح کنید!

حضرت امام جعفر صادق (ع) پیشوای جهان شیعه هستند. این امام همام نقش انکارناپذیری در احیای معارف اسلامی داشتند و در واقع معرف اسلام راستین به جامعه بودند و در این جهت نه تنها بر شیعیان بلکه بر همه مسلمانان حق عظیمی دارند. این بزرگوار در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۸۳ هجری قمری متولد شدند و فرزند امام محمد باقر (ع) هستند که پس از شهادت

امام صادق (ع) چه پاسخی به این درخواست‌ها دادند؟

آنچه که در موضع‌گیری‌های حکیمانه ایشان قابل ذکر است این است که ایشان به نامه سردمداران این نهضت یعنی ابوسلمه حلال، شخصیت معتبر سیاسی و ابومسلم خراسانی، شخصیت معتبر نظامی این نهضت پاسخ منفی دادند. امام صادق (ع) آن موقع می‌دانستند که بنی عباس در صورت پیروزی تبدیل به یک بنی امیه جدید از نظر خشونت و قدرت‌طلبی و ظلم می‌شود. در آن زمان شعار نهضت بنی عباس این بود که فعلاً با بنی امیه می‌جنگیم و بعد از پیروزی، یک شخصیت عادل و مرضی آل محمد (ص) را به خلافت انتخاب می‌کنیم. در حالی که بعد از پیروزی برخلاف شعار خود عمل کردند



احیای معارف اسلامی

این امام همام نقش انکارناپذیری در احیای معارف اسلامی داشتند و در واقع معرف اسلام راستین به جامعه بودند و در این جهت نه تنها بر شیعیان بلکه بر همه مسلمانان حق عظیمی دارند.

و با ابوالعباس سفاح بیعت کردند و بعد از او خلافت به برادر ابوجعفر، منصور دوانقی رسید.

❖ یکی از ویژگی‌های دوران امامت امام صادق (ع) وجود نحله‌ها و جریانات فکری و مذهبی است که امام صادق (ع) نیز مدرسه و مکتب جعفری را بنا نهادند. در این مورد بیشتر توضیح می‌دهید؟

بله! همان‌طور که گفتید اگر ما شرایط عصر امام جعفر صادق (ع) را از نظر وجود جریان‌های مختلف فکری و فرهنگی بسنجیم، عصر ایجاد جریان‌های مختلف فکری و مذهبی است. این جریان‌ها به ویژه در اهل سنت با جریان فکری مالک ابن انس پررنگ‌تر شد که بعدها رئیس مذهب مالکی شد. ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی نیز در این دوره بوده است. همچنین جریان‌های کلامی مانند خوارج، مرجئه، معتزله و ... هر کدام تفسیری را از اسلام به نمایش گذاشتند که اکثر این تفسیرها و برداشتها با سنت اصیل اسلامی مغایرت داشت. در این شرایط امام جعفر صادق (ع) ضامن بهترین و صحیح‌ترین قرائتی تفسیر از اسلام بودند. همین مسئله فعالیت‌های فرهنگی در کارنامه امام صادق (ع) را بر هرگونه فعالیت مستقیم سیاسی مقدم و دارای اولویت می‌کند.

❖ چرا امام صادق (ع) فعالیت سیاسی و نظامی نکردند و به اصطلاح قیام‌ها را حمایت نکردند؟

اگر قرار بود امام صادق (ع) کار سیاسی انجام دهند باید خود ایشان پرچمدار نهضت بودند نه این‌که در رکاب بنی‌عباس مبارزه کنند. امام، حجت الهی و معصوم است و بر حجت الهی جایز نیست که در رکاب شخص دیگر قیام کند. حتی اگر خود ایشان هم می‌خواستند پرچم مبارزه سیاسی را برافرازند، شیعیان واقعی اندکی حامی ایشان بودند. البته شیعیان ظاهری و شناسنامه‌ای در آن روزگار زیاد بودند اما ایشان به اصحابی باوفا و عاشق، شهادت‌طلب و مطیع مطلق

احتیاج داشتند. در این شرایط امام (ع) فعالیت‌های فرهنگی را در پیش می‌گیرند که ادامه‌دهنده کار پدر بزرگوارشان بود و کار فرهنگی امام باقر (ع) را به کمال رساند.

❖ روش امام در فعالیت‌های فرهنگی چه بود، یعنی در واقع راز موفقیت فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت چه بود؟

امام صادق (ع) در فعالیت‌های فرهنگی، دوگونه کار انجام دادند: اول ارتباط با عامه مردم و مطلق جامعه اسلامی و مخصوصاً بزرگان اهل سنت مانند ابوحنیفه، مالک ابن انس و ... بود که سؤالات فکری خود را از ایشان می‌پرسیدند و دوم، ارتباط خاص ایشان با شیعیان بود که برای آینده کادرسازی می‌کردند و مانند زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم در این مکتب تربیت شدند که بعدها هر یک از آنها در یک منطقه مرجع شدند. امام صادق (ع) درون شیعه با برداشتها و قرائت‌های انحرافی از تفکر شیعی مبارزه می‌کردند که مهم‌ترین مبارزه ایشان در این جبهه را مبارزه با جمیعی به نام غلات و غالیان باید دانست که آن‌ها یک نحله انحرافی بودند که از طریق غلو در مقام اهل بیت (ع) صفاتی را مانند ربوبیت که مخصوص خداوند بود به اهل بیت (ع) نسبت می‌دادند و امام ایشان را طرد کرد تا مکتب اهل بیت (ع)، که بعد از دوره امام سجاده (ع) دوباره پا به عرصه جامعه گذاشته بود، توسط تفکر غلات تفسیر به رأی نشود. خود اندیشه‌های غلوآمیز می‌توانست بهانه‌ای را به دست حاکمان عباسی دهد تا یک مبارزه بی‌امان را علیه مکتب اهل بیت (ع) در پیش بگیرند.

❖ چرا در میان شیعیان و در دوره امام صادق (ع) بر سر امامت و جانشینی اختلاف نظر ایجاد شد؟

بحث اختلاف در جانشینی مختص به این دوران نیست بلکه حتی در دوره امام سجاده (ع) نیز فرقه زیدیه ایجاد شد و عده‌ای تابع فرزند امام سجاده (ع) با نام زید شدند. انشعابات مذهبی در دوره امام صادق (ع) بر

سر امامت، ریشه در ظهور غلات و منحرفان مذهبی دارد. این غلات بودند که برای اسماعیل، ادعای امامت کردند و گرنه خود اسماعیل ادعایی نداشته است. اسماعیل در حیات پدرش از دنیا رفت و توسط امام صادق (ع) تشییع جنازه شد اما بعد از شهادت امام صادق (ع) غلات از باب انحراف در افکار شیعه گفتند که اسماعیل نمرده است و بار دیگر ظهور پیدا می‌کند و توانستند عده کمی را هم تحت تأثیر قرار دهند.

فرقه‌ای دیگر با نام فتحیه، یعنی قائلان به امامت عبدالله، پسر امام صادق (ع) در آن دوره ایجاد شد که از لحاظ سن و سال، عبدالله بزرگ‌تر از امام کاظم (ع) بود و فرد خودخواه و فرصت‌طلبی بود و از این اصل که طبق برخی از مبانی، امامت باید به فرزند ارشد منتقل شود استفاده می‌کند و بعد از شهادت امام صادق (ع) ادعای امامت می‌کند.

❖ امام، جانشین خود را به صراحت معرفی نکرده بودند!

امام صادق (ع) در دوره‌ای زندگی می‌کردند که باید حتی در معرفی جانشین و امام بعد از خود نیز تقیه می‌کردند. بعد از شهادت امام صادق (ع)، منصور عباسی به فرماندار مدینه به نام سلیمان بن جعفر نامه نوشت که در وسایل امام صادق (ع) جستجو کن و وصیت ایشان را پیدا کن و وصی و جانشین امام صادق (ع) را گردن بزن که دامنه امامت جمع شود. او نیز وصیت‌نامه را پیدا کرد و دید که امام صادق (ع) به پنج نفر وصیت کرده است که عبارت بودند از: اول منصور عباسی، دوم فرماندار مدینه، سوم زبیده همسرشان، چهارم موسی بن جعفر (ع) و پنجم فرزندشان عبدالله.

منصور به حاکم مدینه گفت که این وصیت‌نامه اندکی بعد باعث اختلاف بین شیعیان می‌شود. البته امام صادق (ع) به اصحاب خاص خود فرموده بودند که وصی واقعی چه کسی است و بدین خاطر شیعیان واقعی گمراه نشدند.

فتحیه همانند موجی بودند که در تاریخ بر روی آب ایجاد شدند و بعد به سرعت مضمحل شدند. ■



امام صادق (ع)
در فعالیت‌های
فرهنگی،
دوگونه‌کار
انجام دادند: اول
ارتباط با عامه
مردم و مطلق
جامعه اسلامی
و مخصوصاً
بزرگان اهل سنت
مانند ابوحنیفه،
مالک ابن انس
و ... بود که
سؤالات فکری
خود را از ایشان
می‌پرسیدند
و دوم، ارتباط
خاص ایشان با
شیعیان بود

احیای تشیع

تعلیم و تربیت از منظر امام صادق (ع)

صفور آقایی‌فروشانی

شهرت علمی امام صادق (ع) آن چنان چشمگیر بود که از نقاط بسیار دور برای حضور در درس ایشان می‌آمدند و از دریای علوم الهی ایشان بهره‌مند می‌شدند این اشتیاق نه تنها در دل‌های دانشمندان و متفکران اسلامی، بلکه متفکران و علمای غیر اسلامی نیز مشتاق استفاده از جلسات درس و بحث ایشان بودند. شرح پاسخ‌ها و مناظرات امام با فرقه‌های گوناگون و صاحبان عقیده‌های مختلف از جالب‌ترین صفحات تاریخ علمی سده‌های اول اسلام است. در باب عظمت علمی امام صادق (ع) شواهد فراوانی وجود دارد. فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می‌آوردند و برتری علمی او را می‌ستودند. شیخ مفید می‌نویسد: «به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبان زد مردم گشته و آوازه آن همه جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان او به اندازه او علم و دانش نقل نشده است.»

اهداف نهضت فرهنگی امام صادق (ع)

امام (ع) در قالب‌های مختلفی در صدد تغییر فرهنگ در جات علمی افراد جامعه آن زمان تلاش می‌کردند که برای سهولت فهم در چند مورد زیر خلاصه شده است:

۱- تربیت راویان: از گذر ممنوعیت نقل احادیث در مدت زمان طولانی توسط حکام اموی، احساس نیاز شدید به نقل روایات و سخن پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع)، امام (ع) را واداشت به تربیت راویان در ابعاد مختلف آن روی آوردند. لذا اینک از آن امام در هر زمینه‌ای روایت وجود دارد و این است راز نامیده شدن مذهب شیعه به (جعفری). راویان با فراگرفتن هزاران حدیث در علومی چون تفسیر، فقه، تاریخ، مواظ، اخلاق، کلام و... سدی در برابر انحرافات ایجاد کردند.

این حجم گسترده از روایان در واقع کمبود روایت از منبع بی‌پایان امامت را در طی دوره‌های مختلف توانست جبران کند و از این حیث امام به موفقیت لازم دست یافت تاجایی که روایت از این امام همام منحصر به شیعه نشد و اهل سنت نیز روایات فراوانی در کتب خود آوردند.

۲- تربیت مبلغان و مناظره‌کنندگان: علاوه بر ایجاد خزائن اطلاعات (روایان) که منابع خبری موثق تلقی می‌شدند آن حضرت به ایجاد شبکه‌ای از شاگردان ویژه همت گمارد تا به دومین هدف خود یعنی زدودن اختلاط و التقاط همت گماردند و شبهات را از چهره دین بزدایند.

۳- مبارزه با انحرافات: اواخر عصر بنی‌امیه زمانی بود که مباحث علمی تاحدودی رونق گرفته بود و از طرف حکومت نیز منبع کتابت برداشته شده بود و آخرین خلفای اموی در حقیقت آمادگی بیشتری برای میدان دادن به مباحث علمی داشتند و البته شرایط آن زمان چیزی جز این نیز ایجاب نمی‌کرد. با این شرایط از مهم‌ترین فعالیت‌های امام (ع) مقابله با انحرافات بود که از دامنه همان شرایط به وجود آمده بود. نقطه مقابل فعالیت تشیع، فعالیت‌ها و زیرشاخه‌های اهل تسنن بود. امام علاوه بر آن دو حرکت اصولی، برای رفع انحرافات نیز می‌کوشیدند. مبارزه با برداشته‌های جاهلانه و قرائت‌های سلیقه‌ای از دین نیز در مکتب

امام جایگاه داشت و حضرت علاوه بر حرکت کلی و مسیر اصلی، به صورت موردی با این انحرافات مبارزه می‌کردند.

احیای مکتب تشیع

عصر امام صادق (ع) عصری بود که فتنه و آشوب سراسر کشورهای اسلامی را فرا گرفته و موج خشم و نارضایتی مردم از حکومت بنی‌امیه تمام نقاط را طوفانی کرده بود. دوران حکومت حاکمان بنی‌امیه هر چه به پایان خود می‌رسید پریشانی و نابسامانی فزونی می‌یافت. استانداریان بسیار ظلم می‌کردند و وضع اقتصادی مردم بر اثر فشار طبق حاکم به بدترین صورت در آمده بود. این اوضاع و شرایط زمینه را برای فعالیت‌های امام صادق (ع) آماده کرده به طوری که مکتب تشیع رانه تنها در برابر امواج طوفانی مکاتب دیگر حفظ کرد بلکه این مکتب به طرز شگفت‌انگیزی احیاء شد.

امام (ع) خطوط فکری (اصلی) را به جامعه عرضه و شاگردانشان را تشویق به تدوین کردند. بر پایه تشویق ایشان اصول اربع ماه تنظیم شد و بر اساس آن تشیع و صورت و سازمان جدید خود را نشان داد. ایشان با این کار نشان دادند که تشیع هم مذهب است و هم حکومت و بین این دو هیچ جدایی نیست. تشیع در عصر ایشان شکل جدیدی گرفت و سنت و شیوه پیامبر (ص) و طرز برخورد آن‌ها به مسائل و اندیشه‌های الهی‌شان به صورتی سازمان یافته و منسجم آشکار شد و به صورت یک مکتب درآمد به طوری که کتبی که فقه شیعه بر آن استوار است پایه‌های تألیف و تدوین آن‌ها در آن عصر گذارده شده است.

گشوده شدن باب اجتهاد

امام (ع) تحرک خاصی در دنیای علم و فقه پدید آوردند و شاگردان خود را وادار کردند که در چهره علم کلام و به کارگیری شیوه تحقیق و بررسی و استنباط حقایق را کشف کنند. شیوه ایشان در فقه همان شیوه تفکر اسلامی یا استنباط بود و از قیاس و رأی افراد را بر حذر می‌داشتند. امام (ع) با پایه‌گذاری فقه و فهم مسائل، باب مباحثاتی عظیم و پر دامنه را در جامعه علمی آن روز گشودند و با روشی که به شاگردان تعلیم می‌دادند

امام (ع) در کار مسائل فقهی و علمی به آموزش اخلاقیات نیز بسیار اهمیت می‌دادند. ایشان با عمل و گاهی حتی بدون هیچ سخنی و توصیه‌ای مردم را به پرهیزگاری و حسن خلق دعوت می‌کردند.

از آیات و مفاد قرآنی، احکام و قوانین اسلام را برپا می‌کشیدند و به شکل عمل در می‌آوردند. ایشان باب اجتهاد را باز گذاشتند و قانون آزاداندیشی را در جامعه علمی ترویج کردند و فرمودند اگر مجتهد در استنباط و اجتهاد خود به حق برسد برای او دو پاداش است و اگر راه استنباط او درست باشد و آن چه که به دست آورد منطبق با حق نباشد باز هم برای او اجر استنباط وجود دارد. در سایه زحمات امام صادق (ع) افکار اسلامی و خط صریح و صحیح آن از نو متجلی شد. شاگردان سازمان یافته ایشان توانستند به عنوان مدافعان علمی و فرهنگی آن مکتب باشند و حقانیت اسلام و تشیع را به جامعه اسلامی آن روز به مرحله اثبات برسانند.

نکته مهم در این بحث آن است که امام بارها اعلام فرمودند: آن چه می‌گوییم از پدر من او از پدر خویش و ... از علی بن ابی طالب است و حدیث علی حدیث رسول الله و نص او قول خداوند است.

احیای فقه شیعه

مهم‌ترین دوره‌ای که مکتب تشیع توانست شالوده اساسی برای خود بریزد همین دوره بود. امام (ع) دانشمندان بی‌شمار تربیت کردند و به اطراف بلاد اسلامی گسیل داشتند و خلاصه علوم و معارف و اصول تغییرناپذیر خود را به رشته تحریر درآوردند. از همین نظرات که جعفر بن محمد را رئیس مذهب شیعه قلمداد می‌کنند و تشیع، عنوان افتخار آفرین مذهب جعفری به خود گرفت. در باب فقهی، مکتب امام صادق (ع) قوی‌ترین و نیرومندترین مکتب‌های آن زمان بوده است. تمام رهبران اهل سنت بلاواسطه یا با واسطه از شاگردان امام صادق (ع) بوده‌اند. امام (ع) در مسائل فقهی طبقاتی به وجود آورده بودند به نام فقها که جواب مسائل را می‌دادند؛ مدینه یکی از این مراکز بود. کوفه و بصره نیز از دیگر مراکز بودند.

احیای کلام شیعه

با گشوده شدن باب اجتهاد و به وجود آمدن مسائل فقهی کم‌کم بین اهل سنت و شیعیان و همچنین در بین شیعیان، اختلافاتی به وجود آمد و مباحث کلامی و دفاع از اصول عقاید و اثبات مسائل اصولی، ضرورت

پیدا کرد. لذا طبقه‌ای به وجود آمد به نام متکلمین که در اصول عقاید و مسائل اصولی مباحثه داشتند. در باره خدا، صفات خدا، آیات قرآن، نبوت و حقیقت وحی و امامت بحث می‌کردند.

احیای اخلاق شیعه

امام (ع) در کار مسائل فقهی و علمی به آموزش اخلاقیات نیز بسیار اهمیت می‌دادند. بیشترین تأثیر آموزشی اخلاقیات در عمل ایشان بود. ایشان با عمل و گاهی حتی بدون هیچ سخنی و توصیه‌ای مردم را به پرهیزگاری و حسن خلق دعوت می‌کردند. البته در جای خود نیز به مردم توصیه می‌کردند و می‌خواستند پرهیزکار باشند و فکری برای قیامت خود بکنند. در مورد دختران همیشه توصیه داشتند و می‌فرمودند: دختر چون گلی خوشبو است او را می‌بویی و روزی او با خداوند است. امام (ع) همیشه مردم را به اعتدال و میانه‌روی و حسن خلق و حسن جوار دعوت می‌کردند و همین امر باعث می‌شد که کم‌کم به‌طور شفقت انگیزی تأثیر بر رفتار و اخلاق عامه مردم داشته باشند.

توجه دادن به اهل بیت (ع)

حق اهل بیت علیه السلام در همان روزهای اولیه وفات پیامبر از دست رفته بود و به تدریج در سایه القائات در دشمنی‌ها، این حقوق بیش از پیش فراموش و ارزش و اعتبارشان کمرنگ‌تر می‌شد. بعدها در عصر بنی امیه و آل مروان سعی بر این شد که اهل بیت را به فراموشی بسپارند و همین کار را انجام دادند. کار امام صادق (ع) احیای اهل بیت (ع) و توجه دادن عامه به سوی ایشان بود.

توجه دادن به مباحث قرآن

امام (ع) در آن زمان آن چنان شوق و علاقه به قرآن را در دل مردم کاشتند که مردم بی‌نیازیت در اطراف قرآن و مسائل مربوط به آن کاوش می‌کردند. روی کلمه به کلمه قرآن تفکر و حساب می‌کردند تا جایی که طبقه‌ای به وجود آمد به نام (اقرء) که قرآن را می‌خواندند و کلمات قرآن را به طرز صحیحی به مردم می‌آموختند. از آن بالاتر، جلسات تغییر قرآن و بیان

معانی قرآن و احادیث پیامبر نیز رونق زیادی گرفته بود.

توسعه افکار و ترویج روح علم و تحقیق

در عصر امام (ع) عقاید گوناگون و متضاد و متعارض و مخالف با اسلام راستین وجود داشت که پیروان آن‌ها با هم درگیری داشتند. حتی به مرور، کسانی پیدا شدند که برای خداوند صورت قائل شدند. امام (ع) به اصلاح عقاید پرداختند و در زمینه توحید، جبر، قضا و قدر و مسائل گوناگون تلاش‌هایی ارزنده داشتند و برای تعدیل خطوط فکری و جهت‌دهی آن‌ها و بقای جامعه اسلامی کوشش کردند. ایشان با آموزش‌ها، بحث‌ها و نقدهای خود، ریشه بسیاری از افکار خرافی را زدند و نهضتی علمی آمیخته با دین و اعتقاد، به وجود آوردند که تا دوام حیاتش تا امروز ملاحظه می‌شود. امام (ع) کوشیدند بدعت‌ها را از میان بردارند، خطوط غیر اسلامی را معرفی و نمایان کنند، انحرافات را از اصل و ریشه به مردم بشناسانند و نشان دهند که بسیاری از آن چه را که مردم در عصر او اصیل می‌شمارند، اصالت ندارند. از خدمات مهم امام به جامعه علمی، توسعه افکار و اندیشه و آزاد ساختن آن از قیود و بندهای موهومات بود. ایشان خود به عنوان امام مردم، بحث آزاد عرضه اندیشه‌ها در محافل علمی را بدون هیچ گونه محدودیتی پایه‌گذاری کردند، تا حدی که یک مادی ملحد هم حق یافت که آراء و عقاید خود را به میدان بکشد و عرضه بدارد و البته دیگران نیز در برابر این ابراز عقیده حق خود می‌دیدند که به تقابل آراء و بحث و بررسی بپردازند و خط فکری خود را ارائه دهند و در این تقابل، حق از ناحق باید شناخته می‌شد. مسئله بحث آزاد و تعبدی نبودن قبول دین، سبب شد که مردم به سوی مذهبی که امام صادق (ع) پیشوای آن بود روی آوردند و توجهات به سوی محضر درس و به بحث ایشان معطوف شود. این مسئله در آن روزگار اهمیت داشت، بدان خاطر که نه امام دارای پست و مقامی بودند که عده‌ای تطمیع شوند و نه پولی و مهری در کار بود که موجب جلب نظر شود. آری، امام صادق (ع) این حق را برگردن فلاسفه و دانشمندان دارند که زمینه‌ساز شرح صدر، در شنیدن آراء و نظرات مخالف در جامعه است و هر کس حق دارد در یک محفل علمی، دیدگاه خود را محک بزند. ■



آموزش نحوه حکومت‌داری به شکل عادلانه و فهم معارف سیاسی دین اسلام که مهم‌ترین ارکان آن محبت به جامعه اسلامی و بی‌زاری و دوری از غاصبان و ظالمان است، یکی از اصول و مبانی کلیدی تعلیم و تربیت اسلامی بوده است.

راه‌های رستگاری

مبانی سبک زندگی علمی از منظر امام صادق (ع)

فرشته جانی پور



امامان شیعه در سیره و سخنان خود به تمام جنبه‌های انسان (بدنی، روحی، عقلی، عاطفی و دینی) توجه کرده‌اند و از سیره و سخنان آنان می‌توان در تمام این جنبه‌ها، اهداف و مبانی تربیتی آن را استخراج کرد. در ادامه تلاش می‌شود تا نمونه‌هایی از سیره و سخنان امام صادق (ع) در زمینه‌های دینی - اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را ذکر و از خلال آن اصول و مبانی تعلیم و تعلم را جهت دستیابی به سبک زندگی علمی آن امام همام استخراج کنیم.

تأکید بر رعایت تقوای علمی

یکی دیگر از سفارشات بسیار مهم ائمه اطهار (ع)، رعایت تقوا و توجه به آن است. بر این اساس تقوا، یکی از مبانی بسیار مهم در تربیت اسلامی است. از مجموع بیانات متعدد امام صادق (ع) در این زمینه، این گونه برداشت می‌شود که لازم است انسان در همه حال مسئله تقوا را رعایت کند که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های آن، رعایت تقوا در تعلیم و تعلم است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: امام صادق (ع) می‌فرماید: «سوار نیست برای مومن که در مجلسی بنشیند که در آن معصیت می‌شود و نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد». (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۷۴) همچنین از آنجا که از دیگر اصول و مبانی تعلیم و تربیت، رعایت ادب و تقوا است.

توصیه به آموزش‌های اجتماعی

طبق سیره و سخنان امام صادق (ع)، لازم است که نظام آموزشی جامعه بر اساس هدف و برنامه مشخصی به تعلیم و تربیت افراد اقدام کند که این هدف با عناوینی کلی و در قالب تلاش برای آماده کردن دانش‌آموزان و متعلمان برای انجام امور دنیوی و پذیرش مسئولیت‌های مهم در جامعه در

آرامش می‌یابند. (این شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۰۲)

تأکید بر اخلاق محوری

از بررسی مجموع روایات و سیره علمی امام صادق (ع)، می‌توان به اصول و مبانی متعددی در زمینه نظام تعلیم و تربیت دست یافت که در این مقاله تلاش شده است تا به برخی از آن‌ها اشاره شود. در ادامه به نظر می‌رسد از دیگر مبانی قابل استخراج از کلام ایشان، تأکید بر اخلاق محوری و رعایت آداب اخلاقی در تعلیم و تعلم باشد. از این روی آن امام همام می‌فرماید: «از مانیتست کسی که به بزرگ‌ترها احترام و به کوچک‌ترها رحم نکند». همچنین از آن حضرت نقل شده است که هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) حرکت نمی‌کردند و اگر آن دو با هم بودند هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) سخن نمی‌گفت. (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۷۳)

همچنین در بیانی دیگر می‌فرماید: «صبر و راستگویی و بردباری و خوش خلقی از اخلاق پیامبران

تأکید بر خدا باوری

باید گفت که از منظر دین مبین اسلام، مهم‌ترین هدف از تعلیم و تعلم و تربیت اسلامی، انس با خداوند و تلاش برای تقرب به اوست و این یکی از مهم‌ترین وجوه ممیزه تربیت دینی - اسلامی با انواع دیگر تربیت محسوب می‌شود. بر این اساس تأکید بر انس و گرایش به خداوند نیز در سیره و سخنان معصومین فراوان آمده است. این دستور که می‌توان آن را همچون فرآیندی دانست که با شناخت خداوند شروع شده و با گرایش و انس به خداوند ادامه می‌یابد، یک مبنای کلیدی در نظام تعلیم و تعلم است. (باقری، ۱۳۸۴، ص ۹۳)

به عنوان نمونه امام صادق (ع) دوستان حقیقی خود را چنین معرفی می‌کند: «آن‌ها با خدا انس گرفته‌اند و از آن چه که مال اندوزان به آن انس گرفته‌اند در هر اسند. مومنان از نعمت‌های الهی بهره می‌برند اما به آن‌ها وابسته نمی‌شوند. وابستگی به مال دنیا موجب بندگی انسان در برابر مادیات خواهد شد. ز راندوزان همواره به ثروت خود وابسته‌اند و شیعیان واقعی پایاد خدا

توجه به حقوق فردی و اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت

توجه به حقوق دیگران از تأکیدات مؤکد همه ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده که در روایات از آن به «حق الناس» تعبیر شده است. به عنوان مثال امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «آسان ترین حقوق این است که برای برادرش (برادر مسلمان) آن را بخواهد که برای خود می خواهد و در حق او نخواهد آن را که برای خود نمی خواهد. در راه بر آوردن حاجتش قدم بردارد، خشنودی او را بخواهد و به گفته او مخالفت ننماید.» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹۳)

باید گفت که توجه به حقوق فردی و اجتماعی دیگران امری بسیار مهم و حیاتی در تعلیم و تربیت است و آموزش این امر می بایست یکی از اهداف و برنامه های نظام تعلیم و تربیت اسلامی باشد. در این زمینه می توان به حقوق والدین به فرزندان (در مقام اولین مربیان)، حقوق فرزندان به والدین، حقوق معلمان به دانش آموزان و حقوق دانش آموزان به معلمان اشاره کرد. مثلاً در آیات و روایات، به احترام والدین بسیار تأکید شده است و قرآن کریم می فرماید که به آنها حتی یک «اف» هم نگویید.

فرزندان نیز نسبت به والدین حقوقی دارند. امام صادق (ع) می فرماید: «پدر و مادر را بر فرزند سه حق است. شکر آنان در هر حال، اطاعتشان در هر امر و نهی که عصیت خدا نباشد، و خبرخواهی برای آنها در نهان و عیان، و فرزند را بر آنان سه حق است، مادر خوب انتخاب کردن، نام خوب نهادن و پرورش خوب دادن.» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۲۷)

برخی مواقع و به خاطر مصالحی حضور می یافتند. به همین دلیل منصور ضمن نامه ای به امام نوشت: چرا تو به اطراف ما مانند سایر مردم نمی آیی؟ امام در پاسخ نوشت: نزد ما چیزی نیست که به خاطر آن از تو بترسیم و بیاییم؛ نزد تو نیز در مورد آخرت چیزی نیست که به آن امیدوار باشیم. تو نعمتی نداری که بیاییم و به خاطر آن به تو تبریک بگوییم و آن چه که اکنون داری آن را بلا و عذاب نمی دانی تا بیاییم و تسلیت بگوییم. منصور نوشت: بیاتما را نصیحت کنی. امام نیز نوشت: کسی که آخرت را بخواهد با تو هم نشین نمی شود و کسی که دنیا را بخواهد به خاطر دنیای خود، تو را نصیحت نمی کند. (کمپانی، ۱۳۶۳، ص ۴۱)

از همین روی ایشان در برنامه های آموزشی و تربیتی خود، حمایت از ناتوانان و نیازمندان و کمک به ایشان را به عنوان برنامه های اصلی معرفی کرده و جایگاهی ویژه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی برای آن قائل بودند؛ چنان که می فرمایند: «ای پسر جنبد، آن که در انجام حاجت برادرش گام زند چون کسی است که میان صفا و مروه سعی کند و بر آورنده حاجتش چون کسی است که روز بدر در راه خدا به خون غلطیده، و خدا هیچ مردمی را عذاب نکرده مگر هنگام بی اعتنائی به حقوق فقراء خودشان.» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۱۳)

امام (ع) در نهایت علاقه به کار و تلاش، هرگز فریفته در هم و دینار نمی شد و بهترین کار را از نظر خداوند تقسیم دارایی خود بانیازمندان می دانست. به عنوان مثال امام (ع) در مورد باغ شخصی خود می فرمود: «وقتی خرماها می رسد، می گویم دیوارها را بشکافند تا مردم وارد شوند و بخورند. همچنین می گویم ۱۰ ظرف خرما که بر سر هر یک ده نفر بتوانند بنشینند آماده سازند تا وقتی ده نفر خوردند، ده نفر دیگر بیایند و هر یک، یک مد خرما بخورند. آن گاه می خواهم برای تمام همسایگان باغ (پیرمرد، پیرزن، مریض، کودک و هر کس دیگر که توان آمدن به باغ را نداشته) یک مد خرما ببرند. سپس مزد باغبان و کارگران و... را می دهم و باقی مانده محصول را به مدینه آورده بین نیازمندان تقسیم می کنم و دست آخر از محصول چهار هزار دیناری، چهار صد درهم برایم می ماند.» (حیدر، ۱۳۶۹، ص ۲۳) ■

زبان روایات بیان شده است.

بر این اساس باید گفت که بی شک یکی از اهداف نظام تعلیم و تربیت می بایست آماده کردن افراد برای پذیرش مسئولیت های اجتماعی باشد و این خود گام بزرگی برای هدف محور کردن آموزش های اجتماعی است. بر این اساس هر فردی باید حرفه ای را آموخته و به آن مشغول شود. از همین روی است که امام صادق (ع) یاران و پیروان خود را به کسب مال حلال تشویق می کرد و از آنان می خواست که در کار خود کوشا باشند و از هر گونه تبلی و کسالت دوری کنند. (باهر، ۱۳۶۰، ص ۱۵)

ایشان کار کردن و تجارت را موجب عزت و سربلندی انسان می دانست و می فرمود: «صبح زود برای به دست آوردن عزت خود بپروید ولی تأکید می کردند که تجارت باید سالم و کسب در آموخته های درست و مشروع باشد. آن گرامی هر گونه کوشش و تلاش را برای توسعه زندگی خود و خانواده، حج و زیارت رفتن، صدقه دادن و صلح رحم کردن را تلاش برای آخرت می دانستند نه دنیا.» (کمپانی، ۱۳۶۳، ص ۹۱). ایشان خود نیز کار می کردند و در روزهای بسیار گرم تابستان، عرق ریزان در مزرعه و باغ خود فعالیت می کرد. هر وقت کارگری را به کار می گرفت، پیش از خشک شدن عرقش مزدش را می داد. (خامنه ای، ۱۳۸۶، ص ۶۲)

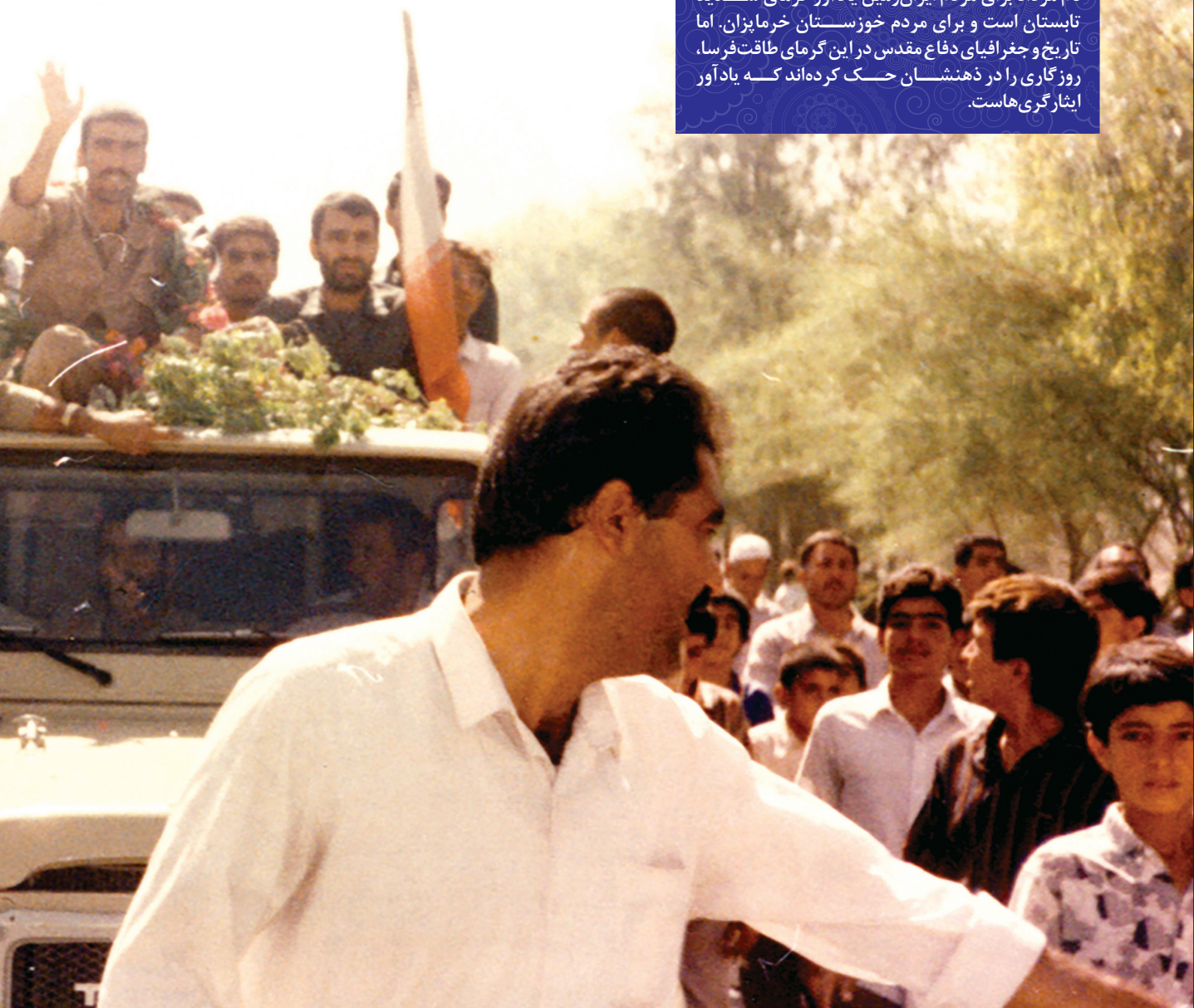
توجه به مبانی سیاست اسلامی

آموزش نحوه حکومت داری به شکل عادلانه و فهم معارف سیاسی دین اسلام که مهم ترین ارکان آن محبت به جامعه اسلامی و بیزارى و دورى از غاصبان و ظالمان است، یکی از اصول و مبانی کلیدی تعلیم و تربیت اسلامی بوده که نشانه های تأکید بر آن در سیره و سخنان امامان معصوم (ع)، به وضوح قابل درک و مشاهده است. همان طور که نحوه آموزش عملی این بزرگان، سراسر مبارزه با ظلم و بی عدالتی و توجه به مستمندان و حمایت از حق و حقیقت و مستضعفین بوده است.

امام صادق (ع) حتی در مجالس عمومی خلیفه نیز حاضر نمی شد زیرا حکومت را غاصب می دانست و حاضر نبود پای خود بدان جا برود، زیرا باین کار از ناحق بودن آنان چشم پوشی می شد و تنها در

مرداد ماه پُر رخداد

نام مرداد برای مردم ایران زمین یادآور گرمای شدید تابستان است و برای مردم خوزستان خرماپزان. اما تاریخ و جغرافیای دفاع مقدس در این گرمای طاقت‌فرسا، روزگاری را در ذهنشان حک کرده‌اند که یادآور ایثارگری‌هاست.



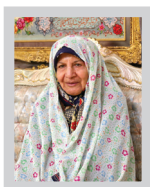
در این پرونده بخوانید



ماه مرداد در سال‌های
دفاع مقدس پراز
رخداد بود



عملیات مرصاد به
روایت شهید
صیاد شیرازی



اشک‌ها و
لیخندها



زیبایی‌های
اسارت



چلچراغی که
خاموش شد!





شهادت عباس بابایی

۱۵ مرداد قصه پرکشیدن قربانی در عید قربان سال ۱۳۶۶ است؛ روزی که شهید سرلشکر خلبان عباس بابایی برای آخرین بار بربال پرنده آهنی اش می‌نشیند و به دیدار حق می‌شتابد.

۵۸ روایت می‌کند، بیست و ششمین روز خود شور تاریخ بر تارک مردامه است، روزی که آزادگان سلحشور در بند رژیم بعثی پس از سال‌ها اسارت به خاک پاک میهن اسلامی ایران پانهادند؛ روزی که پس از ۲ سال دفاع، آزادی را با سرداران رنج و آزادی به جشن و سرور نشستیم و روزی شد برای آغاز بازگشت آزادگان. روزی که نمی‌توان آن را به دست فراموشی سپرد.

۲۷ مردادماه از سال‌های ۵۸ و ۶۷ روایت‌هایی دارد و می‌نویسد: سال ۵۸ حماسه خونین پناه که در پی آن حضرت امام خمینی (ره) بحرکت نظامیان به‌سوی سنندج و سرکوب ضدانقلاب دستور اکید و فوری دادند را شاهد بودم و سال ۶۷ واقعه برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق را به‌نظاره نشستیم. فردای آن روز، ۲۸ مرداد پاک‌سازی پناه از ضدانقلابیان توسط سپاه و ارتش و پیش‌مرگان مسلمان کرد را در سال ۵۸ شهادت می‌دهد. ۳۰ روز از خاطره‌گویی جغرافیای شرق کارون می‌گذرد که پای خاطرات بندر امام خمینی در آخرین روز مردادماه چهل فروند هواپیمای عراقی بگوید که در سال ۶۶ او را مورد حمله قرار دادند و همچنین سقوط یکی از این ۴۰ کلاخ را به‌خاطر دارد. فراموش نمی‌کنیم که بیان تاریخ «دفاع مقدس» جدا از روزهای شهادت «شهیدان» نیست و هرروز «مرداد» خود به‌تنهایی شاهد جمعی از کبوتران بال گشوده است.

آزادی اسرا

روزها و ماه‌ها می‌گذشت و آتش جنگ بیشتر شعله می‌کشید. روزه‌به‌روز تعداد اسرا و مفقودین بیشتر می‌شد و همین‌طور تعداد مراجعین و دل‌پاسان. تا آنجا که از سال ۶۷ تا ۶۹ که آزادگان بازگشتند، تعداد مفقودین در ۲ یا ۳ ماه اول ۲ برابر ۷ سال گذشته شد. همه اسرا و مفقودین در ابتدا جزء مفقودین به‌حساب می‌آمدند، تنها آن تعدادی که صدام ملعون اجازه می‌داد تا اسامی آن‌ها به‌دست ما برسد، حکم اسیر را داشتند، بقیه مفقودان را به‌حساب می‌آمدند. روزهای سخت و طاقت‌فرسایی بود. هرروز افرادی می‌آمدند و سراغ برادر، فرزند، پدر، شوهر و... را می‌گرفتند، شیون سری می‌دادند، آن‌ها اشک را میهمان چشم‌هایشان می‌کردند و ما بغض را در گلوهایمان خفه. باحالی آشفته آن‌ها را به‌آرامش دعوت می‌کردیم. در حالی که خود ما نیز حالی بهتر از آن‌ها نداشتیم. در آن دوران سخت‌گیری صدام



از مرصاد تا آزادگی

ماه مرداد در سال‌های دفاع مقدس پر از رخداد بود

سامیه‌امینی



نام مرداد برای مردم ایران زمین یادآور گرمای شدید تابستان است و برای مردم خوزستان خرماپزان. اما تاریخ و جغرافیای دفاع مقدس در این گرمای طاقت‌فرسا، روزگاری را در ذهنشان حک کرده‌اند که یادآور ایثار گری‌هاست.

رخدادهای مرداد

جغرافیای شرق کارون، خاطرات خود از اولین روز مردادماه ۶۷ را به یاد می‌آورد که طنین «فای‌الله» گوشش را نواز داد و شاهد عینی عملیات «لبیک یا خمینی» شد. جاده ماهشهر سوم مرداد را به یاد می‌آورد و می‌گوید: سال ۶۰ بود که عملیات کوچک شهید چمران رخ داد. صفحه تاریخ را که ورق بزنی از پنجم مرداد به‌راحتی نمی‌توانی گذشت، گوشت را که به‌صدای تاریخ بسیاری از نفاق منافقین فریاد بر می‌آورد و از رشادت‌های سپاه اسلام در منطقه اسلام‌آباد غرب جز خوانی می‌کند. نجوای تاریخ چنان در گوشت زنگ می‌زند که نمی‌توانی از

عملیات «مرصاد» گذر کنی. «مرصاد» را به‌خاطر می‌سپاریم و از ۵ مرداد عبور می‌کنیم تا رخداد ششمین روز مرداد را ورق بزنیم؛ روزشمار دفاع مقدس در این روز روایتگر مرحله پنجم عملیات بزرگ «مضان» در سال ۶۱ است.

۱۵ مرداد قصه پرکشیدن قربانی در عید قربان سال ۱۳۶۶ است؛ روزی که شهید سرلشکر خلبان «عباس بابایی» برای آخرین بار بربال پرنده آهنی اش می‌نشیند و به دیدار حق می‌شتابد. ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ هرچند ۱۰ سال از پایان دفاعی مقدس می‌گذرد اما راوی پایداری رادمردانی است که ناجوانمردانه توسط گروهک طالبان در مزار شریف افغانستان جام شهادت نوشیدند. ۸ دیپلمات و سرکنسول ایران به‌همراه محمود صامی خبرنگار شهید خبرگزاری جمهوری اسلامی در ساختمان کنسولگری ایران به‌رگبار بسته شدند. به‌همین مناسبت، شورای فرهنگ عمومی، هفدهم مردادماه هر سال را به‌عنوان «روز خبرنگار» نام‌گذاری کرد. بیست و چهارمین روز این ماه از اشغال پناه توسط عناصر تجزیه‌طلب ضدانقلاب یک سال قبل از تحمیل جنگ در سال

عملیات مرصاد به روایت شهید صیاد شیرازی

پیروزی عظیم



پشت سر هم تانک، خودرو و نفربر منافقین همین جور چسبیده بودند و فشار می آوردند تا از خاک ریز رد شوند. نزدیک به ۵۰ درصد این گردان شهید می شوند، اما منافقین از خاک ریز گذر نمی کنند.

کار خدا

به خلبان گفتم: این ها دشمن اند، شروع کنید به زدن تا بقیه هم برسند. رفتند و برگشتند، گفتند: رفتیم جلو، دیدیم خودی اند. برای چه بزنی؟ هر چه سعی کردم بفهمانم که منافق اند، گفتند: نه! حدود ۵۰۰ متری ستون زرهی نشستیم و پیاده شدیم. متوجه بحث شدند که آن ها را می خواهیم بزنی، سرلوله توپ را به طرف ما نشانه گرفتند. وارد هم نبودند، زدند، گلوله ۵۰ متری ما به زمین خورد، خوشحال شدم و خودشان ثابت کردند خودی نیستند. گفتم: دیدید خودی ها را؟ بالهجه کرمانشاهی گفتند: به علی قسم، الان حسابش را می رسیم. سوار بالگرد شدند و رفتند. اولین راکتی که زدند، کار خدا بود که خورد به ماشین مهماتشان. ماشین منفجر شد. گلوله های داخلش مثل آتش فشان بالا می رفت. هر چه از آن ها سقط می کردیم، دوباره مثل قارچ می روییدند. نیروهای سپاه از خوزستان و ارتش هم از محور ایلام آمد. از گردنه چارزب تا گردنه حسن آباد که ۵ کیلومتر است، محاصره شد.

آخرین روز مرصاد

۲۴ ساعت نگذشته بود که به لطف خداوند، به سوی شیارهای ارتفاعات فرار کردند، شیارها بسته بود، راه نداشت، هر چه انتظار کشیدیم، نیامدند. رفتیم دنبال آن ها، دیدیم مرده اند. همه سیانور خورده بودند. خداوند در آخر روز عملیات «مرصاد» آیه شریفه (توبه-۱۴) که می فرماید: «باین ها بجنگید، من این ها را به دست شما عذاب می کنم و دل های مؤمن را شفا می دهم و به شما پیروزی می دهم»، را احیا کرد و نقطه آخر جنگ با عذاب منافقان و پیروزی عظیم برای ما رقم خورد. ■

عملیات «مرصاد» در مقابل تهاجمی توسط سازمان مجاهدین خلق به نام «فروغ جاویدان» طرح ریزی شده پس از آتش بس، سال ۱۳۶۷ به پیروزی نشست. عملیاتی که مجامع جهانی تا آن روز بر طبل اتمام جنگ می کوبید، با حملات گسترده بعضی ها به تصور این که ایران دیگر توان ادامه جنگ و دفاع را ندارد، سکوت اختیار و تنها نظاره گر حملات وحشیانه بعضی ها با همکاری منافقین شدند. در ادامه روایت شهید صیاد شیرازی از این عملیات را مرور می کنیم.

چند روز پیش از عملیات ایران تازه داشت قطعنامه را می پذیرفت که عراقی ها سوءاستفاده کردند. فکر کردند جنگ تمام شد و ما هیچ آمادگی نداریم، آمدند از چهارده محور در غرب کشور، هجوم آوردند. دشمن رزمندگان ما را دور زد. ما تا آن روز، چهل تا پنجاه هزار اسیر از آن ها داشتیم و آن ها اسیر از ما کمتر داشتند. هنوز امضای قطعنامه خشک نشده بود که تماس گرفتند و گفتند: دشمن از سرپل ذهاب، گردنه پاتاق با سرعت سرش را انداخته پایین می آید. گفتم: کدام دشمن؟! اگر از یک محور دارد می آید پس چه جور دشمن است؟! گفتند: نمی دانیم، همین طور آمده الان به کرد هم رسیده و گرفته. چون بعد از پاتاق، می شود کرد، بعد از کرد، می شود اسلام آباد غرب و سپس به کرمانشاه می آید. حکمی خورد و رفتیم کرمانشاه. رسیدیم، دیدیم محشری بود. مردم از شدت وحشت بیرون شهر ریخته اند. شب پاسداری سراسیمه آمد، گفت: در اسلام آباد دیدم منافقین ریختند و شهر را گرفتند.

با کدام نیرو؟

نخستین کسی که جلوی آن ها را گرفته بود، خود مردم بودند. به «شمخانی» معاون عملیاتی وقت در ستاد کل گفتم: نیروهایمان هم در جبهه مانده اند. اینجا نیروی زمینی که نداریم و باید هوایی حمله کنیم. گفتم: صبح تا هوا روشن شد، شروع کنیم، و گرنه، منافقین بریزند، اوضاع خراب می شود.

ملائکه جنگیدند

صبح به گردنه چارزب رفتیم، دیدم وضعیت غیر عادی است، با خاک ریز جاده را بستند. پشتش سنگر گرفتند و با تفنگ سبک می جنگند. من اسمشان را ملائکه می گذارم. گردانی از تیپ انصارالحسین (ع) همدان عازم منطقه جنوب بودند که در مسیر باین ها روبه رو می شوند. یک دفعه نگاه کردم، مقابل آن خاک ریز،

روزی به روز بیشتر می شد و از ردوبدل کردن نامه ها جلوگیری می کرد. این قساوت ها زخمی عمیق تر به دل خانواده های دلواپس رزمندگان می زد.

دستیابی به هر آنچه می خواستیم

پس از آتش بس دو سال طول کشید تا مبادله اسرا اجرایی شود، در صورتی که مطابق کنوانسیون سوم ژنو، پس از مخاصمه جنگ باید تمام اسرا بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند. صدام، در نامه ای خطاب به مقامات ایران خواستار مذاکرات در راستای صلح شد و ایران در پاسخ نوشت: «ما مصممیم که در راه صلح همانند دوران دفاع، اعتماد مردم را به همراه داشته باشیم». ۱۷ مرداد ۶۹ ایران بر معاهده ۱۹۷۵ تأکید کرد. رئیس جمهور عراق نیز شش روز بعد آن را پذیرفت و با تأکید بر اینکه «به هر آنچه می خواستید دست یافتید»، اعلام کرد: مبادله فوری و همه جانبه تمام اسرا از طریق مرزهای زمینی صورت خواهد گرفت و ما آغازگر این اقدام خواهیم بود. این گونه شد که ۲۶ مردادماه اولین گروه اسرای جنگی آزاد و به آغوش ملت بازگشتند. تمام مردم ایران این پیروزی را جشن گرفتند. آزادگان سرافراز ایرانی با ورود از چند نقطه مرزی، بوسه بر خاک ایران زدند. زیارت حرم امام و همچنین دیدار با رهبر از نخستین برنامه ها و اقدامات مشترک آزادگان بود.

افراز تاسهراب

در ابتدای پرونده با توجه به اهمیت نقش هلال احمر در رسیدگی به امور اسرا چه در روزهای اسارت و چه بازگشت، به سراغ بهجت افراز که ۱۸ سال از عمر بازنشستگی اش را در خدمت «رسیدگی به امور اسرا و مفقودین» گذرانده می رویم تا از خدمات این سازمان به اسرا و خانواده هایشان در این ۱۰ سال جدایی مطلع شویم. در روزهای اولیه جنگ تحمیلی از گروهان ۱۵۰ نفری ۲۶ نفر که عبدالرحمان فرخ سهراب نیز همراه آنان بود اسیر می شوند و بقیه گروهان شهید. این آزاده امروزه مسئول جمعیت آزادگان دفاع مقدس است، پای میز گفت و گو می نشیند که از اسارت تا انسجام آزادگان روایت و نقش مرحوم حاج سید علی اکبر ابوترابی را در ایجاد این انسجام تبیین کند. همچنین سراغ سید حبیب موسوی مقدم، رزمنده، روحانی و جانبازی که عملیات مرصاد را با تمام وجود لمس کرده و در عملیاتی که بعدها منافقان «چلچراغ» خواندندش رفتیم. ■



خاطره هیجان انگیز

یکی از صحنه‌هایی که برایم بسیار هیجان انگیز است زمانی بود که تعدادی از رزمندگان به من رسیدند و خبر اسارت و زنده بودنشان در عراق به دست می‌رسید.



اشک‌ها و لبخندها

گفت‌وگو با بهجت افراز، بانویی که ۱۸ سال، لیست اسامی اسرا و آزادگان را دریافت می‌کرد

نیوشا شاهرودی



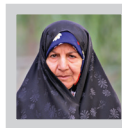
بی‌قرار اسیر شده است. خبر اسارت پسرش را من به او دادم. قبل از این نامه غلامرضا گلبو نامش در لیست مفقودان اثرها بود. مادر غلامرضا با شنیدن این خبر کلی خوشحال شد، اشک در چشمانش خیمه زد و روی موزاییک‌های دفتر سجده شکر به جا آورد. حدود ۱ ساعت در اتاقم بود. آن روز دعا و گریه شوق زمزمه‌همه بود.

نفر بعدی همسر یک پزشک نیروی دریایی بود که خیلی هم بی‌قراری می‌کرد. بارها و بارها می‌آمد و سراغ همسرش را می‌گرفت. اولین سری که در آغوش گرفتم و بوسیدم و آرام کردم سر خانم دکتر پاکرودی بود؛ زنی که همسرش پیدا نشد و جزو مفقودین باقی ماند تا زمانی که در آزادی بزرگ، همسر او هم به آغوش خانواده بازگشت.

به یاد دارید اولین خبر اسارت را به چه کسانی دادید؟

من از سال ۶۳ وارد سازمان هلال احمر شدم. آن موقع تعداد اسرا خیلی کم بود. خوب به خاطر دارم، اولین خبر اسارت برای عملیات خیبر بود که خیلی اسیر داده بودیم. عملیات خیلی سختی بود. ما ۸ ماه از هیچ کس خبر نداشتیم خانواده‌ها خیلی بی‌قرار و بی‌تاب بودند. بعد از ۸ ماه اسامی حدود هزار نفر آمد. یکی از این افراد غلامرضا گلبو کارمند بانک صادرات بود که اسیر شده بود. مادر آن اسیر خیلی ناراحت بود و بی‌تابی می‌کرد. آن روز مادر اسیر گلبو برای چندمین بار به سازمان آمد باحالی آشفته. در همان روز خوشبختانه نامه پسرش هم به دستمان رسیده بود؛ نامه‌ای که نشان می‌داد پسر این مادر

۲۶ مردادماه یادآور سالروز بازگشت آزادگان سرافرازی است که پس از تحمل سال‌های اسارت در اردوگاه‌های عراق، سال ۱۳۶۹ به میهن اسلامی بازگشتند. به این مناسبت پای صحبت بهجت افراز که خانواده آزادگان او را با نام «ام‌الاسرا» می‌شناسند، نشستیم تا یاد آن روزهای سخت را زنده کنیم و شاید گوشه‌ای از رشادت‌های نسل انقلاب، برای نسل امروز به تصویر کشیده شود. خودش می‌گوید: «۱۸ سال در هلال احمر با اشک‌های خانواده‌های چشم انتظار گریستم و با لبخندهایشان شاد شدم». افراز ۱۸ سال در سمت مدیر بخش اسرا و مفقودین جنگ سازمان هلال احمر فعالیت داشته و ۱۸ سال در خدمت آزادگان و خانواده‌هایشان در اداره رسیدگی به امور اسرا و مفقودین جمعیت هلال احمر بوده است.



اولین خبر

من از سال ۶۳ وارد سازمان هلال احمر شدم. آن موقع تعداد اسرا خیلی کم بود. خوب به خاطر دارم، اولین خبر اسارت برای عملیات خیبر بود که خیلی اسیر داده بودیم، عملیات خیلی سختی بود.

شده بود که در بین اسامی اسرا، نامی از اقوام خودتان هم باشد؟

بله. نوه عمویم مفقودالاثر شده بود. بیچاره پسر عمویم خیلی بی تابی می کرد و بی قرار بود. اسم پسرش جزو اسامی اسرا نبود. کم کم ناامید شده بودیم. تا این که یک روز از طرف صلیب سرخ نامه های جدید و لیست اسامی اسرا را آوردند. آن روز برای این که از نگرانی پسر عمویم بکاهم به کمک همکارها همه نامه ها را گشتیم تا این که در یکی از نامه ها اسم نوه عمویم را دیدم من هم به سرعت به خانواده اش خبر دادم.

رفتار کدام یک از اسرا بر روی شما تاثیر گذار بود؟

مهدی تهانیان از اسرای اصفهانی بود. او و علیرضا رحیمی وقتی خبرنگار هندی خواست با آن ها مصاحبه کند، قبول نکردند و گفتند تا زمانی که حجاب نداشته باشی مصاحبه نمی کنیم. او هم ساری (لباس هندی) خود را روی سرش کشید و بعد بارضایت آنان شروع به مصاحبه کرد.

یادم است که خبرنگار هندی برای تضعیف روحیه بچه ها به تهانیان گفت: «قای خمینی گفتند شماها که سن تان کم است و به جبهه آمدید بچه های من نیستید!» تهانیان در پاسخ به خبرنگار هندی جواب داد: ایشان رهبر من است و هر چه بگویند درست است و ما به خاطر خدا و خواست رهبر به اینجا آمدیم.

نقش هلال احمر و صلیب سرخ در رابطه با اسرا چه بود؟

صلیب سرخ به بازدید آن ها می رفت و نامه ها را می رساند و ما هم به خانواده ها می دادیم.

از شهدای آزاده اولین خبر شهادت اسرا بگویند.

۱۱۹ نفر از اسیران شهید شده بودند و حدود ۵۰۰ نفر هم مفقودالاثر که خبر شهادتشان بعدا به ما رسید. وقتی خبر شهادت اسیری به اداره ما می رسید آنجا تبدیل به ماتمکده می شد و غم و غصه از در و دیوار آن آشکار بود. زمانی که صلیب سرخ اسامی شهدا با نامه ها، آدرس و عکس شهدا را روی میز می گذاشت، اداره ما در حالتی میان خشم و غم فرو می رفت. همه شروع می کردند به شیون و زاری و حال همه بد و طاق فرسای می شد. فکرتش را بکنید

ما باید این اطلاعات و مدارک را به خانواده در چه یک آن ها می دادیم. لحظه ای که خبر شهادت اسرا را به خانواده هایشان داده می شد، خیلی در دناک بود.

در میان اسیران، اسرای شاخص بودند که ۴ نفر از آن ها خانم بودند. آیا در این سازمان با هم همکاری داشتید؟

بله آن ها در زمان های لزوم به اداره ما می آمدند و کمک حال ما بودند.

چه زمانی از اسارت شهید تندگویان روزیر نفت وقت مطلع شدید؟

از همان روز اول که من به آن سازمان رفتم همه از این حادثه مطلع بودند. وی به همراه مهندس بوشهری و مهندس یحییوی که از معاونینش بودند اسیر شد. با همسران این عزیزان ارتباط تنگاتنگی داشتیم و آن ها خیلی به اداره سر می زدند؛ زمانی که جسد شهید تندگویان را تحویل دادند ما با همسر وی به کرمانشاه رفتیم و جسد را تحویل گرفتیم و باز گشتیم.

در ۲۶ مرداد ماه روز آزادسازی اسرا شما تا کجا به استقبال شان رفته بودید؟

روز چهارشنبه ۲۴ مرداد در ستاد دیگری برای امور آزادگان جلسه داشتیم. وقتی از آنجا بازگشتیم همکارانم این خبر را دادند که صدام ۲۶ مرداد هزار نفر را یک طرفه آزاد می کند. صدام بیشتر اوقات به وعده های خود عمل نمی کرد به همین علت من باورم نمی شد. گاهی اوقات ما به فرودگاه می رفتیم اما به جای ۵۰ نفر اعلام شده ۲۰ نفر را تحویل می دادند. با این حال روز ۵شنبه ۲۵ مرداد با یک هواپیما از طرف نیروی هوایی ارتش عازم شدیم. در این سفر خانم تندگویان را دعوت کردم که با استقبال وی روبه رو شویم. به همراه ۳ نفر از خانم های همکار رفتیم به فرودگاه نیروهای ارتش، سوار هواپیما شدیم، غروب به کرمانشاه رسیدیم و شب آنجا ماندیم. فردا صبح به سمت اسلام آباد غرب رفتیم و بعد از یک توقف کوتاه به قصر شیرین رسیدیم. در قصر شیرین شب را در یک خرابه گذراندیم که حتی سقف هم نداشت؛ اما فردای آن شب، روز خیلی قشنگی بود. ساعت ۱۳ اولین اتوبوس آمد؛ خوشحالی وصف ناپذیری در چشمان موج می زد. من با ۲ شاخه گل گلایل در جلوی اتوبوس ها خوشامدم می گفتم. پس از ۱۰ سال آرزوی ما به

واقعیت پیوسته بود؛ سال ها می گذشت و ما چنین روزی را آرزو داشتیم.

آن روز اسرا را به کجا انتقال دادند؟

اسرا را به پادگان الله اکبر در اسلام آباد غرب بردند. در راه تمام روستایی ها شادی و پایکوبی می کردند. چون ماه صفر بود من به آن ها تذکر دادم اما آن ها گفتند در این روز خود امام حسین (علیه السلام) هم آزاد شدند اسرا خوشحال هستند چه برسد به ما. هنگامی که به اسلام آباد رسیدیم به سرعت وارد هلال احمر شدیم. شب تصمیم گرفتیم به پادگان الله اکبر برویم و آزادها را ببینیم که فقط به من و خانم تندگویان اجازه دیدار دادند.

از حال و هوای آزادگان در پادگان الله اکبر بر ایمان بگویند.

آزادگان در حال استراحت بودند و ما با چند نفر که از طریق نامه هایشان با آن ها آشنا بودیم کمی صحبت کردیم و فردا به کرمانشاه برگشتیم و از آنجا به تهران. باید زود بازمی گشتیم به اداره، چون مراجعه کنندگان بسیار زیاد شده بود. بعد از آن دیگر وقتی سر مرز خسروی اسرا را تحویل ایران می دادند از طریق دورنگار به وزارت اطلاعات خبر می دادند و ما اسامی را به چشم انتظاران آن ها اعلام می کردیم.

در چند جمله حال و اشتیاق خودتان را در زمان آزادسازی اسرا بر ایمان توصیف کنید.

یکی از صحنه هایی که بر ایم بسیار هیجان انگیز است زمانی بود که تعدادی از رزمندگانی که از قبل شهید اعلام شده بودند و خانواده ها برای آن ها مراسم ختم گرفته بودند؛ ناگهان خبر اسارت و زنده بودنشان در عراق به دست می رسید. ما این خبر خوب و هیجان انگیز را به خانواده ها اعلام می کردیم. یکی از بهترین اتفاقات شیرین و خوش در حیطه کاری من همین اتفاق بود.

خانواده تان با این شغل سخت و طاقت فرسای شما مشکل نداشتند؟

نه خدا را شکر، خانواده با فرهنگ و تحصیل کرده ای دارم که مرا در کم می کنند. همسر من ۷۴ فوت کرد. او را همیشه در انجام کارهایم کمک و پشتیبانی می کرد.



مهدی تهانیان از اسرای اصفهانی بود. او و علیرضا رحیمی وقتی خبرنگار هندی خواست با آن ها مصاحبه کند، قبول نکردند و گفتند تا زمانی که حجاب نداشته باشی مصاحبه نمی کنیم. او هم ساری (لباس هندی) خود را روی سرش کشید و بعد بارضایت آنان شروع به مصاحبه کرد.



رضوان و ماه قرمز!

روایتی از فرزند یک شهید آزاده

آن روزها ۸ سال بیشتر نداشتم. تنها دخترک کوچک و شیرین بابا بودم. مهر ماه ۵۹ مرا به مدرسه برد؛ همان روز قول داد اگر معدلم بیست شود برویم تهران، بگردیم و تفریح کنیم. اما هنوز روزهای مهرماه سپری نشده بود که بابا به جبهه رفت، ماه‌ها گذشت و از او خبری نبود. من هم سعی می‌کردم خوب درس بخوانم که وقتی بابا به خانه آمد با کارنامه‌ام از او پذیرایی کنم. خردادماه سال ۱۳۶۰ آمد و من امتحاناتم را با معدل ۲۰ پشت‌سر گذاشتم هرروز چشمم به در بود تا بابا از دربیاید و پوتین‌هایش را در آورد آن لحظه که در آغوشش می‌پریم بگویم: «بابا بیست شدم حالا زود برویم تهران.»

نامه بابا آمد

روزی صدای زنگ خانه به صدا درآمد با ذوق و شوق دویدم سمت در تا در را باز کردم غم چهارم را گرفت به جای بابا لباس‌های خاکی، دو خانم با لباس‌های سفید با یک ماه قرمز پشت در بودند. آن‌ها دستی از روی مهربانی بر سرم کشیدند و گفتند: منزل «محمود رزمنده» است؟

گفتم: بله بفرمایید؟ یکی از خانم‌ها با لبخند شیرینی گفت: حتما تو هم رضوان خانم هستی؟ گفتم: بله خودم هستم.

اجازه گرفتند و آمدند داخل حیاط. مادر مرا صدا زد وقتی او هم به جمع ما اضافه شد، یکی از خانم‌ها گفت: نامه‌ای از اسرای جنگی که درجه‌دار ارتشی است به مرکز مفقودین و اسرای هلال‌احمر در تهران رسیده که خطاب به هلال‌احمر نوشته شده بود.

بابا در نامه نوشته بود: «هم وطن، من محمود رزمنده هستم و یک دختر کوچک به نام رضوان دارم که در کلاس دوم ابتدایی تحصیل می‌کند و همراه با مادرش در خرم‌آباد زندگی می‌کند. اینجانب به دخترم قبول داده بودم در صورتی که در

مدرسه نمره خوبی بگیرد و معدلش بیست بشود، او را به تهران بیاورم، با هم به گردش برویم و از باغ‌وحش و جاهای دیدنی تهران دیدن کنیم. حالا دخترم به قول خودش وفا کرده و معدلش بیست شده است و از آنجا که نمی‌خواهم یک سرباز در برابر فرزندش خجالت‌زده و شرمگین شود از شما می‌خواهم که نامه را در روزنامه کیهان یا اطلاعات چاپ کنید تا همشهری‌هایم به قولی که به او داده‌ام به جای من وفا کنند و او را برای گردش و تفریح و بازدید از باغ‌وحش به تهران ببرند.» گویا نامه بابا در روزنامه اطلاعات چاپ شده بود.

بابا به قولش وفا کرد

هلال‌احمر که خود را مسئول خانواده اسرا و مفقودین می‌دانست، دست به کار شده بود و از هلال‌احمر خرم‌آباد درخواست کرده بود برای من و مادر بلیت هواپیما تهیه کنند. در کمال ادب و احترام به تهران رسیدیم. همان‌جا بود که آن خانم مهربان سرآغمان آمد و گفت: من (بهجت) افراز هستم... از دو نفر از همکارهایش خواست تا میزبان من و مادر باشند. هتل هویزه اولین جایی بود که رفتیم. از آن روز به بعد هم به مدت یک هفته با ما بودند.

با ماشینی که از هلال‌احمر آمده بود به باغ‌وحش، تله‌کابین توجال، پارک و چندین فروشگاه اسباب‌بازی رفتیم، خیلی خوش گذشت اما جای بابا خالی بود، بابا قولش را قبل از آمدنش ادا کرده بود. هر جا من می‌خواستم می‌رفتیم و بهترین خاطره زندگی‌ام را بابا برایم به‌وسیله هلال‌احمر آفریده بود.

یک هفته به خوشی گذشت روز آخر رفتیم دفتر آقای صدر، (مدیرکل امور بین‌الملل هلال‌احمر) آقای صدر با مهربانی از ما استقبال کرد و هدایایی به من داد. در میان آن‌ها چند جلد کتاب به چشم می‌خورد. یکی از آن‌ها را برداشتم و از خانم افراز خواستم برای من یادگاری بنویسد. او هم نوشت:

رضوانک رزمنده‌ام/دخترک ارزنده‌ام
دانی چرا بابا تو را؟/از جان و دل، قربان تو را؟

چون تو گل این چمنی /شکوفه یاسمنی
خدا تو را برای ما /حفظ نماید، جان ما
راهی خرم‌آباد شدیم. خانم افراز هم برای این که خیال بابا از بابت سفارشی که کرده بود، راحت شود برایش چند قطعه عکس از گردش گاه‌هایی که من را برده بودند، فرستادند.

بابا ما را قزوین برد

بعد از چند وقت دوباره هلال‌احمر به سراغمان آمد. بابا دوباره نامه نوشته بود؛ تشکر کرده و گفته بود میل دارد، خانواده‌اش به قزوین که شهر حاج‌آقای ابوترابی است؛ نقل مکان کنند و در آنجا زندگی کنند.

پس از اطلاع از تمایل ما چون مادر فرهنگی بود، خانم افراز با آموزش و پرورش قزوین و خرم‌آباد مکاتبه می‌کند و ما را به صورت مسووت توضیح می‌دهد. آن‌ها با انتقال مادر از خرم‌آباد به قزوین موافقت می‌کنند. در خانه‌های سازمانی ارتش در قزوین هم یک‌خانه برای سکونت ما در نظر گرفته شد.

بابا رفت

من بزرگ شده بودم و وارد دبیرستان و از نظر فرهنگی و اجتماعی جزو فعالان و نخبگان مدرسه بودم که یک هم‌اندیشی در قزوین برگزار شد، خانم افراز هم یکی از مدعوین بود. محل برگزاری هم‌اندیشی، دبیرستان ما بود. بعد از هم‌اندیشی خودم را از بین جمعیت به خانم افراز رساندم و چهره‌اش را غرق بوسه کردم.

در چشم‌هایم که نگاه انداخت، گفتم: خانم افراز، منم رضوان، رضوان رزمنده.

سال‌ها گذشت و از آن روز به بعد هرچند وقت یک‌بار باهم تماس داشتیم.

حالا پزشک هستم و با یک پزشک ازدواج کرده‌ام، بابا در آزادی بزرگ اسرا به آغوش گرم و منتظر خانواده بازگشت اما متأسفانه چند سال بعد در اثر بیماری ناشی از اسارت، فوت کرد و به خیل شهدا پیوست. من دکتر رضوان رزمنده فرزند شهید آزاده محمود رزمنده هستم. ■



زیبایی‌های اسارت

با عبدالرحمان فرخ سهراب رزمنده، آزاده و جانبازی که دبیری جمعیت آزادگان دفاع مقدس را بر عهده دارد

سعیده فاطمی



عبدالرحمان فرخ سهراب سرباز وظیفه ژاندارمری در مبارزه با قاچاق بوده؛ ۲۲ مهر ۱۳۵۹ که از راه می‌رسد به عنوان آر.بی. جی زن از آبادان به خرمشهر می‌رود. همزمان با تجاوز رژیم دست‌نشانده بعث در حمله‌ای که صدام معدوم آن را «عملیات قادسیه» نام‌گذاری کرده بود، به اسارت رژیم بعث در می‌آید و پس از تحمل ۱۰ سال اسارت یا دقیق‌تر، ۱۱۸ ماه و هفت روز، در بند زندان‌های بعث می‌شود. سهراب بالاخره ۲۹ مردادماه ۱۳۶۹ به آغوش گرم میهن بازمی‌گردد. به این مناسبت «مهر و ماه» پای صحبت عبدالرحمان فرخ سهراب، دبیر جمعیت آزادگان دفاع مقدس نشسته است. بخش زیادی از گفت‌وگو به خاطرات و ذکر یاد از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی، سید آزادگان و از دوستان سهراب گذشت.

اسارت عالی بود!

سهراب ذاتا شوخ طبع است و گفت‌وگو را با چاشنی طنز آمیخته می‌کند. وقتی از او می‌پرسیم اسارت چگونه بود، می‌گوید: خیلی عالی. بعد هم دلیل این اظهار نظر را این‌گونه بیان می‌کند: به علت انسجام و اخوتی که به برکت حضور سید آزادگان مرحوم حاج سیدعلی اکبر ابوترابی ایجاد شده بود، کسی ناله و شکوه نمی‌کرد. به‌رغم شکنجه‌های جسمی و دردهای جسمانی خوش می‌گذشت و روح‌مان آزاد بود.

در اسارت توانمند شدیم

این آزاده می‌گوید: اعتقاد داریم آزادگان در طول اسارت خود تجربه‌ها و توانمندی‌هایی کسب کردند؛ برای همین از بازگشت این توانایی در همه زمینه‌ها به کمک‌شان آمد. در صد بالایی از آن‌ها دارای تحصیلات بالایی شدند و به جرأت می‌توانم بگویم، بالای ۸۰ درصد دارای تحصیلات عالی هستند و حدود ۴۰ درصد آن‌ها نیز دارای تحصیلات دکترا به بالا هستند.

آزادگان؛ آماده خدمت

سهراب با اشاره به توانمندی‌های آزادگان تأکید می‌کند آن‌ها آماده خدمت به مردم و جامعه‌شان هستند؛ همان‌طور که طی این همه سال بوده‌اند: زمانی که وارد ایران شدیم امام (ره) یک‌سخنی بر ایمان به ارث گذاشته بودند: «اگر روزی اسرا آمدند و من نبودم به آن‌ها بگویند که من در فکرشان بودم.» در حقیقت امام یک پیام را برای ما به یادگار گذاشته بودند و ما آن را گرفتیم؛ وقتی امام می‌گویند من در فکر آن‌ها بودم یعنی وقتی برگشتید همان‌گونه که من شما را فراموش نکرده بودم شما هم راه من را فراموش نکنید. از طرفی هم حضرت آقا در بدو ورود اسرا، آن‌ها را «ذخایر انقلاب» نامیدند و در سخنرانی اخیرشان در جمع آزادگان آنان را الماس‌های درخشان خوانده‌اند. از سویی هم حاج آقا ابوترابی در تمام برخوردهایش با اسرا تأکید کرده است: «پاک باشید و خدمت‌گزار» ما همه این فرمایشات را سر لوحه کار و زندگی‌مان قرار داده‌ایم. آزادگان آماده‌اند تا با تحصیلات خود ادامه‌دهنده راه امام (ره) باشند و به عنوان ذخایر انقلاب پاک، منسجم و درخشان چون الماس به مردم ولایی ایران خدمت کنند.

چگونگی تشکیل جمعیت آزادگان

در ادامه، بحث چگونگی تشکیل «جمعیت آزادگان دفاع مقدس» وسط می‌آید. سهراب پایه تشکیل آن را در روزهای اسارت می‌داند و می‌گوید: این شکل

در طول ۱۰ سال که در اسارت بوده‌ایم شکل گرفت. ما مبارزه‌ای اخلاقی با حضور حاج آقا ابوترابی در برخورد با عراقی‌ها آغاز کردیم و یک انسجامی را از آن روزها در بین خودمان داشته‌ایم. سهراب علت ایجاد ظاهری چنین تشکیلی را جمع شدن ستاد آزادگان می‌داند که پس از آن تحت پوشش بنیاد شهید قرار می‌گیرند. به گفته او، در گذشت حاج آقا ابوترابی به عنوان پدر معنوی آزادگان یکی دیگر از دلایل تشکیل «جمعیت آزادگان دفاع مقدس» بوده؛ این مسائل باعث شد تا بچه‌ها دور هم جمع و برای تشکیل جمعیت و اتحاد بیشتر اقدام کنند. این تشکل جای پدر خالی معنوی آن‌ها را پر می‌کند و از لحاظ حقوقی و مسائل دیگر پشتیبان آزاده‌ها است. با جمع بندی نظرات و آراء در آخرین روزهای سال ۱۳۹۰ این سازمان مردم‌نهاد به ثبت می‌رسد.

خدمت یک خائن!

از سهراب می‌پرسیم «حاج آقا ابوترابی کیست» که آن‌قدر آزاده‌ها به او می‌نازند؟ پاسخ می‌دهد: یک سال و نیم از اسارت ما می‌گذشت که یک سید روحانی را آوردند و در سلولی جداگانه تحت نظر و شکنجه قرار دادند. تا روزی که عذوب شد سبب خبر و «بنی صدر» خائن خدمتی در حق اسرا کرد که حاج آقا زنده ماند و در بین اسرا زندگی و پیری کرد. خدمت بنی صدر خائن چه می‌توانست باشد؟! سهراب در پاسخ می‌گوید: حاج آقا ابوترابی نماینده امام (ره) در وزارت دفاع بود که از هم‌روزهای شهید



یاد امام (ره)

زمانی که وارد ایران شدیم امام (ره) یک سسخنی برای ما به ارث گذاشته بودند: «اگر روزی اسرا آمدند و من نبودم به آن‌ها بگویند که من در فکرشان بودم.»

بر گشتیم به میهن و هنوز هم دارای چنین انسجامی هستیم که بهادر گذشت حاج آقا و منحل شدن ستاد از بین نرفت. برای تقویت این انسجام دست به تشکیل جمعیت آزادگان دفاع مقدس زدیم و خدا را شکر بهترین دوستان برای همدیگر هستیم.

تأثیر روی عراقی‌ها

این آزاده می‌گوید حجت‌الاسلام ابوترابی با منش و رفتاری که داشت همه را تحت تأثیر قرار داده بود حتی عراقی‌ها را. پس از این که آرامش بر اردوگاه ماسلط شد بعضی‌ها تصمیم گرفتند حاج آقا را به اردوگاه‌های دیگر هم ببرند. او هم انسجام را در آن مکان‌ها ایجاد می‌کرد. حاج آقا معتقد بود، مبارزه همیشه مبارزه منفی نیست برای همین مبارزه مثبت را آغاز کرده بود تا جایی که حتی روی بعضی‌ها هم تأثیر گذاشت. به گونه‌ای رفتار کرد که در زمان آزادی، نگهبانان گریه می‌کردند و می‌گفتند شما می‌روید ما چه کنیم. این‌ها افرادی بودند که ۱۰ سال در آن اردوگاه زندگی کرده بودند؛ حالا چرا ۱۰ سال ثابت بودند به این دلیل که خدمت اجباری عراق ۵ سال بود و هنگام جنگ دو برابر می‌شد و به ۱۰ سال می‌رسید. وقتی زمان خداحافظی رسیده بود آن‌ها می‌گفتند اگر شما بروید ما چه کار کنیم؟ حاج آقا با لبخندی به آن‌ها گفت: «غصه نخورید کویته‌ها را صدام برایتان صید کرده و می‌آورد.» با ابراز ناراحتی می‌گفتند ما به شما عادت کرده‌ایم به مهربانی و دوستی‌تان. همچنین گفتند: «سیدید به ملت‌تان سلام ما را برسانید و بگویید که ما مأمور و معذور بودیم.»

کمندی برای زندانبانان

به گفته سهراب، تأثیر رفتار، اخلاق و منش ابوترابی تا جایی بوده که یکی از سربازان عراقی از مرز فرار می‌کند و خودش را به او می‌رساند: جریان از این قرار است که وقتی در حال شکنجه حاج آقا بوده چوبش از دستش می‌افتد. حاج آقا دولا می‌شود چوب را برمی‌دارد و به او می‌دهد و می‌گوید: «وظیفه‌ات را انجام بده تا بعد به خاطر قصور تنبیه نشوی.» زندانبانان چوب را می‌اندازد و می‌گوید نمی‌زنم. این سرباز پس از معاوضه اسرا به ایران می‌آید و در امور برون مرزی به نیروهای ایرانی کمک می‌کند. بعد از این که صدام سرنگون می‌شود به عراق برمی‌گردد و در دفاع از حریم شریفین به شهادت می‌رسد.

می‌کند و پاسخ می‌شود که ما اطلاع نداشتیم شما از دوستان جناب آقای «بنی‌صدر» هستید. به خاطر همین می‌گوییم بنی‌صدر هر چه قدر خیانت کرد بالاخره خدمت هم کرد! او با دوستی عوام‌فریبی‌اش به اسرا خدمت بزرگی کرد.

کتک خوردن ثواب‌ندار!

بعد هم پای خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی به میان می‌آید: قبل از ورود حاج آقا به اردوگاه تعداد معدودی ضدانقلاب حضور داشتند و اردوگاه به دویخس سر بازان خمینی (ره) و ضدانقلاب تقسیم شده بود. ذهنیت ما هم این بود که وقتی شکنجه می‌شویم، ثواب می‌بریم. برای همین، هر کس کتک بیشتری می‌خورد احساس می‌کرد ثواب بیشتری نصیبش شده است. سال ۶۰ بود که حاج آقا به اردوگاه وارد شد و با این ذهنیت مبارزه کرد و گفت: در اسلام چنین چیزی نداریم که به شما ظلم شود و ثواب ببرید. باید تلاش کنید که زیر شکنجه نروید. حالا اگر هم کتک خوردید این که ثواب دارد یا ندارد با خداست. باید بدنتان را سالم نگه دارید تا به ایران برگردید.

اسارت جایی برای خودسازی

سهراب به ویژگی‌های دیگر ابوترابی و تأثیر گذاری‌اش بر اسرا اشاره می‌کند: حاج آقا تأکید بر ورزش و آموزش، از همان روز اول ما را تحت تعلیم قرار داد. به صورت مخفی ورزش‌های رزمی را آغاز کردیم و ورزش‌های عمومی مانند والیبال و فوتبال را با توپ سیفون شروع کردیم که بعدها عراقی‌ها توپ پلاستیکی برایمان آوردند. با آمدن صلیب سرخ، گروه ورزشی توپ‌های مختلفی را در اختیارمان گذاشت.

تلاش ابوترابی برای وحدت اسرا

سهراب سراغ تلاش مهم دیگری از ابوترابی می‌رود و می‌گوید: کار بعدی که حاج آقا ابوترابی برای بهبود اردوگاه انجام داد، آشتی دادن بین اسرای انقلابی و ضدانقلابی بود. او از روز اول خیلی راحت به سمت آن‌ها رفت و با آن‌ها رفیق شد. معتقد بود باید باهم دوست باشیم و بر هم تأثیر بگذاریم. سعی می‌کرد بین این دو گروه اتحاد و همبستگی ایجاد کند و این همان بنیاد و پایه انسجام ما بود. به جز عده معدودی که مخالفت قلبی داشتند که جذب منافقین شدند و از اردوگاه فرار کردند یا پناهنده شدند، بقیه باهم

چمران محسوب می‌شد و در اولین مجروحیت شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم، حاج آقا ابوترابی به اسارت بعضی‌ها درمی‌آید. چون حمله خیلی سنگین بود شهید چمران تصور می‌کند حاج آقا شهید شده و حتی مطلب زیبایی در تأیید می‌نویسد که به خوبی او را به همگان معرفی می‌کند. در حالی که حاجی به اسارت دشمن درآمده بود، در قزوین مراسم ختمی برای او برگزار می‌شود. بنی‌صدر هم برای عوام‌فریبی مردم قزوین، در این مراسم حاضر می‌شود و در سخنرانی‌ای می‌گوید: «شهید ابوترابی از دوستان ما بوده است.» پس از پخش این خبر و شنیدن آن توسط بعضی‌ها با لاف‌افاصله او را از سلول به اردوگاه انتقال می‌دهند. در حالی که پیش از آن، او را شکنجه می‌دادند تا جایی که شب قبل با یک میخ سرش را سوراخ کرده بودند. ابوترابی از فرماندهان بعث، علت این تغییر رفتار را سؤال

خاطره



بزرگ‌منشی در باغ هلال احمر

از اسارت برگشته بودم، پنج روزی نگذشته بود که مادرم گفت: «برو باغ هلال احمر؛ آن جا خانمی هست که از طرف هلال احمر مسئولیت رسیدگی به امور اسرا و مفقودین را بر عهده دارد. برو به دیدنش و از طرف من تشکر کن. وقتی نبودی من آن‌ها را خیلی اذیت کردم.» فردای آن روز رفتم زیر پل سیدخندان. وارد باغ بزرگی شدم، پس از عبور از لایه‌های درخت‌ها به سالی باریک رسیدم. خانمی آمد و گفت: «بفرمایید، امر تون؟» گفتم: با خانم افراز کار دارم. سهراب هستم. تاگفتم سهراب، از هراتاقی یک خانم بیرون آمد! می‌گفتند: «سلام آقای سهراب، خوب هستید؟» پیش خودم گفتم مادرم چه روز این‌ها آورده که همه من را می‌شناسند! گویا مادرم در این ۱۰ سال که من نبودم پاشنه در اتاق این بنده خداها را درآورده بوده! در همین حین یک خانم میان سال با چادر مشکی از روبه‌رو آمد و گفت: «خانم‌ها بفرمایید، به کارهای‌تان برسید.» به من هم گفت: «سهراب پسر، خوبید؟ مامان خوب هستند؟» گفتم: الحمدالله، بیخشید خانم افراز، حلال کنید. گفت: «چرا عذرخواهی می‌کنی مادر؟» گفتم با این برخورد معلوم است مادرم چه بر سر شما آورده. او هم گفت: «نه، ایشان خانم خوبی هستند ما دل‌مان برایش می‌سوخت. می‌آمد، می‌نشست و گریه می‌کرد.» همان‌جا متوجه بزرگ‌منشی خانم افراز (مدیر وقت بخش اسرا و مفقودین جنگ‌سازمان هلال احمر) شدم و همچنان به ایشان ارادت دارم. خانم افراز به نام «ام‌الاسرا» شناخته می‌شود ولی در کل مادر اسرا و مفقودین برای او شناس‌تراز آزادگان هستند.

چلچراغی که خاموش شد!

گفت‌وگو با سید حبیب موسوی مقدم، رزمنده‌ای که عملیات مرصاد را با تمام وجود لمس کرده است

سامیه‌امینی



«امروز مهران، فردا تهران! در عملیاتی که بعدها منافقان «چلچراغ» خواندندش. منافقان از دو محور وارد خاک کشور شدند؛ محور اول از شهر مهران و محور دوم از طریق اسلام‌آباد و قصر شیرین. دشمن وقتی وارد قصر شیرین شد با رعب و وحشتی که به راه انداخته بود، توانست اهالی شهر را از خانه و کاشانه‌شان بیرون براند. شهر تخلیه شد. وقتی خبر این واقعه در کشور پیچید احساس مسئولیت کردم و عازم جبهه‌های غرب کشور شدم. آن زمان یک طلبه بودم و ایستادگی در برابر دشمنان این مرزوبوم را وظیفه خود می‌دانستم. در غرب بلافاصله پس از گذراندن دوره‌های آموزشی به ایلام اعزام شدم. وقتی به منطقه اسلام‌آباد رسیدیم، منافقان تقریباً تمام شهر را تصرف کرده بودند و تمام نیروها بشان را در مناطق حساس شهر مستقر شده بود؛ اما با این حال ما وارد شهر شدیم...» این صحبت‌ها گوشه‌ای از خاطرات جانباز سید حبیب موسوی مقدم است که از عملیات مرصاد که در مرداد ۶۷ انجام شد، بیان می‌کند. پای صحبت‌های این روحانی رزمنده نشستیم و شنونده خاطرات تکان‌دهنده‌ای شدیم.





خاطرات

پیش از گفت و گو

سید حبیب موسوی مقدم از شاگردان مرحوم کافی است که سال ۱۳۵۹ به دنبال علاقه‌اش در حوزه علوم قرآنی از ایلام روانه مدرسه رجبیه قم شد. سید حبیب سال ۱۳۴۰ در منطقه کوهستانی و کردنشین آبدانان ایلام پا به عرصه وجود گذاشت تا در عملیات مرصاد نام خود را بر صفحه تاریخ ماندگار کند. «مهر و ماه» در ماه ضیافت الهی پذیرای این سید بزرگوار و خاطرات او از عملیات مرصاد و ماجرای مجروحیتش شد. او ابتدا می‌گوید: این روزها اولین رضائی است که مرحوم آیت‌الله غوری نماینده ولی فقیه در هلال احمر، در بین ما نیست بهتر است یادی از او کنم. وی سه دهه در هلال احمر این مسئولیت را بر عهده داشت. همچنین جای تشکر دارد از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بابت انتخاب آیت‌الله معزی برای جانشینی وی. موفقیت او را در این جایگاه از خداوند منان مسئلت دارم.

خیال خام منافقان

مجروحیت عمده سید حبیب موسوی مقدم حاصل حضور او در عملیات مرصاد است. موسوی وقتی در عملیات مرصاد شرکت می‌کرد،

احساس مسوولیت

وقتی منافقان مهران را گرفتند و خبرش به قم رسید، من بر خود ننگ دیدم که آرام گیرم و هم‌وطنان و همشهریانم زیر یوغ جسارت نامردان باشند. خود را به غرب رساندم.

شلیک‌ها و تیراندازی‌های منافقین و آتشی را که در شهر می‌سوزاندند را می‌شنیدم. اسلحه‌ام داخل ماشین مانده بود. در آن وضعیت فقط فکر کردم هر طور که شده خودم را لایه‌لای درختان بکشانم؛ اما همین که نیم‌خیز شدم تا حرکت کنم، یکی از منافقین که تصور می‌کرد کارم تمام شده متوجه شد تکان می‌خورم و زنده‌ام. با اسلحه کمربندی‌اش آمد بالای سرم و سه تیر خلاص به سمت شلیک کرد. گلوله‌ها اصابت کرد به ناحیه چپ بدنم. یکی به پهلو، یکی به پایین تنه و دیگری هم به رانم اصابت کرد. وقتی این اتفاق افتاد از حالت نیم‌خیز به روی خاک اقدام. در آن حال ناگهان به زبانم آمد و به حضرت زهرا (س) گفتم ۱۴ هزار صلوات نذر شما می‌کنم تا مرا از دست این هجانات دهید.

من زنده‌ام!

موسوی ادامه می‌دهد: ساعت ۱۱ شب شده بود و من هنوز هشیار بودم. دو نفر آمدند بالای سرم. وقتی صورت‌م را با آن وضع متلاشی شده دیدند گفتند که این دیگر شهید شده است. لفظ شهید را که آورد فهمیدم که نیروی خودی است؛ اما هرچه تلاش کردم تا فریاد بزنم و بگویم: «کمک، من زنده‌ام» نتوانستم. صدایم در نمی‌آمد. خون زیادی از من رفته بود و دیگر نه می‌توانستم حرکت کنم و نه صحبت. با تمام توانم، نتوانستم با آن رنجم به پای یکی از آن دو نفر بزنم. آن بنده خدا هم‌نشست کنارم و ما به هر زحمتی شده بود از گلویم صدای آرامی بیرون آمد و گفتم: «من زنده هستم» مرا انداختند پشت و انت. همین‌طور که وانت داشت می‌رفت پنج نفر دیگر هم سوار شدند. من دیگر قادر به صحبت کردن نبودم. کف وانت آهنی بود و تکان خوردن‌های ماشین آزارم می‌داد. یکی از این بسیجی‌ها که سوار وانت شده بود، در آن تاریکی مرا ندید و نشست بود روی سینه‌ام! هر چه کردم تا او را متوجه کنم، نتوانستم. تقریباً به ماهی دشت اسلام‌آباد رسیده بودیم یعنی حدوداً ۳ کیلومتر بعد، که بالاخره متوجه شد که روی سینه من نشسته است. در بیمارستان ماهی دشت نتوانستند برای وضعیت من کاری کنند و گفتند: «باید سریعاً به کرمانشاه منتقل شود». ساعت ۳:۳۰ بامداد رانسان می‌داد و من تمام این مدت هشیار بودم. به کرمانشاه اعزام شدم. از ماهی دشت تا کرمانشاه کمتر از

عملیات دیگر را در جبهه تجربه کرده بود. «وقتی منافقان مهران را گرفتند و خبرش به قم رسید، من بر خود ننگ دیدم که آرام گیرم و هم‌وطنان و همشهریانم زیر یوغ جسارت نامردان باشند. خود را به غرب رساندم. «ان المنافقون لکاذبون» منافقان را خیال برداشته بود که راه تا تهران برایشان گشوده است و همان‌گونه که از جاده وارد مهران شدند می‌توانند تا تهران را تصرف کنند. آن‌ها حتی مصاحبه‌ای که در مهران انجام داده بودند را نیمه‌کاره رها کرده بودند تا در تهران تکمیل کنند! اما با درایت شهید صیاد شیرازی آن‌ها وارد منطقه‌ای به نام «چارزبر» که امروزه بانام «تنگه مرصاد» شناخته می‌شود شدند که حدود ۶ کیلومتر مربع زمین هموار است؛ پس از ورود تمام لشکر منافقان به آنجا، «هلی برد» جمهوری اسلامی آنان را ناکام کرد.»

وقتی سه تیر خلاص خوردم!

موسوی نقی به خاطرات می‌زند: «با خود روی نظامی سپاه در داخل شهر اسلام‌آباد حرکت می‌کردیم. پرنده پر نمی‌زد. دور میدان اصلی شهر که رسیدیم، ۴ نفر با لباس بسیجی ایستاده بودند. بادیدن ماشین سپاه، خودشان را انداختند جلوی ماشین و اشاره به مجروحی کردند که نقش زمین شده بود. وقتی ایستادیم گفتند: «این مجروح را هم با خود ببرید». راننده‌مان بلافاصله از ماشین پیاده شد تا به مجروح کمک کند. من هم در را باز کردم تا برای انتقال مجروح به داخل خودرو، کمک کنم در همین حین راننده را به رگبار گرفتند! هنوز در کامل باز نکرده بودم که نارنجک پر تاب کردند جلوی ماشین. نارنجک منفجر شد و رد ترکش‌ها و سرخی آن‌ها را روی صورت‌م احساس کردم و بی‌هوش شدم. بعدها متوجه شدم بر اثر اصابت ترکش‌ها سمت چپ چهره‌ام به‌طور کامل از بین رفته است. گویا آن شب رأس ساعت ۹، سران منافقین دستور عملیات به نیروهای خود داده بودند. آن شب نیروهای‌شان که در قسمت‌های حساس و مهم مستقر شده بود، یک‌دفعه و باهم شروع کردند به تیراندازی. با شلیک به بیمارستان و به مقر سپاه پاسداران رعب و وحشت شهر را برداشت و مردم بی‌دفاع وحشت‌زده از شهر خارج می‌شدند. وقتی به خودم آمدم با بدنی آغشته به خون کنار ماشین نقش زمین شده بودم. صدای

نکته

مسئولیت‌های اجرایی

روایت سید حبیب موسوی مقدم از فعالیت‌های اجرایی و نیز مسئولیتش در جمعیت هلال احمر. او می‌گوید: حدود ۱۷ سال در بنیاد شهید خدمت کردم و نیروی رسمی آن‌جا محسوب می‌شدم. پس از آن، مسئول ریاست بنیاد شهید آبدانان و سپس مهران شدم. در ادامه ریاست اداره مددکاری بنیاد شهید استان ایلام و اداره یادمان‌ها را بر عهده گرفتم تا این که پس از اجرای قانون حالت اشتغال جانبازان از بنیاد شهید کناره گرفتم و به قم باز گشتم. پس از چند ماهی به ایلام رفتم و امام جمعه یکی از شهرها بودم. بعد از آن بحث دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌ها از سوی مرحوم آیت‌الله غوری مطرح شد و مجلس با آن موافقت کرد. بنابراین حدود شش سال مسئول دفتر نمایندگی استان ایلام در هلال احمر شدم. اکنون نیز به‌عنوان یک سرباز در خدمت آیت‌الله معزی به‌عنوان دبیر ستاد اقامه نماز و ستاد امریه‌معروف و نهی از منکر جمعیت هلال احمر هستم. همچنین مسئولیت امور استان‌ها نیز بر دوش بنده است.



وقتی شهید نشدم!

ساعت ۱۱ شب شده بود و من هنوز هشیار بودم، دو نفر آمدند بالای سرم، وقتی صورتم را با آن وضع متلاشی شده دیدند گفتند که این دیگر شهید شده است، لفظ شهید را که آورد فهمیدم که نیروی خودی است.

۴۰ دقیقه راه بود حدود ساعت ۴:۳۰ دقیقه صبح به بیمارستان طالقان کرمانشاه رسیدیم، جلوی بخش پذیرش بودیم که اذان صبح پخش شد، هنوز هشیار بودم و حرف‌ها را می‌شنیدم، مسئول پذیرش گفت: «این که کسی همراهش نیست، این طور نمی‌شود عملش کرد.» دیگری می‌گفت: «الان وقت این حرف‌ها نیست وضعیتش وخیم است، انگشت خودش را پای کاغذ بزیند، فرصت از دست می‌رود و نمی‌توان منتظر کسی ماند.» هوش و حواس داشتیم؛ اما چشمانم بسته بود و بی‌هیچ حرکت و صحبتی، انگشتم را پای بر گه زدند و انتقال دادند به اتاق عمل.

مرا تحمل کنید!

سید حبیب موسوی مقدم در ادامه از فردای روزی می‌گوید که یک عمل سخت جراحی را پشت سر گذاشته بود: «فردای آن روز حدود ساعت ۸ صبح بود که به هوش آمدم، با هواپیما انتقالم دادند به بیمارستان تبریز؛ همراه با ۲۶ مجروح دیگر، وقتی وارد بیمارستان امام خمینی (ره) شدم پزشکم بدون بی‌هوشی با سوزن و نخ بالای تخت صورتم را دوخت و آنجا برایم واقعاً یک شکنجه‌گاه بود، ساکشی که در قفسه سینهم قرار داده بود سه روز بعد به حدی پر شد که داشت به داخل بدنم بازمی‌گشت، روز هشتم یک زوج مسن به بیمارستان برای ملاقات مجروحان آمدند، من هم هرچه شماره از خانواده داشتم نوشتم و خواستم تماس بگیرند، سپردم به آن‌ها که بگویند من در بیمارستان امام خمینی (ره) تبریز بستری هستم، به آن زوج مسن سفارش کردم که ترجیحاً سعی کنند شماره اول را بگیرند چون روحیه پدر همسرم بهتر است. ساعت هنوز از ۱۲ شب نگذشته بود که تلفن را از بالای تخت برایم آوردند و گفتند از ایلام تماس گرفته‌اند، عمویم بود. گفتم وضعیت من به این صورت است که تیر به بدنم اصابت کرده و صورتم مجروح شده و چشمم را از دست داده‌ام؛ اما هنوز زنده‌ام، بعد از پایان این تماس، خانواده‌ام شبانه حرکت کردند و حدود ساعت ۶ صبح خودشان را به من رساندند، بنده خداها با دیدن وضعیت صورتم دگرگون شدند و من به آن‌ها دللاری می‌دادم، آن روز صورتم عفونت شدیدی کرده بود و سیاه شده بود، یادم هست که از آن‌ها این‌ه خواستم تا خودم را ببینم

اما امتناع کردند، من هم به شوخی گفتم: «دیگه شده و باید تحمل کنید، من دیگر سیاه پوست شدم.»

آن پزشک یک منافق بود!

موسوی از پشت پرده‌های یک مجروحیت در بیمارستان‌های شلوغ آن زمان می‌گوید: «به‌خاطر دارم که در بیمارستان تبریز، روز اول که درد داشتم ۱۳-۱۴ بار فرستادم دنبال دکتر؛ اما نیامد، روز دوم هم به همین منوال گذشت، تا روز سوم دوباره نوبت پرستاری بود که از روز اول از حال من باخبر بود، رو به من کرد و گفت: «هنوز پزشک نیامده؟» گفتم نه، ترکی هم که بلد نبودم، منظورم را به‌سختی می‌رساندم، او هم بلافاصله رفت از طریق مددکاری پزشک را بالای سرم آورد، من هم به او یهودی؛ اما هر دینی داری بگذار حس نوع دوستی در میانمان باشد، سه روز است که من دارم درد می‌کشم و می‌فرستم دنبال شما اما هر بار شب آمد و شما نیامدی.» به پرستاری که همراهش بود گفت ساکشن را دریاورد و بعد از سه روز دردم کمی آرام شد، بعد از آن احساس ضعف شدیدی می‌کردم، توان بدنم را از دست داده بودم، به پسرعمویم گفتم تنها کاری که می‌توانید برای من انجام بدهید این است که مرا از اینجا خارج کنید و ببرید تهران، خانواده‌ام به مددکاری مراجعه کردند و آن‌ها گفتند حالش وخیم است و امکان ندارد، مسئولیت را خودمان پذیرفتیم و از بیمارستان خارج شدیم، در فرودگاه جایی بود مخصوص مجروحان جنگی که به‌غیر از من افراد دیگری هم بودند، پاسداری هم آنجا بود که دادش بالا رفته بود، پرسیدم: «چی شده؟» گفت: «من با پای خودم به بیمارستان رفتم، پام سالم بود اما این‌ها پایم را از زانو قطع کردند!» وقتی رسیدیم تهران فوراً به پسرعمویم گفتم با آقای تبریزی در مرکز وزارت اطلاعات تماس بگیرد و بگوید فلانی مجروح است.

ساعت ۱۰ صبح تماس گرفت و حدود ساعت ۳ و نیم در ساعت ملاقات به بیمارستان بقیه‌الله آمد، تمام واقعه را تعریف کردم که این پزشک همکاری نکرده است، گفتم وضعیت بدین گونه بود که شرح دادم، پاسداری هم با پای سالم آمده بود آنجا اما از زانو پایش را قطع کردند، او هم

گفت ۲ بازرس ویژه می‌فرستم به ملاقات و شما عین این مطلب را به آن‌ها نیز بگویید، بازرس‌ها آمدند و شرح واقعه دادم، یکی از بازرس‌ها گفت: «تفاقی جنازه دو نفر از شهدا آنجا مفقود شده است.» پس از بررسی مشخص شد این پزشک بنده خدا بهتر است بگویم بنده شیطان هم‌دوره مسعود جوی‌واژ دویستان نزدیک مسعود جوی بوده است.» به گفته آقای موسوی، پزشک منافق پس از بررسی‌ها به سزای اعمالش رسید.

بگذار کور شوم!

موسوی مقدم خاطر آتش را این طور پی می‌گیرد: «۵۵ روز در بیمارستان گذشت، چشم‌چهر را از دست داده بودم، بیش از ۶ تا ۷ عمل جراحی را پشت سر گذاشتم تا مقداری صورتم شکل و شمایل پیدا کرد، قرار شد دو هفته بعد از مرخص شدنم از بیمارستان برای عمل چشم اقدام کنم، رفتم ایلام، نوبت عمل ۲۰ دی بود و قرار شد یک روز قبل بستری شوم، قبل از بستری شدن به قم رفتم برای زیارت کریمه اهل بیت حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها)، پس از زیارت در صحن نشسته بودم که کسی آمد و گفت: «سلام حاج‌آقا» من هم جوابش را با سلام و احوال‌پرسی دادم، گفت: «می‌خواهی چشم‌ت را عمل کنی؟» گفتم: بله، گفت: «عمل نکن.» گفتم: چرا، گفت: «چون وقتی مردمک چشم پاره شده باشد بعد از عمل، چشم نور را پخش می‌کند.» با خودم گفتم این از کجا می‌دانست من می‌خواهم چشمم را عمل کنم؛ بعد هرچه گفتم پیدایش نکردم، شکی در دلم افتاد و رفتم خدمت استاد بهاء‌الدینی و واقعه را برای او تعریف کردم، ایشان گفتند: «بگذار استخاره بگیرم.» استخاره گرفت و گفت عمل نکن، بد آمد، وقتی او گفت عمل نکن من هم تصمیم گرفتم این چشم کور هم شود دیگر عمل نمی‌کنم!

فردای آن روز به تهران آمدم و مانند بقیه بیماران نوبت گرفتم و رفتم پیش پزشک معالجم اما مدارک و پرونده پزشکی‌ام را به او ندادم و گفتم چشمم ضربه خورده، او بعد از معاینه گفت: چشم‌ت دارد خودش را ترمیم می‌کند، گفتم: حقیقتش من بیمار شما هستم و ماجرا را تعریف کردم، دوباره چشمم را زیر دستگاه برد و بعد گفت: این چشم نه تنها نیازی به عمل ندارد که حتی به عینک هم احتیاج ندارد.» ■



همین‌که
نیم‌خیز شدم
تا حرکت
کنم، یکی از
منافقین‌که
تصور می‌کرد
کارم تمام شده
متوجه شد
تکان می‌خورم
و زنده‌ام.
با اسلحه
کمربندم را
بالای سرم و
سه تیر خلاص
به ستم
شلیک کرد

۲۸ مرداد کودتا علیه مردم

چرا با این که مصدق نخست وزیر ایران ۷ ژانویه ۱۹۵۲ به عنوان شخصیت برگزیده سال ۱۹۵۱ و الگوی مورد تأیید دموکراسی آمریکایی روی جلد مجله تایم - مهم ترین تابلوی دیپلماسی آمریکایی در کمرش قرن بیستم رفته بود - تنها یک سال و یک ماه بعد از آن در فوریه ۱۹۵۲، هندرسون سفیر ایالات متحده در تهران در هماهنگی با محمد رضا شاه، نقشه قتلش را می کشید؟ و چرا آمریکایی ها تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با وجود دست دوستی دراز کردن مصدق به سوی ترومن و آیزنهاور، رؤسای جمهور ایالات متحده و ستایش الگوی دموکراسی آمریکایی از سوی او، از توطئه علیه اش دست نکشیدند.



در این پرونده بخوانید



دشمنی آمریکا با ما
از کجا شکل گرفت؟



توطئه اندیشی
علیه آمریکا



صادرات ایالت متحده
به همه قاره ها



نخستین
جنگ های آمریکا



۶۶ دسیسه
شیطان



توهین به حیثیت ایرانی

تاریخدانان غربی معتقدند که آن کودتا نه فقط در ژنوم آحاد ایرانیان به عنوان توهینی حیثیتی از سوی خصم آمریکایی-انگلیسی شان ثبت شده بلکه حتی وجدان تاریخی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها را معذب کرده است.

خارج شدن اسناد و پرونده‌های پروژه موسوم به آژاکس (TPAJAX) از طبقه‌بندی‌های محرمانه سازمان سیا در قرن بیست و یکم، به آن رسمیت بخشیدند. در واقع کودتای ۲۸ مرداد به قدری آمریکایی بود که چپ‌ها و توده‌ای‌ها در نظریه‌های توطئه خود، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را از فرط ضد آمریکایی بودن، بدل انگلیسی‌ها به کودتای ربع قرن قبل رقیب استعماری شان می‌پنداشتند. حال این بحث‌ها قرون وسطایی جلوه می‌کنند چون اسناد رسمی سیا و ده‌ها اعتراف و روایت مستند فرستادگان وقت و اشنگتن درباره کودتای ۲۸ مرداد پیش روی ما هستند. تازه‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها به صورت یک مجموعه کامل از متن و مستندات در دست در شصت و شصت و سه سالگرد کودتای ۱۹ اوت ۲۰۱۳ توسط سیا روی وبسایت آرشیو امنیت ملی آمریکا منتشر شد، همان سند منتشره سال ۱۹۸۱ که آن زمان اغلب صفحاتش سیاه (سانسور) شده بود. همزمان ام‌ای‌بی‌سی برون مرزی سازمان جاسوسی انگلیس با ارائه مدارکی نقش خود را در کودتا پذیرفت اگرچه برخی از این اعتراف‌ها که در غالب مستندهایی از شبکه‌هایی مثل بی‌بی‌سی پخش شدند اما اتفاقاً نشان می‌دادند که انگلیسی‌ها بیشتر مباشر و ناظر عملیات آژاکس بوده‌اند تا مجری آن.

در مقابل سند سیا تاریخچه‌ای کامل از مبانی، توجیهات، انگیزه‌ها، گزینیه‌ها، مراحل و پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد به دست می‌دهد. البته به این نکته مهم نیز باید اشاره کرد که پس از دخالت آمریکا در جنگ دوم جهانی به نفع انگلیس، استعمار پیربند فرسوده خود را برای حفظ حداقلی منافع دوران امپراتوری در اختیار پسر عموی تازه به دوران آمده در آن سوی اقیانوس اطلس قرار داد به طوری که ثابت شده بخش برون مرزی اینتلیجس سرویس تا زمان قدرت گرفتن حزب کارگر در جزیره (اوایل دهه ۱۹۷۰) کاملاً تحت پوشش سازمان سیا فعالیت می‌کرد که کودتای سال ۱۹۵۳ نیز از آن مستثنی نبود.

مثلاً آن طور که از اسناد سیادر مورد مقدمات این کودتا برمی آید، بازی روانی مأمور اصلی محلی بریتانیا در ایران (شاپور ریپورتر معروف) باشاه مبنی بر گنجاندن واژه «دقیقا» در اعلان رسمی نیمه شب توسط گوینده رادیو لندن در حقیقت به پیشنهاد سازمان سیا برای شهادت دادن به شاه ترسو برای امضای فرمان‌های کودتا صورت گرفته



۲۸ مرداد، تولد یک دشمن

دشمنی آمریکا با ما از کجا شکل گرفت؟

علی آران



کودتایی به کام آمریکا

تأمینات تحلیل‌گران و سیاسیون مخالف شاه هنوز آن کودتا را مشخصاً کار انگلیسی‌هایی می‌خواندند که سخت تشنه منابع نفت از دست‌رفته‌شان در ایران بودند. این غلط مصطلح تا سال‌ها و حتی همین اواخر با نظریه توطئه بسیاری از هم‌میهنان ماعجین شده بود؛ اما هر چه گذشت آشکارتر شد که آن کودتا به نام استعمار فر توت بریتانیا ولی در حقیقت به کام ابر قدرت جدید آمریکا انجام شده بود که به سرعت جایش را در جهان پس از جنگ جهانی دوم می‌گرفت. هر چند بزرگ‌ترین گواه آمریکایی بودن کودتا تسلط بی‌چون و چرای کاخ سفید بر تحولات دربار شاه در ربع قرن باقی مانده از سلطنت پهلوی تا زمان انقضای تاریخ مصرفش در بهمن ۱۳۵۷ بود اما به طور تدریجی کشف اسناد سیاسی محرمانه سفارت آن‌ها در تهران، اعترافات تاریخی برندگان و بازندگان انقلاب، سپس عذرخواهی تاریخی مادلین آلبرایت، وزیر خارجه بیل کلینتون و از آن بالاتر باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده از ایرانی‌ها به خاطر کودتا و سرانجام

هفته‌نامه «تایم»، ماشین زمان قرن بیستم، قرن آمریکا، رهبر دموکراسی نوپای ایرانی را با شروع سال ۱۹۵۲ میلادی سوار کرد اما در گرماگرم تابستان ۱۹۵۳ با قیانی جلوی در زندان دیکتاتور ایران پیاده‌اش کرد. بدین ترتیب دوستی تاریخی ایران و آمریکا که با سفر رویایی دکتر محمد مصدق به بنگه دنیا-مستعاقب ملی شدن صنعت نفت و پایان استعمار مستقیم انگلیس در ایران به اوج خود رسید، به دو سال هم‌نکشید. تمدن کهن پارسی و نوخاسته‌های مدرن یانکی بعد از رفاقتی کوتاه، با کودتای ۱۹ اوت ۱۹۵۳ میلادی عصر دشمنی طولانی را که تا امروز بیش از شش دهه کش پیدا کرده آغاز کردند. تاریخدانان غربی نیز معتقدند که آن کودتا نه فقط در ژنوم آحاد ایرانیان به عنوان توهینی حیثیتی از سوی خصم آمریکایی-انگلیسی شان ثبت شده بلکه حتی وجدان تاریخی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها را چندین بار معذب کرده که تا امروز جزو معدود خدادهای جهان سومی است که در فرهنگ معاصر انگلوساکسون‌ها با مورخه‌ای غیر لاتین و به همان تاریخ فارسی‌اش منعکس شده است: ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ خورشیدی)؛ روزی که بزرگ‌ترین دشمن مادر هیبت آمریکا متولد شد. اما باید پرسید دشمنی آشکار آمریکا با ما چرا و چگونه شکل گرفت؟



بازی روانی با شاه

بازی روانی مأمور اصلی محلی بریتانیا در ایران (شاپور ریپورت معروف) با شاه در اعلان رسمی نیمه شب توسط گوینده رادیو لندن در حقیقت به پیشنهاد سازمان سیا برای شهامت دادن به شاه ترسو برای امضای فرمان‌های کودتا صورت گرفته بود.

بود. شاپور ریپورت ترابر جاسوس انگلیسی به عنوان کاشف حقیقی رضا شاه و کسی که سلطنت پهلوی را برای خانواده میرپنج ارمان آورده و از او حمایت کرده بود کاملاً مورد اعتماد محمد رضا بود. او در همین راستا وظیفه داشت پیام شوارز کوف نرال آمریکایی مورد علاقه و احترام شاه را تأیید کند و به شاه اطمینان دهد که کودتا یک اقدام مشترک بریتانیایی آمریکایی است. با این حربه نورمن شوارز کوف در سفرش به ایران که طرح کودتا را به اطلاع شاه رسانده بود موفق شد برای عزل مصدق و منصوب کردن زاهدی به سمت نخست وزیر و نیز درخواست از ارتش برای وفادار باقی ماندن به مقام سلطنت، فرمان کتبی امضا شده اورا بگیرد.

زندان دولتی ملی ایران به چوب کمونیسم
مطابق توجیهاتی که در مقدمه متن منتشره سیال (۲۰۱۳) به منظور زمینه چینی دخالت نظامی و اطلاعاتی واشنگتن در ایران پس از ملی شدن صنعت نفت آمده: «در پایان سال ۱۹۵۲ این موضوع روشن شده بود که دولت مصدق در ایران قادر نیست مسئله نفت را به ترتیبی که به دلخواه کشور های ذی نفع غربی باشد، فیصله دهد؛ دولت ایران به مرحله خطرناک غیرقانونی بودن و مواجهه با مشکل کسری بودجه نزدیک می شد؛ با طو لانی کردن دوره نخست وزیری محمد مصدق، قانون اساسی کشور نادیده گرفته می شد، تمایل مصدق به حفظ قدرت شخصی انگیزه اصلی بود و کشور براساس سیاست های غیر مسئولانه مصدق که مبتنی بر احساسات بود، اداره می شد. این سیاست ها موقعیت شاه و ارتش را در حد خطرناکی تضعیف کرده بود؛ دولت با حزب توده (کمونیست) ایران همکاری نزدیکی داشت. با توجه به این عوامل، حدس زده می شد که ایران با خطر واقعی رفتن به پشت پرده آهین روبه روست؛ اگر چنین اتفاقی می افتاد به معنی یک پیروزی واقعی برای شوروی در جریان جنگ سرد و یک شکست مهم برای غرب در خاور میانه بود.»

در نهایت در رأس هرم تصمیم سازی سازمان تازه تاسیس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) از گزارش های اطلاعاتی کسانی مثل لوی و سالی هندرسون سفیر وقت واشنگتن در تهران که البته بسیار نیز تحت تأثیر محمد رضا پهلوی به عنوان یک دیکتاتور به خطر افتاده بود چنین استنباط شده بود که «برای بهبود وضعیت موجود ایران،

هیچ راه حلی جز طرح عملیات پنهانی که شرح داده می شود وجود ندارد: هدف اصلی عملیات از اکس، ساقط کردن دولت مصدق، احیای وجهه و قدرت شاه و جایگزین کردن دولت مصدق با دولتی بود که بتواند ایران را با سیاست های سازنده اداره کند. هدف طرح از اکس به ویژه بازگرداندن قدرت به دولتی بود که بتواند مناقشه نفت را فیصله دهد و ایران را از نظر اقتصادی و مالی قوی کند و با قدرت تمام اعضای حزب کمونیست را که به طور خطرناکی قوی شده بود، محاکمه کند.»

بدین ترتیب آلن دالس، رئیس سیا و نیز هندرسون با مشورت طرف های انگلیسی در طرح نهایی کودتا که در ۱۹ ژوئن ۱۹۵۳ برای کریمت روزولت رئیس جمهور به کاخ سفید ارسال شد به بزرگ نمایی خطر کمونیسم در ایران بدون شاه پرداختند. در نتیجه در کاخ سفید نیز دلیل غایی کودتا علیه دولت منتخب ایران طبق روال سال های جنگ سرد آمریکا با شوروی «خطر افتادن ایران در دامن کمونیسم» بر اثر بی ثباتی عنوان شد.

اتاق بیضی، اتاق عملیات کودتا

اگر چه در طرح عملیات پنهانی که با هدف براندازی دولت جبهه ملی به نخست وزیری مصدق ابتدا برای ۱۶ آوریل ۱۹۵۳ با عنوان «عوامل ذیدخل در سرنگونی مصدق» طراحی شد، دیدگاه های سازمان سری و وزارت خارجه انگلیس لحاظ شده و حتی انجام عملیات مشترک سیا و اس. آی. اس (ام آی ۶) به تصویب نهایی هر دو سازمان سری رسیده بود اما نقش انگلیسی هادر سراسر روند کودتا از مشاورت و راهنمایی رفقای آمریکایی شان فراتر نرفت. حتی عوامل اجرایی اصلی از آمریکا به تهران رفتند و هزینه های عملیات، شامل مبالغ لازم برای خریدن سیاستمداران و رسانه ها و ارتش های مزدور و شوراندن ارادل و آواش در حین کودتا و کمک های مالی برای پرداخت حقوق های آخر ماه کارمندان ارتشیان پس از کودتا از سوی واشنگتن تأمین شد به طوری که دو میلیون دلار قبل و پنج میلیون دلار بعد از کودتا ۲۸ مرداد هزینه شد.

همچنین وقتی کودتا در تاریخ مقررش ۱۶ اوت به خاطر درز اطلاعاتی در ارتش ایران شکست خورد و شاه به بغداد پرواز کرد، زاهدی فرمانده نظامی کودتا تحت حفاظت سیا مخفی شد و افسر های ارشد او توانستند از تعقیب نیروهای امنیتی مصدق

که در صدد یافتن عوامل اصلی مخالفین بودند، در امان بمانند. گویی اتاق عملیات از اکس مستقیماً در اتاق بیضی کاخ سفید تشکیل شده بود و حتی پس از رفتن شاه به رم پریزیدنت روزولت و دفتر سیا در ایران مرتباً به او دلگرمی می دادند که پیروزی ظاهری مصدق گمراه کننده است و نشانه های منسجمی وجود دارد مبنی بر این که ارتش هنوز به شاه وفادار است.

در اوایل بعد از ظهر ۱۷ اوت ۱۹۵۳، هندرسون سفیر آمریکا به تهران بازگشت. از طریق یک کنفرانس مطبوعاتی که سیا ترتیب داده بود و نیز تسهیلات انتشاراتی مخفی سیا، سرلشکر زاهدی به مردم ایران اعلام کرد که نخست وزیر قانونی ایران است و مصدق به یک کودتای غیرقانونی علیه او دست زده است. عملیات تعدادی زیادی از تصاویر فرمان ها مبنی بر عزل مصدق و انتصاب زاهدی به عنوان نخست وزیر را انتشار دادند. این کار تأثیر فوق العاده ای بر روی مردم تهران داشت.

در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۵۳، تظاهرات طرفداری از شاه که از بازار شروع شده بود گسترش یافت. تسهیلات بخش سیاسی دفتر سیادر تهران نیز به شروع تظاهرات طرفداران شاه کمک کرده بود. ارتش، خیلی زود به جنبش طرفداری از شاه پیوست و تا ظهر روز ۱۹ اوت، روشن بود که کنترل تهران و چند مرکز استانی به دست گروه های خیابانی طرفدار شاه و نیز واحدهای ارتشی افتاده است. با راهنمایی دفتر سیادر تهران، سرلشکر زاهدی از مخفیگاه خود بیرون آمد تا دولت را رهبری کند. ابتدا در یک سخنرانی رادیویی اعلام می کند که رئیس دولت است. سپس دفتر ستاد مشترک ارتش تسخیر می شود. خانه مصدق را غارت می کنند و سیاستمداران و افسران طرفدار مصدق بازداشت می شوند. تا پایان روز، کشور در کنترل زاهدی، نخست وزیر جدید قرار گرفته و اعضای دولت مصدق، مخفی یا زندانی شده بودند. با شورش محدود عده ای ارازل و آواش برای اولین بار شاه دچار این توهم شد که ملت اختیارات را به او واگذار کرده است و ترغیب شد که بر گردد و اندکی بعد به ایران بازگشت.

ریشه یابی دشمنی آمریکا با ایران

حقیقتاً دشمنی آشکار آمریکا با ما چرا و چگونه شکل گرفت؟ یکی از محققان معاصر که مجدانه سعی کرده به پرسش مزبور پاسخ



حتی پس از رفتن شاه به رم پریزیدنت روزولت و دفتر سیادر ایران مرتباً به او دلگرمی می دادند که پیروزی ظاهری مصدق گمراه کننده است و نشانه های منسجمی وجود دارد مبنی بر این که ارتش هنوز به شاه وفادار است

توطئه اندیشی علیه آمریکا

دیرپاترین تأثیر کودتا، اثرگذاری آن بر حافظه جمعی (مردم ایران) بود. این اقدام نه تنها نگاه توطئه اندیشانه غالب در فرهنگ سیاسی را تشدید کرد بلکه آمریکا را نیز به این تصویر افزود.

تلاش هایی صورت داد تا مناقشه از راه مذاکره حل و فصل شود و بریتانیا را از حمله به ایران منصرف کرد. آمریکا این موضع بی طرفانه را تا پایان دوره ریاست جمهوری ترومن در ژانویه ۱۹۵۳ دی ماه ۱۳۳۱ حفظ کرد، اما آن موقع دیگر بسیاری از مقامات آمریکایی به این نتیجه رسیده بودند که سرپیچی مصدق از رسیدن به توافق در مناقشه نفتی، نوعی بی ثباتی سیاسی ایجاد می کند که ایران را در معرض خطر سقوط به ورطه کمونیسم قرار می دهد.

کتاب حاضر چنین استدلال می کند که ایالات متحده آمریکا و بریتانیا برای توجیه کودتا از زبان جنگ سرد گفتن مسلمان مسلمان استفاده کردند، اما نگرانی عمده آن ها تهدید کمونیسم نبود بلکه آن ها بیشتر به پیامدهای ملی شدن نفت در سراسر جهان توجه داشتند. دقیقاً به همین دلیل بوده که بسیاری از ایرانیان، مصدق را تحسین می کردند و می کنند. آبراهامیان دست آخر می آورد: «دیر پاترین تأثیر کودتا، اثرگذاری آن بر حافظه جمعی (مردم ایران) بود. این اقدام نه تنها نگاه توطئه اندیشانه غالب در فرهنگ سیاسی را تشدید کرد بلکه آمریکا را نیز به این تصویر افزود.»

آمریکادشمن تمدنی

چرا با این که مصدق نخست وزیر ایران ۷ ژانویه ۱۹۵۲ به عنوان شخصیت برگزیده سال ۱۹۵۱ و الگوی مورد تأیید دموکراسی آمریکایی روی جلد مجله تایم -مهم ترین تابلیوی دیپلماسی آمریکایی در کمرش قرن بیستم رفته بود- تنها یک سال و یک ماه بعد از آن در فوریه ۱۹۵۲، هندرسون سفیر ایالات متحده در تهران در هماهنگی با محمدرضاشاه، نقشه قتلش را می کشید؟ و چرا آمریکایی ها با وجود دست دوستی دراز کردن مصدق به سوی ترومن و آیزنهاور، رؤسای جمهور ایالات متحده و ستایش الگوی دموکراسی آمریکایی از سوی او، از توطئه علیه اش دست نکشیدند تا سرانجام چند ماه بعد در ۱۹ اوت ۱۹۵۳ یا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت منتخبش را براندازند و یک دیکتاتور دیکتاتورزاده غیر منتخب را به جای او نهاداراده ملت ایران بدانند؟

در واقع آن چه محققانی مثل پرواند آبراهامیان فراموش می کنند این است که آمریکا سخت نیازمند روشنفکران و رهبرانی هم سوبالگوئی توسعه نوین خود بود. حذف مصدق توسط آمریکا

ایالات متحده آمریکا نیز به اندازه بریتانیا در این بحران سرمایه گذاری کرده بود اما حتی مهم تر از خود نفت به عنوان کالایی تجاری، نفت به عنوان ابزاری امپریالیستی مدنظر آمریکایی ها بود. از نظر آبراهامیان علت مشارکت آمریکا در کودتا صرفاً خطر توسعه کمونیسم نبود، بلکه مسئله تبعاتی مطرح بود که ملی شدن نفت می توانست بر مناطقی به دور دستی اندونزی و آمریکای جنوبی و خلیج فارس به جا بگذارد. کنترل تولید نفت که در اختیار شرکت های غربی بود، در اوایل دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ به دولت های بومی واگذار شد اما چنین زبانی در اوایل دهه ۱۳۵۰/۱۹۵۰ امری کاملاً غیر قابل پذیرش بود.

به اعتقاد آبراهامیان، ملی کردن صنعت نفت ایران بر سر «کنترل» بود و شرایط «مناقشه بر سر همه یا هیچ» را برای طرفین ایجاد کرد. به باور نویسنده، برای مصدق و ایران مسئله «حاکمیت و استقلال ملی» مطرح بود و برای شرکت نفت و بریتانیا، ملی شدن نفت ایران، درست برعکس و علیه منافع ملی و حاکمیت و کنترل بریتانیا بر منطقه ارزیابی می شد و از این جهت، قدرت مانور طرفین ماجرایی بسیار محدود بود.

او در جایی از کتاب می نویسد: «آمریکادر ابتدا تصمیم داشت که وارد این دعوا نشود. آمریکاحتی بریتانیا را به پذیرش ملی شدن نفت ترغیب کرد،

دهد پرواند آبراهامیان مورخ چپگرایی ارمنی تبار است که در مقدمه کتاب اخیر خود درباره زمینه های کودتای ۲۸ مرداد با عنوان «کودتای ۱۹۵۳، سیا و ریشه های روابط معاصر ایران و آمریکا» می نویسد: «ادعای حسن نیت بریتانیا در مذاکرات نفتی با دولت مصدق و ادعای تلاش آمریکا برای ایفای نقش به عنوان یک میانجی صادق صلح و تلاش برای ناتوان نشان دادن مصدق از رسیدن به یک مصالحه، به دلیل لجاجت شخصی او و دیگری به چالش کشیدن این تعبیر است که کودتا صرفاً در مقوله جنگ سرد بود و ربط چندانی به منافع نفتی ایران و تسلط بر آن توسط قدرت های بزرگ غربی نداشت.» نویسنده در این کتاب تلاش می کند تا جایگاه کودتا را مشخصاً و در درون مناقشه میان امپریالیسم و ملی گرایی، بین جهان اول و جهان سوم، بین شمال و جنوب و میان اقتصادهای صنعتی توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته متکی به صادرات مواد خام، شناسایی کند. او تأکید دارد که «با وجود به کار بردن زبان جنگ سرد و ادعای تلاش برای کنترل نفوذ کمونیسم در منطقه خاورمیانه، این موضوع هرگز نمی توانست توجیهی برای اقدام نظامی و انجام کودتا در ایران تلقی شود.»

از آن جا که موضوع مورد مناقشه در این میان، نفت است، کتاب حاضر چنین استدلال می کند که



کودتای نفتی

از نظر ابراهامیان علت مشارکت آمریکا در کودتا صرفاً خطر توسعه کمونیسم نبود، بلکه مسئله تبعیضی مطرح بود که ملی شدن نفت می توانست بر مناطقی به دوردستی اندونزی و آمریکای جنوبی و خلیج فارس به جا بگذارد.



در روزگاری صورت گرفت که او تبدیل به یک سمبل در میان روشنفکران و رهبران جهان اولی و جهان سومی شده بود و البته این نماد محبوب با همه سخت سری اش در دوران شیوع اندیشه های چپ منطق با الگوهای شوروی مارکسیستی حتی در خود ایالات متحده، صراحتاً الگوهای آمریکایی را تأیید می کرد. هنوز هشدارهای دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه و مرید مصدق در گوش زمان پیچیده که «خطر آمریکای عملگر بسیار جدی تر از خطر انگلیس گذشته گراست.» مصدق همیشه به حرف های فاطمی گوش می داد اما بر مضمونشان چشم می بست.

اگر هم بحث آمریکایی ها با ایران نفت بود که آن ها همان زمان بزرگ ترین منابع نفتی جهان را داشتند. خطر کمونیسم در ایران نیز پروپاگاندایی بیش نبود چون عوامل سیا و وزارت خارجه بر اساس شناخت عینی شان از جامعه آن زمان کشور مان و همچنین میراث روانشناسانه و شرق شناسانه ای که از پسر عموهای انگلوساکسونشان به ارث برده بودند به خوبی از شکاف عمیق میان جامعه عمدتاً سنتی ایران با اقلیت بسیار بی خطر توده های حامی کمونیسم آگاهی داشتند. پس حقیقتاً چرا یانکی ها در ۲۸ مرداد با ما از در خصومت در آمدند؟

از گزارش های افشا شده مأموران سیا و وزارت خارجه آمریکا کاملاً پیداست که حتی آن چه تحت عنوان درخواست های محمد رضا پهلوی برای حذف مصدق به گوش کاخ سفید رسانده شده در اصل به طور مستقیم توسط عوامل آمریکایی و انگلیسی یا غیر مستقیم از طریق اطرافیان و نزدیکان شاه نظیر خواهرش اشرف به او القا می شده است و گر نه طبق اسناد مزبور «شاه خود را شخصی که قادر به تصمیم گرفتن نیست نشان داده بود. بنابر این تصمیم گرفته شد برای تحت فشار قرار دادن او برای همکاری، از تدابیری استفاده شود. همچنین دلیل جلب همکاری شاه به عنوان یک بخش اصلی این طرح اطمینان حاصل کردن از شرکت پادگان های نظامی تهران در کودتا و نیز قانونی جلوه کردن انتصاب نخست وزیر جدید بوده است.»

به عبارت دیگر از نگاه تیز بین جاسوسان آمریکایی، محمدرضا پهلوی به قدری حقیر و بی اراده بوده است که حتی به قیمت اخراج خود و خانواده اش از ایران توسط مصدق و از دست رفتن سلطنتی که ارث پدری اش می پنداشت نیز جرأت اقدام جدی

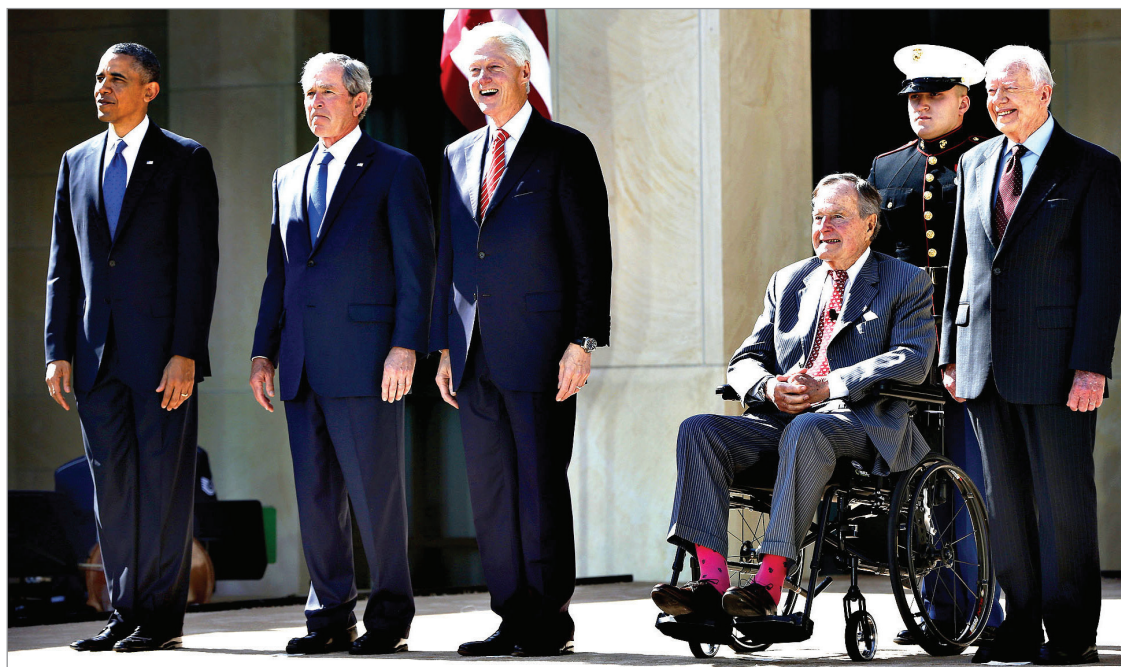
پیشروی استعمار نوین را پیش از هر چیز خود ملت ایران بدانیم. ملتی که اگر مثل بسیاری ملل اروپایی و ملت های روسیه، چین و هند فرصت بیدار شدن در آن مقطع زمانی را می یافت بی شک از همان زمان راه توسعه طلبی ها و زاده خواهی های استعمار نو پای آمریکایی ها در خاک خود و منطقه خاور میانه سد می کرد. از آن جا که یکی از بزرگ ترین مزیت های استعمار آمریکایی انحصار منابع نفت و گاز به ویژه در خاور میانه بوده است می توان تصور کرد که با خیزش قطب ایران هرگز به شکل امپراتوری امروزی فریه نمی شد. این نیروی هویتی عظیم ایران شیعی بود که وصفش از مستشرقان غربی به مستشاران آمریکایی رسیده و آن ها را نگران بسط منافعشان در این قسمت از جهان کرده بود. قیام ۱۵ خرداد ۴۲ با گذشت یک دهه از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و ظهور رهبری به نام آیت الله سید روح الله خمینی که برای احیای آن نیروی هویتی عظیم بر خاست ثابت کرد آمریکایی ها اشتباه نکرده بودند و اتفاقاً در خصومت شان صادق بوده اند اما غافل از این که دشمنی دشمنی می آورد. سرانجام با گذشت ربع قرن از تولد دشمنی به نام آمریکا در ایران، کابوس سیا به حقیقت پیوست و همان دشمنی که در کالبد این ملت جستجو می کرد به شکل یک روح انقلابی مهار ناشدنی تولد یافت. ■

نظامی را در ایران نداشته است. در نتیجه باید این فرض را مطرح کرد که اگر شاه به هر دلیل حاضر به همکاری با کودتای آمریکایی نمی شد آیا به سادگی او را با مهره های دیگر جایگزین نمی کردند؟ آن گاه انگیزه های شاه دوستی و میهن پرستی که ظاهر عوامل داخلی کودتا را با پروژه آژاکس همراه می کرد به همان سادگی قابل جایگزینی با انگیزه های القایی توسط عوامل رسانه ای و تبلیغاتی سیا نبودند. مثلاً با تحریک عواطف مذهبی بخشی از جامعه روحانیت و راه انداختن یک انقلاب سطحی ضد کمونیستی مشترکاً علیه دولت و حزب توده و با رهبری یک فرمانده نظامی وابسته مثل سرلشکر زاهدی هم می شد به همان هدف رسید.

نتیجه ای که از این فرض کاملاً محتمل تاریخی می توان گرفت ما را به این سو سوق می دهد که بی ثباتی مصدق، خطر کمونیسم و حتی نفت، همگی صرفاً بهانه هایی برای دخالت امپریالیسم آمریکا در ایران در آن مقطع تاریخی بوده اند و هدف اصلی واشنگتن از خصومت ورزیدن به ملت ایران ابتدا برای مطیع کردن و مستعمره ساختن یک ملت بزرگ در حال رشد و خود آگاهی بود و بعد محکم کردن جای پای خود در قلب منطقه ای که ایران محوریت تمدنی و فرهنگی آن را داشت. باید جهت دشمنی ابر قدرت آمریکا به عنوان

مفهوم کودتا

اصطلاح فرانسوی کودتا به معنی «ضربه ناگهانی به دولت» می‌تواند به شکل هر مداخله‌ای اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای باشد خواه از داخل، نظیر کودتای رابچ نظامیان بر علیه دولت مستقر در یک کشور، یا از خارج.



صادرات آمریکا به همه قاره‌ها

۱۸۰ مورد تهاجم، دخالت نظامی و کودتای مسقیم یا غیر مستقیم در چهار گوشه جهان

کرده بودند. ناوگان تجارت و برده‌داری ایالات متحده در اصل توسط شرکای انگلوساکسون پادشاهی متحد بریتانیا و در شراکت با دزدان دریایی قهار اقیانوس اطلس برپا شد اگرچه پس از چند دهه همین دزدان دریایی توسط آمریکایی‌ها از صحنه کنار رفتند. دست کم یک قرن پیش از نخستین جنگ برون مرزی آمریکا که در تاریخ رسمی این کشور علیه اسپانیایی‌ها (۱۸۹۸ میلادی) به ثبت رسیده است، اولین بار ناوگان آمریکای تازه مستقل شده از بریتانیا در ۱۷۹۸ میلادی در همدستی با دزدان دریایی کارائیب واقعی بر سر تصاحب جزیره هائیتی (دومینیکن) با فرانسوی‌ها درگیر شد و تنها دو سال بعد در آستانه تحویل قرن نوزدهم میلادی، دریانوردان

هنوز هم تصور غالب این است که امپریالیسم آمریکا پس از جنگ دوم جهانی جای استعمار پیر انگلیس را گرفت اما تاریخ به ما می‌گوید که ایالات متحده از همان ابتدای شکل‌گیری‌شان و بسیار پیش از آن که اعلامیه هم پیمانی (استقلال آمریکا) را امضا کنند موجودیتی استعماری داشتند. حتی پیش از آن که تجارت برده‌داری مبتنی بر استثمار سیاهان آفریقایی از اواخر قرن هفدهم میلادی باعث رونق اقتصاد ایالات سیزده‌گانه کرانه‌های شرقی ارض جدید شود، مهاجران مهاجم اروپایی بنیان‌گذار آمریکا در نقش اسرائیلی‌های دوران خود، سه‌قرن نسل‌کشی مستمر بومیان آمریکای شمالی یعنی سرخپوستان را برای اشغال سرزمین‌ها و منابع بکرشان آغاز

«این‌ها در دنیا دم از آزادی و دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آن قدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به صورت یک امر مستهجن درآمده است؛ یعنی افراد صاحب فکر می‌فهمند. تعداد کودتاهایی که دولت‌های غربی و قدرت‌های غربی علیه دولت‌های مستقل غالباً دولت‌های ملی انجام دادند، یک تعداد عجیبی است. طبق بعضی از گزارش‌ها، آمریکا پس از جنگ دوم [جهانی] تا امروز برای سرنگونی پنجاه دولت اقدام کرده؛ در مورد پنجاه دولت انواع و اقسام اقدام‌ها را کرده؛ با ده‌ها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده که این‌ها در کارنامه آمریکا و دیگران مضبوط است.»
رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری (شهریور ماه ۹۳)

نخستین جنگ‌های آمریکا

ارتش آمریکا علاوه بر ۶۶ مورد مداخله نظامی در امور ملت‌های دیگر، در جنگ‌های جهانی اول و دوم قرن بیستم و جنگ داخلی آمریکا در قرن نوزدهم هم مشارکت داشته‌است:

- ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۰ میلادی: جنگ اعلان نشده به فرانسه در جزیره هائیتی
- ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۵: جنگ بربر اول با طرابلس لیبی
- ۱۸۰۶: حمله به اسپانیایی‌ها در ریوگرانده مکزیک
- ۱۸۰۶ تا ۱۸۱۰: جنگ آمریکا با فرانسوی‌ها و اسپانیایی‌ها در یای کارائیب
- ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۹: اشغال فلوریدای شرقی از متصرفات اسپانیادار مکزیک
- ۱۸۱۲: جنگ دریایی و زمینی با بریتانیا
- ۱۸۱۳: اشغال جزایر مارکاساس
- ۱۸۱۴ تا ۱۸۲۵: درگیری‌های اسکادران‌های نیروی دریایی آمریکا با اسپانیا، فرانسه و انگلیس در دریای کارائیب
- ۱۸۱۵: جنگ دوم بربر در شمال آفریقا با حضور نیروهای کاپیتان دکاتیور در الجزایر و طرابلس
- ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۵: حمله آمریکا به بنادر اسپانیایی جزایر کوبا و پورتوریکو
- ۱۸۲۷: اشغال سه جزیره یونانی توسط نیروی دریایی یانکی‌ها
- ۱۸۳۱: اشغال جزایر مالویناس (فالکلند) در نزدیکی آرژانتین
- ۱۸۳۲: حمله دریایی آمریکایی به قلعه باتوردر جزیره سوماترای اندونزی
- ۱۸۳۳: پیاده کردن نیرو در بونوس آیرس آرژانتین و جنگ محلی
- ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۶: سرکوب شورش‌های پرو
- ۱۸۳۶: مشارکت در جنگ استقلال تگزاس با مکزیک
- ۱۸۳۷: لشکرکشی ناتمام برای اشغال کانادا
- ۱۸۳۸: حمله تنبیهی مجدد به سوماترا
- ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۱: اشغال جزایر فیجی و ساموآ
- ۱۸۴۲: اشغال موقت بنادر مونتری و سن دیگو مکزیک
- ۱۸۴۳: پهلوگیری ناوگان نظامی در کانتون چین
- ۱۸۴۳: پهلوگیری ناوگان نظامی در ساحل عاج
- ۱۸۴۶ تا ۱۸۴۸: جنگ با مکزیک و اشغال نیمی از خاک آن
- ۱۸۴۰: اعزام نیروی دریایی آمریکا به اسمیرنای عثمانی
- ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۳: اعزام مجدد نیرو به آرژانتین
- ۱۸۵۴: به توپ بستن شهر سان خوان نیکاراگوئه و سپس آتش زدن آن
- ۱۸۵۵: حمله نیروی دریایی به مونته ویدئوی اروگوئه
- ۱۸۵۶: سرکوب شورش در پاناما
- ۱۸۵۶: اعزام ناوگان به کانتون چین
- ۱۸۵۶: اشغال جزایر هاوایی
- ۱۸۵۷: اعزام نیرو به نیکاراگوئه
- ۱۸۵۸: اعزام نیرو به اروگوئه
- ۱۸۵۹: اعزام نیرو به فیجی
- ۱۸۵۹: اعزام نیروی بسیاری به پاراگوئه
- ۱۸۵۹: لشکرکشی به شانگهای چین
- ۱۸۵۹: ورود نظامی به شمال مکزیک
- ۱۸۶۰: حمله به مستعمرات پرتغال در غرب آفریقا
- ۱۸۶۰: اعزام نیروی دریایی و زمینی به پاناما
- ۱۸۶۳: اعزام نیرو به شیمونسوسک ژاپن
- ۱۸۶۴: اعزام نیرو به ییدی ژاپن
- ۱۸۶۵: اعزام نیرو به پاناما
- ۱۸۶۶: اشغال ماتاموروس در پاناما
- ۱۸۶۶: پهلو گرفتن ناوگان آمریکا در نیوجوانگ چین
- ۱۸۶۷: پهلو گرفتن ناوگان در ماناگوائی نیکاراگوئه
- ۱۸۶۷: پهلو گرفتن ناوگان در جزیره فرمز (تایوان)

یانکی فرسنگ‌ها آن سوتر در بندر طرابلس (لیبی) در شمال آفریقا، در گیر نزاع موسوم به «جنگ اول بربر» در تاریخ معاصر آمریکا شدند که هدف آن نفوذ به قلمروی آبی عثمانی‌ها و مسلمانان در دریای مدیترانه بود. از آن زمان تا امروز طی ۲۱۵ سال این امپریالیست ذاتی با بیش از ۱۸۰ مورد تهاجم، دخالت نظامی و کودتای مسقیم یا غیرمسقیم در چهار گوشه جهان، تبدیل به کدخدای آشنای همیشه تهدیدگر کره خاکی شده است که امام خمینی (ره) نام «شیطان بزرگ» را بر پیشانی‌اش حک کرد.

عملگرایی امپراتوری‌ها با سلطه‌گری آن‌ها توجیه می‌شود که آن هم با نظامی‌گری و مداخله‌گری‌شان معنا می‌یابد. حال فرقی نمی‌کند که آمریکایی‌ها مزورانه حقوق بشر یا دموکراسی را بهانه حمله، دخالت یا توطئه در دیگر کشورها سازند یا صریحاً منافع و امنیت ملی‌شان را؛ چون در هر صورت پنتاگون و سیا به عنوان نیروی پیشبرانه و فرمان دستگاه سلطه آمریکایی از منبع انرژی حاصل از حرص قدرت طلبی سیاستمداران کاخ سفید و کنگره و سرمایه سالاران اداره کننده صندوق ذخیره فدرال (بانک مرکزی آمریکا و جهان سرمایه‌داری) بهره می‌گیرند.

بر این اساس آمریکایی‌ها با وجود ادعای برتری تمدنی و فناوریانه و القای تأثیرگذاری مطلق بر دیگر ملت‌های جهان هرگز برای بسط دو سدهای سلطه‌شان بر جهان دل خود را به قدرت نرمشان خوش نکرده‌اند و در هر فرصتی به قدری و زور گویی در قالب قدرت سخت امپریالیستی متوسل شده‌اند که نتیجه آن ده‌ها جنگ ویرانگر، کشتار جمعی، شورش خونین و کودتای ضد دموکراتیک بوده است به طوری که امروز دیگر ضرب‌المثل «کار کار انگلیسی‌هاست» در وجدان جمعی مردم جهان جای خود را به ذهنیت کدخدای آمریکایی داده که بر مبنای آن پشت هر جنگ داخلی و خارجی، هر نسل‌کشی و کشتار جمعی و هر سرکوب و جنایت می‌توان رد پای سیا یا کاخ سفید را یافت. از بحران اوکراین گرفته تا جنگ نیابتی تکفیری‌های داعش و النصره و بوکو حرام در آسیا و آفریقا.

اگر اصطلاح فرانسوی کودتا (coup d'état) را به معنی «ضربه ناگهانی به دولت» بدانیم، این ضربه می‌تواند به شکل هر مداخله‌ای اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای باشد خواه از داخل،

نظیر کودتای رایج نظامیان بر علیه دولت مستقر در یک کشور، یا از خارج، همانند آن چه دیروز با لشکرکشی بین‌المللی به عراق شاهد بودیم یا امروز در مورد جنگ نیابتی داعش در عراق و سوریه و لبنان شاهد هستیم.

آمریکا تا چندی پیش قدرت نظامی برتر جهان بود ولی حالا که در کنار متحدان غربی‌اش این مزیت را از دست داده است بیشتر از پیش روی به کودتاهای غیر مستقیم آورده است. دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا و متحدان اروپایی‌اش تلاش دارند به این حرکات و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی لقب حرکت‌های «آزادی‌بخش» بدهند اما صداقت از نوع آمریکایی‌اش به سرعت با جنایات داعش و جبهه النصره علیه بشریت بر ملا می‌شود و شورشیان میانه‌رو یا مخافان سیاسی همدست شورشیان افراطی از آب در می‌آیند.

زمانی که براندازی یک حکومت از طریق جنگ مستقیم کشورهای غربی با یک کشور یا یک نظام باشد، شاید از نظر فرضیات علمی سیاسی نتوان نام کودتا بر آن گذاشت. اما می‌توان به طور مصطلح آن را کودتای نظامی یک دولت علیه دولت دیگر دانست. اقدامی که آمریکا و شرکایش در عراق و افغانستان و لیبی انجام دادند؛ چرا که این‌ها مداخله مستقیم نظامی در امور داخلی یک کشور دیگر است.

برای نخستین بار سعی شده با استفاده از منابع و اسناد معتبر آمریکایی، همه حملات، دخالت‌ها، کودتاها و توطئه‌های نظامی مستقیم و غیرمستقیم دولت آمریکا در جهان طی بیش از دو قرن یادآوری شود. بدین منظور منابعی چون سند «ثبت کنگره‌ای آمریکا ژوئن ۱۹۶۹»، تاریخ «۱۸۰» پهلوگیری نیروی دریایی ایالات متحده»، گزارش «ضدجاسوسی، ژوئیه و آگوست ۱۹۸۲» اثر آگ و مخیجانی، گزارش «موارد استفاده از زور نیروهای آمریکا در خارج، ۱۷۹۸-۱۹۹۳» تالیف آلن سی کالبر برای سرویس تحقیقات کنگره‌ای در کنگره آمریکا و «اعتصاب و نجات» به کوشش السبرگ مورد استفاده قرار گرفته است.

چنان که در ستون سمت چپ مشاهده می‌کنید، تعداد مداخلات نظامی دولت آمریکا در امور ملت‌های دیگر طی ۲۱۷ سال گذشته حتی بریتانیا را هم که در این فاصله دست کم ۱۵۰ سال امپراتوری جهانی داشت پشت سر می‌گذارد و رکوردی قابل ثبت در کتاب گینس خواهد بود. ■

۱۹۲۸-چین

چیپانگ کای شک فرمانده نظامی چینی پس از مرگ سون یات سن در ۱۹۲۵ مدعی رهبری شد. آمریکا و انگلیس بلافاصله از او که مسیحی بود و افکار به شدت غریبگرایانه داشت حمایت کردند.



۱۹۲۸-چین

۵۳

چیپانگ کای شک فرمانده نظامی چینی پس از مرگ سون یات سن در ۱۹۲۵ مدعی رهبری شد. آمریکا و انگلیس بلافاصله از او که مسیحی بود و افکار به شدت غریبگرایانه داشت حمایت کردند.

۶۶ دسیسه شیطان

ایالت متحده رکورددار مداخله نظامی در امور کشورها است

تعداد مداخلات و کودتاهای نظامی خارجی دولت‌های آمریکا طی ۲۱۷ سال گذشته حتی امپراتوری بریتانیا را پشت سر می‌گذارد. در اینجا ۶۶ دسیسه واشنگتن علیه دولت‌ها و ملت‌های دیگر را مرور می‌کنیم که این‌ها به غیر از ده‌ها مورد اعلان جنگ رسمی آمریکا هستند:

۱۹۴۸-ونزئلا

۵۴

رومولو بوتانکورت رئیس‌جمهوری که هنوز هم پدر مردم‌سالاری و انتخابات آزاد ونزئلا خوانده می‌شود در سال ۱۹۴۵ روی کار آمد و اصلاحات اساسی را همراه با ملی کردن نفت آغاز کرد اما با کودتای طراحی شده در واشنگتن توسط نظامی‌ها و با حمایت لیبرال‌ها سرنگون شد.

۱۹۴۹-چین

۵۵

پس از جنگ جهانی دوم، حمایت آمریکا و انگلیس

ایالات متحده آمریکا، نیمی از ایالات متحده مکزیک را با سقوط امپراتوری و ضعف حکومت مرکزی بلعید.

۱۹۱۸-روسیه

۵۲

انقلاب حزب بلشویک روسیه در سال ۱۹۱۷ با مخالفت آشکار دولت «وودرو ویلسون»، روبه‌رو شد. در سال ۱۹۱۸، نیروهای متحدین از جمله آمریکا به روسیه لشکر کشی نظامی کردند.

۱۸۲۴-مکزیک

۵۱

پس از استقلال مکزیک از پادشاهی اسپانیا در سال ۱۸۲۱، ژنرال ایتوربیده به عنوان امپراتور این کشور بر تخت نشست. اما با توطئه شورای مشورتی وابسته به لژهای ماسونی تازه تأسیس آمریکا، انقلابی تحت عنوان جمهوری خواهی در گرفت که امپراتور را از قدرت برکنار و اعدام کردند.



۱۹۵۹-کوبا

سازمان سیا با اقدامات آیزنهاور و کندی تبعیدی‌ها و پناهندگان ضدکمونیست کوبایی را آموزش داد و در عملیات ناکام خلیج خوک‌ها تلاش کرد دولت فیدل کاسترو را سرنگون کند.

از چپانگ کای شک رئیس جمهور غرب گرا علیه کمونیست‌های چین به رهبری مائوتسه زدوئنگ شکست خورد اما غرب تا دهه به جای چین چند صد میلیون جزیره تایوان را به عنوان جمهوری چین در سازمان ملل به رسمیت می‌شناخت.

۱۹۴۹-یونان

آمریکا با فتنه‌انگیزی در یونان، جنگ داخلی این کشور را به راه‌انداخت که ۱۵۴ هزار نفر کشته، ۴۰ هزار نفر بازداشت و زندانی و ۶ هزار نفر به موجب احکام نظامی توسط دادگاه نظامی یونان اعدام شدند.

۱۹۴۹-سوریه

۱۹۵۲-کوبا

کودتای ژنرال «باتیستا» به تشویق آمریکایی‌ها.

۱۹۵۳-ایران

کودتای ۲۸ مرداد

۱۹۵۳-آلبانی

بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ دولت آمریکا و بریتانیا در اقدامی مشترک دولت قانونی آلبانی که کوچک‌ترین و شکننده‌ترین دولت کمونیستی در اروپای شرقی بود را ساقط کردند.

۱۹۵۴-گواتمالا

سازمان سیا از براندازی دولت گواتمالا که بارای مردم انتخاب شده بود کودتایی کرد که منجر به شکل‌گیری جنگ داخلی در این کشور شد.

۱۹۵۷-تایلند

۱۹۵۸-لائوس

بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ سیا حداقل مهندسی و طراحی سه کودتا را برای دورنگ داشتن گروه‌های

چپ‌گرا از قدرت برعهده داشت و دو میلیون تن بمب بر سر مردم بی‌گناه لائوس ریخت.

۱۹۵۸-لبنان

اشغال نظامی لبنان به واسطه ناوگان ششم نیروی دریایی آمریکا در حمایت از «کمیل شمعون».

۱۹۵۸-عراق

در ۱۹۵۸ پس از این که پادشاهی تحت حمایت بریتانیا در عراق توسط «عبدل قاسم» فروپاشید، سیادام حسین جوان ۲۲ ساله را مأمور کرد که رئیس‌جمهور جدید را ترور کند.

۱۹۵۹-کوبا

سازمان سیا با اقدامات آیزنهاور و کندی تبعیدی‌ها و پناهندگان ضد کمونیست کوبایی را آموزش داد و در عملیات ناکام خلیج خوک‌ها تلاش کرد دولت فیدل کاسترو را سرنگون کند.

۱۹۶۰-کنگو

سازمان سیا هشدار داد رئیس‌جمهور پاتریس لومومبا قهرمان مبارزات برای استقلال کنگو از بلژیک در تلاش است تا به حکومتی کمونیستی تبدیل شود و از طریق حمله نیروهای بلژیکی سعی کرد از پدید آمدن کوبایی دیگر جلوگیری کند.

۱۹۶۰-ترکیه

۱۹۶۱-اکوادور

۱۹۶۱-ویتنام جنوبی

۱۹۶۳-دومینیکن

جمهوری دومینیکن سازمان سیا از براندازی «رافائل تروخیو»، دیکتاتور جمهوری دومینیکن حمایت می‌کرد و سرانجام وی را اراشت.

۲۲

۱۹۶۳-کنگو

آمریکا به‌طور غیر مستقیم و با همکاری سربازان بلژیکی در امور کنگو مداخله کرد و با کمک عوامل داخلی چون موسی چومبه، رئیس‌جمهور کنگو پاتریس لومومبا را به قتل رسانده و دولت کنگو را سرنگون کردند.

۲۳

۱۹۶۳-عراق

آمریکا کودتایی سه ساله علیه دولت عراق طراحی کرد که «عبدلکریم قاسم» رئیس‌جمهور چپ‌گرای آن بود و دو سال قبل پادشاهی غرب‌گرای عراق را سرنگون کرده بود.

۲۴

۱۹۶۵-زئیر

کنگو با کودتای آمریکایی «جوزف موبوتو» تجزیه شد و موبوتو با انحلال انتخابات در سال ۱۹۶۵ خود را به عنوان رئیس‌جمهور زئیر اعلام کرد و ۳۰ سال دیکتاتور آن بود.

۲۵

۱۹۶۶-عراق

۲۶

۱۹۶۷-یونان

دولت مردمی یونان به بهانه گرایش کمونیستی به کودتای آمریکایی سرنگون شد.

۲۷

۱۹۶۸-پاناما

۲۸

۱۹۶۹-غنا

چهره ضد امپریالیستی «کوام نکرومه» با کسب استقلال از انگلیس در ۱۹۶۵ به عنوان رئیس‌جمهور غنا برگزیده شد اما چهار سال بعد با کودتایی آمریکایی برکنار شد.

۲۹

۱۹۷۰-کامبوج

نیکسون دستور بمباران پنهانی، غیر قانونی و بسیار



۱۹۶۳-

دومینیکن؛

جمهوری

دومینیکن

سازمان سیا از

براندازی «رافائل

تروخیو»،

دیکتاتور

جمهوری

دومینیکن

حمایت می‌کرد

و سرانجام وی

را کشت

۲۰۱۴ تا امروز عراق

با طرح محرمانه سیما، موساد، سازمان اطلاعات ترکیه و استخبارات عربستان در راستای تجزیه منطقه نفت خیز و سنی نشین غرب و شمال عراق، داعش با خلیفه خواندن ابوبکر البغدادی موصل، تکریت و استان الانبار را با جنایات بسیار اشغال کرد.

کودتایی در ترکیه در سال ۱۹۸۰ اعتراف کرد.

۳۸- ۱۹۸۰- کره جنوبی

امریکا در کره جنوبی کودتای نظامی کرد.

۳۹- ۱۹۸۱- جزایر سیشل

مزدوران سیما و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در قالب تیم راهی جزایر سیشل شدند و کودتای نظامی کردند.

۴۰- ۱۹۸۲- چاد

امریکا دست نشانده خود «حسین حبری» را پس از هزینه ۱۰ میلیارد دلاری و گسترده در چاد به قدرت رساند.

۴۱- ۱۹۸۳- گرانادا

حمله نظامیان آمریکایی به کوچک ترین کشور جهان و قتل عام ساکنان به بهانه حفاظت از دانشجویان یانکی.

۴۲- ۱۹۸۴- گینه

۴۳- ۱۹۸۷- بوركینافاسو

۴۴- ۱۹۸۹- پاناما

در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۹ نظامیان آمریکایی کشور پاناما را به دستور «جرج بوش»، رئیس جمهور وقت آمریکا به اشغال خود در آوردند تا ژنرال «مانوئل نوریگا»، رهبر وقت پاناما را بازداشت و در آمریکا محاکمه کنند. در این اشغال، بیش از دو هزار نفر کشته شدند.

۴۵- ۱۹۸۹- پاراگوئه

۴۶- ۱۹۹۰- فیلیپین

جتهای آمریکایی با پوشش هوایی در کودتا علیه حکومت دیکتاتور دست نشانده شان «فردیناند



۳۳- ۱۹۷۳- اروگوئه

۳۴- ۱۹۷۶- آرژانتین

دولت دموکراتیک آرژانتین با کودتای نظامی سازمان سیما در ۲۴ مارس ۱۹۷۶ سرنگون شد. حکومت نظامی ژنرال بیدال ۳۰ هزار مخالف عمدتاً جوان را ربود یا کشت و ۴۰۰ کودک نیز به سرقت رفتند.

۳۵- ۱۹۷۷- پاکستان

۳۶- ۱۹۸۰- ایران

در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ (۹ ژوئیه ۱۹۸۰) کودتای آمریکایی نوژه با دستگیری و کشته شدن تعدادی از عوامل آن که نظامیان وفادار به طاغوت بودند در پایگاه شکاری شاهرخی در کبودرآهنگ استان همدان شکست خورد.

۳۷- ۱۹۸۰- ترکیه

پاول هنز، از مدیران ارشد سازمان سیما به انجام

سنگین کامبوج در سال ۱۹۶۹ را صادر کرد که نیم میلیون نفر را کشت و سپس «خمرهای سرخ» در سال ۱۹۷۳ در حالی که از طریق سفارت ایالات متحده در بانکوک حمایت مالی و نظامی می شدند قدرت را به دست گرفتند و حداقل دو میلیون نفر از مردم خود را کشتند. امادر نهایت توسط ارتش ویتنام مجبور به ترک کشور شدند.

۳۵- ۱۹۷۱- ترکیه

۳۱- ۱۹۷۱- بولیوی

۳۲- ۱۹۷۳- شیلی

دولت کندی تیمی متشکل از ۱۰۰ مأمور سیما و وزارت خارجه را به شیلی فرستاد تا در انتخابات سال ۱۹۶۴ نتیجه را عوض کند. کمپین «ترس سرخ» با تصاویر تیرباران افراد و تانک های شوروی به تولید برنامه های رادیویی و پخش اخبار ساختگی پرداختند تا در نهایت «ادواردو فری» با رأی اکثریت زنان انتخابات ۱۹۶۴ را از آلوده برد. اما آلوده در سال ۱۹۷۰ به رغم تحریم های اقتصادی و کمپین بی ثبات سازی آمریکا در انتخابات پیروز شد.



۱۹۷۳-شیلی

کمپین «ترس سرخ» با تصاویر تیرباران افراد و تانک‌های شوروی به تولید برنامه‌های رادیویی و پخش اخبار ساختگی پرداختند تا در نهایت «ادواردو فری» با رأی اکثریت زنان انتخابات ۱۹۶۴ را از آنده برد.

مارکوس «شرکت کردند»

۴۷-۱۹۹۱-نیکاراگوئه

سازمان سی‌اِی‌اِی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ قصد براندازی دولت «ساندینیستا» در نیکاراگوئه را داشت.

۴۸-۱۹۹۰-السالوادور

جنگ داخلی دهه ۱۹۸۰ در این کشور که باقیام مردمی علیه حکومت دست‌نشانده آغاز شده بود با قتل عام بی‌رحمانه نزدیک به ۷۰ هزار نفر پایان یافت.

۴۹-۱۹۹۱-هائیتی

نخستین دولت منتخب و دموکراتیک تحت رهبری «جین برتراند آریستید» در سال ۱۹۹۱ بر سر کار آمد اما با کودتای نظامی مورد حمایت آمریکا سرنگون شد. هر چند دوباره آریستید با حمایت مردمی توانست در سال ۲۰۰۰ دوباره بر سر کار بیاید.

۵۰-۱۹۹۴-هائیتی

اعمال محاصره علیه دولت آریستید.

۵۱-۱۹۹۵-کامبوج

آمریکا سرانجام رژیم کمونیستی کامبوج را از قدرت ساقط کرد.

۵۲-۱۹۹۵-قطر

روز ۲۳ ژوئن ۱۹۹۵ شیخ حمد آل ثانی ولیعهد قطر که تازه از آمریکا برگشته بود با کودتایی تلویزیونی جای پدرش شیخ خلیفه امیر وقت قطر را گرفت.

۵۳-۱۹۹۶-اوگاندا

دخالت نظامی آمریکا علیه کارتل مواد مخدر «پابلو اسکوبار» طی ده سال باعث قتل عام‌های وحشیانه مردم کلمبیا شد.

۵۴-۱۹۹۷-کلمبیا

۵۵-۱۹۹۹-پاکستان

در سال ۱۹۹۹، در جریان کودتای نظامی «پرویز مشرف» در پاکستان، حمایت‌ها و نقش آمریکا در حذف تحریم اقتصادی علیه پاکستان کاملاً محسوس بود.

۵۶-۲۰۰۲-ونزوئلا

در آوریل ۲۰۰۲ کابینه بوش انجام کودتا را در ونزوئلا بر علیه (هوگو چاوز) رئیس‌جمهور این کشور صادر کرد اما بعد از ۲ ماه اعتصابات سراسری مردم در حمایت از چاوز و محکومیت کودتا از طرف ۱۹ کشور آمریکای لاتین چاوز به قدرت بازگشت.

۵۷-۲۰۰۳-گرجستان

در نوامبر ۲۰۰۳، آمریکا با حمایت خود، (انقلاب نارنجی) را در گرجستان به پیروزی رساند و دولت «شواردنازه» را سرنگون کرد و از «ساکاشویلی» حمایت کرد.

۵۸-۲۰۰۴-هائیتی

دولت آریستید که سال ۲۰۰۰ با رأی مردم بازگشته بود با تلفات زیاد دوباره سرنگون شد.

۵۹-۲۰۰۴-اوکراین

واشنگتن در اوکراین از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ برای حکومت‌آزاد و کاندیداهای طرفدار غرب تلاش کرد و نقطه اوج آن «انقلاب نارنجی» سال ۲۰۰۴ بود.

۶۰-۲۰۰۵-ازبکستان

هزار نفر از مردم بیگانه بر اثر مداخله آمریکا در براندازی ناموفق کشته شدند.

۶۱-۲۰۰۵-قرقیزستان

در مارس ۲۰۰۵ و در ادامه انقلاب اوکراین، آمریکا در قرقیزستان نیز انقلاب رنگین ایجاد کرد و دولت این کشور را نیز سرنگون کرد.

۶۲-۲۰۰۹-هندوراس

سرکوب و قتل مخالفان سیاسی، روزنامه‌نگاران و فعالان اتحادیه‌ها پس از کودتای سی‌اِی‌اِی علیه دولت زلایا.

۶۳-۲۰۱۱-لیبی

با حمایت و انتقال شاخه القاعده مغرب در لیبی علیه دیکتاتوری معمر القذافی اگر چه او سقوط کرد و کشته شد اما لیبی عملاً میان گروه‌های مسلح چندپاره شد.

۶۴-۲۰۱۱ تا امروز سوریه

طبق نقشه آمریکایی تغییر جغرافیای خاورمیانه با حمایت از گروه‌های مسلح معارض سوری و گروه‌های تکفیری و هابی متشکل از تروریست‌های خارجی از ژانویه ۲۰۱۱، شهرهای مختلف سوریه نظیر دمشق، حما، جبلة، لاذقیه، درعا و حمص صحنه جنگ داخلی شدند. کمک‌های مالی و لجستیکی اسرائیل، عربستان، قطر، ترکیه و اردن به نیروهای شورشی تحت عنوان ارتش آزاد و جنایتکاران زیر مجموعه القاعده نظیر داعش و جبهه النصره با اعزام تروریست‌های القاعده مغرب از لیبی، شمال آفریقا و اروپا همچنان ادامه دارد و باعث مرگ دست کم ۵۰۰ هزار سوری و آوارگی ۶ میلیون نفر شده است.

۶۵-۲۰۱۴-اوکراین

دولت‌های «ویکتور یوشچنکو» و «یولیا تیموشنکو» هم با حمایت غرب به سرنویشت دولت‌های دیگر تحت حمایت غرب گرفتار و به فساد کشیده شدند و «ویکتور یانو کوویچ» نخست‌وزیر سابق این کشور در سال ۲۰۱۰ به ریاست جمهوری انتخاب شد.

۶۶-۲۰۱۴ تا امروز عراق

با طرح محرمانه سیا، موساد، سازمان اطلاعات ترکیه و استخبارات عربستان در راستای تجزیه منطقه نفت‌خیز و سنی‌نشین غرب و شمال عراق، داعش با خلیفه خواندن ابوبکر البغدادی موصل، تکریت و استان الانبار را با جنایات بسیار اشغال کرد. ■



درسال ۱۹۹۹
در جریان
کودتای نظامی
«پرویز مشرف»
در پاکستان،
حمایت‌ها و
نقش آمریکادر
حذف تحریم
اقتصادی علیه
پاکستان کاملاً
محسوس بود



سعودی لیکس

ماجرای «سعودی لیکس» که به انتشار ۷۰ هزار سند محرمانه وزارت خارجه، وزارت کشور و استخبارات عربستان سعودی اطلاق می‌شود در وهله نخست همه نگاه‌ها را به سوی پایگاه افشاگر ویکی لیکس و مدیر مشهورش ژولیان آسانژ معطوف ساخت، اما تحلیل‌گران غربی کم‌کم متوجه شدند که ویکی لیکس تنها بخش کوچک مرئی کوه یخ عظیمی است که نامش «ارتش سایبری یمن» (YCA) است. این ارتش سایبری در بیانیه‌اش اعلام کرد: «ما به شبکه وزارت خارجه عربستان سعودی دسترسی پیدا کردیم و بر بیش از ۳ هزار کامپیوتر و سرورهای این وزارتخانه تسلط داریم». آن‌ها بلافاصله تعدادی از اسناد هک شده را منتشر کردند و به دشمنان پیام دادند «جایی برای پنهان شدن پیدا کنید.»

در این پرونده بخوانید



دیپلماسی تکفیری
سعودی: نه شیعه
نه سنی!



شاهزادگان عرب
غرق در فساد



ویکی لیکس اهرم
فشار آمریکا
علیه رژیم سعودی



تفرقه افکنی
سعودی

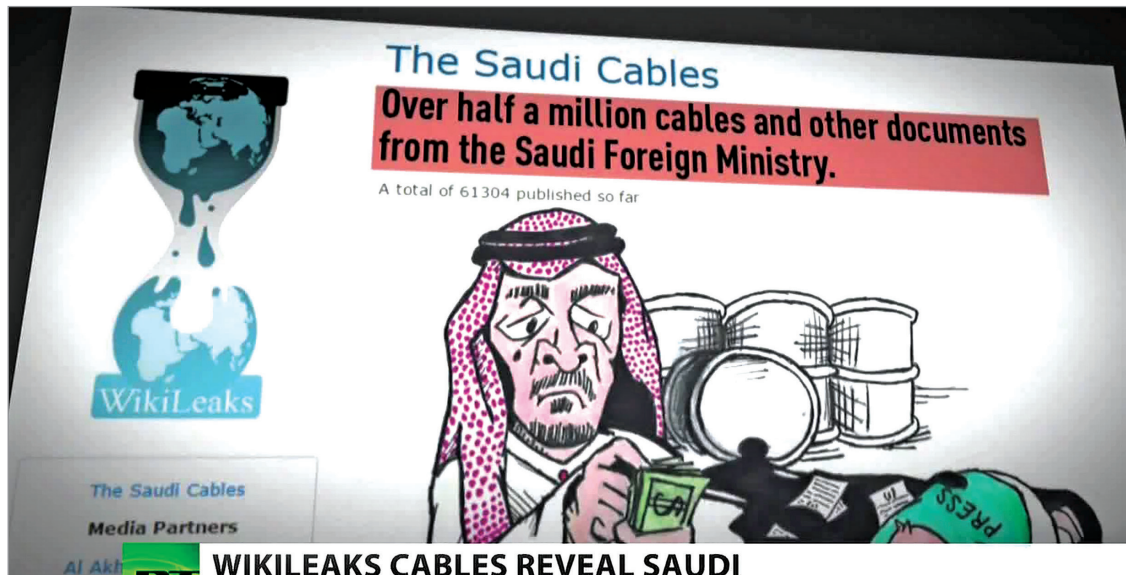


ارتش سایبری
یمن عشاق آیت الله
خامنه ای هستند



سیاست تکفیری

اسناد ویکی لیکس ثابت می‌کند که چگونه سعودی‌ها و داعش، سیاستی تکفیری را در جهان اسلام دنبال می‌کنند که هدفش به قول سید حسن نصرالله، نفی هر موجودیتی اعم از شیعه و سنی غیر از موجودیت منحوس خودشان است.



دیپلماسی تکفیری سعودی: نه شیعه، نه سنی!

اسناد «سعودی لیکس» درباره توطئه‌های آل سعود در جهان اسلام می‌گویند

محمدعلی واحدی



اگر عامل رشد سرطانی مکتب منحرف وهابیت در دهه‌های اخیر را دامن زدن به اختلافات مداوم میان مذاهب و فرق اهل تسنن و همچنین میان آن‌ها با شیعیان بر شماریم، آن‌گاه نقش آل سعود به عنوان تنها حامی رسم وهابیت در جهان، در تفرقه‌افکنی میان مسلمین خود به خود آشکار می‌شود. اما در مقطع فعلی که داعیه دروغین وهابیون چون خلافت ابوبکر البغدادی و سیادت سلمان بن عبدالعزیز سعودی بر مسلمین گوش فلک را کر کرده است، رسوایی فتنه‌ها و تفرقه‌افکنی‌های ریاض در کشورهای اسلامی و عربی نیاز به شاهدهی متقن داشت. این شاهد غیبی که به لطف سربازان گمنام «ارتش سایبری یمن» و هوشمندی آنان در استفاده تاکتیکی از پایگاه افشاگر ویکی لیکس به دست آمد، شامل دست کم ۵۰۰ هزار برگ (تصویر) از اسناد فوق محرمانه وزارت خارجه، وزارت کشور و استخبارات رژیم حاکم بر عربستان می‌شود که تا پایان ماه ژوئن انتشار تنها ۱۰ درصد از آن‌ها، رژیم سعودی را در آستانه بزرگ‌ترین رسوایی خود قرار داده است.

عبدالباری عطوان، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر برجسته جهان عرب می‌نویسد که اسناد فاش شده در ویکی لیکس به مثابه زلزله تمام عیار بوده و حتی سد سانسور و خفقان عربستان بر رسانه‌های عربی را به واسطه ابعاد جهانی‌اش شکسته است. قطعاً اشاره او به برپا شدن موج انقلاب‌ها در کشورهای عربی تحت عنوان بیداری اسلامی به فاصله چند ماه پس از نخستین افشاگری‌های ویکی لیکس در سال ۲۰۰۹ است. بدین ترتیب از «سعودی لیکس» بوی بهار و بیداری دیگری به ویژه عربستان و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به مشام می‌رسد.

در پاسخ به مخاطبانی که این افشاگری‌های قطره‌چکانی مجازی علیه آل سعود را پدیده‌ای عادی در دهکده رسانه‌ای جهان امروز بر می‌شمارند باید گفت که اکثر جوامع عربی و به ویژه جوامع استبداد زده و رفاه زده شیخ‌نشین‌ها هرگز سیاسی نبوده‌اند. در مقایسه با مردم ما که به خاطر تلفیق هوش ذاتی و فرهنگ و الایشان با جریان آزاد

اطلاعاتی بی‌سابقه سال‌های پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به سطحی تاریخی از بینش بالای سیاسی دست یافته‌اند، جوامع عمدتاً سنی کشورهای عرب همسایه در نخستین مراحل شکل‌گیری بینش سیاسی قرار دارند. در حقیقت باید خود را جای یک مسلمان سنی معتقد در عربستان یا مصر بگذاریم تا درک کنیم که مثلاً افشای سند وابستگی دانشگاه الازهر، به عنوان مرکز جهانی ادبیات عرب و علوم اسلامی سنی، به دربار فاسد آل سعود تا چه اندازه هولناک و مشمئز کننده است!

شاید اصلاً به همین خاطر بود که با گذشت چهار سال و اندی از بیداری اسلامی در خاور میانه شاهد رنگ باختن انقلاب‌های حقیقی به نفع ضدانقلاب‌ها و همچنین شورش‌های کور و خشن قومی یا سلفی به اسم انقلاب از لیبی گرفته تا سوریه و عراق بوده‌ایم، چندان که هنوز بسیاری از مسلمانان کم‌بینش‌تر جهان عرب، شورش‌های توأم با جنایت امثال داعش و جبهه النصره را انقلاب اهل سنت



زلزله سعودی

عبدالباری عطوان، روزنامه‌نگار و تحلیلگر برجسته جهان عرب می‌نویسد که اسناد فاش شده در ویکی‌لیکس به مثابه زلزله تمام عیار بوده و حتی سد سانسور و خفقان عربستان بر رسانه‌های عربی را بواسطه ابعاد جهانی‌اش شکسته است.

در بلاد رافضی (شیعه) تلقی می‌کنند. مردمی ساده‌دل که شخصیتی بی‌بندوبار و فاسد نظیر سلمان بن عبدالعزیز را صرفاً به واسطه پادشاهی بر عربستان سعودی، خادم حرمین شریفین، یعنی مقدس‌ترین نوامیس مسلمانان تصور می‌کنند، باید هم سر بریدن‌ها و انسان‌سوزی‌های داعش را نماد انقلابی‌گری بدانند. عربستان سعودی به عنوان پدرخوانده داعش، از فرصت انقلاب‌های عربی و ایجاد بی‌ثباتی در مرحله گذر و انتقالی انقلاب‌ها، بیشترین بهره را برد. ایجاد الگوی سخیف و غیرواقعی از اسلام (حتی با منحرف ساختن جنبش اصیل سنی اخوان المسلمین)، از بین بردن توان داخلی (سیاسی و نظامی و اقتصادی) ملت‌های مسلمان و تغییر الگوی دشمن هراسی از اسرائیل به مذهب، امتیازگیری سیاسی از رژیم صهیونیستی و آمریکا با استفاده از ظرفیت‌های مدیریت داعش و جریان‌های تکفیری بخش مهمی از دیپلماسی تکفیری ریاض در ۴ سال اخیر بوده است. رسانه‌های وابسته سعودی نیز نقش مهمی در توجیه اقدامات داعش و جریان‌های تکفیری بر عهده گرفتند و یک‌باره به اتاق فکر این گروه‌ها تبدیل شدند.

بیداری دوباره شیعه و سنی

امروز با انتشار عمومی اسناد تاریک آل سعود، چشم جماعت مزبور به اطلاعاتی مستند باز می‌شود که جایگاه کاذب خیر و شر بر اساس تعاریف دستوری مفتیان حکومتی سلفی و وهابی را در ذهن آن‌ها دگرگون می‌سازد. آن‌گاه عمق فساد و سالوس شاهزاده‌ها و مفتیان که سمبل شرافت و دینداری تلقی می‌شدند آشکار می‌شود.

در حالی که دشمنی آل سعود با شیعیان چند صباحی است با سرکوب انقلاب موازی بحرینی‌ها و اهالی الشرقیه عربستان، حمایت از شیعه‌کشی در پاکستان و بلوچستان ایران، تجاوز به یمن و جنایت علیه بشریت از سر دشمنی با شیعیان حوثی، دسیسه‌چینی علیه حزب‌الله لبنان و فتاوی‌ای حمایت از تکفیری‌ها در قتل شیعیان مصر و عراق و شام آشکار شده اما حالا بسیاری مسلمانان سنی مذهب در آفریقای شمالی، خاورمیانه، آسیای صغیری و مرکزی و شرقی و حتی اروپا هم از خلال مطالعه این اسناد در می‌یابند که رهبران مذهبی و سیاسی‌شان تحت تأثیر رشوه‌های سعودی به آن‌ها در مورد ام‌القری بودن حاکمان جائر عربستان در میان اهل سنت دروغ گفته‌اند. اسناد ویکی‌لیکس ثابت

می‌کند که چگونه سعودی‌ها و فرزند ناخلفشان داعش، سیاستی تکفیری را در جهان اسلام دنبال می‌کنند که هدفش به قول سید حسن نصرالله، نفی هر موجودیتی اعم از شیعه و سنی غیر از موجودیت منحوس خودشان است.

حق السکوت به فقرای عربستان

این بیداری حتی شامل حال اکثریت سنی مذهب جامعه عربستان نیز می‌شود که خود را با دسیسه مشترک خاندان حاکم و اقلیت تقریباً یک میلیون نفری وهابیون مواجه می‌بینند. در اسناد وزارت خارجه عربستان نشانه‌های بارزی از فساد شاهزادگان سعودی و مفتیان وهابی به چشم می‌خورد که قطعاً برای اکثر مردم این کشور که قریب به ۲۰ درصد آنها در یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان با «فقر» دست و پنجه نرم می‌کنند، جالب توجه خواهد بود. فراموش نکنیم پادشاه سابق عربستان به منظور جلوگیری از دست دادن فقرای این کشور با موج اول «بیداری اسلامی»، با درک موقعیت متزلزل خود ناچار شد اصلاحات ۱۰ بندی را اعلام و به هر خانواده بیش از ۱۰ هزار ریال سعودی حق بی‌عملی یا همان حق السکوت سیاسی اعطاکند.

فتنه داعش در عراق

در میان اسناد افشا شده با سربرگ وزارت خارجه عربستان مشخصاً اسنادی دال بر فریفتن و خریدن شیوخ قبایل و عشیره‌های سنی عراق و ترغیب آن‌ها به دشمنی با دولت سابق این کشور به نخست‌وزیری نوری المالکی و اختلاف افکنی میان آنان و شیعیان به چشم می‌خورد. این همان توطئه‌ای است که از چند سال قبل برای زمینه‌سازی فتنه بزرگ تکفیری (داعش) دنبال شد. در یکی از آن‌ها چند محور به کمیته‌ای در وزارت خارجه که ظاهر اهدافش تفرقه‌افکنی میان اهل سنت و شیعه‌های عراق است دیکته می‌شود: «محور قبایل و عشیره‌ها، بر ما لازم است که با رهبران قبایل و شیوخ آنها تماس برقرار کنیم و با استفاده از مال و دیگر وسایل آنها را جذب و تأیید آن‌ها را برای عربستان و سیاست‌هایش کسب کنیم... محور دوم، شامل دعوت از شخصیت‌های تأثیرگذار در زمینه دینی، علمی، سیاسی و فرهنگی برای حضور در مناصب‌های فرهنگی و علمی در عربستان، محور سوم، اهمیت هماهنگی بین وزارت خارجه و دستگاه استخبارات در مورد گزارش‌های

اوضاع عراق». امروز همه می‌دانیم که داعش از شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای ایجاد شده در مناطق غربی و شمالی عراق بود که توانست در میان قاتله سنی‌های به ظاهر ناراضی با دولت مرکزی کشور عمدتاً شیعه‌نشین عراق توانست به استان‌های الانبار، نینوا و صلاح‌الدین نفوذ کند. اما مهم‌ترین سندی‌شک به رشوه نیم میلیارد دلار به عالی‌ترین شخصیت سیاسی سنی عراق برای همدستی با داعش در جریان سقوط موصل مربوط می‌شود. به طوری که دولت ریاض ۱۳ روز پس از سقوط «موصل» به دست «داعش» ۵۷۵ میلیون دلار به حساب «اسامه النجیفی» رئیس وقت پارلمان عراق و برادر فرماندار خائن این شهر واریز می‌کند. سند آن نامه‌ای است به امضای رئیس دستگاه اطلاعات عمومی عربستان، خالد بن بندر بن عبدالعزیز: «برادر ارجمند و محترم جناب آقای «اسامه النجیفی»، به اطلاع می‌رسانم ما مبلغ ۵۷۵ میلیون دلار بر اساس قرارداد دادی که با بانک «نیکستایل» که تریه داشتیم، به شماره حساب «B23Q21746AI» و چک شماره KS8954021 در تاریخ ۲۰۱۴/۶/۲۲ واریز کردیم. امیدواریم که پیش از اعلام آمادگی شماربری اجرای آنچه میان ما توافق شده، از آن برداشت نکنید. تا پس از این براساس در صدهایی که برای هر یک از شخصیت‌های معین در توافق ما مشخص شده، تقسیم‌شود».

پدر خوانده فتنه‌های منطقه

یکی دیگر از وجوه اسناد افشا شده، به ملا شدن این حقیقت است که حاکمان عربستان بر خلاف ادعای مزدوران سبز، ۱۴ مارس، الاصلاحی، مبارکی، العراقیه‌ای یا ائتلافی ملی‌شان در ایران، لبنان، یمن، مصر، عراق و شام و دیگر کشورهای منطقه هرگز خیرخواه هیچ همسایه‌ای نبوده‌اند و مدام در حال دخالت در امور داخلی آنها هستند. این همان نکته‌ای است که ژولیان آسانز، مدیر ویکی‌لیکس هم در هنگام افشای اسناد به آن اذعان دارد: «اسناد عربستان سعودی پرده از یک دیکتاتوری رموز و غیرقابل پیش‌بینی برمی‌دارد که علاوه بر گرامی داشتن صدمین اعدام با گردن زدن در سال جاری، به تهدیدی علیه همسایگانش تبدیل شده است.» حمایت از سران فتنه در ایران، تلمیع جریان‌های خائن ضد مقاومت و ضد استقلال لبنان، سرمایه‌گذاری همزمان روی دولت وابسته هادی در صنعاء، تجزیه طلبان در عدن و تکفیری‌های یمن،



در میان اسناد افشا شده با سربرگ وزارت خارجه عربستان مشخصاً اسنادی دال بر فریفتن و خریدن شیوخ قبایل و عشیره‌های سنی عراق و ترغیب آن‌ها به دشمنی با دولت سابق این کشور به نخست‌وزیری نوری المالکی و اختلاف افکنی میان آنان و شیعیان به چشم می‌خورد



عیاشی‌های شبانه

یکی از تکان دهنده‌ترین اسناد ویکی لیکس که در روزنامه گاردین انعکاس پیدا کرد از شب نشینی‌ها، عیاشی شاهزادگان و مقامات عربستان سعودی بیخ گوش باصطلاح خادم حرمین شریفین حکایت داشت.

بیخ گوش باصطلاح خادم حرمین شریفین حکایت داشت. در حالی که شرطه‌های عربستانی به همه‌امور خصوصی و عمومی مردم و زائران سرک می‌کشند، به اعتراف دیپلمات‌های آمریکایی تحت حفاظت خاصه آن‌ها، در کاخ‌های امرا و شاهزادگان در جده جشن‌های شبانه‌ای برگزار می‌شود که مواد مخدر، مشروبات الکلی و زنان بدکاره همنشین حاضران است. گفته می‌شود انتشار این گزارش واکنش‌های بی‌سابقه‌ای حتی در میان اکثریت سنی عربستانی‌ها داشته است و از واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی پیدا است که سرانجام پرده ضخیم سنتی میان مردم خاموش و حاکمان سعودی دریده شده است. گزارش شده که طی ۲۴ ساعت پس از انتشار این خبر در رسانه‌های غربی و به‌رغم سانسور وسیع آن در جریان اصلی رسانه‌های عربی که با پول آل سعود و متحدانشان اداره می‌شوند، تنها در توئیتر میلیون‌ها پست عربی با مضامین مشابه «دورویی اسلامی» یا «اسلام منافقانه» سعودی‌ها ارسال شده است. با



یکی از تکان دهنده‌ترین اسناد ویکی لیکس که در روزنامه گاردین انعکاس پیدا کرد از شب نشینی‌ها، عیاشی شاهزادگان و مقامات عربستان سعودی

شاهزادگان عرب غرق در فساد اسلام منافقانه سعودی

تسنن و شیعیان به راه انداختن و صدها میلیون دلار پول و ده‌ها هزار تن سلاح برای کسانی که موافق جنگیدن با سید بودند، هزینه کردند. بایدن تأکید کرد کسانی که این میزان اسلحه و پول را دریافت کردند اعضای جبهه النصره و القاعده و سایر گروه‌های افراطی بودند که از سایر مناطق دنیا به سوریه آمده بودند و اگر باور ندارید به نتیجه این درگیری‌ها نگاه کنید.»

رسانه‌های تفرقه

در کنار همه توطئه‌های میدانی و سیاسی، آل سعود تلاشی ویژه را در جنگ نرم چه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران و چه تفرقه افکنی میان شیعه و سنی آغاز کرده است. این تهاجم نرم هم در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی (که برخی آن‌ها مثل توئیتر تحت نفوذ سرمایه‌داران سعودی است که به همین دلیل به رسانه‌های گانگیک گروه‌های تکفیری داعش و النصره و جیش الاسلام تبدیل شده) و هم در شبکه‌های ماهواره‌ای با هدف سوق دادن مطالبات مردمی ایران و کشورهای محور مقاومت به سمت نارضایتی و طغیان به صورت جدی در حال اجراست. به عنوان نمونه در یکی از اسناد منتشر شده، به تلاش‌های وزارت امور خارجه عربستان

و فرهنگی بر لزوم کمک به سیل زدن تایلند در سال ۲۰۱۱ و پوشش رسانه‌ای آن تأکید دارد تا با نفوذ ایران شیعی در تایلند مقابله شود. همچنین اسناد نشان از آن دارد که از همان آغاز بحران سوریه، عربستان، ترکیه، قطر و جریان ۱۴ مارس از تروریست‌ها و مخالفان سوریه تمام‌قد حمایت کرده‌اند. شبکه تلویزیونی نیا با استناد به همین اسناد ویکی لیکس بود که ماهیت گروه ۱۴ مارس لبنان به ریاست «سعد حریری» را که شعار حاکمیت ملی و استقلال لبنان سرمی‌دهد، افشا کرد. به این ترتیب به مردم لبنان ثابت شد ۱۴ مارس، بزرگ‌ترین دشمن حزب الله و وحدت لبنانی‌ها، به دستور دربار آل سعود عمل می‌کند و تحت سلطه دلارهای نفتی آنها قرار دارد.

حتی پیش از لو رفتن اسناد مجرمانه سعودی، اعتراضات مقامات غربی نقش عربستان و شرکایش را در جنگ افروزی میان شیعه و سنی فاش ساخته بود. در مهم‌ترین این اظهارنظرها، کمتر از یک سال پیش نفر دوم کاخ سفید صراحتاً واژه جنگ نیابتی را بکار برد. جو بایدن معاون اوباما در سخنرانی خود در دانشگاه هاروارد آمریکا گفت: «در جنگ سوریه هم‌پیمان‌های منطقه‌ای ما است مثلاً ترکیه، سعودی‌ها و اماراتی‌ها یک جنگ نیابتی بین اهل

حمایت از سرکوب انقلاب مصر توسط مبارک و هدایت مستقیم کودتای السیسی، خریدن برخی سیاستمداران عراقی و تزریق پول میان قبایل و همچنین صرف میلیاردها دلار برای مخالفان و معارضان نظام دمشق با هدف سرنگونی بشار اسد؛ گروه آسانز با آن گنجینه اطلاعاتی ذی‌قیمتی که از یمنی‌ها دریافت داشته‌اند، در همه این موارد اسنادی مهم رو کرده‌اند.

اسناد افشا شده همچنین سیلی هشیار کننده‌ای بر صورت خوش خیالان داخلی می‌نوازد و ثابت می‌کند بر خلاف نظر آن‌ها رابطه عربستان نه با ایران و نه با شیعیان، هیچ‌گاه برادرانه و از سر احترام متقابل نبوده که حال به واسطه بروز برخی افراط‌گرایی‌های داخلی دستخوش تغییر شده باشد. تقریباً تمام ۵۰ هزار سندی که تاکنون افشا شده در یک نکته مشترک هستند و آن دشمنی مستقیم یا غیرمستقیم سعودی‌ها با انقلاب اسلامی ایران، محور مقاومت ضد صهیونیستی و محبان اهل بیت (ع) در سراسر جهان است. مثلاً در یک سند ریاض برای اخلاف در سفر سردار قاسم سلیمانی به لبنان، با نامه‌نگاری مجرمانه اقدام به بسیج عمال وابسته خود می‌کند. حتی یکی از اسناد مکاتباتی سفارت عربستان در بانکوک با وزیر امور اقتصادی



تفرقه افکنی سعودی

در کنار همه توطئه‌های میدانی و سیاسی، آل سعود تلاشی ویژه را در جنگ نرم چه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران و چه تفرقه افکنی میان شیعه و سنی آغاز کرده است.

ویکی لیکس اهرم فشار آمریکا علیه رژیم سعودی است



حسن زاده

کارشناس مسائل خاور میانه

دسترسی پایگاه افشاگر ویکی لیکس به اسناد سری و محرمانه بر کسی پوشیده نیست و آنچه طی ماه اخیر در مورد آل سعود به ویژه از اسناد وزارت امور خارجه شان نظیر مکاتبات سفارت عربستان در تهران منتشر شده است کاملاً با واقعیت‌های موجود مطابقت دارد. این ثابت می‌کند که عربستان همواره در طول ۳۵ سال سپری شده از انقلاب اسلامی ایران، نقشی کاملاً تخریبی در درخداهای منطقه و مخصوصاً در رابطه با ایران داشته است. در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ما، عربستان با کمک سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حدود ۱۲۰ میلیارد دلار به صدام کمک مالی کرد. بر اساس اسناد منتشر شده از سوی ویکی لیکس عربستان با گروهک‌های تروریستی معاند همکاری‌های تنگاتنگی داشت و کمک مالی گسترده‌ای در اختیار گروهک‌های تروریستی قرار داد و هنوز هم می‌دهد.

انتشار این گونه اسناد اولاً نشان می‌دهد که اختلاف میان واشنگتن و ریاض کاملاً رسانه‌ای شده است و عربستان به دلیل اتخاذ شیوه‌های کاملاً تخریبی در مسائل لبنان، سوریه، عراق و یمن با آمریکا دچار اختلاف سیاسی شده است. سفر اخیر نایب ولیعهد عربستان به روسیه و ملاقات وی با پوتین نشان می‌دهد که عربستان سعودی به کلی از سیاست‌های آمریکا و از تلاش باراک اوباما برای نزدیک‌تر شدن به ایران ناامید و در صدد یارگیری جدید برآمده است. حقیقت این است که عربستان در طول یک سال و نیم گذشته یک جبهه عبری عربی برای تخریب مذاکرات ایران تشکیل داده و همزمان از سوی دیگر لابی صهیونیستی علیه کاخ سفید فشارهایی وارد کرده است. انتشار این اسناد می‌توانست رژیم آل سعود که یکی از موانع به توافق رسیدن ایران با پنج به علاوه یک بود در انزوای شدید سیاسی قرار دهد و نقش ریاض را کم‌رنگ‌تر کند.

پس قطعاً انتشار این گونه اسناد با اشاره آمریکا چراغ سبزی که به ویکی لیکس داده صورت گرفته است. ظاهر امر هم این است که باراک اوباما در طول ماه‌های اخیر انتقادهای شدیدی نسبت به سیاست‌های ریاض در منطقه و نبود دموکراسی در کشورهای عضو شورای خلیج فارس داشت. خلاصه اختلاف نظر شدیدی میان واشنگتن و ریاض بروز کرده و کاخ سفید هم تلاش می‌کند از ابزار مختلف رسانه‌ای برای تحت فشار گذاشتن سعودی‌ها استفاده کند که این باعث می‌شود عربستان در آینده با بحران پیچیده‌تری مواجه شود. همچنین عربستان به دلیل ادامه حمله به یمن و شکست سیاست‌هایش در مصر، عراق و سوریه با انزوای شدید سیاسی مواجه شده است. در این شرایط که آل سعود با بحران منطقه‌ای داخلی مواجه شده است، رسوایی «سعودی لیکس» یک ضربه شکننده و شکستی سیاسی برای آن‌ها تلقی می‌شود. در آینده عربستان سعودی بیش از پیش دچار انزوای سیاسی در منطقه خواهد شد و این به ضرر عربستان است. رژیم آل سعود جایگاه خود را در سطح منطقه و جهان از دست خواهد داد.

جشن از افرادی در دهه بیست و سی عمر خود بودند. میزبانان خانواده بزرگ ثنائیان از معتمدین آل سعود بوده و از جمله افرادی که در این جشن حاضر بودند کارکنان کنسول‌گری آمریکا بوده‌اند. این جشن شبیه باشگاه‌های شبانه در خارج از عربستان بود که برای برپایی آن مقدار قابل توجهی مشروبات الکلی تهیه می‌شود. در این جشن جوانان با موسیقی می‌رقصیدند، همگی لباس‌های نیمه برهنه به تن داشتند. کارکنان تشریفات چنین جشن‌هایی غالباً اتباع فیلیپینی هستند و مشروباتی که در این جشن‌ها توزیع می‌شود غالباً مشروباتی است که در داخل عربستان تهیه می‌شود و به صدیقی (دوست من) معروف است به این دلیل که مشروبات خارجی در بازار سیاه عربستان به شدت گران است. جشن‌های این چنینی که غالباً زنان بدکاره یک پای ثابت آن هستند اخیراً به امری طبیعی در جده تبدیل شده است.

چنین رسوایی‌هایی مؤمنان اهل تسنن عربستان که تعدادشان کم هم نیست روز به روز این احساس را که پادشاه به آن‌ها خیانت می‌کند در خود تقویت می‌کند. در تلکسی از کنسول‌گری آمریکا که نوامبر ۲۰۰۹ به عنوان «زندگی پر هیاهوی نخبان در جده، پشت پرده چهره محافظه کار و هابیت در خیابان‌های عربستان» صادر شده، آمده است: «این آزادی و غوطه خوردن در شهوات فقط به این دلیل ممکن است که پلیس عربستان هیچ‌گاه قادر نیست کاخ شاهزادگان یا اطرافیان شاهزادگان را تحت نظر داشته باشد.» در عوض پلیس سعودی به شدت مبادی ورودی و خروجی شهر کی را که این اتفاقات در آن می‌افتد کنترل می‌کرده تا مردم عادی بویی از آن نبرند. در این سند محرمانه فاش شده به یکی از جشن‌ها در شهری نزدیک شهر جده واقع در ساحل دریای سرخ اشاره شد که در شب هالوین با حضور ۱۵۰ نفر برگزار شده است و بسیاری از حاضران در این

و اختلافات در ایران استفاده کرد. همچنین مدعی شده که با توجه به افزایش نرخ بیکاری و تورم و همچنین رشد فساد و رابطه بازی در جامعه ایران، ناامیدی در میان مردم ایران به وجود آمده و باید وجود چنین شرایطی را برای تغییر نظام در ایران مغتنم شمرد.

از میان محرمانه‌های درز کرده سعودی لیکس همچنین در می‌یابیم که سال‌هاست ایران هراسی و شیعه هراسی در دستور کار وزارت امور خارجه عربستان قرار دارد که این ثابت می‌کند مسئولان ارشد ریاض تاجه میزان از قدرت فزاینده ایران هراس دارند و چرا به قول نشریه فرانسوی آتلانتیکو، ائتلافی محرمانه میان تل آو بوور ریاض علیه بسط انقلاب اسلامی ایران در منطقه شکل گرفته است؟

با همه اهمیت اسناد فاش شده، هنوز رسانه‌های غربی بر بسیاری ابعاد رسوایی «سعودی لیکس» سرپوش می‌گذارند. به قول مکس ابرامز عضو یهودی شورای روابط خارجی آمریکا: «تصور کنید اگر چنین اسنادی به جای عربستان، در باره ایران منتشر شده بود، چقدر پوشش رسانه‌ای پیدا می‌کرد! سکوت رسانه‌ای در این باره، خودش یک خبر عمده است.»

برای راه اندازی یک شبکه تلویزیونی ضد ایرانی و ضد شیعی از طریق شخصی به نام مصطفی بکری، اشاره شده است. یابین که دولت عربستان قصد داشته شبکه تلویزیونی ضد ایرانی و ضد شیعی به زبان فارسی و انگلیسی از بحرین راه اندازی کند. نامی که برای این شبکه پیشنهاد شده «هندیجان» است و در سند مذکور تصریح شده که این نام از نام شهری در نزدیکی اهواز گرفته شده است. این به غیر از ده‌ها شبکه ماهواره‌ای است که هم‌اکنون در نقاب ترویج و هابیت، دفاع از اهل تسنن و اقلیت‌های قومی یا حتی در پوشش شیعه‌گرایی به اختلاف افکنی میان مسلمانان می‌پردازند، از جمله شبکه‌هایی که به هزینه ریاض و تحت حمایت معنوی برخی مراجع دروغین به سمپاشی به سبک تشیع موسوم به انگلیسی می‌پردازند.

همچنین سندی دیگر حاوی مکاتبات سفیر دولت سعودی در تهران با ریاض است که در آن ابزارهایی مانند فیس‌بوک و توئیتر با حمایت رسانه‌ای از چهره‌های مخالف نظام در خارج برای براندازی نظام انقلابی اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود. سفیر مداخله گر عربستان در نامه خود تأکید دارد که باید از وسایل ارتباط جمعی مانند اینترنت، روزنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای در جهت بزرگنمایی مشکلات



گفت و گو

درون گرا شدن عربستان

همه این اتفاقات می تواند به درون گرا شدن دولت عربستان یا حتی از هم پاشیدگی آن منجر شود تا دیگر فرصت دخالت در مسائل جهانی یا منطقه ای را نداشته باشد.

آقای پاگانینی مطمئناً هیچ کس بهتر از شما اهمیت فنی هک کردن اطلاعات حکومتی مثل سعودی را درک نمی کند. آیا سعودی لیکس پیروزی تاکتیکی برای یمنی هاست یا یک دستاورد راهبردی در جنگی که در ماه های اخیر توسط عربستان به آن ها تحمیل شده است؟

برای این که ببینیم آن چه شمامی گوید یعنی سعودی لیکس برای یمنی ها پیروزی تاکتیکی است یا راهبردی باید اول ببینیم که آیا اصلاً آن ها این حمله را به بخش پاگانینی مکاتبات خارجی وزارت خارجه عربستان انجام داده اند یا خیر؟ در حال حاضر با توجه به گستردگی اطلاعات لو رفته و این که این اسناد اول از همه از کدام منبع منتشر شده باید گفت که سه فرضیه کلی در این مورد وجود دارد. بسته به هر یک از این فرضیه ها می توان گفت که الحوثی ها و متحدشان علی عبدالله صالح در یمن، رقبای شاه فعلی عربستان در خاندان سعودی و یا رقبای منطقه ای عربستان صاحب پیروزی تاکتیکی شده اند.

پس شما معتقد به دست هایی بالاتر از یمن هستید؟

قطعاً! اما منظور من این نیست که ارتش سایبری یمن الزاماً وجود خارجی ندارد بلکه این یک نام است برای گروهی از ابرهکرها بین المللی که برای اهداف مالی یا سیاسی خود مشترکاً مخازن اطلاعاتی نسبتاً در دسترس تر دولت عربستان در مقایسه با بخش های نظامی و اطلاعاتی و یا بخش خصوصی و کمپانی های نفتی را هدف قرار داده اند. آن هم وزارتخانه ای که حدود چهل سال در اختیار یک شاهزاده بر جسته مثل سعود فیصل بوده و او ناگهان از وزارت تیش بر کنار شده است. بعد این اسناد در اختیار یک خبرگزاری ایرانی (فارس نیوز) طبق ادعای خود ایرانی ها قرار گرفته و تازه در مرحله آخر به دست ژولین آسانژ رسیده است. در این بین گروه های هکر مستقل مثل آنونیموس و یا دولتی ها هم هستند که روس ها و چینی ها در این مورد برای خودشان امپراتوری دارند و بعد تازه نوبت اسرائیلی ها و آمریکایی ها می رسد. در حقیقت برای یک متخصص امنیت اطلاعات سایبری، هر یک از نشانه های حمله سایبری به عربستان ذهن من را معطوف به یک طرف جهان می کند.



ارتش سایبری یمن عشاق آیت الله خامنه ای هستند

گفت و گوی اختصاصی با پیر لوئیجی پاگانینی، متخصص سایبری آژانس اتحادیه اروپایی امنیت اطلاعات

عباس قیداری



نخستین بار نام ارتش سایبری یمن اواخر فروردین ۹۴ (آوریل ۲۰۱۵) در رابطه با هک شدن پایگاه بر خط شبکه خبری الحیات عربستان در رسانه ها پیچید: الحیاتی که از تجاوز ائتلاف عربی غربی به رهبری آل سعود به یمن حمایت می کرد. ارتش سایبری یمن با این حرکت می خواست به مزدوران حکومت ریاض بفهماند که حمایتشان از قتل عام یمنی ها بی پاسخ نمی ماند. کمی بیشتر از یک ماه بعد نام ارتش سایبری تبدیل به تیتیر یک رسانه های غربی و عربی شد چرا که آن ها در اوج حملات هوایی و توپخانه ای وحشیانه سعودی ها به غیر نظامیان یمن، باتکی سنگین به قلب دیپلماتیک عربستان زدند. اوج تأثیر گذاری این حمله سایبری زمانی بود که اسامه احمد السنوسی، عضو بر جسته وزارت خارجه عربستان، هک شدن اطلاعات مربوط به این وزارتخانه را تأیید کرد. از آن روز کمتر کارشناس فناوری و امنیت را با نه باور می کند که ارتشی مجازی که کل پایگانی محرمانه وزارت خارجه سعودی ها را خالی کرده است، از کشوری مثل یمن با ظرفیت بسیار محدود آی تی و فناوری پیشرفته سر بر آورده باشد. یکی از آن ها «پیر لوئیجی پاگانینی» سردبیر ایتالیایی مجله «دفاع مجازی» است که در این باره با مهر و ماه به گفتگو پرداخته است. آقای پاگانینی همچنین خود از فعالان عرصه سایبری است و در کنار مسئولیت امنیت اطلاعات شرکت بیت فور لید که در زمینه مدیریت هویت مجازی فعال است، عضو «انیسا»، آژانس اتحادیه اروپایی امنیت اطلاعات، نیز محسوب می شود.



فضای بدون مرز سایبری

احتمالش خیلی زیاد است که یک جوان آمریکایی در کافه ای در نیویورک نشسته باشد و در این عملیات عشاق آیت الله خامنه ای را یاری کرده باشد. این یعنی بدون مرز بودن فضای سایبری که برای من بسیار جذاب است.



گروهی به نام
ارتش سایبری
یمن تا پیش
از حمله ۱۴
آوریل به سایت
شبکه الحیات
عربستان وجود
نداشت یا حداقل
خودش را آفتابی
نکرده بود. مادر
جهان عرب قبلاً
با ارتش های
سایبری سوریه
یا حزب الله
لبنان آشنا
شده بودیم که
مشخصاً علیه
مرکز داده های
اسرائیل حملات
آشکار می کردند

معروف گروه هکری های آنوینیموس هم روی آن ها نقش بسته بود و شعار مقاومت می داد. حدوداً در فاز اول ۱۰ حساب پیست بین اسناد عربستان را به همین شکل منتشر کردند که طبق ادعای گروهی که ارتش سایبری یمن معرفی می شدند روزانه بیش از یک میلیون سند وزارت خارجه عربستان را هک کرده بودند. این رقم را مقایسه کنید با تنها ۵۰۰ هزار سندی که به ویکی لیکس داده اند. پس ابعاد کار بسیار وسیع تر از آن است که یک گروه هکری بومی یمن بتواند از عهده اش بر آید. به همین دلیل من تصور می کنم در وهله اول باید گفت که عشاق آیت الله خامنه ای از هر ملیت و مذهبی این حرکت را سازماندهی کرده اند. اما در عین حال این حمله می تواند با همکاری گروه آنوینیموس که می دانیم بیشتر به مسکو و آسانز نزدیک هستند و همچنین عناصری از داخل عربستان انجام گرفته باشد. بلافاصله پس از این حمله ما شاهد بودیم که جانشین ولیعهد عربستان که جنگ با یمنی ها مستقیماً زیر نظر اوست در اقدامی تاریخی با یک گروه بزرگ نظامی به مسکو رفت. از طرف دیگر توثیق های مخالفان عربستانی مدام از تقابل های نگران کننده داخل خاندان سعودی خبر می دهند. ضمن این که همه این اتفاقات می تواند به درون گرا شدن دولت عربستان یا حتی از هم پاشیدگی آن منجر شود تا دیگر فرصت دخالت در مسائل جهانی یا منطقه ای را نداشته باشد که این خواست مشترک دولت های دولت ایران و آمریکا است که در آستانه توافق هسته ای مهمی هستند. از آن جا که اسرائیل هم تا حدی در گیر سعودی لیکس شده حدس نهایی من این است که ساختار ارتش سایبری یمن ترکیبی از همان ارتش های سایبری سوریه و حزب الله لبنان است که می دانیم از آنوینیموس که خود شامل ده ها گروه سایبری دیگر می شود کمک می گیرند.

این پدیده چه پیامی دارد؟

آن چه برایم جالب است نحوه عملیات انفرادی هکرهاست چرا که احتمالش خیلی زیاد است که یک جوان آمریکایی در کافه ای در نیویورک نشسته باشد و در این عملیات عشاق آیت الله خامنه ای را یاری کرده باشد. این یعنی بدون مرز بودن فضای سایبری که برای من بسیار جذاب است. در عین حال شما ایرانی ها باید برای عکس العمل سایبری رقیبانان آماده باشید. ■

سال ها بدون سروصدا سرگرم سرقت اطلاعات هستند. بر خلاف تصور عمومی این تشکیلات هکری فقط مخصوص آمریکا یا کشورهای اروپایی نیستند بلکه شامل چین و روسیه و ژاپن و هندو ایران و اسرائیل و سایرین هم می شوند اما فعالیتشان محرمانه است. اخیراً حتی شنیدم که داعش هم برای خودش یک تیم هکرها راه انداخته که ممکن است از هر کجای جهان تأمین شود.

اما در مورد یمنی ها ما شاهد هستیم که آن ها مشخصاً در پاسخ حملات هوایی عربستان به مردمشان این حملات را انجام می دهند. یعنی انگیزه های ملی وجود داشته است؟

بله همین طور است ولی داشتن انگیزه با توان سایبری متفاوت است. می دانیم که یمن نه گروه هکری بزرگی دارد و نه توان بسیج آن ها را دارد. ضمن این که من در جریان شروع کمپینی که برای حمله به شبکه های دولتی عربستان راه افتاد بودم. این یک فراخوان آشکار بود از همه هکری های جهان که از روز ۲۰ مه با هشتگ #OpSaud روی حساب های توییتر فعال شد و روز بعد اعلام شد که وزارت خارجه سعودی هک شده است. اولین خبر آن را خبرگزاری فارس ایران منتشر کرد که می گفت مستقیماً اخبار و اسناد را از ارتش سایبری یمن می گیرد. طبق این اخبار ارتش سایبری یمن اطلاعات مربوط به کارمندان دولتی سعودی و وابسته های دیپلماتیکشان را از شبکه دسترسی دیپلماتیک وزارت خارجه و دولت عربستان که شبکه آسیب پذیرتری در مقایسه با مرکز داده های درون ارگانی است هک کرده بود. حتی در بین اسناد کپی پاسپورت افراد هم بود که در حجم وسیعی در قالب حساب های عضو سایت /pastebin.com/ یا سایت های افشای اطلاعات دیگر منتشر شده بودند. متعاقب آن شبکه روسی راشا تودی اخباری از این حمله پخش کرد.

پس شما ایران را مستقیماً داخل می دانید؟

نکته اینجا است که وقتی به حساب های مزبور سر می زدیم در بسیاری موارد با صفحه هایی با پس زمینه بزرگ آیت الله خامنه ای رهبر عالی ایران مواجه می شدیم که نام رهبر حوثی های یمن و آرم جنبش سیاسی شان انصار الله و همچنین صورتک

یعنی اول باید ببینیم چه کسی از رسوا شدن توطئه های سعودی ها در خاور میانه سود می برده است؟

به عقیده من مسئله می تواند از این هم فراتر باشد، بحث ضربه زدن به موجودیت یک حکومت است چون این اطلاعات تا آن جا که منتشر شده اند عمدتاً جدید و مربوط به سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ هستند و هویت و کارهای چهره ها و شخصیت ها و سازمان های داخل و خارج از عربستان را لو می دهند. خب یک حکومت از همین افراد تشکیل می شود. اتفاقاً این بخش در تخصص من است و می دانم که هر یک از افرادی که نامشان در اسناد به قول شما سعودی لیکس آمده است ممکن است چقدر نسبت به محفوظ ماندن حساب ها و رایانه های شخصی و کاری شان و فعالیت های کاری خودشان و کارمندان شان در فضای عمومی و سایبری حساس باشند و قرار دادهای مشاوره حریم مجازی با شرکت های بزرگ امنیت اطلاعات مثل شرکت ما منعقد کنند. پس مجموعه ای وسیع از افراد و شبکه ها در کنار دولت عربستان هدف قرار گرفته اند.

شما یکی از نخستین فعالان امنیت مجازی بودید که در سطح جهانی به تشریح روش هک کردن ارتش سایبری یمن پرداختید و آن را بیشتر یک نوع مشارکت سیاسی دانستید تا حرفه ای. روش کار این گروه چیست؟

گروهی به نام ارتش سایبری یمن تا پیش از حمله ۱۴ آوریل به سایت شبکه الحیات عربستان وجود نداشت یا حداقل خودش را آفتابی نکرده بود. ما در جهان عرب قبلاً با ارتش های سایبری سوریه یا حزب الله لبنان آشنا شده بودیم که مشخصاً علیه مرکز داده های اسرائیل حملات آشکار می کردند و حملاتشان هم محدود بود که البته به خاطر دفاع سایبری قال توجه اسرائیلی ها هم هست. گروه سایبری آنوینیموس (ناشناخته) و ارتش سایبری پلیس سابق اوکراین یا عقاب طلائی را هم باید جزو دیگر گروه های معاصر هکری گذاشت که اهداف سیاسی را دنبال می کنند نه اقتصادی چون اطلاعاتشان و اقداماتشان را در سطح عمومی منتشر می کنند در حالی که هزاران شرکت و سازمان و گروه در جهان سایبری فعال هستند که اگر یک نفر مثل اوارد اسوندن پیدا نشود که در سوت خود بدمد



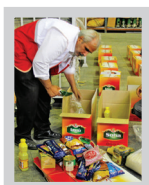
خدمت؛ بی مزد و بی منت

رمضان امسال سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در حالی دوازدهمین برنامه ملی همای رحمت را برگزار کرد که طرح‌هایی نو در برنامه‌های حمایتی - مردمی خود داشت؛ توزیع ۱۴۶ هزار سبد غذایی، ۵ هزار سفره مهربانی، برگزاری آیین‌های متعدد برای جمع‌آوری کمک به نفع خانواده‌های نیازمند، اقدامات اورژانسی، توانمندسازی بیماران برای پرداخت هزینه دارویی - درمانی (از جمله مبتلایان به بیماری‌های خاص) و همچنین کمک به آوارگان و جنگ‌زدگان یمن، بخشی از این طرح محسوب می‌شود.

در این پرونده بخوانید



نیم قرن خدمت
صادقانه



باران مهربانی
در ماه مهربانی



یمن مارا
فرامی خواند



نظارت و ارتقای
فرهنگ دینی



از شرایط موجود تا
وضعیت مطلوب



نظارت و ارتقای فرهنگ دینی

معاون فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه منصوب شد



ارتباط مؤثر با سازمان ها

معاون سابق فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه نیز که با حکم رئیس جمعیت به عنوان مدیر عامل شرکت صنایع نساجی هلال ایران منصوب شده است، در این مراسم با تکریم مقام نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، گفت: حوزه فرهنگی و امور استان ها با چالش هایی همراه بود که سعی بنده و همکاران در این مدت، مرتفع کردن این چالش ها بود. ظاهر رستمی به مرتفع شدن مشکل بودجه در سال ۹۳ اشاره کرد و افزود: یکی از مهم ترین چالش هایی که با آن مواجه بودیم عدم ارتباط با سازمان ها بود که این ارتباط را در قالب تفاهم نامه های با برگزاری جشنواره های قرآنی برقرار کردیم. رستمی ادامه به سایر فعالیت های صورت گرفته در معاونت فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره و خاطر نشان کرد: امیدوارم اقدامات انجام شده، رضایت خاطر نماینده محترم ولی فقیه در جمعیت هلال احمر و سایر مسئولان را فراهم آورده باشد.

فعالیت در جمعیت هلال احمر افتخار آمیز است

حجت الاسلام والمسلمین زاهدی نیز در ادامه این مراسم با اشاره به این که حضور و خدمت در جمعیت هلال احمر یک افتخار به حساب می آید، گفت: امیدوارم با توجه به اعتمادی که به بنده حاصل شده است، بتوانم نه تنها در زبان بلکه در عمل نیز با برنامه ریزی مناسب در حوزه فرهنگی، در جهت ارتقای برنامه ها گام بردارم. گفتنی است، پیش از این نیز حجت الاسلام والمسلمین معزی در همایش مدیران ستادی و عامل جمعیت هلال احمر و در جمع مسئولان جمعیت، ضمن تقدیر از جناب آقای ظاهر رستمی، حجت الاسلام والمسلمین زاهدی را به عنوان معاون جدید فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر معرفی کرده بود.

سال دفاع مقدس به طور کامل نمایان بود. وی با اشاره به این که نظام جمهوری اسلامی، نظامی دین محور است که بر پایه فرهنگ دینی شکل گرفته است، افزود: نظامی که پس از انقلاب در ایران شکل گرفت، نظامی است که تلاش داشته معرفت و فرهنگ دینی در سطح جامعه تحقق پذیرد.

معزی افزود: جمعیت هلال احمر یکی از نهادهای خدمتگزاری است که بعد از انقلاب اسلامی بر پایه مفاهیم این چنینی به حرکت خود ادامه داده است.

نجاتگران با توان کامل به میدان آمدند

نمایند ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه به ظرفیت بالای جمعیت هلال احمر برای خدمت به مردم اشاره کرد و گفت: فعالان در جمعیت با بهره مندی از فرهنگ دینی در شرایط متفاوت در کنار مردم بوده اند و هر جا که نیاز به ارائه خدمات بوده، با آمادگی کامل در عرصه حضور پیدا کرده اند. وی افزود: نمونه این حضور در جریان توفان و سیلاب اخیر در ۱۵ استان کشور بود که با حضور به موقع و آمادگی کامل امدادگران همراه شد و نجاتگران با توان کامل به میدان آمدند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی، بیان کرد: هدف اصلی همه فعالان این نهاد مردمی، خدمت به انسان ها و بخشیدن حیات دوباره به آسیب دیدگان، با حفظ کرامت آنهاست. نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تأکید بر این که این حرکت باید مبتنی بر جهان بینی باشد، افزود: در واقع از عمده ترین وظایف حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، نظارت و ارتقای فرهنگ دینی در سطح جمعیت است. وی در ادامه با تقدیر از فعالیت های آقای ظاهر رستمی در سمت معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه، با ابلاغ حکمی جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین زاهدی را به عنوان معاون جدید فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه، معرفی کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در مراسم معارفه معاون جدید فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، با تأکید بر این که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب کاملاً فرهنگی بود، گفت: نظام ستم شاهی، نظامی دیکتاتور بود که جریان دین ستیزی را در سطح جامعه پراکنده بود.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با اشاره به این که نهضتی که امام خمینی (ره) آغاز کرد نهضتی دینی - فرهنگی بود، افزود: امام راحل تلاش کرد تا این نهضت عاشورایی را در پرتو دین در سطح جامعه به پیش ببرد. در واقع امام خمینی (ره) در جریان این نهضت از دین بهره برد و شور و شعور دینی مردم را در دو جبهه مکتب عاشورایی و همچنین انتظار برای آینده روشن در پرتو ظهور امام زمان (عج)، به حرکت وامی داشت.

معزی خاطر نشان کرد: تبلور این جریان در هشت

نکته

متن حکم حجت الاسلام والمسلمین معزی خطاب به حجت الاسلام والمسلمین حسینعلی زاهدی:

نظر به سوابق ارزشمند علمی و اجرایی جنابعالی، به موجب این ابلاغ به عنوان معاون فرهنگی و امور استان های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر منصوب می شوید. اهم وظایف جنابعالی ایجاد بستر مناسب برای انجام فعالیت های فرهنگی، آموزش معارف اسلامی و آموزه های دینی و فرهنگ اصیل اسلامی در راستای تقویت و ارتقاء فضایل اخلاقی، انسانی و اسلامی و ارزیابی هدفمند و آسیب شناسی دقیق و مستمر فعالیت های فرهنگی و آموزشی در جمعیت هلال احمر است.

امید است با استعانت از خداوند متعال و در ظل توجهات حضرت بقیه الله الاعظم (عج) و بهره گیری از رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در انجام وظایف محوله، با همکاری دیگر مسئولان ذی ربط جمعیت، موفق باشید.

تقدیر از نوجوان حافظ قرآن

چهارشنبه دهم تیر ماه همزمان با روز میلاد امام حسن مجتبی (ع) بین نماز ظهر و عصر، مراسمی کوتاه اما پر از معنویت با حضور کارکنان سازمان هلال احمر در نمازخانه ساختمان صلح برگزار شد.

مراسم با مداحی به مناسبت میلاد امام حسن مجتبی (ع) آغاز و در ادامه حجت الاسلام معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر درباره اهمیت پرداختن به قرآن به ویژه در ایام ماه مبارک رمضان چند دقیقه ای سخنرانی کرد. وی تلاوت قرآن را از برکات ماه رمضان دانست و احادیث و روایاتی از معصومین علیه السلام درباره اهمیت تلاوت قرآن و حافظ قرآن بودن بیان کرد. حجت الاسلام معزی ضمن تبریک میلاد امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره جایگاه ایشان به ایراد سخنرانی پرداخت و صحبت های خود را با سفارش به خواندن، یادگیری و ترویج و عمل به قرآن به پایان رساند.

همچنین در پایان برنامه از زهرا شیرزاد نوجوان ۱۷ ساله از فرزندان کارمندان سازمان که از هفت سالگی حافظ کل قرآن کریم شده، تقدیر شد.

حجت الاسلام معزی ضمن اهدا لوح تقدیر و هدیه به این نوجوان، عمل به قرآن را در کنار حافظ بودن مهم دانست.

زهرا شیرزاد که در مقطع سوم دبیرستان و در رشته ریاضی در حال تحصیل است، می گوید: از چهارسالگی همراه مادر به کلاس های قرآن می رفتم، هفت سالگی موفق به حفظ کامل شدم و در ادامه تثبیت حفظ را انجام دادم و در حال حاضر هم این روند را ادامه می دهم. ■



ترویج فرهنگ ایثار

دکتر امیرحسین ضیائی با تأکید بر این که برپایی سفره های مهربانی با مشارکت خیرین از جمله برنامه های داوطلبی این جمعیت است، خاطر نشان کرد: ترویج فرهنگ ایثار و گذشت ایجاد یک جامعه آرام را در پی خواهد داشت.



باران مهربانی در ماه مهربانی

برنامه ملی همای رحمت حالا بعد از دوازده سال برگزاری نام و اعتبار فراوانی به دست آورده است. این برنامه هر سال به مناسبت ماه مبارک رمضان توسط سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در سراسر کشور برگزار می شود.

اعضای شورای شهر، چهره های هنری و ورزشی در باشگاه دیپلماتیک وزارت امور خارجه برگزار و طی آن ۶۶۰ میلیون تومان هزینه در مان کودکان مبتلا به بیماری های خاص جمع آوری شد. در این مراسم، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تأکید بر این که انفاق باید به دور از هر گونه منت باشد، گفت: یکی از مهم ترین جنبه های انفاق صحیح این است که فرد دنیا مندر از ذیلت اخلاقی دور می کند و ایجاد نشاط و روشن شدن چراغ محبت در دل ها از دیگر آثاری است که انفاق روی افراد جامعه می گذارد. حجت الاسلام معزی افزود: تلاش مسئولان سازمان داوطلبان و این طرح برای تسکین آلام بشری، همچنین التیام بخشیدن به روح و روان انسان ها قابل ستایش و تقدیر است.

مشارکت خیرین

رئیس جمعیت هلال احمر هم در این مراسم گفت: برنامه همای رحمت و در قالب آن اجرای باران مهربانی به همت جمعیت هلال احمر و سازمان داوطلبان این جمعیت با هدف ترویج مهربانی میان آحاد مردم به صورت همزمان در سراسر کشور اجرایی شود.

دکتر امیرحسین ضیائی با تأکید بر این که برپایی سفره های مهربانی با مشارکت خیرین از جمله برنامه های داوطلبی این جمعیت است که باید بیش از گذشته گسترش یابد، خاطر نشان کرد: ترویج فرهنگ ایثار و گذشت ایجاد یک جامعه آرام را در پی خواهد داشت.

کمک به محرومان؛ وظیفه ای دینی

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر هم با اشاره به فضای کلی این برنامه، گفت: به رغم این که در مأموریت های این سازمان تلاش برای شناخت انواع محرومیت ها، نارسایی مادی و معنوی، یافتن محرومان و تلاش برای رفع محرومیت یکی از رسالت های اصلی آن تعیین شده است اما نباید از یاد برد که کمک به محرومان به عنوان یکی وظیفه دینی بر عهده تک تک مسلمین است. ■

برنامه ملی همای رحمت در ایام منتهی به ماه مبارک رمضان در فراخوانی از مردم نیکوکار، اعضا و داوطلبان، صاحبان صنایع و حرف، مسئولان ذی ربط، هنرمندان و ورزشکاران، چهره های علمی و سیاسی دعوت می کند تا در مشارکتی تأثیر گذار در این برنامه ملی گردهم آیند. اهداف ارزشمندی هم دنبال می کند که خوشبختانه در این راه موفق بوده: اهدافی همچون ترویج ارزش های انسان دوستانه با تأسی از امیر المومنین (علیه السلام) در شیوه خدمت رسانی و کمک به ایتم، حفظ کرامت انسانی نیازمندان و رشد ایمانی معنوی شان در این ایام، هدایت کمک های مردمی با توجه به فضای معنوی این ماه در راستای حمایت از خانواده های محروم، ایجاد زمینه مشارکت خیران و نیکوکاران در اجرای برنامه های عام المنفعه و خیریه و ایجاد فضای مناسب به منظور تعامل تنگاتنگ خیرین و نیکوکاران با گروه های هدف برای تأمین بخشی از نیازهایشان.

در خانه دوازدهم چه گذشت؟

رمضان امسال سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در حالی دوازدهمین برنامه ملی همای رحمت را برگزار کرد که طرح هایی نو در برنامه های حمایتی - مردمی خود داشت؛ توزیع ۱۴۶ هزار سبد غذایی، ۵ هزار سفره مهربانی، برگزاری آیین های متعدد برای جمع آوری کمک به نفع خانواده های نیازمند، اقدامات اورژانسی، توانمندسازی بیماران برای پرداخت هزینه دارویی - درمانی (از جمله مبتلایان به بیماری های خاص) و همچنین کمک به آوارگان و جنگ زدگان یمن بخشی از این طرح محسوب می شود. این حمایت ها شامل خانواده های نیازمندی می شود که تحت پوشش هیچ نهاد حمایتی در کشور نیستند.

تقدیر معزی از طرح همای رحمت

یکی از این مراسم ها روز پنجشنبه چهارم تیر ماه با حضور جمعی از مسئولان جمعیت هلال احمر،



عضویت با حس نوع دوستی

ما بیش از دو میلیون نفر عضو داوطلب و جوان داریم. بر اساس ماده ۲۲، خدمت داوطلبانه است بدون هیچ چشم داشت مالی، اجتماعی، سیاسی و فرد تنها با یک حس نوع دوستانه و بشر دوستانه عضو می شود.

نیم قرن خدمت صادقانه

گفت و گو با فرحناز رافع رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر

توانمندان و نیازمندان است. هر مأموریت و فعالیتی که در سازمان رقم می زنیم بر این اساس است که بتوانیم حلقه وصل باشیم. تلاش ما این است که سقف مشارکت را افزایش دهیم، حس مسئولیت پذیری اجتماعی را زنده نگه داریم و گسترش دهیم تا مردم نسبت به هم بی تفاوت نباشند؛ کارها خلاصه در درمان نیست. خدمات ما شامل سلامت، رفاهی، حمایتی، پیشگیری است که این فعالیت ها در حقیقت براساس مأموریت هایی است که فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و جمعیت های ملی برای ما تعریف کرده. همچنین اساسنامه جمعیت با عنوان یک قانون بالادستی برای ما محسوب می شود. ما دو مأموریت اساسی داریم: اول امداد و نجات در حوادث و سوانح. دوم فعالیت های بشر دوستانه که تنها در حوادث نیست و در مواقع عادی دایره فعالیت ما را گسترده می کند. مبارزه با فقر، پیشگیری از اعتیاد، پیشگیری از سرطان، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و... طیف گسترده ای از فعالیت هایی است که در حوزه های اجتماعی می تواند مؤثر باشد.

این اصول شامل چه موضوعاتی می شود؟

شامل چند اصل است. یکی از آن ها کرامت انسانی است. یعنی اگر کمک و خدمتی انجام می شود حتما باید در چارچوب کرامت انسانی باشد. گاهی براساس اصول اسلام و آیاتی که اشاره شده که در خفا صدقه بدهید (مانند کمک های امام علی علیه السلام) خدمات غیر علنی انجام می شود و گاهی هم که برای ترویج و تشویق لازم است کار به شکل علنی انجام می گیرد. دیگری اصل بی طرفی و بی غرضی در درگیری هاست. طرف هیچ قشری را نمی گیریم و با نگاهی فراملی و انسان دوستانه به افراد کمک می کنیم؛ سیاه یا سفید، مسلمان یا غیر مسلمان و... در واقع اولویت با فردی است که مصدومیت و نیاز بیشتری دارد. اصل بعدی خدمت داوطلبانه است؛ به این معنا که تمام فعالیت ها بدون چشم داشت مالی و امتیاز است. اصل جهانی بودن هم براساس تعریف سازمانی فعالیت ها در گستره جهانی، کشوری و استان تعریف می شود که بیانگر بحث جهان شمولی است. اصل استقلال دیگر اصلی است که قوانین مشخصی را پذیرفته ایم. مادر کمک رسانی استقلال وجود دارد. بادر نظر گرفتن این اصول سعی می شود

سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر بیش از ۵۰ سال است که تشکیل شده. عمده فعالیت سازمان بعد از انقلاب، مشارکت های گسترده برای کمک به جبهه، برپایی پایگاه های سیار برای جمع آوری و ارسال کمک های نقدی و غیر نقدی در زلزله هایی مثل بم، رودبار، آذر بایجان شرقی و... بوده است. یکی از اصول اساسی نهضت های بین المللی صلیب سرخ و جمعیت های ملی اصل خدمت داوطلبانه است. ماده ۷ اساسنامه اشاره صریح کرده به ارائه خدمت داوطلبان و انجام فعالیت داوطلبانه مگر در یک سری از فعالیت هایی که کارهای اداری وجود دارد. ماده ۶ به عضویت افراد در اساس نامه اشاره دارد و این که هر کس در هر جایی که باشد می تواند عضو جمعیت هلال احمر شود؛ زن یا مرد، با هر نگاه و دیدی که دارد. خدمت در جمعیت هلال احمر افتخاری است مگر در پست هایی که بنا به دلایل اداری و تشکیلاتی یا به موجب قوانین و مقررات کادر ثابت و حقوق بگیر لازم باشد؛ در تمام فعالیت ها اصل بر خدمت داوطلبانه است.

سازمان داوطلبان چه قدر عضو دارد؟

ما بیش از دو میلیون نفر عضو داوطلب و جوان داریم که تعداد زیادی از اعضا داوطلب هستند. براساس ماده ۲۲، خدمت داوطلبانه است بدون هیچ چشم داشت مالی، اجتماعی، سیاسی و فرد تنها با یک حس نوع دوستانه و بشر دوستانه عضو می شود و به دنبال هیچ امتیازی نیست. در حقیقت یا تخصص را در خدمت جامعه قرار می دهد یا منابع مالی خود را یا پل ارتباطی می شود بین افراد توانمند و نیازمند. برای افرادی هم که تخصص یا منابع مالی ندارند خدمت مشارکتی تعریف کرده ایم.

جمعیت هلال احمر بیشتر با کارهای امداد و نجات و خدمات درمانی معرفی شده است. جدای از این فعالیت ها چه کارهایی انجام می شود؟

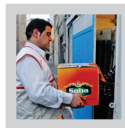
سازمان داوطلبان معروف به حلقه اتصال توان



زهرافر آورده

سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر به منظور احیاء و تحقق اصل خدمات داوطلبانه، با هدف حمایت از اقشار آسیب پذیر از طریق سازماندهی و بهره گیری از توان و مساعدت افراد و اقشار توانمند تشکیل شده و در طول سال فعالیت های گسترده ای دارد. این فعالیت ها در مناسبت های خاص مثل ماه مبارک رمضان و ویژه تر هم می شوند کما این که امسال سازمان داوطلبان برنامه های متنوعی اجرا کرد. سراغ فرحناز رافع رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر رفتیم تا درباره وظایف و فعالیت های این سازمان گفت و گو کنیم.

سازمانی که شما مسئولیت آن را بر عهده دارید با نام داوطلبان گره خورده و این ذهنیت را ایجاد می کند که بخش عمده ای از فعالیت های این سازمان براساس مشارکت داوطلبانه است، لطفا در این مورد کمی توضیح دهید.



حلقه وصل

سازمان داوطلبان معروف به حلقه اتصال توان توانمندان و نیاز نیازمندان است. هر مأموریت و فعالیتی که در سازمان رقم می‌زنیم برای این اساس است که بتوانیم حلقه وصل باشیم.

به اهداف مورد نظر نزدیک شد.

این اهداف در چارچوب خاصی تعریف شده یا این که منظور همان اصل خدمت‌رسانی در حوزه‌های مختلف است؟

جامعه هدف شامل سالمندان، معلولان، بیماران نیازمند، زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست، خانواده‌های آسیب‌دیده از حوادث و آسیب‌دیده اجتماعی و... هستند؛ در راستای کمک‌رسانی در این موارد چهار هدف داریم که براساس این‌ها فعالیت می‌کنیم:

۱. تلاش ما تسکین آلام بشر در هر شرایطی است؛ این تلاش فقط در سیل و زلزله و جنگ نیست، مشکلاتی که در اثر آسیب‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد: زندانیان و خانواده‌هایشان، اعتیاد و خانواده‌ها و...
۲. تأمین احترام انسان‌ها در تمام فعالیت‌ها.
۳. تلاش برای برقراری دوستی، تفاهم و صلح میان ملت‌ها در هر کاری هدف صلح جهانی و پایدار میان ملت‌هاست.
۴. حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها (سلامت جسم/روح) بدون در نظر گرفتن تبعیض.

برای جذب نیرو چه کارهایی در سازمان شما انجام می‌شود؟ فراخوان می‌دهید یا امکان عضویت برای هر کس در هر شرایطی فراهم است؟

به مناسبت‌های مختلف فراخوان عمومی می‌دهیم و زمانی که نیازمندیم فراخوان اختصاصی داریم؛ مانند نیاز به پزشک متخصص، مشاور حقوقی و... در شرایط عادی هم هر کسی می‌تواند عضو شود. افراد وقتی جذب شدند در گروه‌های چهارگانه سازماندهی می‌شوند: «گروه هدایت» از اساتید دانشگاه و افراد صاحب‌نظر و خلاق تشکیل شده است. تمام پروژه‌های هدایت در «گروه مشارکت» اجرا می‌شود. که البته حتماً نیاز به تخصص و مهارت نیست و می‌توانند آموزش ببینند. کارشان خدماتی مثل سرکشی به بیماران، سالمندان، نگهداری از بیماران، ایستادن سر صندوق و معرفی افراد نیازمند به توانمندهاست. در «گروه مهارت» از افراد متخصص در زمینه‌های مختلف در جاهایی که نیاز باشد استفاده می‌شود. و «گروه حمایت» شامل کسانی است که توان مالی دارند و پروژه‌هایی را که گروه هدایت طراحی و گروه مشارکت اجرا می‌کند

را پشتیبانی مالی و لجستیک می‌کنند.

بعد از جذب، فعالیت تعریف شده‌ای برای داوطلبان وجود دارد؟

داوطلب‌ها در این چهار گروه سازماندهی می‌شوند و بعد چهار هزار خانه داوطلب در کل کشور وجود دارد که این چهار گروه در آن‌ها فعالیت می‌کنند. هر خانه داوطلب هیئت مدیره دارد و کلاً همه چیز مردمی است. از خود مردم برای خودشان؛ مافقط هدایت می‌کنیم. پروژه‌های بهداشتی، درمانی، آموزشی، فرهنگی، مذهبی، حمایتی و معیشتی از فعالیت‌های این افراد است. سال گذشته حدود ۷ میلیون نفر تحت پوشش خدمات پروژه‌ای در سراسر کشور قرار گرفتند. به‌طور موردی از نیروها برای انجام این چهار مأموریت استفاده می‌شود: کمک به تأمین منابع انسانی داوطلب برای جمع در راستای اهداف جمعیت، کمک به تأمین منابع مالی مورد نیاز، جمع‌آوری و هدایت کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای آسیب‌دیدگان ملی و بین‌المللی، ارائه خدمات حمایتی و اجتماعی به آسیب‌دیدگان حوادث و سوانح، افراد و اقشار آسیب‌پذیر و...

برای فعالیت اعضا در چارچوب اهداف و قوانین سازمان چه کارهایی انجام می‌شود؟

برای این که اعضا بعد از عضویت در چارچوب ما کار کنند ابتدا یک آموزش عمومی می‌بینند؛ مثل امداد کمک‌های اولیه و بعد دوره‌های تخصصی شامل آموزش کتاب کار داوطلبی، آشنایی با مدیریت منابع جذب داوطلب، رفتار تیمی و... را یاد می‌گیرند. مدل رفتاری یک داوطلب هم شامل این موارد است: تعریف شایستگی برای حس افتخار و بزرگ منشی داوطلب، تعریف مدل رفتاری به اسم مدل شایستگی رفتاری، رهبری تیمی، مدیریت برنامه‌ریزی، تصمیمی‌گیری، مدیریت برخورد، معتمد بودن، امین بودن، تفکر انتقادی، هوش عمومی، ارزیابی عملکرد خود و ارتباط مؤثر با دیگران. داوطلب زمانی می‌تواند یک پروژه را انجام دهد که این آموزش‌ها را دیده باشد.

چند مورد از برنامه‌های سالانه و طرح‌هایی که در مناسبت‌های مختلف مثل ایام ماه مبارک رمضان انجام می‌شود را ذکر می‌کنید؟

بله؛ یکی از آن‌ها کاروان سلامت است؛ پزشکان متخصص بدون چشم‌داشت در مناطق محروم و آسیب‌پذیر حاضر می‌شوند و ارائه خدمت می‌کنند. بیش از ۱ میلیون نفر خدمت درمانی توسط کاروان سلامت و چادرهای سلامت با کمک این پزشکان در سال گذشته انجام شد. برای کاروان سلامت ابتدا نیازسنجی می‌شود و بعد براساس نیاز نیروی مورد نظر اعزام می‌شود. دیگری چادرهای سلامت است که در مناطق پرتردد، مناسبت‌های ملی - مذهبی مانند شب‌های قدر، تاسوعا و عاشورا، عید نوروز و... برپا می‌شود. برنامه ملی فرشتگان رحمت هم یک طرح ملی است و در ایام نوروز اتفاق می‌افتد؛ در این طرح بسته‌های عیدانه به دست زنان سرپرست خانواده می‌رسد. طرح همای رحمت نیز دوازده سال در ایام ماه مبارک رمضان اجرا می‌شود و سبدهای کاغذی را شبانه به دست نیازمندان می‌رسانیم. طرح باران مهربانی دیگر طرح ماست. این طرح از سه سال پیش شروع شده که در این برنامه سفره‌های مهربانی را پهن می‌کنیم و خیرین برای کمک به نیازمندان گلریزان انجام می‌دهند. امسال جمع‌آوری این کمک‌ها با هدف کودکان صعب‌العلاج و مردم یمین اتفاق افتاد. گاهی هم تنها برنامه سفره مهربانی را داریم که خیرین و نیازمندان در آن حضور دارند. تا پایان ماه مبارک رمضان امسال ۵ هزار سفره مهربانی اجرا شد که در بعضی با نام باران مهربانی برای کمک‌رسانی به گروه‌هایی مشخص گلریزان هم انجام شد.

برای جلب اعتماد مردم چه اقداماتی انجام می‌شود؟

با سازمان‌های مردم‌نهاد و همسو با اهدافمان پروژه‌های مشترک برای کاهش آسیب‌های اجتماعی داریم. اگر اعتماد و کمک مردم نبود ما نمی‌توانستیم بیش از ۶ میلیون نفر در سال گذشته خدمات ارائه بدهیم. هنرمندان و ورزشکاران و چهره‌های سیاسی و نام‌آور زیادی اسامی‌شان در سازمان داوطلبان ثبت شده که در انجام کار خیر پیش قدم هستند. افرادی مانند: داریوش ارجمند، رضا کنایان، داود رشیدی، بهنوش بختیاری، جواد رضویان و... حضور این افراد خیلی تأثیرگذار است. همین که در کنار ما باشند کمک بزرگی به جلب نظر مردم می‌کند. سال گذشته حضور فرهاد قائمیان کنار ما برای جمع‌آوری کمک به بیماران سرطانی بسیار خوب بود یا بهنوش بختیاری که همیشه کنار ما بوده؛ از همه‌شان تشکر می‌کنم. ■



تا پایان ماه
مبارک رمضان
امسال ۵ هزار
سفره مهربانی
اجرا شد که
در بعضی
با نام باران
مهربانی برای
کمک‌رسانی
به گروه‌هایی
مشخص
گلریزان هم
انجام شد



سفرنامه مهربانی

مروری کوتاه بر آن چه در سیل اخیر گذشت

ابتدای ماه حدود ۱۳ استان کشور دچار حادثه سیل و آبگرفتگی شدند و تا لحظه تنظیم این گزارش، جستجوهای امدادگران هلال احمر برای یافتن مفقودین و امدادسانی به مردم ادامه دارد. رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر با بیان این که چهار سیل بزرگ در استان های کردستان، قزوین، سیجان در جاده چالوس و حاشیه رودخانه کن در استان تهران اتفاق افتاد، از تمرکز بر این بخش ها سخن گفته است. همین مسئله زمینه ای شد برای بازدید ما از محدوده کن و فعالیت های هلال احمر در این منطقه.

اولین چیزی که در همان ابتدا جلب توجه می کند، چند چادری است که در مسیر رود بنا شده اند و جوان هایی که راحت درون این چادرها مشغول استراحتند. از یکی از مسئولان شنیدم در لحظه سیل نزدیک دویست سیصد کامیون چوب و درخت پایین آمده و خیلی ها که از سیل ناگهانی غافلگیر شده بودند، سوار بر این کنده ها، فریاد می زدند و با موج آب این سو و آن سو می رفتند. مسیر آسفالت جاده در بیشتر مناطق تا بستر رود حداقل ۱۵ متر بالاتر است، اما گاردریل هایی که کج شده اند و گل و لای به همه جا شان چسبیده است نشان می دهد سیل جاده را نیز تسخیر کرده بود. به کارگاه چینی ها که می رسم اولین چیزی که جلب توجه می کند، اتومبیل هایی است که در بستر رود و در زیر توده عظیم گل مدفون شده اند و همچنین کانکسی که نیمی از آن را آب پرده و حدود ۳۰ کارگر چینی با کلاه های ایمنی شان مشغول جمع آوری ابزارشان از زیر گل و لای هستند. کمی جلوتر که می رویم، باغ های کشاورزی آغاز می شود. گل و لای چسبیده به دیواره رودخانه، نشان می دهد آب در این مناطق تا ده متر بالا آمده است. مسئول جمعیت هلال احمر منطقه می گوید: سیل همه چیز را با خود به این جا آورده است، این جا پر است از آثار مخرب سیل و ممکن است در جست و جو در میان این حجم گل ولای چیزهای بسیاری پیدا شود.

امدادسانی از دقایق اول

مسئول جمعیت هلال احمر منطقه ۵ تهران با بیان این مطلب که آغاز جست و جو و کمک به حادثه دیدگان سیل از لحظه وقوع این حادثه آغاز شده، از دومر حله پاکسازی خبر داد. فرحناز فرجی در گفت و گو با خبرنگار ما با بیان این مطلب که با اعلام وقوع سیل در منطقه کن - سولقان، ۱۴۰ نفر به محل حادثه اعزام شدند، گفت: این افراد در قالب هفت تیم جست و جو و ۴ تیم به همراه سگ های جستجو و نجات، وارد محدوده سیل شدند. در همان دقایق اولیه وقوع سیل ۲۰ خانوار را جابه جا کردیم که این مسئله بسیار حائز اهمیت بود. فرجی با بیان این که بیشترین اجساد در دو روز اول کشف شد، گفت: در دو روز اول به کمک آتش نشانی اجساد بیرون کشیده شد و حدود ۹ جسد را کشف کردیم که تنها یکی از آن ها بومی بود.

تشریح نجات ۲۰ نفر از در ماندگان

اصغر افراشته، رئیس اداره عملیات امداد هلال احمر استان تهران در تشریح این مطلب می گوید: تاریکی شب و طوفان، باعث ترس و دلهره شدید حادثه دیدگان شده بود. امدادگران در اولین حرکت سعی کردند به حمایت روانی آنها بپردازند؛ ما به این افراد اطمینان دادیم که از رودخانه عبور خواهند کرد. به علت دلهره بالای حادثه دیدگان و تاریکی هوا انتقال آنها صبح صورت گرفت و پس از طناب بندی، از رودخانه عبور کردند و از طریق خودروی امداد و نجات به میدان ابتدایی امامزاد داود انتقال داده و از طریق آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند.

اعزام فوری امدادگران

دکتر ناصر چرخساز در تشریح این امدادسانی ها و همچنین میزان آمادگی جمعیت هلال احمر برای مقابله با این حادثه می گوید: به محض اطلاع، نیروهای سازمان امداد و نجات به مناطق مربوطه

اعزام شدند و با همکاری سایر دستگاه ها مانند سازمان راهداری، اورژانس، راهنمایی - رانندگی و... توانستیم موضوع را مدیریت کنیم. وی در این باره ادامه می دهد: در برخی جاها نیاز بود که راه بسته شود، مانند تونل کن که احتمال ریزش آن وجود داشت و در برخی جاها دیگر نیز باید مدیریت به گونه ای صورت می گرفت که راه ها باز شوند. تمام این موارد با هماهنگی پلیس انجام و نیروهای امدادی به منطقه اعزام شدند. چرخساز می گوید: از طرف دیگر باید طبقه بندی حادثه صورت می گرفت؛ به طوری که مشخص شود کدام مناطق از مخاطرات بیشتری برخوردارند. به این ترتیب با شناسایی این موارد به انجام اقدامات لازم سرعت عمل بخشیدیم. از آنجا که اعلام شده بود روستای سنگان تهران را آب پرده، اولین قدم اعزام نیروها و رفع مشکلات این منطقه بود. پس از آن به مابقی مناطق رسیدگی شد. در برخی بخش ها نیز زیرساخت ها نظیر برق و وسایل ارتباطی از بین رفته بود و همین امر کار ما را سخت می کرد. تاریکی هوا نیز مزیدی بر علت شده بود.

مانعی برای بالگردهای امدادی

وی درباره چرایی عدم اعزام بالگردهای امدادی به مناطق حادثه دیده نیز می گوید: کوهستانی بودن منطقه، شدت باد و تاریکی دست به دست هم دادند که نتوانیم پروازی را انجام دهیم. اگر این اتفاق در طول روز حادث شده بود شاید می توانستیم اعزام پروازی هم داشته باشیم. رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر در ادامه صحبت هایش می گوید: در گام اول افرادی که در معرض خطر بودند، هدایت شدند و بخشی از افرادی که در محاصره سیل گیر افتاده بودند، نجات یافتند. به فاصله چند ساعت راه ها باز شد و نهایتاً حدود ساعت سه تا چهار صبح روز دوشنبه خودروها رها شده و برگشت داده شدند. از آن روز تا اکنون هم عملیات جستجو مفقودین ادامه دارد. ■



مواظب سبک زندگی باشیم

آن چه الان جوانان ما را تهدید می کند مبانی فکری اعتقادی و تغییر سبک زندگی است که همیشه از دغدغه های رهبری بوده و سالیانی است که مسئولان را به این مهم توجه می دهند.

سیاست گذاری های فرهنگی به عنوان یکی از شاخه های اصلی در حوزه کاری نمایندگی ولی فقیه محدوده گستره ای دارد؛ این سیاست ها بر چه اساسی انتخاب می شود؟

ما در هر شرایطی نیازمند به تناسب سازی مفاهیم فرهنگی هستیم. در شرایط فعلی باید مهم ترین آسیب هایی که در جامعه جوان کشور وجود دارد را شناسایی و روی آن ها کار کنیم. آن چه الان جوانان ما را تهدید می کند مبانی فکری اعتقادی و تغییر سبک زندگی است که همیشه از دغدغه های رهبری بوده و سالیانی است که مسئولان را به این مهم توجه می دهند.

در حال حاضر سبک زندگی اسلامی میان مردم کمرنگ شده و گرایش به سبک زندگی غربی وجود دارد که آثار این آفت ها و آسیب ها را در جامعه کنونی می بینیم. به طور مثال می توان به موضوع نهاد خانواده اشاره کنیم که امروز از ناحیه دشمن قداست زدایی می شود و اکنون خانواده کمتر شکل می گیرد و اگر هم شکل گرفت با مشکلات جدی ای مانند طلاق مورد تهدید است. این ها همه در حوزه کاری و فعالیت های ما است. یا مباحث مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در مجموعه فعالیت های هلال احمر از موضوعاتی است که باید مورد بحث و بررسی و سیاست گذاری قرار بگیرد. افزایش آگاهی های سیاسی از ضرورت های جوان امروز است تا از مسائل ارزشی و کلان سیاسی و سیاست جهانی و درون کشوری بی خبر نباشد. بالاخره ما وظیفه داریم حول محور آگاهی و فهم و علم و درک صحیح عمل کنیم و جامعه ای سعادتمند بسازیم. نباید جامعه ما از آگاهی های سیاسی عقب بيفتد و تضعیف شود.

انتخاب موضوع و نوع فعالیت های فرهنگی بر چه مبنایی است؟

در همه این حوزه ها شورایی داریم به نام شورای فرهنگی؛ شورایی که در حقیقت اتاق فکر سیاست گذاری فرهنگی است و باید به منزله قرارگاه فرماندهی فرهنگی فعالیت کند. ما علاوه بر استفاده از فکر و تجربه همکاران، با همکاری اساتید دانشگاه ها، حوزه های علمیه و کارشناس های مختلف روی مسائل مختلف

محدوده کاری نمایندگان ولی فقیه در استان ها بر چه اساسی تعریف شده است؟

هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از سه منظر نهادی مردمی است. اول به لحاظ مأموریت های هلال احمر که توسط اعضا، جوانان، امدادگران و داوطلبان انجام می شود. دوم مدیریتی که از طریق شوراهای اجرایی، هیأت مدیره های استانی و مجمع عالی هلال احمر شکل می گیرد. سوم به لحاظ حمایت های مالی که باز هم توسط مردم انجام می شود. لذا می توان گفت هلال احمر در یک مثلث مردمی بودن فعالیت می کند و تحقق بُعد مردمی بودن در این مثلث است.

ونقش نماینده ولی فقیه چیست؟

در زمان حضرت امام (ره) ایشان نماینده ای را برای حضور در هلال احمر معرفی فرمودند. از آن زمان این عنوان وجود دارد؛ شاخص های اصلی مأموریت نماینده ولی فقیه در دو محور اصلی است. اولین آن مربوط به نظارت های شرعی است؛ با توجه به این که هلال احمر در شرایط بحرانی و خاص اقدام به جمع آوری کمک های مردمی می کند، موقوفات، مصالحات و سایر موارد احتیاج به نظارت شرعی دارد. یعنی دخل و خرج ها و انطباق هزینه ها با سیاست ها و نیت واقفین نیازمند نظارت های شرعی است. بنابراین از شاخه های اصلی نمایندگی ولی فقیه در نگاه کلان بحث نظارت های شرعی و انطباق فعالیت ها با موازین شرع مقدس اسلام است.

شاخه دوم مأموریت و شرح وظایف نمایندگی ولی فقیه، بحث سیاست گذاری های فرهنگی در راستای مأموریت های هلال احمر برای کارمندان، پرسنل و اعضا است. با توجه به این که هلال احمر یک نهاد مردمی است، مأموریت ها را معمولاً مردم انجام می دهند و نقش هلال احمر نقش واسطه ای است. بنابراین لازم است فرهنگ ایثار، فرهنگ خطرپذیری و فرهنگ رسیدگی و دستگیری به نیازمندان را در شرایط مختلف نهادینه کنیم. و آنچه، برای این که بتوان از توان توانمندان استفاده کنیم و در اختیار نیازمندان قرار دهیم یک برنامه ریزی فرهنگی نیاز است که باید به لحاظ آموزشی و مبانی فکری و عقیدتی با سیاست های نظام جمهوری اسلامی ایران و منویات رهبری در هلال احمر هم خوانی داشته باشد.



از شرایط موجود تا وضعیت مطلوب

با حجت الاسلام اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی

فاطمه حبیبی

حجت الاسلام والمسلمین اسدالله اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی است. او پس از دوره راهنمایی، تحصیل دروس حوزوی را شروع کرد و در حوزه های علمیه خراسان، قم و کاشان ادامه تحصیل داد. حجت الاسلام اسدی از سال ۱۳۶۵ تا امروز در مشهد مشغول به تحصیل، تبلیغ و انجام فعالیت های فرهنگی است. اسدی در سال ۱۳۸۰ در سازمان تبلیغات اسلامی استخدام و در سمت معاون مدیر کل تبلیغات خراسان رضوی شروع به کار کرد. او از سال ۱۳۹۰ به عنوان مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی فعالیت دارد. اسدی همچنین در طول این سال ها در کنار کار اداری فعالیت های دینی، قرآنی و دانشگاهی نیز داشته است.



لزوم تغییر نگاه

امداد و نجات تنها مربوط به فرد آسیب دیده پشت فرمان در جاده نیست بلکه وظیفه دارد به جوان هایی که به خاطر بی توجهی در دام اعتیاد نابود می شوند کمک کند.

فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطالعه و براساس آن سیاست گذاری می کنیم.

یکی دیگر از نکات در این راستا بحث مناسبت های ملی و مذهبی است که هر کدام بار مفهومی بسیار ارزشمند و سازندگی های بالایی در تاریخ دارد. باید این مناسبت ها را به نحوی سیاست گذاری کنیم که تاریخ گذشته ما در جهت حرکت صحیح آینده جامعه باشد.

مسئله دیگر لزوم رسیدگی به موضوع قرآن است. رهبری سالیانی است که درباره توجه، تدبیر، عمل، تفسیر و حفظ قرآن مدام گوشزد می کنند؛ ما باید برای خودمان تعیین کنیم که سهم هلال احمر در برابر این خواسته رهبری به چه شکل است. ما نباید بی توجه به امر قرآن باشیم. بنابراین مباحث قرآنی در مناسبت های مختلف از طریق تفسیر، ختم قرآن، تدبیر در قرآن و ... در دستور کار ما قرار دارد. آشنایی با سیره عملی اهل بیت پیغمبر (ص) باید در دستور کارهای فرهنگی باشد. در مجموع، حوزه فعالیت فرهنگی بسیار وسیع است و باید هرآنچه نیاز جامعه است و به شکوفایی و رشد قابلیت ها و شایستگی های جوانان کمک می کند، با نگاهی همه جانبه و فراگیر به کار گیریم.

از فعالیت های مختص به استان خراسان رضوی که در چند وقت اخیر اتفاق افتاده مواردی هست که نام ببرید؟

آخرین کار ما در این زمینه در راستای ترویج قرآن بوده است. سال گذشته به دلیل این که سی و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بود مسابقه حفظ سی و ششمین سوره قرآن که سوره مبارک یس است و قلب قرآن نامیده می شود را برگزار کردیم که مورد استقبال قرار گرفت. نفرات اول تا سوم با هدیه ای تشویق شدند که این کار آثار و برکات خوبی به دنبال داشت و همکاران و اعضا تقاضای استمرار آن را داشتند. چون ما در مشهد امام رضا علیه السلام هستیم از این فضای ملکوتی برای استفاده بهتر بهره می بریم. یکی از برنامه های ما در این راستا فرهنگ سازی برای زیارت با پای پیاده است که با همت بخش جوانان فعال شده است. این برنامه سال گذشته در ایام شهادت امام رضا علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله به قصد

عرض تسلیت از امامزادگان شهرستان نیشابور و قدمگاه حضرت شروع شد و برکات خوبی داشت.

در زمینه تبلیغات برای جذب افراد و معرفی فعالیت های هلال احمر در سطح استان چه اقداماتی انجام می شود؟

در بحث تبلیغات در راستای معرفی هلال احمر، مأموریت های بشردوستانه و عضوگیری به شیوه های داریم. یکی جوانان ما هستند که مجموع فعالیت های آن ها با جذابیت هایی که دارد زمینه مشارکت و دعوت را فراهم می کند؛ دوم همایش های مختلفی است که در استان ما به برکت وجود حرم امام رضا علیه السلام برگزار می شود و پیام رسانی های خوبی دارد. سومین روش هم استفاده از امکانات دیداری و شنیداری در سطح شهر از جمله بیلبوردها و تبلیغات شهری است. همچنین با همکاری صدا و سیما، تیزرهای تبلیغاتی پخش می شود و مردم به طور دقیق تر از برنامه های هلال احمر مطلع می یابند. همچنین از طریق نشریات و روزنامه ها اطلاع رسانی می کنیم. علاوه بر این سعی می کنیم از ظرفیت سایت ها و شبکه های اجتماعی استفاده کامل شود. انجمن جماعات و کانون طلاب هم پیام رسانی های خوبی هستند که می توانند این ظرفیت ها را به مردم بشناسانند.

استان ها چه اندازه می توانند در پیشبرد اهداف کلی هلال احمر که بر پایه خدمت رسانی و حفظ کرامت انسانی است تأثیر گذار باشند؟

سؤال خوبی است؛ لازم می دانم به گستره مأموریتی هلال احمر اشاره کنم. مأموریت های هلال احمر خیلی وسیع است و منحصر به بحث جاده و سیل و امثالهم نمی شود. متأسفانه تلقی جامعه از هلال احمر صرفاً محدود به موارد خاص است که وقتی سیل یا زلزله بیاید خدمتی برای امداد و نجات اقدام می کند. در حالی که ما بیش از چهل مأموریت داریم. یکی از این ها مفهوم زیبای کاهش آلام بشری است؛ یعنی بررسی اموری که امروز دغدغه است و روح بشر را آزار می دهد. در جامعه خودمان می توانم اعتیاد را

مثال بزنم که متأسفانه دامن جمعی از جوانان ما را گرفته است. اگر واقعاً هلال احمر مأموریت اش کاهش آلام بشری است این از دردهایی است که جامعه را رنجور کرده است.

یعنی اعتقاد دارید که باید نگرش به هلال احمر عوض شود.

بله، یک بازنگری و بازخوانی کامل در وظایف و اهداف هلال احمر نیاز است. ما در سطح کلان باید مأموریت های هلال احمر را براساس قوانین بالادستی مورد بازخوانی مجدد قرار دهیم و برای این که ساز و کارمان را تعریف کنیم باید با دانشگاه ها و مراکز علمی، مراکز معنوی مثل مساجد و حسینیه ها ارتباط برقرار کنیم. امداد و نجات تنها مربوط به فرد آسیب دیده پشت فرمان در جاده نیست بلکه وظیفه دارد به جوان هایی که به خاطر بی توجهی در دام اعتیاد نابود می شوند کمک کند. بنابراین استان ها وقتی می توانند به این اهداف برسند که در سطح کلان دوباره مأموریت هایمان را بازخوانی کنیم و براساس اولویت بندی ها در شرح وظایف امداد، ساز و کار مدیریتی و اجرایی فراهم کنیم. به نظر من استان ها می توانند به این اهداف برسند منتهی ساز و کار هم به لحاظ ساختاری سیاست گذاری اجرایی نیاز به بازخوانی دارد. ضمن این که الان از نظر امکانات و منابع انسانی هنوز کمبود هست. به نظر من میان شرایط موجودمان با شرایط مطلوب بسیار فاصله دارد.

استان ها در بحث های بین المللی به چه شکل فعالیت دارند؟ به طور مثال در رابطه با اقداماتی که جهت کمک به مردم یمن انجام می شود چه می کنند؟

سیاست گذاری ها در مرکز اتفاق می افتد و به شکل هماهنگ در مرکز استان ها اجرایی می شود. ما امسال شماره حساب هایی اعلام کردیم و در شب های احیاء و مسیرهای راهپیمایی روز قدس پایگاه ها چادرهایی برای جمع آوری کمک های نقدی به مردم مظلوم یمن ایجاد کردیم. طبیعتاً ما هلال احمر را یک بد واحد می دانیم که فعالیت هایش هماهنگ با کل کشور انجام می شود. رسیدگی به مردم مظلوم دنیا از وظایف هلال احمر و از وظایف دینی و اعتقادی ما مسلمانان و شیعیان است. ■



یکی از
برنامه های ما
در این راستا
فرهنگ سازی
برای زیارت
با پای پیاده
است که با همت
بخش جوانان
فعال شده. این
برنامه سال
گذشته در ایام
شهادت
امام رضا
(ع) و حضرت
زهرا (س) به قصد
عرض تسلیت
از امامزادگان
شهرستان
نیشابور و
قدمگاه حضرت
شروع شد و
برکات خوبی
داشت



قاب انفاق

تلویزیون تأثیرگذارترین رسانه در عصر حاضر است؛ حتی مؤثرتر از شبکه‌های پر تعداد اجتماعی. این شبکه‌ها که افکار عمومی گردانندگان اصلی آن‌ها هستند، همچنان تحت تأثیر تلویزیون قرار دارند و خیلی وقت‌ها خوراک خود را از این رسانه تأمین می‌کنند. جزئیاتش بماند. نتیجه این چند کلمه این که تلویزیون رسالت بزرگی در شکل‌دهی به اتفاقات و جریان‌های مهم جامعه دارد که گاهی موفق بوده و گاهی خیر. در یک دهه اخیر مسئولان تلویزیون از ماه مبارک رمضان استفاده چندگانه‌ای کرده‌اند که از مهم‌ترین آن می‌توان دعوت مردم به کار خیر و دستگیری از مستمندان اشاره کرد. این اتفاق امسال به اوج رسید و برنامه‌های مختلفی در این راستا روی آنتن رفت.

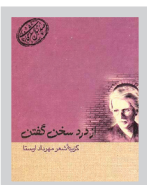
در این پرونده بخوانید



حاشیه‌نگاری بر
دیدار شاعران با
رهبرانقلاب



پاتوق؛ صفحه‌ای
برای شعر و ادب



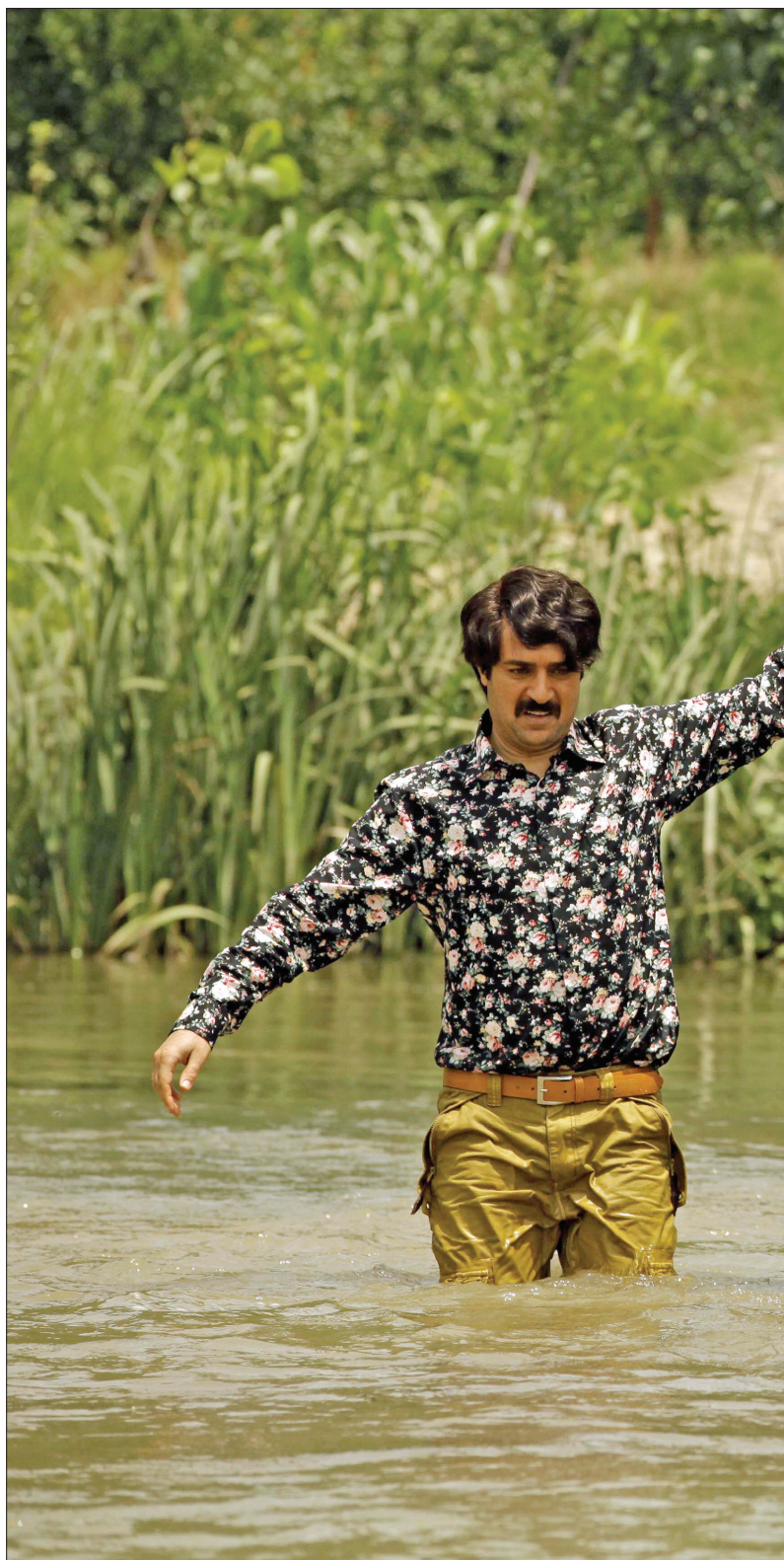
بررسی سبک‌های
شعری مهرداد اوستا



قاب
انفاق



یک قصه
ساده و معمولی





گزارش ویژه



ناصر فیض

من یقین دارم تذکرات رهبری به شاعران باعث ایجاد نوعی تجدیدنظر درونی در شاعر می‌شود و او را وامی‌دارد تا به آنچه کرده ببیند و به نظر این رویداد در نهایت به نفع شعر است.

تا که در یاست این شور و حال است
چشم‌سازش ز دریاندارند
سازش موج و ساحل محال است...
آقا می‌گویند: «شعر جوانانه‌ای بود، معلوم می‌شود که در ۹۰ سالگی هم می‌توان شعر جوانانه گفت.» و بعد برای سلامتی سبزواری دعای می‌کنند.

شاعران همسایه

قزوه استاد محمد اکرام از پاکستان را معرفی می‌کند و می‌گوید که از اقبال شناسان کار کشته است. آقا می‌فرمایند که دکتر اکرام را می‌شناسند و کتاب ایشان درباره اقبال را قریب سی سال قبل دیده‌اند. اکرام شعرش را می‌خواند. آقای دهر مندرات از هندوستان نفر بعدی است. قزوه برای معرفی او چند دقیقه‌ای صحبت می‌کند. اینکه پدرش از مبارزان استقلال طلبی در هند و وزیر دولت جواهر لعل نهرو بوده و خانواده‌ی عاشق اهل بیت هستند. خود دهر مندرات هم چندین کتاب درباره اهل بیت دارد که در یکی از آن‌ها اشعار ۴۰۰ شاعر هندو در مدح پیامبر اسلام (ص) جمع‌آوری شده است و او حتی حاضر نشده که برای این زحمت ده ساله حق التالیفی بگیرد. نفر بعدی آقای شاه منصور شاه میرزا از تاجیکستان است. قزوه از مر تزی امیری اسفندقه می‌خواهد که جایش را در ردیف اول به این شاعر تاجیک بدهد تا بیاید و شعر بخواند.

کارتون درست‌ه!

قزوه این بار خاطره‌ای تعریف می‌کند درباره تأثیر شعرخوانی غیر ایرانی‌ها در این جلسات. این که بعد از شعرخوانی یک استاد هندی در سال قبل، ۱۲۰ دانشجوی سانسکریت آن استاد رفته‌اند و در کلاس زبان فارسی ثبت نام کرده‌اند. آقا یک‌بار به بدون این که به قزوه نگاه کنند، با دست به او اشاره می‌کنند و با لحن خاصی می‌گویند: «کارتون درست‌ه! سالن منفجر می‌شود! قزوه می‌خواهد یک جوری جمعش کند اما نمی‌شود. آقای زامیق محمودزاده از آذربایجان نفر بعدی است که شعری به زبان آذری می‌خواند. قبیلش چند جمله‌ای با آقا حرف می‌زند. سلام مؤمنین کشور آذربایجان را می‌رساند، التماس دعای گوید و در آخر هم تبرکی می‌خواهد. جمله‌ای هم می‌گوید که با کمک آشنایی ناقص به زبان آذری فقط معنی بخش دومش را می‌فهمم «ما چون... حسرتمون هم زیاده» ادم می‌سوزد.



شب شعر و شیرینی

حاشیه‌نگاری بر دیدار شاعران بارهبر انقلاب

عبدالله امامی



در شب ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)، جمعی از اهالی فرهنگ، اساتید شعر و ادب فارسی، شاعران جوان و پیشکسوت کشور و تعدادی از شاعران از کشورهای هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و آذربایجان، با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. در ادامه، بخشی از حاشیه‌های این مراسم به روایت فارس را می‌خوانید.

آقا تشریف آوردند. بیست دقیقه‌ای به اذان مانده. آقا دست تکان می‌دهند و با افرادی که نزدیک‌تر هستند احوالپرسی می‌کنند. حالا شاعرها هر کدام می‌روند و چند لحظه‌ای حرف می‌زنند و کتاب می‌دهند و می‌آیند. استاد حمید سبزواری می‌آیند. آقا او را از دور می‌بینند. با صدای بلند صدا می‌زنند آقای حمید... راه باز می‌شود و این شاعر پیشکسوت که حال و روز جسمی خوبی هم ندارد با کمک بقیه آرام آرام نزدیک می‌شود. «بیایید ببوسمتون...» آقا به دکتر اسماعیل آذر می‌گویند:

«آقا من گاهی که برنامه مشاعره شمارو می‌بینم، از تسلط شما بر شعر خیلی لذت می‌برم.» مجتبی رحماندوست می‌آید و کتاب داستان و شعری قدیمی را می‌دهد و می‌گوید از وقتی رفتیم مجلس از خلاقیت افتادیم.

شعر جوانانه در ۹۰ سالگی

بعد از نماز هم باز عده‌ای دور آقا جمع می‌شوند. قرآن خوانده می‌شود و علیرضا قزوه شروع می‌کند. از حمید سبزواری با عبارت «بزرگ جماعت شعر انقلاب» نام می‌برد و می‌خواهد که او شعرخوانی را شروع کند. اولین آفرین آقا را اولین بند از شعر او دشت می‌کند:

خوش نشینان ساحل بدانند
موج این بحر را رامش نیست
دل به امیدرامش نبینند
بحر را ذوق آسایشی نیست
آقا آفرین می‌گویند. آخرین بیت هم علاوه بر آفرین آقا، آفرین واحسن جمعیت راهم می‌گیرد:
خوش نشینان ساحل بدانند



حسین اسرافیلی

اینکه رهبر انقلاب با وجود تمام دغدغه‌ها و مشکلات کاری خود یک شب را در سال برای دیدار با شاعران اختصاص می‌دهند به معنی این است که شعر به عنوان میراث بزرگ ایرانیان برای ایشان تاجه اندازه اهمیت دارد.

ماورائیان مرده غزنین و کابلیم

نفر بعدی آقای سید سکندر حسینی از افغانستان است که ظاهراً جامانده بود. غزل مثنوی شورانگیزی را می‌خواند. چند جایش از آقا آفرین می‌گوید.

ماورائیان مرده غزنین و کابلیم
مالاشه‌ای شدیم و غذای درندگان
بودای زخم خورده عصر تنگ و مرگ
چشم تو هست راوی تاریخ باستان
وقتی کتاب کهنه تاریخ زنده شد
سرگیجه می‌رود همه شهر ناگهان
فصل مذاکرات سیاسی شروع شد
گویا علاج واقعه قبل از وقوع شد
از درمات تمام جهان گریه می‌کند
بلخ غریب با هیجان گریه می‌کند
در رقص مرگ و گریه چل دختران بلخ
خوابیده صد روایت و صد داستان تلخ

آقامی گویند: «از افغانستان خاطرات شعری خوبی داریم اما الان این خیز دوباره شعری خیلی جالب است». آقامی پرسند آقامی کاظمی هم هستند در جمع؟ که پاسخ منفی است. امجد ویسی از کردستان شعر می‌خواند. ابتدا شعر کوتاهی به

کردی می‌خواند و ترجمه می‌کند و بعد شعری به فارسی. آقا از کردستان و مردمش تعریف می‌کنند.

نوبت شاعر طنز پیشه

عباس احمدی که این روزها کتاب طنز دانشگاه نامه‌اش روی بورس است، شعر بعدی را می‌خواند، شعری به طنز که در واقع نقیضه‌ای است بر یکی از اشعار فاضل نظری. آقامی پرسند که اجازه گرفته و نقیضه گفته یا نه؟ که احمدی می‌گوید گرفته. خود نظری هم در جلسه است و تأیید می‌کند.

احمدی اول بیتی از شعر نظری را می‌خواند: مرگ در قاموس ما ز بی‌وفایی بهتر است در قفس بادوست مردن از راهایی بهتر است آقا آفرین می‌گویند! احمدی رندی می‌کند و می‌گوید: «اتفاقاً بهترین بیتش هم همین بود». آقامی خندند. احمدی حالا نقیضه خودش را می‌خواند و بعد از همان بیت اول، آقا کنایه‌ای می‌زنند:

مرگ نزد شاعران از بی‌نواپی بهتر است
وضع ما ز مردم اتیوپیایی بهتر است
آقامی گویند: «معلوم هم نیست»! احمدی ادامه

می‌دهد:

واژه‌ها امروز ابعاد جدیدی یافتند
گر به جای رشوه گفتی پول چایی بهتر است
وقت جنگیدن به درگاه مدبران نترس!
از میان جمله واجب‌ها، کفایی بهتر است
آقا بلند می‌خندند. شعر هم که تمام می‌شود آقا آفرین می‌گویند و می‌گویند شعر نکات حکمت آمیزی داشت. دو نفر شاعر جوان و نسبتاً گمنام جلوی من نشستند و به صورت زنده و مستقیم شعرها را نقد می‌کنند! حسایی روی مخم هستند!

نفر بعد سید محمدصادق آتشی است که شعری آتشین درباره وحدت امت اسلامی می‌خواند: مسجد یکی، مناره یکی و اذان یکی است قبله یکی، کتاب یکی، آرمان یکی است مارا به گرد کعبه قراری است مشترک یعنی قرار و مقصد این کاروان یکی است فرموده است: «واعظمو... لا تفرقوا» راه نجات خواهی اگر ریسمان یکی است توحید حرف اول دین محمد است اسلام ناب در همه جای جهان یکی است مگر یهود عامل جنگ و جدایی است پس دشمن مقابلمان بی‌گمان یکی است سنی و شیعه فرق ندارد در ایشان وقت بریدن سرمان تیغشان یکی است سادات، پیش اهل تسنن گرامی اند اکرام و احترام به این خاندان یکی است دشمن ادسیسه توبه جایی نمی‌رسد تا آن زمان که رهبر بیدارمان یکی است شعرش که تمام می‌شود آقا تحویلش می‌گیرند: «یکی از موضوعاتی که امروز خیلی نیاز داریم همین است».

شعرت، زن پسند!

امیری اسفندقه می‌آید در ردیف اول می‌نشیند. می‌گوید که دیشب هفت هشت ده شعر را برای همسرم خواندم و او این را برای اینکه پیش شما بخوانم انتخاب کرد. آقامی گویند: پس شعرت، زن پسند! همه می‌خندند. اسفندقه سلام همسایه‌هایش را هم که غالباً از خانواده‌های شهدا هستند می‌رساند. اسفندقه می‌خواند و چقدر خوب می‌خواند: عمر از چهل گذشت و دلم ناامید نیست عاشق شدن هنوز از این دل بعید نیست



بعد از نماز هم
باز عده‌ای
دور آقا جمع
می‌شوند. قرآن
خوانده می‌شود
و علیرضا قزوه
شروع می‌کند. از
حمید سبزواری
با عبارت
«بزرگ جماعت
شعر انقلاب»
نام می‌برد و
می‌خواهد که او
شعر خوانی را
شروع کند.

نکته

ضرورت دفاع صریح شعر شرافتمندانه از جبهه حق

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اثر گذاری کم نظیر شعر را زمینه ساز ایجاد مسئولیت‌های سنگین برای شاعر خوانندگان و با تأکید بر ضرورت دفاع صریح شعر شرافتمندانه از جبهه حق در مقابل جبهه باطل و سلطه دستگاه‌های تبلیغاتی آن در دنیا، خاطر نشان کردند: شعر انقلاب، شعری است که در همین جهت و در خدمت اهداف انقلاب یعنی عدالت، انسانیت، وحدت، رفعت ملی، پیشرفت همه جانبه کشور و انسان سازی باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به امکان استفاده دو سویه از ابزار مؤثر شعر در جهت «هدایت مخاطب» یا در مسیر «ساقط کردن او به سمت کج راه»، افزودند: امروز با گسترش ابزارهای رسانه‌ای جدید، برخی دست‌ها در صدد هستند که با انحراف شعر جوانان از فضای لطیف و با احساس حماسی و انقلابی، شعر را در خدمت فرهنگ لجام گسیخته و به دور از هنجارهای انسانی و تحت تأثیر غرایز جنسی، نفع طلبی شخصی و ستایش ظلم قرار دهند.

رهبر انقلاب با تمجید از ایستادگی برخی شاعران جوان در برابر این فضای مسموم، تأکید کردند: این ایستادگی نشانه همان مسئولیت‌شناسی است و امروز هر شعری که بر ضد ظلم و در راستای اهداف امت اسلامی از جمله در باره یمن، بحرین، لبنان، غزه و فلسطین، و سوریه گفته شود، مصداق شعر حکمت آمیز است. ایشان در همین زمینه، دعوت به «بی‌طرفی شاعر در دعوی حق و باطل» را بی‌معنی خواندند و تأکید کردند: اگر شاعر و هنرمند نسبت به جنگ حق و باطل بی‌طرف باشد، در عمل استعداد و نعمت خدادادی خود را ضایع کرده و چنانچه در خدمت جبهه باطل قرار بگیرد، کار او خیانت و جنایت است.



چهره ماه

قدرت حماسه

در مثنوی‌های مهرداد اوستا جلال و جبروت شاعران حماسه‌سرای همچنان وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «حماسه آرش» و «مثنوی ببر» اشاره کرد.

خدایی کمال، الهی خصال
به گوهر کشیده، به زیور گرفته

بر خلوت دل سرزده یک ره در آساغر زده
آخر نگویی سرزده، از من چه کوتاهی بگو؟

من عاشق تنهایی ام سرگشته شیدایی ام
دیوانه‌ای رسوایی ام، تو هر چه می‌خواهی بگو

با من بگو تا کیستی؟

بررسی سبک‌های شعری مهرداد اوستا

یاسر نوروزی

کارشناس ادبیات

مهرداد اوستا ادامه سلسله شاعران بزرگ و کلاسیک ایران در عصر حاضر است. او حلقه مفقوده‌ای بود که شعر متعالی و فخیم و دیوانی دیروز را چون میراثی گرانبه‌ای از نیاکان به شعر متعهد و مردمی امروز پیوند زد.

مثنوی

در مثنوی‌های انقلابی، کمتر مثنوی‌هایی می‌بینیم که توانسته باشند تا پایان جذابیت خود را حفظ کنند و شکوه آغازین خود را از دست ندهند. در کل به نظر می‌رسد مثنوی‌های دوره دوم شاعران انقلابی و متعهد قدرتمند باشد. اما در مثنوی‌های مهرداد اوستا جلال و جبروت شاعران حماسه‌سرای همچنان وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «حماسه آرش» و «مثنوی ببر» اشاره کرد. او «مثنوی ببر» را هم‌وزن با وزن شاهنامه سروده و «حماسه آرش» نیز یکی از آثار ماندگارش است. البته به جهت بازخوانی اسطوره‌های باستان این اولین بار نبود که چنین منظومه‌ای سروده می‌شد اما به جهت توصیف دقیق مکان و زمان داستان و روح پهلوانی و دیگر شرایطی که از یک منظومه حماسی می‌توان توقع داشت، بار اول بود که چنین منظومه‌ای بلند و نو، در تجلی داستانی کهن سروده می‌شد. زبان منظومه همچنان که از اوستا انتظار می‌رود، در تمام داستان استوار و یکدست و سنت‌گرایانه است. گویش قدیمی خراسان که زبان منظومه از آن مایه‌ور است با قدمت داستان یک نوع مراعات نظیر معنوی ایجاد می‌کند. بیان اوستا برجسته و غنی است، تعبی‌رات و تشبیهات بلندش در نهایت زیبایی است، ترکیبات تازه و جاندار او تسلط فوق‌العاده شاعر را در امکانات زبان فارسی نمایش می‌دهد. همچنین مضامین به‌موازات وزن تغییر می‌کند و تناسب وزنی و محتوایی در مثنوی‌هایش به چشم می‌خورد.

سپیده می‌دمید آرام، آرش

خراسان را در آن آینه می‌دید

ز ساری تان‌شاور و سمرقند

همه بوم و بر دیرینه می‌دید

قصیده

یکی از ویژگی‌های شعرهای آغازین انقلاب این است که به لحاظ سبکی هنوز شکل ویژه‌ای نگرفته است و نمی‌توان آن را زیرشاخه سبک‌های خراسانی، عراقی، هندی یا مکتب بازگشت قرار داد. دکتر منوچهر اکبری در کتاب «نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی» همچنین بر این باور است که شاعران در این برهه متأثر از انواع سبک‌های پیش از خود هستند و هر یک بنا به طبع و ذوق خود، شعر می‌گویند. به همین جهت استفاده از قالب‌های مختلف شعری نیز در آثار این دوره مرسوم است. اما در قصیده بازگشت به سبک خراسانی و تأثیر از شاعران آن دوره بیشتر مد نظر شاعران بوده؛ تأثیر از شاعرانی چون منوچهری، انوری، ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان. همچنین اوستا را به تعبیری بدیل خاقانی نامیده‌اند. از آن رو که با ذخیره‌های کم‌نظیر عقلی و نقلی در ادبیات، قصیده را به عنوان یک قالب شعری فراموش شده، احیاء کرد و با قصاید پرمغز و نغز خود آن را روح و رونقی دوباره بخشید. یکی از مهم‌ترین قصاید او «خورشید تابان جهاد اسلامی»، است:

فری ای جهان زیر شهر گرفته

همای ز گردون فراتر گرفته

...

بتان را سریر خدایی ز سر بر

به منشور الله اکبر گرفته

خمینی، امام ای که داد ولایت

به توفیق دادار داور گرفته

...

همه نغمه نایی نینوایی

به نی تا نوای ناوگر گرفته

غزل

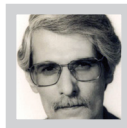
مهرداد اوستا نگرشی فلسفی به شعر داشت و از منظری هستی‌شناختی با پدیده‌های پیرامون خود مواجه می‌شد و در شعر آن را بازتاب می‌داد. از طرفی با دردهای مردم اجتماع بیگانه نبود. چنان که انعکاس رویدادهای بزرگی مانند انقلاب و جنگ را در آثارش می‌بینیم و مقام شهدا را در اشعارش ارج می‌نهد و به ستایش از آنان بر می‌خیزد. غزل‌های او بیش از آنکه تغزل باشند، آهنگ حماسه دارند و همین ویژگی، غزلیاتش را نسبت به هم‌نوعان و هم‌روزگاران‌ش متمایز می‌کند.

با من بگو تا کیستی، مهری؟ بگو، ماهی؟ بگو
خواهی؟ خیالی؟ چستی؟ اشکی؟ بگو، آهی؟ بگو
راندم چو از مهرت سخن، گفتم بسوز و دم مزین
دیگر بگو از جان من، جانا چه می‌خواهی؟ بگو

گیرم نمی‌گیری دگر، زآشفته عشقت خبر
بر حال من گاهی نگر، با من سخن گاهی بگو

ای گل پی هر خس مرو، در خلوت هر کس مرو
گوی که دانم، پس مرو، گر آگه از راهی بگو

غم‌خوار دل ای می‌نی، از درد من آگه نیی
ولله نیی، بالله نیی، از دردم آگاهی بگو



واکنش به زمانه

مرحوم اوستا همواره از جریانات روز آگاه بود و گاهی نیز در قالب شعر واکنش‌هایی به آن‌ها نشان داده است. از جمله قطعات او می‌توان به «تنگ و رهایی» اشاره کرد که در آن وهابیت را محکوم می‌کند.

به دامان افق زد صبحدم، چاک
کشیده موج را نیلی شراری
از این منظر شگفتی را، نشسته
زمانه همچو چشم انتظار ی



قطعه

مرحوم اوستا همواره از جریانات روز آگاه بود و گاهی نیز در قالب شعر واکنش‌هایی به آن‌ها نشان داده است. از جمله قطعات او می‌توان به «تنگ و رهایی» اشاره کرد که در آن وهابیت را محکوم می‌کند و با زبانی آتشین به مصاف این نوع از تفکر متعصب و منفور می‌رود. در این شعر نیز مثل بیشتر آثار اوستا، زبان و آهنگ شعری بزرگ پیشین حضور دارد:

ای مژده عدالت مهدی یکی نگر
دجال را به قدس و حجاز آمده فرود
ننگی چنین به دامن تاریخ کس ندید
چونان که داغ صهیون بر جبهه یهود

...
زال امیه این همه بیداد و کین نرفت
کاسلام را ز آل فرومایه سعود
تنگ وهابی است به دامان روزگار
کز دامنش نیاری الا به خون زدود



نثر

عبدالحسین زرین کوب درباره مرحوم اوستا نوشته بود که او «سبک جدیدی را به سبک‌های نگارش جهان افزود. اعتدال میان لفظ و معنا، انتخاب دقیق الفاظ و تعبیرات و به خصوص سعی در پیدا کردن مضامین تازه، شعر او را رنگی می‌بخشد که در بسیاری از گویندگان نسل جوان، مانند آن را نمی‌توان یافت.»

در نخستین سال‌های دهه پنجاه او کتابی منتشر کرد با عنوان «تیرانا» که نثری

شکوهمند و خواندنی دارد. نام و نثر این کتاب چنان است که گویی اوستا می‌خواسته با نوشتن آن تسلط خود را بر نثر شاعرانه و شعر منثور به رخ مدعیان بگذرد.

دکتر ترکی، شاعر و استاد دانشگاه تهران درباره این کتاب اعتقاد دارد مولف در این اثر همچنین وسعت دانش خود را درباره ادبیات، فلسفه، تاریخ، اسطوره‌شناسی به خواننده نمایان می‌سازد. تیرانا در واقع محصول طوفان‌های ذهنی نویسنده‌ای است با تخیلی شگفت! مولف بی‌آن که آداب و تربیتی جسته باشد، اندیشه‌ها و احساسات خود را در زمینه‌های مختلف، از فلسفه و ادبیات گرفته تا مسائل اجتماعی و... بر کاغذ آورده است.

نثر تیرانا غالباً تحت تأثیر متون کهن فارسی به‌ویژه تاریخ بیهقی است. تیرانا به یک معنی، حسب حال مهرداد اوستا و شرح اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های اوست. بخش‌هایی از کتاب که به شرح سوانح زندگانی مؤلف می‌پردازد، بسیار خواندنی است.

لا به‌لای این صفحات می‌بینیم که فقر و تنگدستی در کنار عشق و شوری بی‌پایان به دانستن و بیشتر دانستن، چگونه کودکی به نام «محمد رضا رحمانی» را از کوران حوادثی عجیب و خواندنی می‌گذراند، جان او را صیقل می‌دهد و او را سرانجام به «مهرداد اوستا» تبدیل می‌کند.

زندگینامه اوستا، حدیث نفس او به تنهایی نیست، بلکه سرگذشت سرگشتگی‌ها، تکاپوها و افتادن‌ها و برخاستن‌های یک نسل از اهالی فرهنگ این سرزمین است؛ نسلی که از پس سال‌های جنگ جهانی بالید و در کوران حوادث روزگار، از جمله کشمکش‌های دوران ملی شدن نفت و پس از آن قد راست کرد. این نسل، نزاع تاریخی سنت و مدرنیته را با گوشت و پوست خویش لمس می‌کرد و می‌کوشید از رهگذر اندیشه‌ها و مکتب‌های گاه متناقض از مارکسیسم و ناسیونالیسم و ایسم‌های دیگر گرفته تا عرفان و تصوف، روش زندگی کردن در دنیای امروز را بیاموزد و به روشنایی فردا نقب بزند.

اوستا خود برخی از این مکتب‌ها و شیوه‌ها را در دوره‌های مختلف زندگانی خویش آزمود و

سرانجام روح او در کرانه‌های ایمان و معنویت آرام گرفت.

«تیرانا» در این کتاب، مخاطبی است آشنا که نویسنده سرگذشت دل‌مجروح خویش را با او باز می‌گوید. او یک شخصیت مبهم و اثیری است که در سراسر کتاب، در چهره‌های مختلف و گاه متضاد حضور می‌یابد و در جاهایی کسی نیست جز خود مولف یا گوشه‌ای از سایه روشن‌های روح دردمند او. اوستا در بخش‌های مختلف کتاب، از بسیاری از نام‌آوران شعر و ادب و... از کسانی که با آنان به نحوی حشر و نشر داشته یاد می‌کند و این یادکرد معمولاً با داوریهایی همراه است. کلام او درباره ادیبان و شاعران معاصرش، به حکم بصیرتی که او در سخنوری و نقد ادبی داشت، قابل تأمل و اعتنا و در پاره‌ای موارد منحصر به فرد است. اوستا در تیرانا ستایشگر بزرگ طبیعت و زیبایی‌های آن است. او دل‌آزرده از دود و دم زندگانی امروز، آدم‌ها را به بازگشت به طبیعت می‌خواند. همچنین بهترین دروهایش را نثار فرزندان طبیعت می‌کند؛ همانان که همچون چادر نشینان، شبانان و ماهیگیران و... با زبان طبیعت آشنا هستند و آن را درمی‌یابند. اوستا خود به زبان طبیعت سخن می‌گوید و از این روست که نظم و ترتیب متداول بر نوشته‌های او حاکم نیست. از نکات قابل توجه در نثر تیرانا، ترکیب‌سازی‌های بدیعی است که محصول ذهن و زبان خلاق اوستا و چیره‌دستی او در حوزه کلمات است.

گزیده تیرانا را می‌توان نوعی «تهذیب» و «تحریر» و «تلخیص» دانست که در ادبیات گذشته ما سابقه فراوان دارد.

همچنین فراهم آوردن گزیده‌ای منسجم از کتابی که ذاتاً به دلیل ویژگی سبکی خود نظم و ترتیب خاصی را بر نمی‌تابد، کار آسانی نبوده است:

«پس اگر می‌بینی که مرا در بیان احساس هیچ نظمی نیست، مرا با تو به همان زبانی سخن است که نگاه تو را با من... بدان زبان که نژاده‌ترین و زیباترین زبان‌هاست، به زبان آفرینش، زبان برآمدن خورشید به شبگیر و فرونشستن آن در امواج اقیانوس، زبان خاموش و گویای همه فرزندان طبیعت...» ■



زندگینامه

اوستا، حدیث

نفس او به

تنهایی نیست،

بلکه سرگذشت

سرگشتگی‌ها،

تکاپوها و

افتادن‌ها و

برخاستن‌های

یک نسل از

اهالی فرهنگ

این سرزمین

است



پاتوق

داستان، شعر، قطعه‌های ادبی و دل‌نوشته‌های
خود را برای انتشار در مجله به نشانی
mehromah.helal@gmail.com ارسال کنید.

چند توصیه برای نویسندگی

پای غریبه‌ها را تنها زمانی به داستان باز کنید که مخاطب غافلگیر شود نه اینکه احساس کند سرکار گذاشته شده. به وجود و نقش همه کارکترهای داستان فکر کنید حتی به کسی که تنها یک لیوان آب برای قهرمان می‌آورد. به این فکر کنید که چرا قهرمان خودش نرفته آب بخورد.

برای پایان‌بندی داستان سراغ نامحتمل‌ترین گزینه‌ها بروید.

شخصیت‌ها را یکی یکی خلق کنید. با این کار شما مجبور می‌شوید جهان را از دریچه ذهن یک شخص بفهمید و به درک درستی از او و شرایطش دست یابید.

داستان باید خودش به پایان برسد شما در مسیر حرکت داستان فضولی نکنید. اطلاعات لازم به مخاطب را بدهید تا مخاطب بتواند گزینه‌های مختلف داستان را در ذهنش تحلیل و بررسی کند. حتی اگر اینکار مثل خوردن سوسک به مخاطب باشد.



ورت ونه گات جونبور



لالایی مادر

مادر می‌خواند: لالا لایی...

صدای انفجار بمب... بچه توی بغل مادری ترسد تکان می‌خورد...

- لالا لایی...

شلیک تیر، صدای فریاد مردی که برای نظامیان سخنرانی می‌کند. بچه بیشتر خودش را به سینه مادر می‌چسباند. صدای فرو ریختن ساختمان... صدای جیغ کودکان... بچه بیدار می‌شود و شروع می‌کند به گریه کردن. زن رو به مرد:

- می‌شه صدایش رو کم کنی؟ بچه بیدار شد...

مرد خیره به مجری اخبار صدای تلویزیون را کم می‌کند. مادر می‌خواند لالا لایی...



محمد ابراهیمی



■ به دورها نگاه می‌کند. خاک، غبار، دود... پای درخت آب می‌ریزد. مشتی هم روی پاهایش که از زیر خاک استخوان انگشتان پیداست. پای که مدفون است. به کپر نگاه می‌کند. دختر کوچکش با مین خنثی شده‌ای بازی می‌کند.

نوازش نسیم روی گلبرگ نسترن

که آشنایی پیدا می‌شد که خبر بدگویی‌های رفقا را به گوش کریم برساند. اما از وقتی کریم خواب دیده بود دیگر غصه نمی‌خورد. غصه نمی‌خورد که فامیلی ندارد و تنه‌است و رفقای دیگر کاری به کارش ندارند. با خودش فکر می‌کرد اصلاً همین تنها شدن، همین تنه‌ای تنه‌ای تنها شدن باعث شده که این خواب خوب را ببیند. شب اول رجب خواب دیده بود. ماه آدمی‌های تنه‌ها و آدمی‌هایی که فقط همدیگر را داشتند. کریم تا قبل این خواب با خودش می‌گفت آن‌ها اگر دیگران را نداشتند دست کم همدیگر را داشته‌اند. خیال می‌کرد خودش تنها تر از آن‌هاست. اما خواب اول رجب شرم‌منده اش کرده بود. حالا کریم می‌دانست که تنه‌ای نیست. اصلاً توی دنیایی که هر گوشه‌اش به اندازه تمام دنیا جنگ و آشوب است چه فرقی می‌کند که آدمی تنه‌ای باشد یا که نباشد. اصلاً اگر تنه‌ای رسول... نبود، سینه اش جایگاه وحی نمی‌شد. مثل فرزندش که تنه‌است و منتظر اجازه خداست.

دانست کاری بلدند و سواد دارند. اما کریم را که انداختند بیرون همان رفقا هم پی‌اش را نگرفتند. کریم هم معطل نکرد. مثل آدمی‌هایی که قید یک چیز را می‌زنند بی‌خیال اداره شد و حتی تلاش نکرد جای دیگری برود. هر صبح بلند می‌شد و ماشینش را روشن می‌کرد و می‌رفت توی خیابان مسافر کشی. می‌رفت مسافر کشی یا به قوا خودش مسافر بری. هر کدام از فامیل هم می‌دیدند و چیزی هم می‌گفتند برای کریم مهم نبود. اصلاً شاید همین بود که کریم خواب‌های عجیب می‌دید. خواب‌هایی میدید که برای هیچ کس تعریف نمی‌کرد. توی این شش سال کریم خیلی چیزها را از دست داده بود. کارش را، رفقایش را و پدر و مادرش. تنه‌ای تنه‌ای تنها شده بود. هیچ وقت هم زن نگرفته بود. از دست دادن کار خیلی مهم نبود. این که دیگر احترامی توی فامیل نداشت این سخت بود. این که رفیقی برایش نمانده بود. این که رفقایش تازه یاد گرفته بودند پشت سر کریم حرف بزنند و گاهی گداری

کریم خواب دیده بود و به هیچ کس نگفته بود و فقط از وقتی که خواب دیده بود حال دیگری داشت. شش سال پیش، شش سال پیش همین موقع‌ها. او آخر بهار که معلوم نیست بوی بهار می‌دهد یا تابستان کریم را از محل کارش اخراج کردند و کریم خانه نشین شد. هیچ کس نفهمید کریم چکار کرده. هیچ کس نفهمید پاپوش بوده یا این که کریم واقعا کاری کرده است. کریم هم معطل نکرد. مثل آدمی‌هایی که قید یک چیز را می‌زنند بی‌خیال اداره شد و برای برگشتن تلاشی نکرد و کسی هم پی‌اش نیامد. حتی رفقایش نیامدند ببینند کریم کجاست و چه می‌کند. کریم به ضمانت و سفارش یکی از فامیل رفته بود سرکار. بعد همان جا آن قدر پیشرفت کرد که رئیس شد و چندین و چند نفر برایش کار می‌کردند و کریم هیچ وقت طوری رفتار نمی‌کرد که مثلاً رئیس است. کریم دوسه سال تا از هم دانشگاهی‌ها را هم برد سرکار. نه به خاطر رفیق بازی که اصلاً اهل این کارها نبود. رفقای را برد که می‌



مجتبی شاعری



قاب انفاق

شبکه‌های مختلف در ماه رمضان تلاش کردند مردم را به کار خیر تشویق کنند

تلویزیون تأثیرگذارترین رسانه در عصر حاضر است؛ حتی مؤثرتر از شبکه‌های پر تعداد اجتماعی. این شبکه‌ها که افکار عمومی گردانندگان اصلی آن‌ها هستند، همچنان تحت تأثیر تلویزیون قرار دارند و خیلی وقت‌ها خوراک خود را از این رسانه تأمین می‌کنند. جزئیاتش بماند. نتیجه این چند کلمه این که تلویزیون رسالت بزرگی در شکل‌دهی به اتفاقات و جریان‌های جامعه دارد که گاهی موفق بوده و گاهی خیر. در یک دهه اخیر مسئولان تلویزیون از ماه مبارک رمضان استفاده چندگانه‌ای کرده‌اند که از مهم‌ترین آن می‌توان دعوت مردم به کار خیر و دستگیری از مستمندان اشاره کرد. این اتفاق امسال به اوج رسید و برنامه‌های مختلفی در این راستا روی آنتن رفت.



بیش از یک دهه روی آنتن شبکه سه است. چند سالی هم هست که دچار حاشیه‌هایی شده و امسال به اوج رسید. حتی معاون سیما در نامه‌ای از گردانندگان ماه غسل خواست حواسشان به سوژه‌ها و شغل مهمان‌هایشان باشد. این برنامه پاهایش را روی قصه‌هایی از زندگی مردم گذاشته، در کنار آن دعوت به کار خیر را فراموش نکرده. امسال هم طرح محسنین را راه انداخت و از مردم و چهره‌های معروف برای گره‌گشایی از مشکلات نیازمندان دعوت کرد. ماه غسل اگر دچار حاشیه نشود به واسطه مخاطب میلیونی‌اش می‌تواند نقش بالایی در تشویق مردم به امر خیر ایفا کند.

ماه غسل



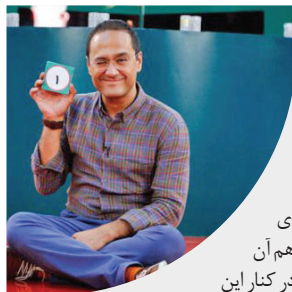
این برنامه شناسنامه شبکه تهران سابق و پنج کنونی شده. کاظم احمدزاده برنامه‌اش را با حضور مردم برگزار می‌کند و با راه‌اندازی بازار چه خیریه، قصد گره‌گشایی از مشکلات مردم دارد. امسال پای چهره‌های معروف بیش از پیش به برنامه باز شد که ضمن دعوت از مردم برای انجام کار نیک، خودشان هم در این امر مشارکت داشتند. نکته ویژه جشن رمضان ۹۴ سروشکل آبرومند آن نسبت با سال پیش بود که به خاطر نوع کمک به نیازمندان شائبه عدم حفظ کرامت آن‌ها مطرح می‌شد.

جشن رمضان



شبکه یک شهر خدا را در ماه مبارک رمضان روی آنتن فرستاد و شبکه سه ماه سپید رویکرد هر دو هم دعوت از مردم به کار خیر و انفاق بود. ماه سپید بحث ازدواج آسان را هم در دستور کار قرار داد و حتی یک زوج ناشنوا را روی آنتن زنده به عقد یکدیگر درآورد. به این برنامه‌ها می‌توان شب‌های روشن را هم اضافه کرد. البته ذکر این نکته هم ضروری است که برنامه‌هایی موفق و ماندگار هستند که براساس استانداردهای بالا ساخته شدند. این سه برنامه به رغم تلاش‌هایی که سازندگان داشتند حاوی نوآوری و خلاقیت نبودند.

شهر خدا و ماه سپید



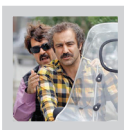
ظاهراً برنامه خندوانه شاد کردن مردم است اما در ماه رمضان بحث انفاق و دستگیری از نیازمندان را فراموش نکرد. رامبد جوان از چهره‌هایی که به برنامه دعوت می‌کرد می‌خواست قول یک کار که باعث شادی حداقل یک نفر شود را بدهند و بعد هم آن اتفاق تصویربرداری و پخش می‌شد. در کنار این اتفاق، رامبد جوان و مهمانانش همواره مردم را به مهربانی و کار نیک دعوت می‌کنند. حال ممکن است این کار نیک محدود به پاک‌سازی از طبیعت یا صرفه‌جویی در آب و برق باشد. ویژگی مهم خندوانه این است که به شکل گل درشت شعار نمی‌دهد و همین باعث همراهی بیشتر مردم می‌شود. کمپین قطره قطره که در راستای استفاده بهینه از آب راه افتاده نشان می‌دهد خندوانه مقبول خاص و عام است.

خندوانه



خطر توقیف پایتخت

مطمئنم اگر روزی که من به عیادت مقام معظم رهبری رفتم، ایشان از پایتخت دفاع و تعریف نمی‌کردند، این سریال برای همیشه با یگانگی می‌شد و کسی جرأت نمی‌کرد پایتخت بسازد.



می‌توانیم با مسائل سیاسی و ... شوخی کنیم، اما بعد از این همه سال سابقه سریال سازی در تلویزیون دیگر با خطوط قرمز رسانه کاملاً آشنا شدم و می‌دانم که چطور باید شوخی کرد و در مقابل چه چیزی را نشان داد که نقاط ضعف و قوت در کنار یکدیگر به تعادل برسند و حاصلش تزییق امیدبخشی در جامعه باشد.

ویژگی مهم «پایتخت» نزدیکی

آن به زندگی است. تلاش می‌کند

سبکی از زندگی که متأسفانه در

حال فراموشی است را به یادمان

بیاورد. این رویکرد چقدر در طول

ساخت سریال مد نظر شما است؟

«پایتخت» یک قصه ساده و معمولی از خاندان «معمولی» است. زبانش ساده است و حرف مردم همین عصر و زمان را می‌زند. قصه موازی با تولید نوشته می‌شد و از این جهت با اتفاقات روز پیش می‌رفت. ما قرار نیست صرفاً نمایش داشته باشیم. آنچه برای ما مهم است نفوذ به زندگی مردم و نشان دادن عادت‌هایی است که روزمره با آن سروکار دارند. در «پایتخت» هر چیزی می‌تواند به قصه تبدیل شود. مثلاً آدمی که به خروشش علاقه دارد و با او زندگی می‌کند وقتی خروس تبدیل به فسنجان می‌شود واکنش نشان می‌دهد. این قصه خیلی ساده است اما ایجاد کمدی و خنده می‌کند و مردم را از این جهت می‌خنداند که خاطراتی مشابه این را تجربه کرده‌اند. سبک زندگی اتفاق پیچیده با آلمان خاصی نیست، در واقع سبک زندگی یعنی عادت‌ها، آداب، باورها، شوخی‌ها و هر چیز که از جنس رفتار مردم باشد.

و مهم‌تر این که موضوعش بر

عکس لهجه آن شمولیت دارد.

در این سریال ما کاراکترهایی مثل هما را داریم که کاملاً فارسی صحبت می‌کند و گاهی افرادی مثل اوس موسی وارد می‌شوند که مشهدی هستند. دقیقاً حرف ما همین است می‌خواهیم بگوییم رفتارهای مردمی که در فرهنگ ما جای دارد بخش عمده‌ای از آن قابل تعمیم است. از همه مهم‌تر اینکه ما نخواستیم در «پایتخت» شخصیت بد و ضد قهرمان داشته باشیم. مردم در زندگی خودشان همیشه ضد قهرمان ندارند. به همین خاطر



یک قصه ساده و معمولی

گفت و گو با سیروس مقدم درباره دلایل موفقیت و محبوبیت «پایتخت»

منیژه خسروی



«پایتخت» سریال محبوبی است حتی اگر گاهی قصه‌اش لنگ بزند. فصل چهارم آن باز هم در نظر سنجی‌های مختلف اول شد تا یک بار دیگر محبوبیت این سریال به رخ کشیده شود. «پایتخت ۴» بر عکس سه فصل پیش که در نوروز پخش می‌شد، این بار در ماه مبارک رمضان به آنتن رسید. شتاب و عجله در ساخت، روی کیفیت و قصه‌اش اثر گذاشت اما مخاطبان باز هم دوستش داشتند. راز محبوبیت پایتختی‌ها چیست؟ این سؤال است که در هیاهوی ساخت سریال از مقدم پرسیدیم؛ به همراه چند سؤال دیگر.

«پایتخت» به فصل چهارم

رسید. فکرش را می‌کردید رکورد

دنباله‌سازی سریال تلویزیونی را به

نام خود بزنید؟

ما قرار بود سریال «پایتخت» را به صورت

سه‌گانه بسازیم و ادامه ندهیم اما مردم

خوشبختانه به کار علاقه نشان دادند و

خواهان ادامه شدند. از طرفی مسئولان هم به این نتیجه رسیدند که تلویزیون به عنوان رسانه مردمی اگر قرار است کاری کند تا مردم از شبکه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای فاصله بگیرند باید از پروژه‌هایی حمایت کند که مورد توجه مردم است.

«پایتخت ۴» بیش از سری‌های

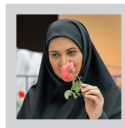
قبل به مسائل سیاسی تنه می‌زد.

این تصمیم به خاطر کم‌رنگ بودن

این مسئله در فصل‌های قبل بود یا

نیازش را الان احساس کردید؟

در «پایتخت ۴» این فرصت به وجود آمد تا بتوانیم به مسائل اجتماعی و سیاسی روز نیز بپردازیم. این موضوع در سه‌گانه قبلی شاید کمتر به چشم می‌آمد، اما در فصل چهارم سعی کردیم موضوعاتی که مردم به صورت روزمره با آن‌ها درگیر هستند را در قالب داستان‌هایمان نشان دهیم. ما به خاطر محدودیت‌های موجودمان به سختی



به زبان ساده

«پایتخت» یک قصه ساده و معمولی از خاندان «معمولی» است. زبانش ساده است و حرف مردم همین عصر و زمان را می‌زند. آنچه برای ما مهم است نفوذ به زندگی مردم و نشان دادن عادت‌هایی است که روزمره با آن سروکار دارند.

نگاه

بدون زیاده‌روی

رمز موفقیت «پایتخت» هم خوانی با واقعیت‌های زندگی است

از زمان ورود «تقی معمولی» و خانواده به شبکه یک چندسالی بیشتر نگذشته است. شخصیت‌های خیالی سریال سیروس مقدم که در قامت نام خانوادگی «معمولی» استادانه نقش آفرینی کردند و توانستند بسیاری از مشکلات جامعه را با بن‌مایه طنز قوی و نه صرفاً لودگی به تصویر بکشند.

خانواده‌ای که برخلاف نام خانوادگی شان، معمولی معمولی هم نبودند. جنس رفتار، شخصیت‌ها، سبک زندگی‌شان با آنچه که تاکنون به‌عنوان یک سریال طنز می‌شناختیم متفاوت بود. زندگی و فولکلور فرهنگ مانی‌ها به انضمام بسیاری از ویژگی‌های مشترک اخلاقی میان ایرانیان، خصوصیتی بارزی بود که این سریال طنز را از سایر کارها جدا کرد به‌خصوص این که بعد از مدت‌ها شاهد بودیم که بحث «نماز» و التزام به حضور مسجد در سطح یک سریال با طیف مخاطب وسیع به تصویر کشیده شد.

به بیان دیگر نه تنها در بن‌مایه متنی سریال با واجبات روزمره دین یعنی نماز خواندن مواجه بودیم، بلکه در پایتخت دو جریان فراتر از این رفت و شغل «تقی» به عنوان کاراکتر اصلی سریال این بود که در یک کارخانه به همراه سایر کارکنان کارخانه، برای مساجد گنبد و گلدسته می‌ساختند. هر کسی از هما (همسر تقی) در مورد شغل شوهرش می‌پرسید با این جواب مواجه می‌شد: تقی در گنبد گلدسته‌سازی کار می‌کنه...

یعنی قرار نبود که یک سریال حتی در قامت طنز بیاید و بی‌تفاوت از کنار عادات مردم عبور کند بلکه از همان ابتدا مشخص بود که روال کلی این سریال به این سمتی می‌رود که به ظرافت هر چه تمام‌تر، علقه‌های مذهبی مردم از جمله حضور در مسجد و اقامه نماز جماعت را به تصویر بکشد و این رویکرد را در هر چهار قسمت این مجموعه طنز می‌بینیم، یعنی اگر به‌طور مستقیم صحبتی هم از مسجد نبود اما در چندین سکانس، مخاطب نماز خواندن کاراکترهای اصلی را می‌دید؛ مسئله‌ای که امروز چندان رونق پیرنگی در سریال‌ها ندارد یا اگر داشته باشد مخصوص فرد مسن خانواده در سناریوی یک فیلم است. آن چه پایتخت را یک سر و گردن به نسبت سایر سریال طنز ویژه کرد نوع نگاهش به واقعیت زندگی مردم ایران بود، واقعیتی که با دین و دیانت گره خورده است و این مسئله نشان می‌دهد که حتی در قالب یک مجموعه طنز می‌توان بسیاری از شعار دینی از جمله اهمیت «نماز» را به مردم یادآوری کرد.



مدیریتی ممکن است فقط تا یک سال دیگر در اختیارشان باشد، پس بهتر است به همین یک سال آینده فکر بکنم و بتوانم این مدت را به خوبی اداره بکنم.

دیدگاه به فعالیت‌های قبلی هم این‌طور است که انگار قبلی‌ها از یک سیاره دیگر آمده‌اند و دشمنی دارند، در رابطه با آینده هم که می‌گویند به ما مربوط نیست. هیچ‌کس برنامه‌ریزی نمی‌کند که اگر من به عنوان مدیر از این بخش رفتم، طوری کار کنم که مدیر بعدی سیاست من را ادامه دهد. از طرف دیگر هم مدیران فرهنگی و هم خود ما خیلی دچار روزمرگی شده‌ایم و انگار منتظریم ببینیم بازتاب‌ها چگونه است و براساس آن ادامه بدهیم یا کلاً کار را قطع کنیم.

چهار نفر نسبت به پایتخت هجوم می‌برند، کار قفل می‌شود و می‌گوییم دیگر نمی‌سازیم. بزرگی کار را تأیید می‌کند، دلمان قرص می‌شود که بسازیم. هیچ وقت نمی‌گوییم خب ممکن است این چهار نفر اشتباه کنند و آن بزرگ درست بگوید و یا بالعکس. یعنی مطمئنم اگر روزی که من به عیادت مقام معظم رهبری رفتم، ایشان از پایتخت دفاع و تعریف نمی‌کردند، این سریال برای همیشه بایگانی می‌شد و کسی جرأت نمی‌کرد پایتخت بسازد چون ما خیلی دچار روزمرگی شده‌ایم و برنامه طولانی مدت نداریم. وقتی یک کاری درست پیش می‌رود و خوراک خوبی به مردم می‌دهیم چرا باید کار را تعطیل کنیم؟

و قاعدتاً این متفاوت از نقد فنی سریال است.

بله؛ اگر کسی نقدی دارد، میزگرد بگذاریم و درباره سریال صحبت کنیم نه این که تا کسی چیزی گفت سریع کار را قطع کنیم. یک دوره‌ای به ما می‌گفتند شما در مورد پایتخت حتی مصاحبه هم نکن. می‌گفتیم مگر جنایت کرده‌ایم؟ سریال ساخته‌ایم مردم دوست داشته‌اند و سرگرم شده‌اند. بعد هم شیوه‌مان این‌طور نیست که کار فرهنگی را با بحث فرهنگی جواب بدهیم. می‌بینیم مردم سریال را دوست دارند، گروه هم کارش را پیش می‌برد. ■

بیشتر توانستند با قصه ارتباط برقرار کنند.

مردم عادت کرده‌اند در ایام نوروز «پایتخت» را ببینند چه شد که امسال سریال پایتخت برای ماه مبارک رمضان آماده پخش شد؟

قرار بود به جای پایتخت سریال سنگینی و سختی به اسم «علی‌البدل» را بسازیم. «علی‌البدل» داستان یک روستای خیالی است که مجموعه‌ای از آدم‌ها با تفکرات مختلف در آن زندگی می‌کنند. منبع درآمد مردم این آبادی آب گرمی است که خاصیت درمانی دارد. اما با ورود یک آدم جدید به این آبادی همه چیز به هم می‌ریزد. اجرای این طرح کار بسیار سختی است. پیدا کردن هم‌چین روستایی با این شرایط کار دشواری بود. اکثر بازیگران به خاطر حمام کردن، نیمه‌برهنه هستند و باید کار در تابستان فیلم‌برداری می‌شد. قرار بود پارسال تابستان قبل از عید این پروژه را کار کنیم تا قبل از عید پخش شود ولی به خاطر تغییر و تحولات ساخت سریال غیرممکن شد. مدیریت جدید هم از ساخت سریال استقبال کرد ولی بهمن ماه بود و عملاً امکان ساخت این کار نبود. همه چیز داشت منتفی می‌شد و خوشحال بودیم که بعد از چندین سال ایام عید را در کنار خانواده هستیم که ناگهان ساخت پایتخت در دستور کار قرار گرفت. گفتیم مطلقاً به عید نمی‌رسیم. ایده داشتیم ولی قصه نوشته شده نداشتیم. در نهایت قرار شد کار برای رمضان آماده شود.

معمولاً دنباله‌سازی در کشور ما خیلی موفق نیست در حالی که کشورهای دیگر این کار را می‌کنند و نتیجه می‌گیرند. به نظر شما علت چیست؟

فکر می‌کنم دلایل زیادی دارد. چون ما نه در مورد سریال‌سازی که در خیلی از موارد مثل اقتصاد، ورزش و... توانایی برنامه‌ریزی نداریم. یک سیاست طولانی مدت وجود ندارد که مدیران فرهنگی ما بر اساس آن یک برنامه‌ریزی بلندمدت بکنند. از طرفی هم متخصص حرفه‌ای وجود ندارد که بر اساس مخاطب، نیاز سنجی بکند و نتایج تحقیقات را به مدیران اعلام بکند. مدیران فرهنگی ما فکر می‌کنند این میز



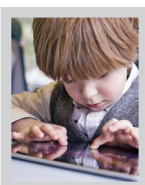
الگوهای برای زندگی

در قرآن در آیات متعددی به خانواده‌های مختلفی اشاره شده است. این خانواده‌ها عموماً متعلق به پیامبران و اولیای الهی هستند هر چند که در برخی آیات به خانواده‌های دشمنان خدا یا خانواده‌هایی که یکی از اعضای آن از کافران بوده نیز اشاره شده است مانند همسر حضرت لوط و همسر حضرت نوح. در عین حال در بیشتر اوقات هنگامی از مجاهدت‌های پیامبران در قرآن ذکری به میان آمده از خانواده‌های آنان نیز یاد شده است؛ یاد آوری‌ای که همراه با نکات تربیتی نیز بوده است.

در این پرونده بخوانید



درس‌هایی از زندگی
حضرت آدم (ع) و نوح (ع)



آسیب‌های
تبلت و گوشی



تاثیر فناوری‌های
نوین بر سبک زندگی



خواندنی‌هایی درباره
تغذیه و سلامت



درسی از زندگی حضرت نوح^(ع)

داستان حضرت نوح^(ع) نشان می‌دهد که اولیای خدا در عین حال که برای هدایت و نجات همسر و فرزندان‌ش تلاش می‌کند؛ در بزنگاه‌های انتخاب بین دستور و محبت خداوند و هرچه غیر خدا، خدا را بر می‌گزینند.

درس‌هایی از زندگی حضرت آدم^(ع) و نوح^(ع)

بررسی وضعیت خانواده در قرآن و تاریخ اسلام

دکتر محمد شیخ‌الاسلامی

کارشناس امور دینی

که نشان‌دهنده این واقعیت است که در نگاه قرآن جریان خلقت انسان اساساً خانوادگی بوده و خانواده از نیازهای اولیه انسان هاست.

■ **اشتباه دوم:** آیه‌ای که در آن درباره اشتباه حضرت آدم^(ع) و حوا^(ع) در نزدیک شدن به درخت ممنوعه و خوردن میوه ممنوعه است این باور غلط را رد می‌کند که حوا، آدم را فریفت تا این تصور را رد کند که مایه بدبختی‌ها و اشتباه‌ها از اول زنان بوده‌اند. از جمله می‌توان به عبارت «فأزلهما الشيطان» در سوره بقره اشاره کرد که نشان‌دهنده این واقعیت است که هر دو اشتباه کردند.

■ **تساوی مطلق:** آیهات سوره حجرات تأکید بر این واقعیت دارد که همه انسان‌ها در نسب ارجمندی واحد دارند و برای مرد و زن در سیر

■ حضرت آدم^(ع)

در تمام گروه‌آیاتی که درباره حضرت آدم علیه‌السلام نازل شده است، مسئله خانواده ایشان نیز مورد توجه قرار گرفته است. به طور خاص در آیات سوره بقره: ۳۵ تا ۳۸: داستان خلقت حضرت آدم^(ع)، سوره اعراف: ۱۹ تا ۲۳: داستان خلقت حضرت آدم^(ع)، سوره طه: ۱۱۷ تا ۱۲۴: داستان خلقت حضرت آدم^(ع)، سوره ی مائده: ۲۷ تا ۳۱: داستان هابیل و قابیل، سوره حجرات آیه ۱۳: نقش خانواده حضرت آدم^(ع) در نسل بشر به داستان حضرت آدم^(ع) به طور مستقیم اشاره شده است.

با یک نگاه گذرا، می‌توان نکات تربیتی - خانوادگی زیر را از این آیات برداشت کرد:

■ **خانواده؛ از روز اول:** خلقت آدم و همسرش

در قرآن در آیات متعددی به خانواده‌های مختلفی اشاره شده است. این خانواده‌ها عموماً متعلق به پیامبران و اولیای الهی هستند هر چند که در برخی آیات به خانواده‌های دشمنان خدا یا خانواده‌هایی که یکی از اعضای آن از کافران بوده نیز اشاره شده است مانند همسر حضرت لوط و همسر حضرت نوح.

در عین حال در بیشتر اوقات هنگامی از مجاهدت‌های پیامبران در قرآن ذکری به میان آمده از خانواده‌های آنان نیز یاد شده است؛ یادآوری‌ای که همراه با نکات تربیتی نیز بوده است. در ادامه به برخی این داستان‌ها و گزیده‌ای از نکات مرتبط با آن اشاره می‌کنم.



نکته

بسیاری عادت دارند بدی فرزند و همسر را نشانه ضعف پدر یا مادر بدانند در حالی که ممکن است فرزند و زن پیامبر خدا از بدن شوند در عین حال که خود آن پیامبر در اوج معنویت و برتری الهی است.

و سلوک معنوی و اخلاقی تساوی مطلق وجود دارد و این فرضیه که زنان ذاتاً در معنویات دارای نقص هستند مورد تأیید اسلام نیست.

■ **احترام به منظره معنوی:** جریان هابیل و قابیل نشان می‌دهد که حضرت آدم (ع) و حوا (ع) به عنوان پدر و مادر چگونه به آزادی عمل این دو برادر احترام می‌گذاشته‌اند؛ البته که این پدر و مادر از قصدی که قابیل برای کشتن هابیل داشت خبر نداشته‌اند و الا حتماً از آن جلوگیری می‌کردند اما اصل قربانی و منظره این برادر در فضای تقوا حقیقتی بود که این پدر و مادر از آن خبر داشتند و دست فرزندانشان را برای این منظره معنوی باز گذاشتند. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که باوری که می‌گوید که دعوی این دو برادر برای ازدواج خواهر زیباتر بود بیشتر برآمده از افسانه‌های یهودی است و روایات ما این نظریه را تأیید نمی‌کند.

■ **فاجعه نقش دنیا در ارتباط دو برادر:** آیات مربوط به هابیل و قابیل نشان می‌دهد که چگونه دنیا از روز اول توان خود را برای فاصله انداختن بین انسان‌ها به رخ انسان‌ها کشید. در واقع جریان این برادر با هر انگیزه‌ای بود، این واقعیت را نمایان ساخت که تقوا و بی‌تقوایی می‌تواند بنیان یک خانواده را از بین ببرد و تنها خانواده روی زمین آن روز را داغدار کند. واقعیتی که امروز هم در زندگی روزمره با آن مواجهیم...

خانواده حضرت نوح (ع)

در تمام گروه‌های آتایی که در آن درباره حضرت نوح (ع) سخن گفته شده به خانواده این پیامبر دلسوز نیز اشاره شده است. در سوره هود، سوره صافات، سوره شعراء و سوره تحریم، تا جایی که خداوند در سوره تحریم زن حضرت نوح (ع) را نمونه‌ای از زن بد معرفی می‌کند: خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده که تحت سرپرستی و زوجیت دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، ولی ادرامر دین و دین‌داری! به آن دو [بنده شایسته ما] خیانت ورزیدند و آن دو [پیامبر] چیزی از عذاب خدا را از آن دو زن دفع نکردند و [هنگام مرگ] به آن دو گفته شد: با وارد شوندگان وارد آتش شوید.

به هر حال آن چه واضح است این است که پسر و همسر حضرت نوح (ع) با ایشان همراه نبودند و حتی با اصرار حضرت نوح (ع)، فرزندشان وارد

کشتی نشد و به رغم دعای حضرت نوح (ع)، خداوند این فرزند را با بدکاران غرق کرد: نوح (ع) به پروردگارش عرض کرد: «پروردگار! پسر من از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!» (۴۵) فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است! او فرد ناشایسته‌ای است! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من بخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!» (۴۶) عرض کرد: «پروردگار! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!»

نکات زیر هم درباره حضرت نوح (ع) قابل توجه است:

■ **احترام پدر و همسر به اختیار انسانی فرزند و همسر:** برجستگی اصلی در داستان حضرت نوح (ع) آن است که این پیامبر دلسوز با وجود آن که می‌دانست همسر و فرزندش راه غلطی را پیش گرفته‌اند، نخواست با زور آنان را هدایت کند چرا که اولاً خلاف دستورات الهی است و ثانیاً نشدنی است. کسی را به زور نمی‌توان به بهشت برد که اگر چنین کاری درست بود و شدنی بود خدا بر انجام این کار اولی بود. مشیت خدا بر این است که انسان‌ها آزادانه مسیر خود را انتخاب کنند حتی اگر همسر و فرزند پیامبر خدا باشند؛ خداوند در سوره یونس می‌فرماید: و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!)

■ **نسب‌ها برای هدایت و آخرت آدم‌ها نمی‌توانند کاری کنند:** داستان حضرت نوح (ع) مشخص می‌کند که نسب‌ها برای آخرت کارایی ندارند و خداوند با کسی در این مسئله شوخی ندارد هر چند که در نظر خداوند جمع شدن خانواده‌ها در بهشت از نعمت‌های ویژه خداست. خداوند در سوره طور می‌فرماید: کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است! (۲۱). اما در این آیه هم تأکید

می‌کند که هر کسی در گرو اعمال خویش است. ■ **اهل انسان، کسانی هستند که همسو با انسان باشند:** در آیات مربوط به دعای نوح برای فرزندش آمده است که نوح به خداوند عرض کرد که فرزندم از اهل من است و خداوند فرمود: او از اهل تو نیست. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که اهل انسان همدلان آدم‌اند نه لزوماً خانواده او. یعنی برای این که انسان در خانواده خودش احساس آرامش کند همدلی و هم‌باوری هم لازم است.

■ **بدی زن و بچه، نقطه ضعف انسان نیست:** بسیاری عادت دارند بدی فرزند و همسر را نشانه ضعف پدر یا مادر بدانند در حالی که این آیات نشان می‌دهد ممکن است فرزند و زن پیامبر خدا از بدن شوند در عین حال که خود آن پیامبر در اوج معنویت و برتری الهی است. همیشه فرزند بد نشانه مال حرام و کم‌توجهی پدر یا مادر نیست، بالاخره خود آن فرزند انسان مستقلاً است و ممکن است با همه مواظبت‌های والدین از راه حق منحرف شود.

■ **ولی خدا، اراده خدا را بر عواطف خانوادگی‌اش ترجیح می‌دهد:** داستان حضرت نوح نشان می‌دهد که اولیای خدا در عین حال که برای هدایت و نجات همسر و فرزندانش تلاش می‌کنند؛ در بزنگاه‌های انتخاب بین دستور و محبت خداوند و هر چه غیر خدا، خدا را بر می‌گزینند. این درس بزرگی برای زندگی همه انسان‌ها در همه دوره‌هاست. اصل دینداری هم همین است. خداوند نمی‌فرماید و نمی‌خواهد که انسان خانواده‌اش را دوست نداشته باشد بلکه می‌خواهد اولویت محبت انسان در تصمیم‌های زندگی‌اش خداوند باشد لذا در سوره بقره می‌فرماید: بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، شدیدتر است و در سوره توبه نیز صریح‌تر می‌فرماید: بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظر تان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌دار را هدایت نمی‌کند!»

ادامه دارد...



آیاتی که در آن درباره اشتباه حضرت آدم (ع) و حوا (ع) در نزدیک شدن به درخت ممنوعه و خوردن میوه ممنوعه است این باور غلط وارد می‌کند که حوا، آدم را فریفت تا این تصور را رد کند که مایه بدبختی‌ها و اشتباه‌ها از اول زنان بوده‌اند. از جمله می‌توان به عبارت «فأزلهما الشیطان» در سوره بقره اشاره کرد.



دیدگاه

حریم که باید حرمت داشته باشد

اگر در گذشته انسان‌ها به طور معمول سعی می‌کردند هنگام عکس گرفتن حالتی رسمی به خود بگیرند، اما در شرایط کنونی بسیاری از عکس‌های ارسالی از طریق گوشی‌های همراه حالتی غیررسمی و بعضاً ناشایست دارند.

مراقب باشیم

تأثیر فناوری‌های نوین بر سبک زندگی

حجت‌الاسلام مهدی خداجوان

کارشناس فرهنگ و مسائل خانواده

اگر در گذشته محصولات ارائه شده از سوی کشورها با هدف بازاریابی یا گسترش فضاهای تجاری و سودآوری صادر می‌شد، در دوره جدید علاوه بر موارد فوق محصولات باعث انتقال فرهنگ و تمدن نیز هستند. یک کالا، به مثابه یک سفیر فرهنگی عمل می‌کند و به منزله یک فرستاده از پیش تعیین شده و با هدف و برنامه است که وارد دنیای ما شده است. بنابراین اگر فرهنگی قصد تهاجم داشته باشد، می‌تواند با استفاده از ابزارها و محصولات خود به راحتی درون جامعه نفوذ پیدا کند.

تأثیرات ناآگاهانه کالاهای وارداتی

اگرچه پیش از ارائه محصول، مدت‌های زیادی روی آن و نحوه ارائه، شناخت ذائقه و سلیقه جامعه دریافت‌کننده کالا، کار کارشناسی صورت گرفته اما باید توجه داشت که موقع عرضه، خود محصول باعث جذب مشتری و جلب خریدار می‌شود، نه انتشار مقاله و کتاب و ارائه مباحث تئوریک در سطح جامعه. به عنوان نمونه می‌توان از فرهنگ عفاف و حجاب مثال زد. ممکن است کتاب‌ها یا مقالاتی در نکوهش حجاب در عرصه عمومی یا فضاهای مجازی انتشار

پیدا کند، اما کم‌رنگ شدن فرهنگ عفاف ناشی از ارائه محصولاتی مثل لباس و روسری و کفش است که در مورد آن و نحوه استفاده از چنین محصولی، در شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت تصویری وجود دارد که با شیوه تبلیغاتی جذاب، باعث ترغیب جامعه برای استفاده از چنین محصولاتی می‌شود. کسانی که با چنین پوششی که تفاوت بسیاری با پوشش سفارش شده در قرآن و سنت دینی و ملی ما دارد، در سطح جامعه حضور پیدا می‌کنند، آگاهانه یا غیر آگاهانه مبلغ فرهنگ بدحجابی می‌شوند.

زندگی ماشینی و تغییر رفتار انسانی

وقتی زندگی به سمت ماشینی شدن حرکت کرد، رفتارهای انسانی هم تغییر کرد. ابزاری مثل گوشی‌های همراه باعث تسریع در ارتباطات اجتماعی شد و امکانی فراهم آورد که انجام کارها و تعاملات انسانی حداقل در فضای مجازی سرعت بیشتری به خود بگیرد اما در شرایط فعلی، این وسیله از حالت یک ابزار برای برقراری تماس تلفنی فراتر رفته و حتی در خصوصی‌ترین زوایای زندگی فردی وارد شده است. در حال حاضر گوشی‌های همراه مثل یک رایانه کوچک عمل می‌کنند که بسیاری از ارتباط‌های اجتماعی را سامان می‌دهند. اکثر مردم در خیابان و در وسایل حمل و نقل عمومی در حال استفاده از گوشی‌های خود هستند و بار سال پیامک، اینترنت و پایگاه‌های اجتماعی گوناگون با دو یا چند نفر ارتباط برقرار می‌کنند. ارسال عکس و فیلم،

هشدار!

این سخن درستی است که باید مطابق با شرایط زمان زندگی کرد. هر نسلی باید فرزند زمان خویش باشد. از فناوری‌ای استفاده می‌کنیم که به روز باشیم و گستره ارتباطی بیشتری پیدا کنیم و از این طریق می‌توانیم فرهنگ بومی خود را نیز منتقل کنیم. ماشینی شدن بسیاری از فعالیت‌های فردی و اجتماعی باعث تسریع امور شده است. تسهیل در رفت و آمد و وسایل ارتباط جمعی از دیگر مواهب بهره‌برداری از فناوری‌های جدید است. اما در برخی امور شخصی و خانوادگی استفاده از این فناوری‌ها سرعتی به روند زندگی بخشیده که هشداردهنده و خطرآفرین است. این که اهل خانواده به جای وقت گذاشتن برای انتخاب محصول سالم و تغذیه به سمت فست‌فود روی آورده‌اند، دقیقاً نشان از تحمیل فناوری بر زندگی فردی ما دارد. ■



چند پیشنهاد ساده برای نجات کودکان از تبلت و گوشی

از خودتان شروع کنید

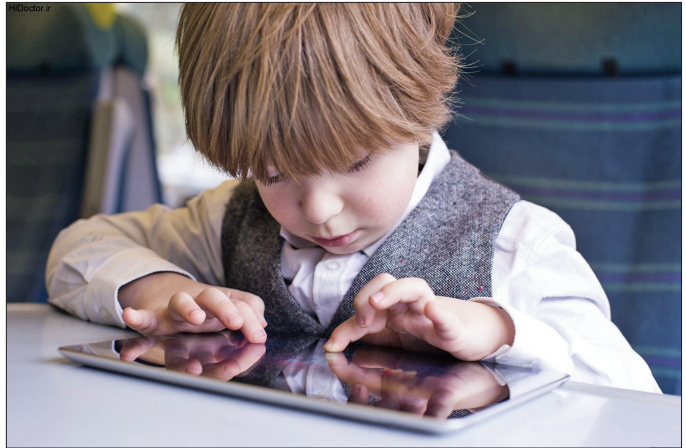
■ به خاطر داشته باشید هدیه کردن گوشی و تبلت در سنین خردسالی اصلاً نشانه پیشرفت و به اصطلاح به روز بودن نیست، حتی اگر همه اطرافیان شما این کار را انجام بدهند. اگر می‌خواهید او را با تکنولوژی آشنا کنید، به او اجازه دهید برخی ساعات روز با تبلت شما بازی کند اما شخصی کردن این وسیله را از چنین سنی شروع نکنید.

■ با وضع کردن برخی قوانین، ساعت‌های استفاده فرزندان از رایانه و تبلت را محدود کنید. برای مثال به او اجازه ندهید که گوشی یا تبلت را سر سفره و میز شام بیاورد.

■ محققان می‌گویند بازی با تبلت یا رایانه پیش از خواب می‌تواند سبب اختلال در خواب کودکان شود؛ پس به او اجازه بازی کردن با تبلت پیش از خواب را ندهید و نگذارید آن را به اتاق خوابش ببرد.

■ بهتر است از خودتان شروع کنید. هر قدر هم که از لزوم فعالیت بدنی و قوی‌تر کردن ارتباطات رودررو برای فرزندان صحبت کنید، فایده‌ای ندارد. تا زمانی که او می‌بیند سرگرم شدن با گوشی موبایل برایتان شیرین‌تر از گپ‌زدن با دیگران است، گوشش بدهکار توصیه‌تان نخواهد شد. اگر می‌خواهید فرزندان زندگی مجازی را جایگزین تجربه‌های حقیقی زندگی نکنند، خودتان در رعایت چنین اصلی پیش قدم شوید.

■ فردا دیر است. از همین امروز شروع کنید. اگر تنها یک فرزند دارید، به او حق دهید برای پر کردن تنهایی‌اش به تبلت وابسته شود. در چنین شرایطی به جای جنگیدن با او، خودتان برای تغییر شرایط وارد عمل شوید. بازی‌های دونفره پرتحرک و هیجان‌انگیز، هم می‌تواند سلامت جسم فرزندان را تضمین کند و مهارت‌های حرکتی‌اش را تقویت کند و هم لحظات شاد و خوشی را برایش رقم بزند. اگر کودکان از چنین نعمتی بهره‌مند شود دیگر نیازی به مدام بازی کردن با تبلت پیدا نخواهد کرد. ■



آسیب‌های تبلت و گوشی

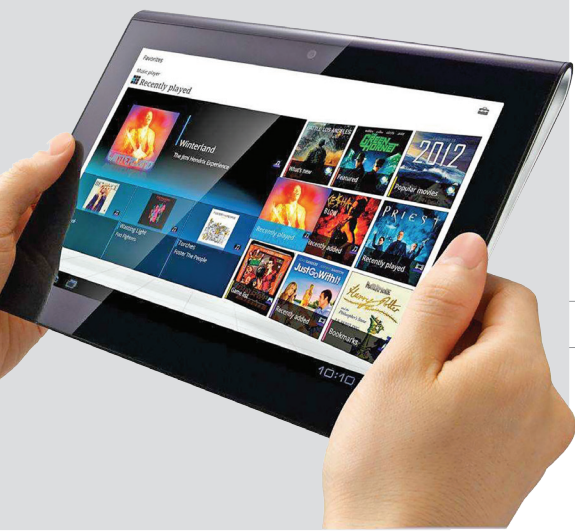
امروزه با رشد علم و فناوری شاهد متحول شدن شکل جدیدی از بازی‌های کودکان هستیم. این روزها به هر خانه‌ای که وارد می‌شوید، به جای سر و صدای بازی و سرگرم بودن کودکان با خمیرهای بازی که خلاقیتشان را بالا می‌برد و مهارت دست‌های‌شان را بیشتر می‌کند، تبلت‌هایی در دست بچه‌ها جا خوش کرده و جایگزین نه چندان مناسبی بازی‌های مفرح کودکان شده است. بعضی پدر و مادرها هم که امکان خرید چنین ابزاری برای کودک‌شان ندارند هم از خود گذشتگی کرده و او را با گوشی هوشمند تلفن همراه‌شان سرگرم می‌کنند و مهارت کودک‌شان در انجام بازی‌های مختلف را به رخ این و آن می‌کشند.

که در مهمانی‌ها به جای گپ‌زدن با حاضران، به غایب‌های جمع وایبر می‌زنند و به جای چند متر دویدن، به دنبال نصب انواع اپلیکیشن‌های سلامت روی گوشی خود هستند. هدیه پژوهشگران فناوری اطلاعات به بچه‌های امروزی نه هوش بیشتر و نه ذهن آماده‌تر است. آن‌ها روی مبل‌های راحتی، صاحب بدنی خسته و انباشته از چربی می‌شوند و پشت صفحه تبلت‌ها، چشم‌هایی آزرده و ذهنی آشفته را از آن خود می‌کنند.

شاید حالا تصمیم بگیرید قانون جدیدی در خانه وضع کنید و تصمیم به گرفتن تبلت فرزندان از او بگیرید؛ اما نیازی به محروم کردن فرزندان از این امکانات نیست، کافی است خودتان همین حالا گوشی را روی زمین بگذارید و نه با حرف، بلکه با آوردن ورزش و مطالعه به ساعت‌های مرده‌تان، به کودک خود هم سبک زندگی سالم را آموزش دهید. ■

بچه‌های امروزی تمایلی به دویدن، کاردستی درست کردن و نقش‌پذیری در بازی‌هایی که نسل ما از آن‌ها لذت می‌برد، ندارند. آن‌ها ترجیح می‌دهند روی مبل راحتی لم بدهند، یک کاسه پفک کنارشان بگذارند و هر روز چندین مرحله از بازی‌ای که به آخر رساندنش کار هر کسی نیست را رد کنند. پدر و مادر هم خوشحال از این که فرزندان در خانه در کنارشان ساکت و آرام در گوشه‌ای نشسته و به اصطلاح سرش در لاک خودش است؛ غافل از این که این تکنولوژی به اصطلاح نوین، موجب ضعف قدرت بینایی و حرکت مفاصل و تغییر شکل اندام به خصوص در ناحیه پشت و گردن فرزندان می‌شود. علاوه بر این که اگر بر روی این بازی نظارت کافی وجود نداشته باشند ممکن است باعث ایجاد مشکلات زیادی برای فرزندان‌شان شود.

البته جای تعجب نیست؛ بچه‌های امروزی نمونه کوچک شده والدین‌شان هستند. نمونه آن‌هایی



علت بالا رفتن غلظت خون چیست و چگونه در مان می شود؟

افزایش غلظت خون ناشی از افزایش میزان گلبول های قرمز خون است. علل مختلفی می تواند این مشکل را به وجود آورد مثل: کاهش اکسیژن رسانی بافتی، بیماری های ریوی، زندگی در ارتفاع بالا، اختلالات مربوط به هموگلوبین، کشیدن سیگار، افزایش تولید اریتروپوئیتین. درمان عبارت است از درمان عامل زمینه ای در صورت وجود، خروج خون از بدن (به صورت حجامت و اهداء خون) و درمان های دارویی جهت کاهش تولید گلبول های قرمز خون. به طور کلی اهداء خون در این مشکل بسیار مفید است. از نظر رژیم غذایی: آلبالو و آب لیموی ترش مفید است ولی توجه داشته باشید که در مصرف آن ها زیاده روی نکنید. بانوشیدن آب، غلظت خون در حد متعادل باقی می ماند و مشکلاتی چون لخته شدن خون بروز نمی کند. به طور کلی میوه ها و سبزی های به علت دارا بودن ویتامین C و فیبر های محلول و نامحلول، یک عمل حفاظتی در قبال افزایش غلظت خون و کاهش میزان فیبرینوژن (پروتئینی که تبدیل به لخته می شود) و افزایش فشار خون دارند. به همین علت افرادی که گیاه خوارند، دارای خون رقیق تر و فشار خون و فیبرینوژن پایین تری هستند.

دلیل کم شدن گلبول های سفید خون چیست؟

کم شدن گلبول های سفید خون را در اصطلاح علمی (لکوپنی) می گویند. کم شدن گلبول های سفید خون گاهی بر اثر ضعف عمومی، کم خونی ها و مصرف بعضی داروهایش می آید ولی این کم شدن اگر با تغییراتی در نوع گلبول های چند هسته ای و یک هسته ای هم انجام شود، خود عامل مهمی در تشخیص بیماری است. در بیماری هایی مثل حصیه پاتب روده، تب مالت، مالاریا، سرخک، هیپاتیت، اوربون، فلج کودکان و بیماری های دیگر تعداد گلبول های سفید خون پائین می آید. لکوپنی گاهی به علت یک کم خونی ساده و گاهی هم به جهت وجود کم خونی های شدید بعد خونریزی و بعضی بیماری های خونی خوش خیم و بدخیم دیده می شود. بعضی داروها مثل آنتی هیستامین ها و بعضی آنتی بیوتیک ها و مسکن ها و داروهای ضد بیماری های تیروئید ممکن است تعداد گلبول های سفید خون را کم کند. گاهی هم لکوپنی هیچ علتی ندارد و خود به خود برطرف می شود ولی چون گلبول های سفید از عوامل سیستم ایمنی بدن ما هستند، باید علت آن روشن شود.

میخچه چگونه به وجود می آید و چگونه در مان می شود؟

علت بروز میخچه فشار وارده به پاست که در اثر پوشیدن کفش های تنگ ایجاد می شود لذا خودداری از پوشیدن کفش های تنگ و معیوب اولین قدم در پیشگیری و درمان میخچه است. برای درمان میخچه بهتر است ابتدا انگشت آسیب دیده را به مدت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه در آب گرم نگه دارید و سپس با استفاده از سوهان خاص پینه برداری قسمت نرم شده میخچه را بردارید تا میخچه با پوست مجاور آن در یک سطح قرار گیرد و سپس با استفاده از محلول هایی که ترکیب اصلی آن اسید سالیسیلیک است دقیقا روی میخچه بزنید تا آنرا برطرف کند. توجه داشته باشید که محلول مورد نظر به هیچ وجه نباید با پوست سالم اطراف میخچه تماس پیدا کند لذا با دایره ای میخچه را پوشانده و در استفاده از محلول دقت کنید. البته برای این منظور از چسب های خاص ضد میخچه هم می توانید استفاده کنید ولی به خاطر داشته باشید که ممکن است برای رفع کامل میخچه نیاز به تکرار این کار باشد و حتی در مواردی که با این روش ها برطرف نشاند نیاز به جراحی کوچک باشد.

به دلیل باور های غلطی که در مورد سلامت روان وجود دارد، بسیاری از کودکان توجه و مراقبت لازم را دریافت نمی کنند. در واقع خانواده ها باید بدانند که اگر در مواقع ضروری از روان شناس کمک بگیرند نشانه ضعف و ناتوانی آن ها نخواهد بود. کودکان در مسیر رشد و زندگی خود موانع بسیاری نظیر اضطراب، استرس، غم و غیره را تجربه می کنند و بسیار دشوار است که بدانیم چه هنگام کودک می تواند روی پای خود بایستد و چه زمانی نیاز به کمک یک متخصص دارد. در بسیاری از موارد والدین تا آنجا که ممکن باشد از مراجعه به پزشک و روان شناس خودداری می کنند. اگر دست کودکان شکسته باشد، مراجعه به پزشک اولین کاری است که انجام خواهید داد؛ پس چرا زمانی که روح کودکان آسیب دیده است، از مراجعه به متخصص دوری می کنید؟! خبر بسیار خوب آن است که متخصصان می توانند کمک های بسیاری خوبی به کودک شما بپردازند. کودکان از سن ۴ سالگی می توانند به راحتی از این گونه درمان ها بهره ببرند. اگر در کودک خود به موارد زیر برخورد کردید، حتما به متخصص مراجعه کنید:

+ کودکان ناگهان شروع به فاصله گرفتن از دوستان خود کرده است.

روابط دوستی به مرور زمان تغییر می کنند و برخی از کودکان گروه های دوستی بزرگ تری را می پسندند. اما اگر کودکان از دوستان خود دوری می کند، می تواند برای شما زنگ خطر باشد. حواستان به این جملات باشد: همه از من متنفر هستند، من یک بازنده هستم، من هیچ دوستی ندارم.

+ کودکان در خانه، مدرسه و اجتماع با مشکل روبه روست.

اگر کودکی از لحاظ احساسی با مشکل روبه رو باشد، بسیار بد رفتار خواهد شد. به طور مثال جواب معلم خود را می دهد، خواهر و برادرش را می زند و به حرف مریب خود گوش نمی دهد.

+ کودکان پسرقت کرده است.

یک اصل وجود دارد: هنگامی که کودکان با یک تغییر عمده در زندگی خود مواجه می شوند نظیر تولد نوزاد جدید، تغییر محل زندگی یا طلاق والدین، ممکن است دچار پسرقت شوند. اما رفتار هایی نظیر شب ادراری، وابستگی شدید، ترس بیش از حد، و کج خلقی هایی که به تغییر مربوط نمی شوند یا ماه ها پس از تغییر همچنان باقی می ماند، نشانه هایی از مشکل هستند.

+ کودکان رفتار های خود مخربی از خود نشان می دهد.

این مسئله می تواند بسیار سخت باشد، زیرا گاهی کودکان ممکن است بدون آنکه بخواهند به خود آسیب بزنند، سر خود را به چیزی بکوبند. اما رفتار های خود مخرب تکرار شوند، می توانند نگران کننده شوند؛ نظیر کندن ناخن ها از ته به نحوی که در دیگر دهن زدن یا پیریدن خود.

+ عادات های خواب و اشت های کودکان تغییر کرده است.

علامت های نگران کننده می تواند شامل اختلالات خواب، کابوس، پر خوری یا کم خوری بیش از اندازه و سردرد در دشتید را شامل شود.

+ کودکان به شدت ناراحت و نگران است.

همه کودکان نگرانی هایی داشته و همگی ممکن است گریه کنند و این بخشی از کودکی است؛ اما نگرانی هایی که مانع از به مدرسه رفتن او یا مراقبت از خودش شود، می تواند غیر عادی باشد.

+ کودکان درباره مرگ زیاد سخن می گوید.

هنگامی که کودک با مفهوم مرگ آشنا می شود، بسیار طبیعی خواهد بود که در مورد آن صحبت کند. اما صحبت مکرر از مرگ می تواند زنگ خطر باشد. مراقب جملاتی که در مورد خود کشی و یاد یگر کشی هستند باشید. هر گونه صحبت در مورد خود کشی و یا کشتن دیگران نیاز فوری به کمک متخصص دارد.

به طور کلی شناخت شما از کودکان بیشتر است. برخی از کودکان می توانند به راحتی احساسات خود را بروز دهند. رفتار آن ها را به دقت تحت نظر بگیرید. اگر رفتاری در او می بینید که شمار انگران می کند حتماً از یک متخصص کمک بگیرید.



با دندان عقل چه کنیم؟

دکتر عباس سیدشاکری / متخصص بیماری‌های لثه

از علل نهفتگی دندان عقل، نبود فضای کافی برای رویش دندان، وجود بافت ضخیم استخوانی روی دندان عقل، وجود بافت ضخیم و حجیم روی دندان و عوامل ژنتیک است. بی‌شک، تاثیر عوامل ژنتیک را نمی‌توان در نهفتگی دندان عقل نادیده گرفت. به عنوان مثال، یک فرد می‌تواند ژن مرتبط با کوچکی اندازه فک را از یکی از والدین و ژن مربوط به بزرگی اندازه دندان‌ها را از والد دیگر دریافت کرده باشد. در واقع، نبود تعادل در اندازه فیزیکی دندان‌ها و فکین می‌تواند سبب نرویدن دندان عقل شود.

آمان از دندان عقلی که نروید

دندان‌های نهفته و به خصوص نیمه‌نهفته می‌توانند باعث بروز التهاب و عفونت و بیماری لثه اطراف خود و حتی اطراف دندان‌های مجاور شوند. پوسیدگی دندان مجاور و عفونت لثه روی دندان نهفته و گسترش عفونت به دیواره‌های اطراف حلق، از عوارض احتمالی نهفتگی دندان عقل است. همچنین احتمال نفوذ و توسعه عفونت به نواحی حلقی و ایجاد آبسه در نواحی حلق و گلوگاه از عوارض احتمالی خطرناک ناشی از نهفتگی دندان عقل است. زاویه قرارگیری دندان نهفته نسبت به دندان‌های مجاور در بروز عوارض نهفتگی موثر است. دندان‌های نهفته حتی اگر هیچ‌گونه عارضه‌ای ایجاد نکرده باشند، همیشه پتانسیل بروز مشکلاتی نظیر تشکیل کیست یا تومور فکی را دارند. همچنین وجود دندان نهفته در شرایط خاص می‌تواند سبب افزایش احتمال شکستگی فک در اثر ضربه شود. دندان‌های نهفته، انجام درمان ارتودنسی را با مشکل مواجه کرده و ساخت دندان مصنوعی را مختل می‌کنند.

خلاصی از شر دندان عقل

دندان‌های کاملاً نهفته بنا به تشخیص دندانپزشک و در شرایطی که در معاینه بالینی و رادیوگرافی دچار تغییرات پاتولوژیک شده باشند، باید خارج شوند. گاهی نیز دندان‌های عقل به دلیل انجام درمان ارتودنسی و پروتزی و بیماری لثه باید خارج شوند حتی اگر عوارضی ایجاد نکرده باشند. البته بهترین سن جراحی دندان عقل نهفته ۱۷ تا ۲۰ سالگی و اصولاً قبل از شروع عوارض است. در بسیاری موارد، دندان عقل نهفته تا پایان عمر بدون ایجاد مشکل می‌تواند باقی بماند، اما در مواردی که سن بیمار بالای ۳۵ سال باشد و این دندان مشکلی برای وی ایجاد نکرده باشد کنترل دوره‌ای توصیه می‌شود.

نشانه‌های مشکل ساز شدن دندان عقل نهفته

- تورم و التهاب و قرمزی مخاط و لثه در محل یا پیرامون دندان عقل
- درد و حساسیت به لمس در محل دندان عقل یا در نواحی انتهایی فک و اطراف حلق و گلو
- افزایش ترشحات ناحیه دندان عقل و پیرامون آن
- انقباض عضلات فک و صورت و محدودیت در باز کردن دهان
- دردهای نامشخص فک و صورت
- احساس بوی نامطلوب در دهان
- مشاهده تغییرات نامطلوب در معاینات رادیوگرافی.

چطور با رژیم غذایی آنزایمر را درمان کنیم؟

خوراکی‌هایی که برای پیشگیری و درمان بیماری آنزایمر مفید هستند:

ماهی: مصرف ماهی‌هایی مثل قزل‌آلا و ساردین به علت دارا بودن اسید چرب امگا ۳ خطر ابتلا به آنزایمر را کاهش می‌دهند.

سیب: عامل اصلی ایجاد آنزایمر، رادیکال‌های آزاد اکسید کننده هستند که با افزایش سن بیشتر تولید می‌شوند. در سیب ماده آنتی اکسیدانی به نام کورستین وجود دارد که بیشترین مقدار آن در پوست سیب نهفته است. سیب قرمز در مقایسه با سیب زرد و سبز آنتی اکسیدان بیشتری دارد. اگر می‌خواهید جلوی تولید رادیکال‌ها را بگیرید یا تولید آن‌ها را به حداقل برسانید، حداقل روزی یک عدد سیب قرمز یا پوست میل کنید.

زردچوبه: زردچوبه در درمان و پیشگیری از بیماری آنزایمر موثر است. رنگ زرد زردچوبه به دلیل وجود ماده‌ای به نام کورکومین (CURCUMIN) است. محققان دریافته‌اند زردچوبه با رنگ دانه زرد موجود در ادویه کاری، پروتئینی به نام بتا امیلیوئید را در مغز موش هاتجزیه کرده و از رسوب این پروتئین جلوگیری می‌کند، زیرا این پروتئین سبب تخریب بافت مغز می‌شود. محققان معتقدند زردچوبه بیش از هر داروی دیگری در پیشگیری از تشکیل توده پروتئینی موثر است. این تحقیق نشان می‌دهد، می‌توان از خواص ضدالتهابی و آنتی اکسیدانی این ماده در بیماری‌هایی مانند سرطان، آلزایمر و بیماری‌های قلبی بهره برد.

گردو: گردو را به نام غذای مغز نیز می‌شناسند و این فقط به خاطر شباهت آن به مغز نیست، به خاطر وجود امگا ۳ فراوان آن می‌باشد. برای درست عمل کردن مغز، به امگا ۳ نیاز داریم. آنتی اکسیدان گردو در بین آجیل‌ها از همه بیشتر است. پس مصرف گردو نیز می‌تواند از آلزایمر پیشگیری کند.

بادام: بادام نیز آنتی اکسیدان است. در پوست بادام ویتامین E وجود دارد. این ویتامین، یکی از انواع آنتی اکسیدان‌های ما باشد. **روغن زیتون:** روغن زیتون از بروز فراموشی و آلزایمر در افراد مسن جلوگیری می‌کند. اسیدهای چرب غیر اشباع موجود در روغن زیتون می‌تواند باعث حفظ ساختار غشای سلول‌های مغزی شوند.

اسید فولیک: طی تحقیقاتی مشخص شد میزان اسید فولیک در خون افراد مبتلا به آلزایمر پایین است و در تحقیق دیگری مشاهده شد مصرف کم سبزیجات سبز رنگ موجب افت اسید فولیک خون و بروز لخته‌های خونی در مویرگ‌های مغز و آسیب به بافت مغز می‌شود که فراموشی را در پی دارد. همچنین مصرف لوبیای سوبانیز مفید است.



بابروکلی به جنگ سرطان بروید!

هیچ می دانستید بروکلی با آن ساقه ها و گل های کوچکی که ظاهری درخت مانند به آن داده یک گیاه ساخته دست بشر است!؟ محققان گیاه شناسی و گیاه پروری با پیوند زدن های پی در پی گل کلم و سایر انواع کلم ها، بروکلی را پرورش داده اند. نوع خاصی از بروکلی که تنها در ایالت کالیفرنیا رشد می کند، در نهایت باعث معروف شدن این کلم به «کالابرس» در سراسر جهان شد اما اسم «بروکلی» از کلمه لاتین «براکیوم» به معنی «چند بازو» گرفته شده است. کاشت و برداشت بروکلی همچنان فراگیرتر از قبل می شد و در سال ۱۹۲۵ دانشمندان از خواص بی نظیر و ضدسرطانی این گیاه تعریف می کردند. البته این خواص در سایر گیاهان چلیپایی مثل کلم برگ، گل کلم، کاهو و کلم بروکسل (کلم فندوقی) هم پیدا می شود. بروکلی حاوی ویتامین های B، A، C و مواد معدنی مثل پتاسیم، آهن، فولاسین (اسید فولیک) و فیبر است.

و مواد مغذی شان بیشتر حفظ می شود. البته محصولات منجمد دوبرابر تازه هاسدیم دارند!

باباسرطان بجنگید!

بروکلی سرشار از کلسیم و مواد آلی تغذیه ای ضروری شامل بتاکاروتن، ایندول و ایزوتیوسیانیدها است. این مواد آلی می توانند مانع از تشکیل و تجمع مواد سرطان زادر سلول های هدف شوند. اگر می خواهید با بروکلی ضدسرطان شوید و ریسک ابتلا به انواع سرطان ها را کاهش دهید، باید روزی نصف پیمانه بروکلی میل کنید. این مقدار بروکلی فقط ۲۲ کیلوکالری انرژی دارد اما خواص بسیار ارزشمندی به بدن می رساند. همچنین مصرف بروکلی می تواند میزان آنتی اکسیدان های بتاکاروتن و لوتئین را در خون افزایش دهد و به این ترتیب احتمال اکسیداسیون سلول های سالم و همچنین سرطانی شدن شان کاهش می یابد.

سمزدایی با بروکلی

بروکلی یک سمزدای عالی و قوی برای بدن است؛ طبق آخرین پژوهش ها سه نوع ریز مغذی گلوکوزینولات که در ترکیبات خاص بروکلی وجود دارد، باعث چنین خاصیت شگفت انگیزی می شود. این ریز مغذی ها در تمام فرآیند سمزدایی بدن شامل فعال سازی، خنثی سازی و حذف آلاینده های ناخواسته، نقش پشتیبانی را به عهده دارند! «ITC» ها مولکول های تنظیم کننده سمزدایی هستند که از گلوکوزینولات های بروکلی درست می شوند و به کنترل فرآیند سمزدایی کمک می کنند. وقتی برای جبران کمبود ویتامین D فرد مجبور به مصرف مقادیر بالای مکمل هاست، مصرف فراوان مکمل های ویتامین A و K می تواند متابولیسم ویتامین D را متعادل نگه دارد. بروکلی حاوی ترکیبی از ویتامین A به شکل بتاکاروتن و ویتامین K است که این ترکیب به طرز غیر معمولی قوی است. بروکلی حاوی نوعی فلاونوئید است که بر اساس آخرین تحقیق ها، می تواند تجمع مواد آلوده را در بدن کاهش دهد. این ترکیبات همچنین توجیه کننده خاصیت ضد عفونی کنندگی بروکلی است و دریچه ای رویه مطالعات بیشتر در باره خواص غذایی بروکلی است.



کاهش وزن با خوراکی های نارنجی

نتایج برررسی های اخیر نشان می دهد که سبزی ها و میوه های نارنجی رنگ برای لاغری مفید است. این مواد غذایی نارنجی رنگ، غنی از فیبر و دارای قند طبیعی است. در ادامه این مطلب به برخی از این میوه ها و سبزی ها اشاره می کنیم.



لاغری با هویج

خام یا پخته سرشار از فیبر است و ایجاد سیری می کند. نسبت به سبزی های دیگر کالری کمتری دارد.



لاغری با پرتقال

سرشار از ویتامین C است که برای کاهش وزن مفید است زیرا ویتامین C تولید کورتیزول را در بدن را افزایش می دهد.



لاغری با کدو حلوایی

کم کالری و سرشار از فیبر است و به دلیل کند کردن روند هاضمه، فرد دیرتر احساس گرسنگی می کند.



لاغری با انبه

این میوه در کاهش وزن سریع موثر است و با ایجاد انرژی زیاد، فرد را در طول روز فعال نگه می دارد. از آن جاکه این میوه تولید کننده حرارت است، مصرف آب را افزایش دهید.



به محتویات تابه اضافه کرده، آب یک عدد لیمو ترش تازه را رویش بریزید و دو دقیقه مواد را بهم بزنید. در نهایت مواد داخل تابه را به مخلوط کن منتقل کرده، همراه یک چهارم پیمانه پنیر فتا و همین مقدار آب، مخلوط کنید. وقتی مخلوط یکدستی ایجاد شد، مقداری روغن زیتون به آن اضافه کرده و باز هم بزنید تا یکنواخت شود. حالا می‌توانید پاستای خود را با این سس مخصوص میل کنید.

زیباتر شوید

بروکلی حتی پوست‌تان را زبامی‌کند و سلول‌هایی را که به خاطر اشعه‌های مضر آفتاب آسیب دیده‌اند، ترمیم می‌کند. در واقع در طول فرآیند سم‌زدایی بدن، گلوکورافانین موجود در بروکلی توسط بدن به سولفورافان تبدیل می‌شود و همین ماده بیشترین تاثیر را در ترمیم آسیب‌های پوستی ناشی از تابش خورشید دارد. سعی کنید حداقل دو، سه بار در هفته و هر بار حداقل یک تا یک و نیم پیمانه از انواع سبزی‌های چلیپایی (بروکلی و سایر کلم‌ها و کاهو) را در برنامه غذایی‌تان داشته باشید. برای زندگی سالم‌تر می‌توانید تعداد دفعات مصرف این سبزی‌ها را به چهار، پنج بار در هفته و هر بار دو پیمانه برسانید.

پاستای بروکلی و فتا

۵۰۰ گرم ماکارونی پنه را مطابق دستورالعمل روی بسته‌اش آبکش کنید. گل‌های بروکلی را رانش دقیقه داخل آب بجوشانید و بعد از آب خارج کنید. مقداری روغن زیتون را روی حرارت متوسط گرم کرده، دو بن سیر را خرد کرده و دو دقیقه در روغن تفت دهید. حالا ۲۵۰ گرم سوسیس دودی را به روغن اضافه کرده و کمی هم بزنید تا سوسیس‌ها داغ شوند. شعله‌اجاق را بالا بکشید و بروکلی، ماکارونی و ۱۲۰ گرم پنیر فتای خرد شده را به سوسیس و سیر اضافه کنید.



در نقش «سس پاستا»

می‌توان از بروکلی سسی درست کرد که حسابی برای پاستا مناسب است! با مقداری روغن و پنیر می‌توان بروکلی بخارپز را به یک سس سبز تبدیل کرد. این سس واقعاً خوشمزه است و به این ترتیب شما هم سبزی مورد نیازتان را مصرف می‌کنید. کافیت گل‌های سرنیم کیلو بروکلی را جدا کنید و در دو قاشق آب بخارپز شانه کرده، با مقدار کمی نمک و فلفل طعم‌دارش کنید. مقداری روغن زیتون را در تابه گرم کرده، نصف یک پیاز کوچک یا دو عدد پیازچه را همراه با دو بن سیر خرد کنید و در روغن تفت دهید. وقتی پیازها نرم شد، بروکلی را به تابه اضافه کنید و تا زمانی که بوی پیاز داغ‌تان در نیامده، اجازه دهید مواد با هم بپزند. یک سوم پیمانه جعفری ساطوری شده را

سرخ کنیم یا بخارپز؟!

بهترین شیوه پخت بروکلی همان بخارپز کردن است؛ به این ترتیب ذرات فیبری آن قابلیت هضم بهتری خواهند داشت و در پی فعل و انفعالاتی که در معده رخ می‌دهد، کلسترول خون را هم کاهش می‌دهد. بیش از حد پختن بروکلی نه تنها باعث له شدنش می‌شود بلکه از بین رفتن خواص و مزه آن را به دنبال دارد. پنج دقیقه بخارپز کردن این سبزی کافی است. می‌دانید که سرخ کردن یکی از بدترین و مضرترین شیوه‌های طبخ غذاست اما اگر مشکل اضافه وزن، چربی خون یا بیماری قلبی ندارید، بد نیست برای تغییر ذائقه یا برای علاقه‌مند کردن کودکان به بروکلی، آن را در کره سرخ کنید و از طعمش لذت ببرید؛ البته فقط گاهی! سعی کنید موقع سرخ کردن بروکلی و مدت زمان سرخ کردن هم بیش از سه دقیقه نباشد؛ به این ترتیب دو سوم مواد مغذی (شامل ویتامین‌ها، مواد معدنی، فنول‌ها و گلوکوزینولات‌ها) موجود در بروکلی حفظ خواهد شد.

سه راه برای بروکلی خوری!



3

کبابی: بروکلی کبابی
نه تنها تردتر از بخارپز است که طعم قوی‌تری هم دارد. شما می‌توانید آن را با مقداری پنیر پار مزان نوش جان کنید.



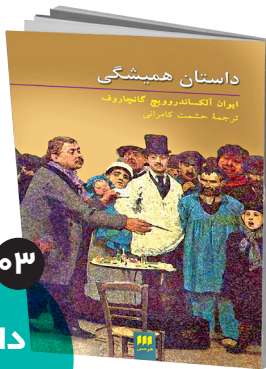
2

بخارپز: راحت‌ترین راه خوردن بروکلی
بخارپز کردن است. شما می‌توانید آن را با مقدار کمی نمک، سرکه و روغن زیتون میل کنید.



1

خام: بروکلی خام
دلپذیری به سالاد می‌دهد و می‌تواند همراه با روغن زیتون، فلفل تند و مقداری سیر طعم بی‌نظیری داشته باشد.



۵۳

داستان همیشگی

نویسنده: ایوان الکساندروویچ
مترجم: حشمت کامرانی
ناشر: هرمس گونه: زمان

رمان «داستان همیشگی» سر آغاز داستان مشهور آلبوموف گانچاروف است. آلبوموف یکی از شاهکارهای ادبیات روسیه و شاهکار گانچاروف و روایت مردی است که اصطلاحاً به او آدم اضافی می‌گویند. خود کلمه آلبوموف نیز به معنای انسان اضافی و بی مصرف است. شخصیتی بی‌اراده و بس ضعیف که به خاطر آرزوهای دست‌نیافتنی و دور از دسترس خودش را از جامعه متمایز می‌کند یا جامعه او را از خود کنار می‌گذارد و به آن‌ها احساس زائد بودن و درک نشده می‌دهد. این افراد قادر نبودند با پیشرفت جامعه خودشان را متفاوت کنند و بر قدرت‌ها و امکاناتشان بیفزایند و همسو با جامعه تغییر کنند بنابراین توان یافتن کاری مناسب نداشتند و نمی‌توانستند رفتار اجتماع را درک کنند. آلبوموف‌ها اغلب منزوی، سردرگم و غمگین هستند و نویسنده با نمایش چنین شخصیتی بیم آن دارد که این رفتار آلبوموف گونه به شکل یک رفتار همگانی در جامعه تسری پیدا کند. بی‌ارادگی و بی‌تصمیمی فراگیر می‌تواند به داستانی همیشگی تبدیل شود و همه جامعه را فرا بگیرد.

نویسنده از تحصیلکردگان رشته روان‌شناسی است. آن‌گونه که در کتاب آمده، وی از روان‌درمانگران برجسته بوده و دارای تجارب فراوان در زمینه مشاوره و درمان است. راستی، تعریفی هم برای استرس بیان شده است؟ نویسنده می‌گوید: استرس آن چیزی است که هنگامی که باور دارید نمی‌توانید به طور مؤثری با یک موقعیت تهدیدآمیز مواجه شوید، آن را تجربه می‌کنید. به عبارت دیگر استرس وقتی ایجاد می‌شود که ذهن شما بر خواسته اولیه بدنتان پیشی می‌گیرد. شاید نزدیک‌ترین واژه به استرس در زبان فارسی، واژه فشار روانی باشد. این نوع از فشار هرچند مستقیماً بر جسم افراد وارد نمی‌شود، اما به دلیل وجود ارتباط قوی میان جسم و روان، آثار بسیار قوی بر جسم می‌گذارد. هر چند نویسنده به برخی آثار مثبت استرس نیز اشاره کرده است اما در مجموع عدم آگاهی از شیوه برخورد با مسائل زندگی سبب می‌شود آثار منفی آن اثرات ناخوشایند زیادی بر جسم و زندگی ما بگذارد. مطالب کتاب را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: یکی مطالبی که در بخش دو برای کاهش استرس به صورت فردی آمده و دیگری مطالبی که در بخش‌های دیگر برای اصلاح ساختاری و سبک زندگی استرس‌زا به آن‌ها اشاره شده است. ■

نویسنده: آلن الکین
مترجم: اکرم قیطاسی
ناشر: آوند دانش
گونه: روان‌شناسی



۵۲

مدیریت استرس



۵۱

سیرت جاودانه

نویسنده: سید جعفر مرتضی عاملی
ناشر: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
گونه: اعتقادی

فهم صحیح و دقیق سیره فردی و اجتماعی پیامبر اعظم (ص) از میان تار و پود موجود، نیازمند نقد و ارزیابی عالمانه حدیث در حوزه تاریخ و سیره است که این خبیه خود بدون تبحر و اشرافی عالی بر منابع تاریخی حاصل نمی‌شود. «علامه سید جعفر مرتضی عاملی» را می‌توان محقق و اندیشمند بزرگی در این عرصه دانست که در تاریخ شیعه به حق، بی‌نظیر است. کتاب «سیرت جاودانه» ترجمه و تلخیص ۱۰ جلد ابتدایی کتاب «الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)» نوشته ایشان است که توسط دکتر محمد سپهری در دو جلد به فارسی برگردانده شده است. ایشان علاوه بر سبک ویژه‌ای که در سیره‌نگاری دارند، به نقد و ارزیابی نقل‌های تاریخی و حدیثی مبتنی بر آموزه‌های کلامی شیعی پرداخته است و در این زمینه اصول و مبانی راهبردی نوینی به خواننده ارائه می‌دهد. دیدگاه‌های مبتکرانه و ارزشمندی که ایشان در شماری از حوادث و وقایع مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام دارد، بر اشتیاق مخاطب می‌افزاید. ■

نویسنده: جکی سیلبرگ
مترجم: آناییتا آذری
ناشر: قدیانی
گونه: کودک



۵۴

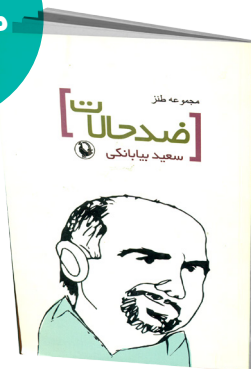
۱۴۰ بازی با بچه‌ها

اعداد و ارقام مهم هستند. کودکان ما هم مهم هستند. اعداد و ارقام وقتی به زندگی کودکان ما مربوط می‌شوند، مهم‌تر هستند. اگر تازه پدر و مادر شده‌اید که اول راهید، شما تا تولد تا سه سالگی کودکان، فرصت دارید از این کتاب استفاده کنید. خواندن کتاب «۱۴۰ بازی فکری با بچه‌ها» به شما این امکان را می‌دهد تا از ابتدای تولد فرزندتان، به درست از ابتدای نوزادی تا سه سالگی به فکر او باشید و با بازی فکری انجام دهید. این کتاب که به گذشت یک دهه از اولین چاپش در ایران هنوز تجدید چاپ می‌شود، به شما بازی‌های فکری مناسب نوزادی تا سه سالگی را پیشنهاد می‌دهد و این ۳۶ ماه راه‌باز ده‌ده دوره برای شما تقسیم می‌کند. سلیقه شما هم شرط است! ببینید، بخوانید و بازی مناسب کودکان را بر اساس روش تربیتی خودتان برای او انتخاب کنید. از روش تربیتی خودتان غافل نشوید. ■



۵۵

ضدحالات



نویسنده: سعید بیابانکی

ناشر: مروارید

گونه: شعر طنز

«ضدحالات» دومین مجموعه طنز سعید بیابانکی پس از کتاب «هی شعر تر انگیزد» است که بیشتر شامل نثر بوده و تعدادی از داستان‌های کوتاه فارسی در آن منتشر شده است. ضدحالات از سوی انتشارات مروارید به چاپ رسیده است. این مجموعه اثری است شیوا و دلنشین شامل چهار بخش. موضوعات مختلفی از جمله سفر به هند و تاجیکستان شالوده بخش اول را تشکیل می‌دهند و خاطرات دلنشینی از نگارنده در باب شاعری خود محتوای بخش دوم را. شاعر در بخش سوم با نام «حافظ + من» به تک بیت‌هایی از خواجه شیراز، پاسخی شیرین و درخور می‌دهد که نمونه‌ای از آن در پایان یادداشت آمده است و بخش پایانی آن مجموعه‌ای از سه شعر طنز این شاعر خوش قریحه اصفهانی است که مجموعه‌ای از راننده‌ای را ارائه داده است:

زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت ■

تا بگویند عجب رقص قشنگی دارد

۵۶

من زنده‌ام



نویسنده: مهروز دوست‌پور

ناشر: نشر بروج گونه: خاطره

اسارت مفهومی است که تا اسیر نشده باشی نمی‌توانی آن را درک کنی. برای یک مرد هم مفهوم اسارت غیر قابل تصور است چه رسد به اینکه این اتفاق را از زبان یک دختر ۱۷ ساله بشنوی! دختری که در روزهای ابتدایی یک نبرد بزرگ اسیر دشمنی شود که به هیچ قانون و اخلاق و اصولی پایبند نیست. معصومه آباد، راوی کتاب «من زنده‌ام» یکی از نیروهای جوان هلال احمر بوده که بعد از وقوع انقلاب اسلامی به عنوان نماینده فرماندار در هلال احمر در یکی از یتیم خانه‌های شهرش مشغول به کار می‌شود و در زمان آغاز حملات هوایی رژیم بعث به شهر آبادان مجبور به انتقال کودکان به شیراز شده و در راه برگشت و در همان روزهای ابتدایی جنگ به اسارت درمی‌آید. او که به همراه سه زن دیگر بیش از چهار ماه در اسارتگاه رژیم بعث محبوس بوده‌اند، بعد از آزادی و بازگشت به وطن در تشریف به حج تصمیم می‌گیرد که برای حفظ میراث گرانمایه‌های هشت سال دفاع مقدس دست به قلم شود و نتیجه کار او کتابی ۵۵۰ صفحه‌ای است که در هشت فصل خود روایت روزهای زندگی‌اش از کودکی تا زمان آزادی‌اش از اسارت را جای داده است. ■

۵۷

۵۵ دانشمند ایران و اسلام

نویسنده: حسن سالاری

ناشر: محراب قلم

گونه: تاریخی



همه ما دانشمندان معروفی چون «زکریای رازی، جابر بن حیان، محمد خوارزمی و ابونصر فارابی» را کم یا زیاد می‌شناسیم، اما شاید حتی نامی از «حنین بن اسحاق، زکریای طیفوری و بوزجانی» نشنیده باشیم؛ در حالی که این دانشوران و دانشمندان، تأثیر ماندگار و جریان‌سازی در رشد علم جهان داشته‌اند. از این رو، کتاب «۱۰۰ دانشمند ایران و اسلام» در شناخت این دانشمندان به ما کمک می‌کند. هر صفحه از این کتاب به معرفی یکی از این دانشمندان می‌پردازد. همچنین وقتی جابر بن حیان کیمیاگر و طبیعت‌شناس مشهور ایرانی معرفی شده، نویسنده در کنارش به چهار دانشمند مرتبط با او «خوان الصفا، رازی، کندی و مجریطی» نیز پرداخته است. ■

من دیگرما

فرزنده‌های تربیت‌های تربیت‌فرزند در دنیای امروز (دوره پنج جلدی)

نویسنده: محسن عباسی‌ولدی

ناشر: جامعه‌الزهر

گونه: خانواده / تربیتی

۵۸

من دیگرما

من دیگرما: مهارت‌های تربیت‌فرزند در دنیای امروز (دوره پنج جلدی)

نویسنده: محسن عباسی‌ولدی

ناشر: جامعه‌الزهر

گونه: خانواده / تربیتی

امروزه دو رویکرد اصلی در مورد مباحث تربیتی وجود دارد. رویکرد اول، محور اصلی مباحث را به پاسخ‌گویی به مشکلات روزمره تربیتی اختصاص می‌دهد. رویکرد دوم مباحث تربیتی را به صورت قاعده‌مند مطرح می‌کند؛ در این رویکرد اگر والدین قواعد تربیت‌فرزند را یاد بگیرند بسیاری از مشکلات تربیتی حل خواهد شد. مجموعه «من دیگرما» رویکرد سوم را در پیش گرفته است، رویکردی که آموزش قواعد تربیت را اصل می‌داند؛ اما با ذکر مثال‌ها و داستان‌واره‌های متعدد تلاش می‌کند شیوه اجرای این قواعد را در مسایل تربیتی روزمره آموزش دهد. مطالعه این اثر چشم‌انداز تازه‌ای را مقابل خانواده‌ها ایجاد می‌کند. برخی از مباحث این دوره پنج جلدی از این قرار است:

جلد ۱: مشکلات تربیت در دنیای امروز - مبانی تربیت دینی - نقش رفتار والدین در تربیت‌فرزند

جلد ۲: محبت و آثار آن در تربیت‌فرزند - دلایل اثر نکردن محبت - شیوه‌های ابراز محبت

جلد ۳: آثار آزادی کودکان - آثار محدودیت‌های بی‌جا - چرا فرزندانمان را آزاد نمی‌گذاریم؟ - هنر آزاد گذاشتن کودک

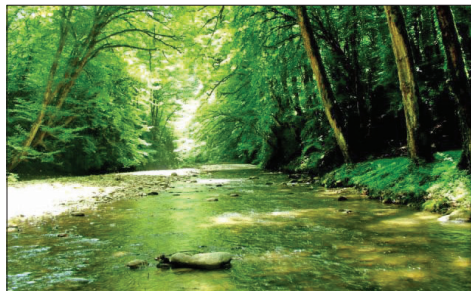
جلد ۴: رابطه بازی با محبت و ورزشی - چرا بازی بچه‌ها را جدی نمی‌گیریم؟ - ویژگی‌های بازی مفید

جلد ۵: جایگاه نگاه در تربیت - پیامدهای جسمی تلویزیونی شدن - پیامدهای تربیتی تلویزیونی شدن - دلایل تلویزیونی شدن خانواده‌ها - برای پیشگیری و درمان تلویزیونی شدن چه کنیم؟ ■

همه اطلاعات این سرزمین

لازم درباره یک شهر را به دست بیاورد ابتدا نام استان و بعد شهر مورد نظر را سرچ می کند و خیلی زود با پستهای کامل شامل اطلاعات و راهنمایی های مختلف دست می یابد. مثلاً کسی که قصد سفر به تهران دارد در باکس اول نوار بالای صفحه، نام این استان (تهران) و در باکس دوم نام شهر مورد نظر (تهران) را وارد می کند. کاربر به ترتیب با این منوها روبه رو می شود: همه جاذبه های گردشگری، جاذبه های طبیعی، جاذبه های تاریخی، جاذبه های مذهبی، جاذبه های تفریحی، هتل ها، رستوران ها، غذاهای محلی، سوغاتی، صنایع دستی، موسیقی، بازی ها، پایانه های مسافربری و نقشه شهر.

علاقه مندان ایران گردی می توانند با مراجعه به سایت «سیری در ایران» به نشانی <http://seeiran.ir> اطلاعات خوب و مفیدی از مناطق دیدنی کشورمان به دست بیاورند. در این پایگاه اینترنتی علاوه بر معرفی امکان مذهبی، تاریخی و گردشگری کشورمان، بسته های پیشنهادی در معرفی آبشارها، موزه ها و غذاهای محلی هر استان به چشم می خورد. در کنار این موارد سوغاتی های شهرهای مختلف کشورمان، صنایع دستی آن ها و همچنین اطلاعات هتل ها شرح داده شده است. دیگر ویژگی خوب این سایت جست و جوی پیشرفته آن است. یعنی اگر کسی بخواهد اطلاعات



نام: سیری در ایران
نشانی: seeiran.ir



رونق سوپرمارکت ها

صدیق شریف به عنوان بازیگر حضور دارند. یکی از اپیزودها (قرار ملاقات) را حسینی کارگردانی کرده. اگر اسم و نام حسینی و سوسه تان می کند آن را بخیرید اما انتظار یک اثر متعارف داستان گو نداشته باشید.

روزگاری عشق و جنایت نخستین ساخته بلند داود بی دل است. او برای سوژه فیلمش از یکی از وقایع پس از انقلاب و ماجرای دشت مغان را انتخاب کرده. تلاشش این بوده که در بستری عاشقانه فیلمی درباره تاریخ معاصر بسازد. در این میان به دخالت های رژیم صهیونیستی هم نقی بزند. فیلم سرگرم کننده است، چند نکته ویژه تاریخی هم دارد. با اغماض از ضعف قصه می توان آن را دید و لذت برد.

ته خط را منوچهر هادی کارگردانی کرده است. بارزترین ویژگی فیلم قصه جذاب و سرگرم کننده آن است. داستانش را خیلی زود تعریف می کند و تا آخر با گره افکنی های متعدد بیننده را با خود همراه می سازد. ترکیب بازیگران هم برگ برنده فیلم است؛ مجید صالحی از قالب همیشگی خارج شده و نقشی جدی بازی کرده.

فصل تابستان است و تماشای فیلم یکی از بهترین سرگرمی ها. اگر گذرتان به سوپرمارکت محل افتاد چند فیلمی هست که بتواند نظرتان را جلب کند.

شهر موش ها ۲ فیلمی دوست داشتنی است. مرضیه برومند سی سال پس از ساخت «شهر موش ها» بار دیگر سراغ قهرمان های دوست داشتنی و محبوب بچه های دهه شصت رفت و سری دوم آن را ساخت. «شهر موش ها» سال پیش اکران شد و با استقبال بالا روبه رو شد. در این فیلم موش های «شهر موش ها ۱» بزرگ شده اند و توانستند اسمشو نبر (گرچه شهر موش ها) را شکست بدهند و شهری زیبا را برای خود بسازند. نکته جالب ارتباطی است که نسل جدید با فیلم برقرار کرده؛ سازندگان در نوستالژی صرف نیستند و فصل دوم شهر موش ها را بر اساس ذائقه کودکان امروزی ساخته اند.

بیا با من در برگزیده سه فیلم کوتاه است که از نظر مفهومی ارتباطی با هم ندارند و نقطه اشتراک آن ها این است که در هر سه اثر شهاب حسینی، نگار جواهریان، مینا ساداتی و فخرالدین



پیشنهاد ویژه

داود میرباقری سال ۷۸ نمایش دندون طلارا روی صحنه برد که با استقبال بالا مواجه شد. او حالا نسخه تصویری تئاترش را قالب یک مینی سریال روانه شبکه خانگی کرده. این دومین تجربه سریال سازی میرباقری در شبکه خانگی بعد از شاهکوش است. داستان جذاب، بازیگران پر تعداد، کارگردانی حساب شده میرباقری و خوش قولی او در بخش سریال عواملی است که دندون طلارا را واجد موفقیت کرده.



دندون طلا
کارگردان: داود میرباقری
بازیگران: مهدی فخیم زاده، حامد پهداد، حمیدرضا آذرنگ، ستاره اسکندری
قیمت: ۴ هزار تومان





پاپ، سنتی و مقامی مروری بر آلبوم‌های جدید بازار موسیقی

■ حریر شبنم به خوانندگی رحیم عدنانی و آهنگ‌سازی مجید درخشانی در دو بخش تولید شده که بخش اول متشکل از تصانیف زمانه، وادی عشق و ساربان و ساز و آواز (مخالف سه‌گاه) و (مثنوی مخالف) با شعرهایی از لایق شیرعلی، عطار نیشابوری، سعدی و محمد سبزواری در دستگاه سه‌گاه اجرا شده است. بخش دوم شامل تصانیف عاشق زار، لاله واژگون، صیاد دل و ساز و آواز با شعرهایی از حافظ، شهرام اقوامی و فایز دشتستانی در دستگاه ابوعطا ساخته شده.

■ آلبوم ۹۴ با صدای بنیامین بهادری با ۹ قطعه به نام‌های اشکال، تظاهر، حواسم به تونه، دورهای عاشقی، بارانا، مه‌آلود، آهنگ شماره چهار، عاشق مثل ماه، به من اعتماد کن منتشر شده است.

■ دورها آوایی است جدیدترین اثر محمد معتمدی است. قطعات این آلبوم در دستگاه همایون، دشتی، شور، نوا، چهارگاه، دشتی شوشتری و آواز اصفهان با شعرهایی از فریدون مشیری، هوشنگ ابتهاج و حسین منزوی تولید شده.

■ مثل مجسمه مهدی یراحی هم در اختیار مخاطبان قرار گرفته. مهدی یراحی در سومین آلبوم رسمی خود ۱۲ قطعه با نام‌های مثل مجسمه، آشوب، باید می‌شناختیم همو، آخرین اسیر، داره‌گریه می‌کنه، بهونه، سال درد، دوست نداشت، اشکو بارون، انفرادی، اشتباه و شونه‌های تو را ارائه کرده است.

■ مولانا عنوان آلبومی است که به همت حوزه هنری کردستان منتشر شده و در آن ۸ قطعه با موضوع عرفانی و نعت و منقبت حضرت رسول اکرم (ص) به تنظیم مهدی ارشدی و خوانندگی مهدی ارشدی و نادر علیمردادی به چشم می‌خورد.

■ میان تاریکی علی زند وکیلی هم باز نشر شد. این آلبوم شامل قطعاتی با نام میان تاریکی، اعتراض، تکنوازی تار، درد گنگ، پرنده مردنی است، پرواز فروغ و شکوه اندوه قطعاتی هستند که در این آلبوم موسیقایی است.



موسیقی



سینما

کارگردان: فرزاد مومتن
بازیگران: سعید آقاخانی، ساره بیات،
میترا حجار، سہی بانوذوالقدر

خدا حافظی طولانی

این روزها فیلم‌های کم‌دی خوب می‌فروشد؛ حال می‌خواهد مثل نهنگ عنبر سر و شکلش معقول به نظر برسد یا مانند گینس پایه خود را بر شوخی‌های سطحی گذاشته باشد. گینس فاقد داستان است و مهم‌تر این که شوخی‌هایش مناسب خانواده‌ها نیست. بگذریم؛ در این شرایط شاید فیلمی مثل خدا حافظی طولانی به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید چرا که اصل بنایش را بر اتفاقات تلخ زندگی استوار کرده. این فیلم در جشنواره سال پیش مورد استقبال نسبی مخاطبان و منتقدان واقع شد و در نهایت سیمرغ نقش اول مرد را برای سعید آقاخانی به همراه داشت. او در این فیلم نقشی کاملاً جدی بازی کرده است. خدا حافظی طولانی عاشقانه‌ای در فضای کارگری و صنعتی است و ماجرای مردی را روایت می‌کند که از اتهام یک قتل جنجالی تبرئه شده، ولی جامعه و اطرافیانش هنوز به عنوان مجرم نگاهش می‌کنند. مرد که درگیر یک رابطه عاطفی است، برای تداوم عشق و زندگی باید بر این بحران غلبه کند. فیلم در نهایت شما را راضی از سالن خارج می‌کند اما چند ضعف اساسی هم دارد که مهم‌ترین آن ساختار قدیمی و کشدار بودن قصه است.





آموزش قرآن خوانی در قزاق محله کرگان
عکس: تسنیم



طبیعت مازندران
عکس: مهر



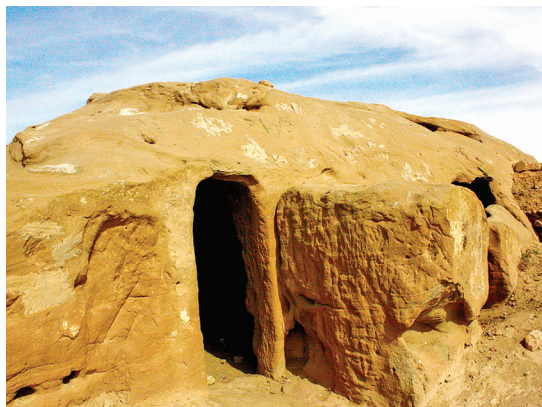
خسارات سیل در منطقه سیجان - جاده چالوس
عکس: ایستا



برداشت سیب گلاب
عکس: مهر



ازدواج ۵۱ زوج در غزه
عکس: مهر





مسابقه پیامکی مهر و ماه

زمان ارسال پیام تا ۳۱ مرداد

علاقتمندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهر و ماه می توانند با مطالعه سوالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۰۴۸۶۶۴۴ ارسال کنند. پاسخ شما باید یک عدد ۱۰ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سوالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰. ضمناً همراه عدد های ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید. به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



تقوای جامعه در بخش اقتصاد چیست؟

- ۱- سرمایه انسانی
- ۲- معنویت
- ۳- اقتصاد مقاومتی
- ۴- اخلاق عمومی

۰۱

یکی از عوامل مهم فروپاشی خانواده در غرب؟

- ۱- نگاه غیر متوازن به حقوق فرد است
- ۲- دوری از دین است
- ۳- بی توجهی به حقوق فردی است
- ۴- جنگ افروزی است

۰۲

روز حقوق بشر اسلامی چه روزی است؟

- ۱- چهارده مرداد
- ۲- هفده مرداد
- ۳- بیست مرداد
- ۴- پنج مرداد

۰۳

محمد دبیاج فرزند کدام امام بود؟

- ۱- امام موسی کاظم (ع)
- ۲- امام رضا (ع)
- ۳- امام جعفر صادق (ع)
- ۴- امام هادی (ع)

۰۴

به همت سازمان داوطلبان در ماه مبارک رمضان امسال چند سفره مهریانی برپا شد؟

- ۱- ده هزار
- ۲- سه هزار
- ۳- پنج هزار
- ۴- شش هزار

۰۵

بیشترین تعداد موقوفات کشور در کدام شهرستان واقع است؟

- ۱- رفسنجان
- ۲- تهران
- ۳- مشهد
- ۴- قم

۰۶

معصومه آباد نویسنده این کتاب و از جوانان عضو هلال احمر بوده است؟

- ۱- من زنده ام
- ۲- من دیگر ما
- ۳- دا
- ۴- سیرت جاودانه

۰۷

افزایش غلظت خون ناشی از چیست؟

- ۱- بالا رفتن فشار خون
- ۲- افزایش ضربان قلب
- ۳- کهولت سن
- ۴- افزایش گلبول های قرمز

۰۸

آزادگان در چه روزی به میهن بازگشتند؟

- ۱- ۲۵ مرداد
- ۲- ۱۷ مرداد
- ۳- ۲۶ مرداد
- ۴- ۲۸ مرداد

۰۹

نام دومین کشتی که محموله کمک دوستانه هلال احمر ایران را به مردم یمن رساند؟

- ۱- آرزو
- ۲- مونا
- ۳- ایران شاهد
- ۴- صلح

۱۰

در مسابقه شماره قبل ۹۱۶ پیامک به دست ما رسید که پس از انجام قرعه کشی اسامی برندگان و جوایز آنها به واحد های مربوطه اعلام و در شماره آینده نیز درج می گردد.